هو الله تعالی شأنه العزیز

بر ضمیر
منیر سعادت
تخمیر و خاطر صافی ارباب خبرت
و بصیرت مستتر نماند که کتاب مفتاح الفلاح
که از تالیفات علامه دوران و وحید دهر و فرید
عصر ناصر الملة و الدین شیخ بهائی رحمة الله علیه
میباشد و بواسطه اینکه این کتاب منظور نظر قطب عالم
امکان و ولی حضرت سبحان و امام العصر و الزمان علیه السلام واقع
شده است لهذا بسی سزاوار است که کافه خلق در
آن رغبت و از کار بکند را و در جستن کمال مواظبت را
در ساعات لیل و نهار داشته باشند
با امید و رجاء آنکه از شند کام مؤمنین
حضرت واجب الوجود
گردند

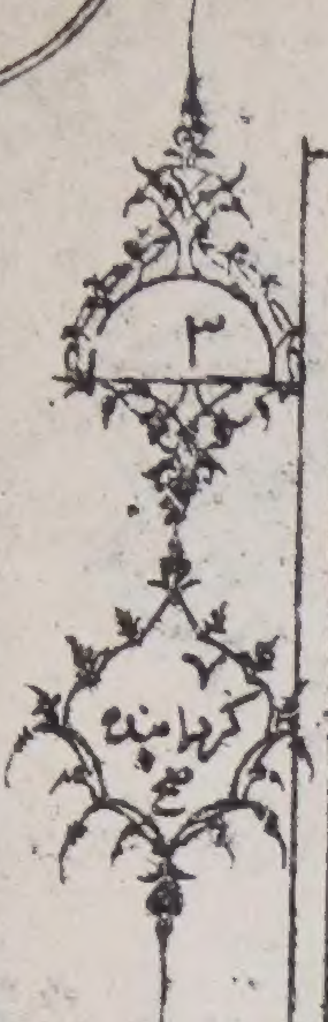
بحول الله و قوته




بسم الله الرحمن الرحیم

مفتاح فلاح دنیا و عقبی و مقدمهٔ نجاح آخرت و اولی حمد و ثنای بارگاه کبریایی
کریمیست که دعا را کلید خزائن فضل و احسان و مفتاح ابواب طول و امتنان ساخته
هر کس که در شبستان شب زنده داری عبادتش مصباح دعائی افروخت ◈
◈ صبح اجابتش پیش از صبح دمید ◈ و هر که در زاویهٔ طاعتش بمناجات صبحگاهی بر خواست
◈ نخستین چهرهٔ مقصود خویش دید ◈ صحیفهٔ اعمال داعیان در کاهش با برات
امان از جیب و راست در پرواز ◈ و سمات اجابت سائلان بارگاه هش واضح و لایح
در آغاز ◈ رحیمیکه به پشت گرمی رحمتش آه شرر کنه کاران خرمن خرمن وزد ◈
و عصیان در هم سوزد ◈ که بدست کبری نفوذش تیر دعای مظلومان صد جوشن
و خفتان برهم خورد ◈ و بجوندن یک آیة الکرسی صد مطلب بر کرسی نشاند ◈
و بیک اشاره حرب البحر بنیاد کروه ستمکاران باب رساند ◈ سیفی را اثری بخشیده
که با ضربت از جوشن داودی سود دهد ◈ و جوشن را نعویذی نگردانید که سیف مصدر





دیباچهٔ کتاب شریف

بان گزندی رساند در سقف منبع اعدا و بن علوی مصیر بر اقائم مقام ذو الفقار
حیدری گردانید تو در حفظ ارباب ایمان و یقین حرز یمانی را اساس سد
اهکند بی تعلل نشاند و عظم امتنانه و وسیله وصول مطالب داعین و ذریعه
حصول مقاصد نشانین صلوه و درود بر رسول واجب التکریم است که تحت
مرتبهٔ مجد و رفعتش حتی فتدلی و اولین پایه قرب و منزلتش قاب قوسین او ادنی
طایر بلند پرواز وصفش را آشیان بر شاخ سدرة المنتهی و کمیت خوش خرام
نعتش را میدان ولسوف یعطیک ربک فترضی ◈ بر کردیدن آفتاب برگشت
دعا آ اجابت قرینش کالشمس اذا انجم و فرو نشستن آتش کده فارس در شب میلاد
سعادت بنیادش کالناد علی علم تسبیح حصینا در کف معجزنما یکی از معجزات
ظاهره اش که بیکران که زیاده از بیک بنیان است ◈ و ملازمت ابر با فرق
فرقدان سایکی از آیات باهره اش ◈ که بی اغراق افزون از قطرات باران شکستن
طاق کسری هنگام طلوع کوکب سعادت انما براعت استهلالی بود ◈ ظاهر بودن شکافتن بد
منیر که باشاره سرانگشت معجزنمایش مانند آفتاب تابان ◈ مشاهده شد ◈ و فرو
رفتن آب دریا ◈ در شب میلاد میمنت بنیادش مسعود ◈ لایح از معجزات ضمیم
کما از سرچشمه بیع بیضائش فزون از محیط عمان روان کردید ◈ روح الامین
کر سر خیل حشم و حامیانست اگر بسعادت ملازمتش بالید عجب بر و بال لانه
خدمت اوست ◈ و سلاطین که بیجود تمامی گروه بیانست اگر بشرف انتسابش
بنازد چه شگفت از خاک بر داشته نسبت دارد ◈ و روز شفاعتش کمترین گناهکار
تبرا بستان جنان سراسر که فروخت که دعوی عیبش در محکمه قضا بسجل نرسید ◈
و دیروز دیوان عدالتش عبادت صد ساله بولای آل اطهارش کم عرض نمود
که بجزای آن بقیه دوام مقید و سلاسل نکردید ◈ صلوات الله علیه و علیهم
اجمعین الی یوم الدین و بعد بر مراهای حقایق نمای هوشمندان صف
گزین که پرتو هدایت آفتاب بر دانش ◈ و هرهی خضر عنایت سبحانی بسرچشمه حیوان تحقیق





دیباچه کتاب شریف

وایقان بپرده جمال شاهد حقایق استتار کماهی در آینه سکندری ظهور و جلوه
یافته‌اند ❁ عجب و مختفی نخواهد بود که علت غائی و غرض اصلی از ابداع انسان ❁
و اختراع این زبده بنتایج ارکان و خلاصه از دواجات عالم امکان بر وفق عزی وما
خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ ❁ مواظبت بر طاعات و اشتغال بعبادات است
❁ تا اینکه هر کس در خور استعداد و قابلیت که بسبب آنها اکتساب نماید ❁ و
بازای استحقاق و اهلیت که آنها اقتباس فرماید ❁ سزاوار رحمت بی منتها ❁ و
مسلم نعمتهای لا تعد و لا تحصی گردیده ❁ در مرتبه خود در درجات عدن بعضها
فوق بعض قرار گیرند ❁ و چون از کتب مصنفه در این باب کتاب مفتاح الفلاح که
شیخ محقق و نحریر مدقق ❁ وحید زمانه و علامه اوانه ❁ الشیخ بهاء الملة والدین
محمد العاملی ❁ عامله الله بلطفه الخفی والجلی ❁ در صلواة و ادعیه شبانه روزی
کتابیست جلیل القدر ❁ و عزیز المنال ❁ عظیم الشأن ❁ عدیم المثال ❁ قامه
قلمی بهیئت و بحروف بر قامت توصیفان نارس ❁ و جامه طویل الذیل ❁ الفاظ در
تعریف آن کوتاه **شعر** ففی کل سطر منه روض من المنی ❁ وفی کل شطر منه عقد من الدرر
❁ لکن چون بزبان عربی سمت تحریر یافته ❁ و جمعی را که لغت فارسی مانوس و مألوف
بوده باشد از آن چندان متمتع و بهره‌مند نیست ❁ بخاطر فاتر این بنده محتاج بعفو
باری ❁ جمال الدین محمد بن حسین خوانساری رسیده ❁ که آن را بزبان فارسی ترجمه
نماید ❁ تا همگی طوایف انام از خواص و عوام از آن محظوظ و بهره‌مند گردند ❁
بنابر آن اقدام بر آن نموده ❁ آنچه کلام شیخ ره بوده ترجمه نموده ❁ بترجمان اکتفا نموده
و ادعیه را نقل نموده ترجمه آن را در تحت آن قلمی گردانید ❁ و بحمد الله والمنة شاهد این
این تمنا بر وفق مدعی بپیرایه اختتام در بر کرده ❁ زینت افزای انجمن ارباب عقول و خرمن
بخش چمن اصحاب ایقان گردید **فحمداً لله ثم حمداً له** و از آنجا که عادتیست قدیم ❁
و رسمی کهن ❁ و بر همگی ارباب دانش و بینش ❁ بملاحظه احوال خویشتن ظاهر و روشن
که هر کس را تمنای آن ❁ که آنچه عزیز داند و تحفه شمارد بجانب برگزیده دوران ❁ عرض نماید

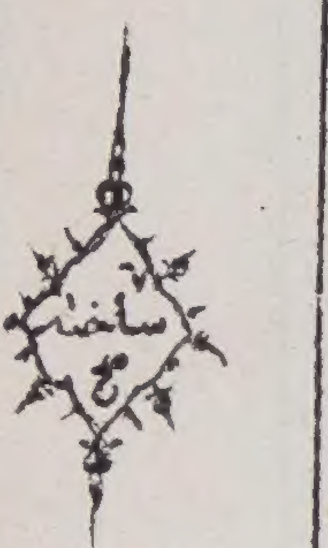
شیخ بهاء الدین





دیباچه الکتاب مستطاب شریف

فرمای زمان اهدا و اتحاف نماید ❁ چنانکه حکایت ملخ و مور اعرابی و آب شور ❁ در همه
السنه و افواه ❁ مذکور و مشهور است ❁ این قلیل البضاعه را نیز هوای آن بر سر
افتاده ❁ که این نسخه را بر مخصص منظور نظر ایستادگان پایه سریر گردون نظیر ❁ سلطان
زمان ❁ و شهنشاه دوران ❁ یعنی صاحبقران گیتی ستان ❁ انجم سپاه گردون
بارگاه ❁ شهریار عادل باذل ❁ دریا دل که در لجه وادی مدحش ❁ شهباز بلند پرواز
سخن صد باره بال گداخته ❁ و کمیت خوش خرام قلم هر قدم چندین نعل انداخته ❁ شخص
خرد که مستباع عوالم لفظ و معنی است از برای سر نوشتن این بنیان بی پایان ❁ بهمانه قلم عصا
تولا بر داشته ❁ و دبیر ناطقه که سیاح بحار نظم و نثر است ❁ بجهت هر شعبه این بحر سفینها



بیت

شه عالم ستان آسمان تخت ❁ جهان گیر و جهان بخش جوان بخت ❁ هم لعوش هم انوری رزین
دولت ❁ بچهر تازان زعدلش ملک و ملت ❁ همه روی زمین زیر نگینش ❁ فلک مرونق
انگشتر یمینش ❁ بقصر دولتش چون طاق بستند ❁ دو باره طاق کسری را شکستند ❁ فلک
حیران فر افراد وست ❁ قیامت مهر جوش لشکر اوست ❁ جبهه بر خاک درگاهش نهادن
سر افتخار بر عرش برین سودن ❁ بوسه بر در آستان ملایک پاسبانش زدن ❁ سر بر
زمین و آسمان فرود نیاوردن ❁ حلقه اطاعتش در گوش کردن ❁ خود را بزیور سلطان
آراستن ❁ غاشیه دولتش بر دوش کشیدن ❁ دوش با دوش دولت جاودانی
رفتن ❁ اگر نعل بکرانش حلقه در گوش هلال کند جا دارد ❁ و اگر شمسه طاق ایوانش
تب بر لب جام خورشید گذارد می‌رسد ❁ اگر علو قدرش پا گرانی حلمش قید نشدی
زمین رو را به غرق کشتی ❁ و اگر ماء معین لطفش تا آتش قهرش نیامیختی ❁ جهان سرا
سوختی بحر سحابش زر جهان ❁ در کنار مفلسان گذارد ❁ که اگر روز بدی ایشان
روی دهد ❁ بر بلت ماهی زایل کند ❁ و سحاب عطایش لآلی ابد بر سر دوی سائلان
نثار کند ❁ تا قطرهای خون خجالت در آن مشتبه گردد ❁ منبع امدادش آتش و رجان



دشمنان انداز ۞ وسنان اثر بارش ۞ بو جون دو صد ان نو وان سازد ۞ وهنکام بالا بردن ۞ تیغ ماهی امعان در شکم بر چیدن ۞ وددوقت پائین آوردن ۞ کاو زمین در پشت دزدیدن ۞ چون همتش شاه راه عدل و انصاف

از دست کهربائی ۞ دست سخایش از بس خون در عروق ابر بحران کرده بر تلکل بحری براید ۞ واز شرم در افشانی کف عطایش از بس دریا ۞ رنك بر رنك کشته ابری منظر دو لعل ۞ اکر سنکه همایون بر دو رنك کل چهره زنند ۞ باز او بسنکی بشکند ۞ واکر بجای زر الله عباسی صرف سازند ۞ دیکر اشرفی سکه بنا در خریج نشود ۞ در جنب ایستادکان پایهٔ سپهر کردون قطب ملوك عجم کباشند ۞ وددبرابر اسباب الحالات انبساط اینه سکندر و جام جم چهره نمایند ۞ هر انجا که کشتی حلمش لنکر اندازد اکر همه کره باشد لکر بنا زد ۞ وهرجا که کوه شکوهش سایه افکند ۞ اکر همه قاف باشد ناف کنداند ۞ در زمان عدالت توامانش بره از پستان کرك شیر کیرد ۞ وشعله در بال وپر پروانه جامه پرنیان ۞ وحریر صرصر خزان بادهای ان نه کند رنك چهره کلی بشکند ۞ وباد مهرکان تواند رت ان کجا که سر زلف سنبلی تاب دهد ۞ ستمکر را او جسته و نشاط همین هر که در قلعه قهقهه جا دارد ۞ وفتنه جو را از نمایانش وحبات جهان قدر کخه ۞ که دم ابی از لب تیغش بیاشامد ۞ در دوران سخاوت

کد بحر صدف کسی در کوش نکند ۞ وباقوت هرچند مشق اب و رنك کند ۞ از سفال کرو نبرد ۞ لعل کران بها در نظرها سبکتر از سنك ۞ و بحر با این همه حوصله از دست مرجان تنك دیده ۞ صدف در انقطار و مشعر ابر درا ۞ وچشم در دو بحر باد همه سفید شده ۞ عجب انکه از دست ندشلد دست افشانش

کانزا ب کرفته ۞ ودریا در بحران افتاده ۞ وطرفه اینکه از بیم کف کهر بخشش مروارید لرزه بر اندام افتاده ۞ وکان منقل پر اخکر از لعل و یاقوت پیش خود نهاده ۞ هر کوهر که در بیضهٔ صدف چشم باز کند بجانب ان بحر کرم ۞ وجود غلطان و هر لعلی که بخون دل اب بروی کار او رد بطرف ان معدن همت و سخاوت ۞ خاصل بحر بن بکهر افشانی بکلیطه کف عطایش وفا نکند ۞ وخراج عراقین بر ریا متی بکروزه دست سخایش ۞ ودر عهد شجاعتش اکر کویم اطفال شیرخواد بر سر پهلوان کجلت زمند ۞ واکر دعوی ان کنم که کودکان لب از شیر ناشسته ۞ پنجه شیر در هم شکنند در دست تیر خد نکش اکر ازبی تنخیر ممالك ارواح دشمنان مبکیش قدم لز خانه بیرون نکذارد ۞ تمام ان مملکت ولایت نفس بقبضه تصرف در اورد ۞ واکر بعزم چله نشینی کوشه کمان نشیند چنان چله بر ظالمان بدانند بش نشاند ۞ که عهواره از سهم ان مو بر بدنشان تیر کشد ۞ افتاب تیغش بر سرکه پر تو افکند که شب ظلمان عمرش در دم سپری نشد ۞ وهمای تیرش بطرفی که کزد کرد ۞ که مرغ روحش در نفس پرواز نکرد ۞ با تیغ اعدا و بطرفه هر که روی آورد ۞ اکر همه رستم دستان باشد دست از جان بشوید ۞ و تا سنان نجان سنانه بجانب هرکه حمله کند اکر صد جوشن پوشد باید دعا بکوید

زهیم شش پرش خصم بد اندیش ۞ کند جون خار پشت از سینه مغفر ۞ همیشه کند کو رستم اهنك ۞ نیابد فرصت پریدن زنك ۞ تن اهن قبایان روز پیکار ز شمشیرش دو پیکر همچو پرکار ۞ قرهٔ باصرهٔ سلطنت و جهانبانی ۞ غرهٔ ناصیه عظمت و کشورستانی ۞ نخل بند چمن سعادت اقبال ۞ نهال برومند کاشن دولت واجلال ۞ دیباچه دفتر اهل ایمان ۞ سرلوح صحیفه جود نسیم کلستان عدل و انصاف ۞ شعله نیستان جود و اعتساف ۞ مؤسس قوانین نصفت و معدلت ۞ مؤکد قواعد رافت و رحمت ۞ خلف صدق خاندان خلافت ۞ درة التاج دودمان



ولایت ❁ باده نوش بزم تقربات ربانی ❁ صدرنشین محفل عنایات یزدانی ❁

سلطان شاه صفی ثانی

لازال محفوفاً بالنصر والتأیید السبحانی گردد ❁ وچون در شریعت غرای بزرگی وحشمت ❁ وملت بیضای سروری ❁ ورفعت قبول هدایا لازم ومحتم ❁ وملاحظهٔ قابلیت وشایستگی ❁ این نکوهیده وناشایست ❁ یعنی این کمترین هدیه مقبول نظرهای انکروما لاشکوه گردیده ❁ بنوازش گوشه چشم التفات کله گوشه افتخار از فلک اطلس برخ اعتبار خواهد یافت واکنون هنگام شروع است در ترجمه کتاب

ترجمه کتاب مفتاح الفلاح

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس مر خدایرا که دلالت کرد مارا بر جاده نجات وصعادت ❁ وهدایت فرمود مارا بسوی آنچه واجب میکرداند بلند درجاترا ❁ ودرود بر اشرف آفریدگان ❁ وافضل اهل زمین وآسمانها وآل ❁ او تا نکرید درستی ایشان قبول میشود نمازها وبرکات ایشان مستجاب میکردد دعاها

وبعد

پس بدرستیکه کمترین بندکان ❁ از روی عمل ❁ محتاجترین ایشان بسوی لغزشها محمد مشتهر ببهاء الدین توفیق دهد خداوند او را برای عمل ❁ در روز او جهت فردای او ❁ پیش از آنکه بیرون رود مار از دست او ❁ میگوید که بتحقیق که التماس کردند از من ❁ جمعی از برادران دین ❁ ودوستان یقین ❁ تألیف مختصری که مشتمل باشد بر آنچه اختیار است ❁ مر اهل دیانت را در شبانروز شب ❁ از واجب عبادات ومستحبها ❁ وپسندیده آداب ومرغوب افعال افضال کننده ❁ در اعمال سنتی بر آنچه قلیل المؤنه وکثیر المعونه باشد ❁ پس اجابت کردم مسئول ایشانرا ❁ ونامیدم آنرا مفتاح



الفلاح ❁ وبجا آوردم ❁ بتوفیق الله تعالی قبول ایشانرا سؤال کنند از خدای تعالی که نفع بخشد بآن طالبان رضایش ❁ که بکرداند آنرا از بهترین ذخیرها ❁ از برای روز جزا ❁ وترتیب دادم این را بر شش باب ❁ توکل کننده بر الهام کننده صواب در هر باب

باب اوّل

در بیان آنچه کذارده میشود در میانه طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب

باب دوم

در آنچه کذارده میشود در میانه طلوع آفتاب تا پیشین

باب سیم

در آنچه کرده میشود در میان پیشین تا وقت غروب

باب چهارم

در آنچه کرده میشود در میانه غروب تا وقت خواب

باب پنجم

در آنچه کرده میشود در میانه وقت خواب تا نصف شب

باب ششم

در آنچه کرده میشود در میانه نصف شب تا طلوع صبح صادق

باب اوّل



دیباچهٔ کتاب شریف

در آنچه کرده میشود در میانهٔ نصف شب تا طلوع آفتاب و این مشتمل است بر چند فصل

مقدمه

روایات بسیار از اصحاب عصمت صلوات الله علیهم در فضیلت این وقت نقل شده و از ساعت غفلت میگویند چنانچه میانهٔ غروب آفتاب و برطرف شدن شفق را نیز ساعت غفلت میگویند و سزاوار است که آدمی در این وقت بیدار باشد چه خواب در این وقت شوم است روایت کرده رئیس محدثین محمد بن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت که بدرستیکه خواب صبح شوم است منع میکند روزی را و زرد میکند رنگ و تغییر میدهد حالت انسان را و این خواب خواب شومیست بدرستیکه خدای تبارک و تعالی قسمت میفرماید روزیها را در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس حذر کنید شماها از خواب در این وقت و روایت کرده است نیز در کتاب مذکور از امام ابی الحسن الرضا علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی فالمقسمات امراً که آنحضرت فرموده که ملائکه هستند که بامر خداوند قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هر که بخوابد در میانهٔ این دو وقت کم میشود روزی او و روایت شده است که نماز صبح نوشته میشود در عملهای شب و عملهای روز و روایت کرده است ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیهٔ شریفه

ان قرآن الفجر کان مشهوداً

که آنحضرت فرموده یعنی نماز صبح مشهود ملائکه روز و ملائکه شب و در این مقام اشکالی هست و آن اینست که روایت کرده اند جماعتی از علما از حضرت صادق علیه السلام از ساعتیکه آن ساعت نیست از ساعات شب و نه از ساعات روز پس آنحضرت فرمود که آن ساعتی است که میانهٔ طلوع صبح است تا طلوع

در بیان معرفت طلوع عین آفتاب

آفتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با آنچه نقل کرده اند اصحاب ما و بران اجماع نموده اند که نماز صبح از نماز روز است و مخالفت نکرده است درین مگر سلیمان بن مهران اعمش که آن نماز صبح را از نماز شب شمرده است و استدلال نموده بقول پیغمبر صلی الله علیه و اله که نماز روز اخفاتست یعنی آهسته کرده میشود و استدلال کرده اند نیز از جانب اعمش بآنچه روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب فقیه از حضرت ابی جعفر علیه السلام که آنحضرت فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و اله نماز نمیکرد در روز هیچ نمازی تا آنکه زوال آفتاب میشد و ممکن است خلاصی از این اشکال باینکه روایت وارد شده است باینکه آن شخصیکه از حضرت باقر علیه السلام سؤال کرده کسی بوده از علمای قضاء و سؤال کرده از آنحضرت از مسئله چند که معروف بوده مگر میان اکابر علمای ایشان و این مسئله از جملهٔ آنها بوده پس شاید که امام علیه السلام جواب فرموده باشد او را از آنچه موافق عرف و اعتقاد او باشد و این منافات ندارد باینکه در شرع مطهر حقیقت باشد در آنچه میانهٔ طلوع صبح باشد تا غروب آفتاب و اما آنچه استدلال کرده است بان اعمش از قول پیغمبر صلی الله علیه و اله که نماز روز اخفاتست پس جواب گفته اند از آن علمای ما قدس الله ارواحهم باینکه از باب غالب کردانیدن اکثر است بر اقل و اینکه آنحضرت کردانیده است نماز صبح را از نماز شب جهت مبالغه در تغلیس بان پس تحقیق که روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و اله در تغلیس میفرمود نماز صبح حتی اینکه هرگاه فارغ میشدند از آن بر میگشتند زنان و ایشان شناخته نمیشدند بسبب تاریکی و روایت کرده است رئیس محدثین که یحیی بن اکثم سؤال کرد از حضرت ابوالحسن اول علیه السلام از نماز صبح که چرا بلند میکنند در آن قرائت را و حال آنکه از نماز روز است پس آنحضرت علیه السلام فرموده که جهت آنکه پیغمبر صلی الله علیه و اله تغلیس میفرمود بان پس نزدیک میکرد آنرا از شب و بایشان گذر کرده

ظاهر میشود جواب از انچه استدلال کرده اند بان از جانب عمش بانکه ظاهر ان ا
که مراد امام علیه السلام نفی نماز سنتی است بجهت دو بر ستیان که نماز چاشت را
سنت میدانند ## تبصرة ## قصوری نیست در تحقیق صبح
اول و دوم بنقل کلامی که دانشمند عام که ذکر کرده است از اجلاء مهره جمال الملة والحق
والدین در کتاب منتهی المطلب و ان این است بدانکه روشنی روز از روشنی
افتاب است و روشن نمیشود بافتاب چیزی مگر که تیره باشد فی نفسه
و کثیف باشد فی ذاته مانند زمین و ماه و اجزای زمین خواه متصل باشد
بزمین و خواه جدا شده است و هرچه روشن میشود بسبب افتاب
پس می افتد سایه از ان بطرف دیگران و بتحقیق که تقدیر کرده است خدای
تعالی بحکمت لطیف خود که دیدن افتاب را بتو زمین پس هرگاه افتاب زیر زمین
باشد می افتد سایه زمین بالای زمین بر شکل مخروطی و احاطه میکند
هوائیکه روشن شده بروشنی افتاب همه اطراف این مخروط پس روشن میشود اطراف
این سایه مخروطی بروشنی ان هوای روشن لیکن روشنی هوا چون ضعیف است
بسبب انکه بالذات نیست و از دیگری کسب شده نفوذ نمیکند بسیار در
اجزای ان مخروط بلکه هرچند دور میشود از روشنی زیاده میشود ضعف ان
پس هرگاه بوده باشیم ما در وسط ان مخروط خواهیم بود در تاریکی سخت
پس چون نزدیک شود افتاب بافق شرقی میل میکند ان مخروط سایه از بالای
و بطرف مغرب می افتد و نزدیک میشود بمبصر ان اجزای که در اطراف سایه روشن
شده بود و در این وقت اندک قوتی میگیرد روشنی ان اجزا پس ادراک
میکند انرا بصر نزدیک صبح و همچنین هرچند زیاده میشود نزدیکی افتاب
بافق زیاده میشود نزدیکی روشنی اطراف سایه بمبصر تا وقتیکه طلوع میکند
افتاب و اول مرتبه که ظاهر میشود روشنی نزدیک صبح باریک و بلند است
مانند ستون و انرا صبح کاذب میگویند و تشبیه میکنند بدم گرگ بسبب تاریکی و بلندی

بروشنائی هوا که ان افتاب روشن شده بود

که دارد و صبح اول نیز میگویند باعتبار انکه قبل از صبح دویمست که مذکور
خواهد شد و انرا جهت اینکه کاذب میگویند ان است که در ان وقت تاریکست
و بالا تر از ان روشن شده پس اگر راست میگفت که روشنی افتابست
بایستی که انچه نزدیک باشد بافتاب که ان افق است روشن باشد نه انچه دور است
از ان که بالای افق باشد و این روشنی صبح کاذب ضعیف و باریکست و در ان
وقت باقیست در روی زمین بر تاریکی خود که بسبب سایه خود دارد بعد از ان زیاده
میشود ان روشنی تا اینکه میرود بطرف طول و عرض و پهن میشود در عرض افق
بشکل نصف دائره و این صبح دویمست و این را صادق میگویند باعتبار اینکه
راست خبر داده است تو را از صبح و ظاهر کرده است صبح را از برای تو اینست کلام
علامه بلند گرداند خدا بتعالی مقام او را بدانکه تعلق نگرفته است بطلوع صبح
اول مگر قلیلی از عبادات مثل دخول وقت فضیلت نماز وتر چه افضل اوقات
ان میانه صبح اول و دویمست چنانچه روایت کرده شیخ طایفه شیخ ابو جعفر
طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری
که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلام از ساعتهای وتر
پس انحضرت علیه السلام فرمود که دوست ترین انها بسوی من صبح اول است
و روایت شده است که مردی سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیه السلام از وتر اول شب پس انحضرت جواب نفرمود پس چون میانه صبح
اول و دوم بیرون امد انحضرت علیه السلام بسوی مسجد و سه مرتبه ندا فرمود
که چه شد انکسیکه سؤال کرد از وتر خوب ساعتی است از برای وتر این ساعت
بعد از ان برخواست انحضرت و وتر گذارد و اما صبح دوم پس عبادات متعلق بان
بسیار است پس هرگاه بتحقیق بیقین کودی طلوع از انجوان

یا فالق من حیث لا اری ومخرجه من حیث اری صل علی محمد واله

ای شکافنده صبح از جائیکه نمی بینم ✿ و بیرون اورنده او از جائیکه می بینم ✿ رحمت فرست بر محمد و ال او

واجعل اول یومنا هذا صلاحا واوسطه فلاحا واخره نجاحا

وبگردان اول روز ما را که این است صلاحی ✿ و میان ان را نجاتی ✿ و اخر ان را فیروزی

و بخوان انچه روایت کرده است ابن بابویه محدثین ✿ و اخر ان فیروزی در فقیه

از حضرت صادق علیه السلام که انحضرت فرمود که نوح علیه السلام هر صبح و شام این دعا میخواند

اللهم انی اشهدک انه ما اصبح بی من نعمة وعافیة فی دین او دنیا فمنک

خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا که هرچه داخل شده است بامداد بمن از نعمت و عافیت ✿ در دین یا دنیا پس از تو است

وحدک لا شریک لک لک الحمد ولک الشکر بها علی حتی ترضی وبعد الرضا

یگانه تو نیست شریکی ترا برای تست حمد و از برای تست شکر بسبب انها بر من تا انکه راضی شوی ✿ و بعد از رضا

و میخواند این را در صبح ✿ ده مرتبه ✿ و در شام و بعد از رضا ✿ ده مرتبه ✿

پس بسبب این نامیده شد بعبد شکور ✿ یعنی بنده بسیار شکر کننده ✿ و بخوان نیز

انچه روایت کرده است ثقة الاسلام ✿ در کافی بسند حسن از حضرت ابی عبد الله

علیه السلام که بدرستیکه امیر المؤمنین علیه السلام میخواند در صبح

سبحان الملک القدوس

یعنی تسبیح میکنم تسبیح پادشاه بسیار پاکیزه ✿ و بعد از ان میگفتند انحضرت ✿

اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک ومن تحویل عافیتک

خداوندا بدرستیکه من پناه میاورم بتو از زایل شدن نعمت تو ✿ و از تحویل گردیدن عافیت تو

ومن فجاءة نقمتک ومن درک الشقاء ومن شر ما سبق فی اللیل

و از ناگاه رسیدن عقاب تو ✿ و از دریافتن بدبختی ✿ و از شر انچه گذشته است در شب

والنهار اللهم انی اسئلک بعزة ملکک وبشدة قوتک

و روز ✿ خداوندا ✿ بدرستیکه من سوال میکنم ترا بر رفعت پادشاهی تو و شدت قوت تو

وبعظم

وبعظم سلطانک وبقدرتک علی خلقک ان تصلی علی محمد

و بزرگی ✿ سلطنت تو ✿ و بتوانائی تو ✿ بر خلق تو ✿ اینکه رحمت فرستی بر محمد

وال محمد وان تفعل بی کذا وکذا ✿ (و از دعاهائیکه خوانده میشود)

و ال محمد ✿ و اینکه بکنی با من چنین و چنان ✿ (در صبح دعائیست که روایت

کرده است ثقة الاسلام ✿ در کافی بسند صحیح از حضرت باقر علیه السلام که انحضرت

فرمود که گذشت رسول خدا صلی الله علیه واله بمردی که میکاشت درخت در باغی

که از برای او بود پس انحضرت در انجا توقف نمود ✿ و فرمود که ایا میخواهی دلالت نمایم ترا بر درختیکه

ثابت تر باشد بیخ ان ✿ و زودتر باشد هنگام چیدن میوه ان ✿ و نیکوتر باشد میوه

و باقی تر باشد گفت ان مرد بلی دلالت نما مرا ای رسول خدا ✿ پس فرمود انحضرت صلی الله

علیه واله هرگاه داخل صبح شوی ✿ و داخل شام شوی پس بگو

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر

تسبیح میکنم خداوند را و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است

پس بدرستیکه از برای تست اگر بگوئی این را بعوض هر تسبیحی ده درخت در بهشت

از انواع میوه ✿ و اینها از جمله باقیات صالحات اند ✿ حضرت باقر علیه السلام

فرمود ✿ که پس گفت ان مرد پس بدرستیکه من گواه میگیرم ترا ای رسول خدا که این باغ

صدقه است ✿ قبض کرده شده برای فقرای مسلمانان که اهل صدقه باشند ✿

پس خدای تعالی فرستاد این ایه را از قران عظیم

فاما من اعطی واتقی وصدق بالحسنی فسنیسره للیسری

و روایت کرده است سید جلیل جمال العارفین

رضی الدین علی بن طاوس قدس الله روحه ✿ از حضرت باقر علیه السلام ✿ که انحضرت فرمود

که هر که صبح کند و بر او انگشتری باشد ✿ که نگین او عقیق باشد و انرا در دست راست

با انگشت کرده باشد ✿ پس صبح کند پیش از انکه ببیند کسی را ✿ پس بگرداند نگین انرا

بطرف باطن کف و بخواند سوره انا انزلناه فی لیلة القدر تا اخر و بعد از ان بگوید ✿

هست بالله

در بیان دعائیکه بعد از مسواک کردن مستحب است

آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لاٰ شَرِیکَ لَهُ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَآمَنْتُ

ایمان آورده ام بخدا در حالتیکه تنها است نیست شریکی از برای او و کفر آورده ام بجبت و طاغوت و ایمان آورده ام

بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلاٰنِیَتِهِمْ وَظاٰهِرِهِمْ وَباٰطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ

بپنهان آل محمد و آشکار ایشان و ظاهر ایشان و باطن ایشان و اول ایشان و آخر ایشان

نگهدارد او را خدا تعالی در آن روز از شر آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن

و آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون می آید از آن و بوده باشد در پناه

خدا تعالی و حفظ او تا آنکه داخل شام شود و از آنچه خوانده میشود در صبح دعائی است که روایت شده

اَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَلِیَّ الْاَعْلَی الْجَلِیلَ الْعَظِیمَ دِینِی وَنَفْسِی وَاَهْلِی

طلب نگاهداری میکنم از خداوندی عظیم الشان و رفیع المرتبه بزرگوار بزرگ دین مرا و نفس مرا و اهل مرا

وَماٰلِی وَوَلَدِی وَاِخْواٰنِیَ الْمُؤْمِنِینَ وَجَمِیعَ ماٰ رَزَقَنِی رَبِّی وَجَمِیعَ مَنْ

و مال مرا و فرزندان مرا و برادران مؤمن مرا و همه آنچه را که روزی من کرده است پروردگار من و همه

یَعْنِینِی اَمْرُهُ اَسْتَوْدِعُ اللهَ الْمَخُوفَ الْمَرْغُوبَ الْمَرْهُوبَ الْمُتَضَعْضِعَ

اهتمام دارم امر او را طلب نگاهداری میکنم از خداوندی که از او ترسیده شده و رغبت داشته شده و بیم داشته شده فروتنی کننده

لِعَظَمَتِهِ کُلُّ شَیْءٍ دِینِی وَنَفْسِی وَاَهْلِی وَماٰلِی وَوَلَدِی وَاِخْواٰنِیَ

از برای بزرگی او هر چیزی دین مرا و نفس مرا و اهل مرا و مال مرا و فرزند مرا و برادران

الْمُؤْمِنِینَ وَجَمِیعَ ماٰ رَزَقَنِی رَبِّی وَجَمِیعَ مَنْ یَعْنِینِی اَمْرُهُ

مؤمن مرا و همه آنچه را که روزی من کرده است پروردگار من و همه آنچه را که اهتمام دارم در امر آن

فصل

پس اگر نزد طلوع صبح با وضو نباشی پس بشتاب بسوی وضو تا آنکه در وقت اذان صبح با طهارت باشی و هر آینه ذکر میکنیم ما در اینجا کیفیت وضوی کامل را پس میگوییم که چون اراده وضو داشته باشی ابتدا کن پیش از آن بمسواک و باید که مالیده شود مسواک بر عرض دندانها نه بر طول آنها و مجزیست انگشت بعوض مسواک چه روایت کرده شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام

در بیان آداب وضو

که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بکه مسواک بکند بانگشت و ابهام مسواک است و سنت است بجا آوردن آن رو بقبله در حال وضو و اکثر علمای ما قدس الله ارواحهم ذکر نکرده اند این را و بعضی ذکر کرده اند آن را و مستند نموده اند بآنچه روایت شده است از ائمه ما علیهم السلام که بهترین مجالس مجلسی است که بوده باشد رو در آن مجلس قبله پس اگر وضو مستازی از ظرفیکه ممکن است بکف برداشتن از آن پس بگذار آن را جانب راست خود اگر وضو میسازی از ظرفی مثلا پس سزاوار آنست که نشستنی که بوده باشد بجانب راست تو و اگر معارضه کند گردانیدن آن بجانب راست و رو کردن بقبله پس ظاهر آنست که رو کردن بقبله را باید ترجیح داد و بگو وقت نگاه کردن باب که بخواهی وضو بسازی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْماٰءَ طَهُوراً وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً

سپاس مر خدا را که گردانیده است آب را پاک کننده و نگردانیده آن را نجس

بعد از آن بشوی هر دو دست را تا بند دست پیش از آنکه داخل ظرف کنی یکمرتبه اگر وضوی تو از حدث خواب یا از حدث بول باشد و دو مرتبه اگر از حدث غائط باشد و سنت نیست شستن دستها از غیر این سه حدث و اگر وضوی تو از حوض یا ابریق بوده باشد پس اکثر بر آنند که شستن دستها در کار نیست و بعضی میل بآن کرده اند که سنت است و این قصوری ندارد بعد از آن بگذار دست راست را در آب و بسم الله بگو چنانچه روایت کرده شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود که هرگاه بگذاری دست خود را در آب بگو

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوّاٰبِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ

بنام خدا و بیاری خدا خداوندا بگردان مرا از توبه کنندگان و بگردان مرا از پاکیزه کاران

بعد از آن سه بار مضمضه کند بسه کف آب بعد از آن استنشاق بکن برهمان نحو و بگو در عقب هر یک از آنها آنچه نقل خواهم کرد در فصل بعد از این بعد از آن بردار بدست راست یک کف آب و نیت بکن بجا آوردن وضوی واجب

فرمانبرداری خدای تعالی **واما** افعال سنتی آن پس داخل در این نیت
میشود هرگاه قصد کنی بجا آوردن کار فضل در فرد واجب را اگر قصد کنی
هریک از واجبها و سنتها را علیحده نزد بجا آوردن آن هر آینه جبر خواهی
برد و مقارن دار نیت را با شستن بالای روی خود و همیشه باش
در حکم آن نیت تا فارغ شوی که بعد شستن روی خود

بسم الله

چنانچه روایت کرده است
ثقة الاسلام در کافی از حضرت باقر علیه السلام و ظاهر آن است که تسمیه
[illegible] وضو که سابقا مذکور شد غنی نمیسازد از این چه این تسمیه نزد شروع
در واجب است و آن از برای سنت بود و تجویز کرده اند علماء مقارن ساختن
نیت را با شستن دستها که در اول وضو مذکور شد هرگاه جمع شده باشد شرائط آن
با مضمضه و استنشاق نیز و چنین گفته اند که اینها از جمله افعال وضوی

سید ابن طاوس رحمه الله توقف

کرده است در جواز مقارن ساختن نیت با غیر شستن رو و احتیاط این است
که این نیز توقف نموده پس هرگاه بریزی آب را بر روی سر او راست
که بکشی دست خود را از آن جهت ائمه آنچه نقل کرده اند از اصحاب
عصمت سلام الله علیهم نزد حکایت ایشان وضوی پیغمبر را و جهت بیرون
آمدن از خلاف بعضی علمای ما که واجب میدانند آن را و واجب نیست بر تو
[illegible] هر جزء از اجزای رو را بر آنچه پائین تر باشد بلکه همینکه
[illegible] نشستن بالای رو کافیست [illegible] در طول [illegible]
[illegible] بگردد بر آن انگشت بزرگ و انگشت میان چنانچه [illegible]
بان حدیث صحیح زراره از حضرت باقر علیه السلام و ما بسط داده ایم
کلام را در این مقام در شرح حدیث چهارم از کتاب اربعین دو واجب [illegible]

تخلیل موی که دیده شود پوست رو از زیر آن بر نحوی که برسد آب بر آن پوستی که نشسته
شود اما آنچه دیده نمیشود پوست رو از زیر آن پس در کار نیست تخلیل آن مگر از
موضع دیگر رو موی آن بلند شده باشد و موضعی که موی رو [illegible] باشد گرفته باشد
در این صورت واجب است رسانیدن آب بان موضع و واجب نیست [illegible] شستن
آنچه مواجهه میکنی بان از رو و باز کن چشمهای خود را در وقت وضو پس بتحقیق
که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود
باز کنید چشمهای خود را نزد وضو شاید که نبینند آتش جهنم را اکثر علمای ما
ذکر نکرده اند این را در سنتهای وضو و گاه باشد که گمان شود که سبب واگذاشتن
ایشان این را این است که نقل کرده است شیخ اجماع علما را بر اینکه سنت نیست رسانیدن
آب وضو را باندرون چشمها و شیخ ما شیخ شهید رحمه الله در ذکری گفته
که منافات نیست میانه این دو امر زیرا که چشم باز کردن لازم ندارد رسانیدن
آب را باندرون چشمها و این سخن خوب است و دور نیست که مرتب شود
ثواب بر دیدن آنچه بجای آورده از اعضا ساختن از افعال وضو

[illegible]

پس هرگاه فارغ شوی از شستن رو پس بردار یک کف آب بدست چپ چنانچه
ذکر کرده است حضرت باقر علیه السلام نزد بیان وضوی پیغمبر صلی الله علیه و آله
و بشوی بان دست راست را و ابتدا بکن از مرفق و بکشی دست
بر آن تا سرهای انگشتان چنانچه گذشت در رو لیکن واجب است در اینجا تخلیل
مو هر چند پوشیده باشد زیر خود را و ابتدا بکن به شستن ظاهر ذراع و زن
ابتدا بکند بباطن آن و بعد از آن بردار یک کف دیگر بدست راست و بشوی
دست چپ را مثل دست راست و باید که بوده باشد شستن هر یک از دو دست
یکمرتبه نه بیشتر چنانچه مختار ثقة الاسلام است در کافی و رئیس محدثین
در فقیه و ما بسط داده ایم کلام را در این باب در کتاب مشرق الشمسین

واگر انسان نتواند چشم باز کند و بان چشم آتش جهنم را نبیند و در بین وضو از خوف خداوند اشک بریزد شاید سبحانه انسان گردد از آتش جهنم

ودرکتاب حبل المتین بعد از ان مسح کن پوست پیش سر خود را با موی ان اگر در نزد
سبب کشیدن ان از حتی پیش سر عقد ادسه انگشت ضم شده بیك دیگر بتری دست
وبیقیه ان تری مسح کن پشت پای راست خود را از سر انگشتان تا کعب یعنی
مفصل ساق وقدم و مجزی نیست مسح تا پائین تر از ان بتحقیق که ما بیان کرده ایم
ابتدا در این کتاب مذکور بانچه زیاده بر ان نباشد وبعد از ان مسح کن پشت پای
چپ خود را بتری دست چپ و باید که مسح سر و پاها بکف دست باشد نه به پشت
ان مگر جهت ضرورتی و ناچار است از کشیدن کف بر محل مسح پس کافی نیست
گذاشتن کف بر ان بی کشیدن ان و سزاوار است مسح کنی پاها را بتمام کف چنانچه
روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از احمد بن ابی نصر بزنطی
که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلام از مسح بر پاها
چگونه است ان پس گذاشتند کف مبارک را بر سر انگشتان بعد از ان مسح کردند
تا کعبها پس گفتم من که اگر مردی بکند بدو انگشتان انگشتان خود را تا کعبها
انحضرت فرمودند نه بکف تمام ان و باید که بوده باشد افعال وضوی توپی در پی
بیفاصله میان انها و رعایت کرده شود در انها ترتیب مذکور حتی در مسح
پاها نیز چنانچه مختار جماعتی از علمای ما است و روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند که مسح بکن
بر پاها و ابتدا بکن بطرف راست و سزاوار است که خوانده شود نزد هر فعلی
از شستنها و مسحها دعائیکه وظیفه است چنانچه خواهد امد در فصل اینده پس هرگاه
فارغ شوی از وضو بگو الحمد لله رب العالمین یعنی سپاس مر خدایرا که پروردگار
عالمیان است و روایت کرده است ایضا در تهذیب بسند صحیح بعد از ان بگو

اللهم اجعلنی

مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ

از توبه کنندگان و بگردان مرا از پاکیزگان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تو را تمام بودن

و تمام

وَتَمَامَ الصَّلٰوةِ وَتَمَامَ رِضْوانِكَ وَالْجَنَّةَ

و تمام بودن نماز و تمام بودن رحمت تو و بهشت تو

و بدانکه اکثر فعلها و جمیع ذکرها که مذکور شد سنت است و افعال واجبی همین پنج

بیست در

حالتیکه حکم ان باقی باشد تا اخر وضو

و بسه شرط

و مسحهای سر مسح بکن بشرط انکه متصل باشد

حها اخر از سر پاها تا کعبها پی در پی بودن

ومباشرت

بتن افعال را بنفس خود مگر بسبب ضرورتی

و سزاوار است که ترک تمندل کند از وضو پس روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند هر که وضو بسازد و تمندل کند
خواهد بود از برای او یك حسنه و اگر وضو بسازد و تمندل نکند تا انکه خشك
شود اب وضوی او خواهد بود از برای او سی حسنه و ظاهر ان است که عمداً
خشك کردن اب با الرحم تمندل دارد و قصور ندارد و وضو ساختن
در مسجد از غیر حدث بول و غایط اما از این دو حدث مکروه است چنانچه
روایت کرده است از ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح

فصل

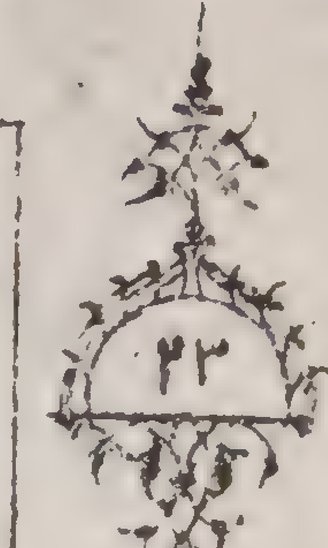
روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی و رئیس

محدثین

فقیه و شیخ طائفه در تهذیب از عبد الرحمن بن

کثیر هاشمی

از حضرت ابی عبد الله



که فرمودند در اثنای آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روزی نشسته بودند با پسر خود محمد بن حنفیه ناگاه فرمودند باو بیاور از برای من ظرفی از آب که وضو بسازم از برای نماز پس آورد محمد برای آنحضرت پس آنحضرت بدست راست بر دست چپ ریختند پس فرمودند

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا

بنام خدا و بخدا و سپاس مر خدا را که گردانیده است آب را پاک و نگردانیده است آنرا نجس

بعد از آن آنحضرت استنجا کردند و فرمودند

اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ

خداوندا نگاه دار فرج مرا از حرام و عفیف کردان آنرا و بپوشان عورت مرا و حرام گردان مرا از آتش

و بعد از آن مضمضه کردند و فرمودند

اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّی حُجَّتِی یَوْمَ اَلْقَاكَ وَاَطْلِقْ لِسَانِی بِذِكْرِكَ

خداوندا بفهمان بمن حجت مرا روزیکه ملاقات کنم ترا و روان کردان زبان مرا بذکر خود

بعد از آن استنشاق کردند و فرمودند

اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَیَّ رِیحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یَشُمُّ رِیحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِیبَهَا

خداوندا حرام مگردان بر من بوی بهشت را و بگردان مرا از آنکه ببوید بوی آنرا و نسیم خوش آنرا و طیب آنرا

بعد از شستن روی مبارک خود را فرمودند

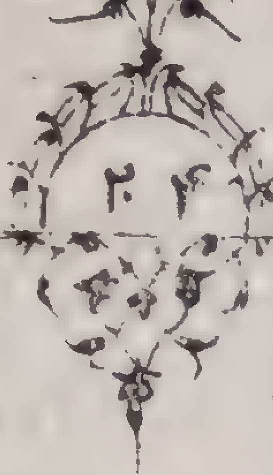
اَللّٰهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَوْمَ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِی یَوْمَ تَبْیَضُّ فِیهِ الْوُجُوهُ

خداوندا سفید گردان روی مرا روزیکه سیاه میشود در آنروز روها و سیاه مگردان روی مرا روزیکه سفید میشود در آنروز روها

بعد از آن شستند دست راست خود را و فرمودند







اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی كِتَابِی بِیَمِینِی وَالْخُلْدَ فِی الْجِنَانِ بِیَسَارِی وَحَاسِبْنِی حِسَابًا یَسِیرًا

خداوندا بده کتاب مرا بدست راست من و همیشه بودن در بهشت بدست چپ من و حساب کن مرا حساب آسانی

بعد از آن شستند دست چپ خود را و فرمودند

اَللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِی كِتَابِی بِشِمَالِی وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً اِلٰی عُنُقِی وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّیرَانِ

خداوندا مده کتاب مرا بدست چپ من و مگردان آنرا غل کرده شده در گردن من و پناه میبرم بتو از جامهای بریده شده از آتش نیران

بعد از آن مسح کردند سر مبارک خود را و فرمودند

اَللّٰهُمَّ غَشِّنِی رَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتِكَ

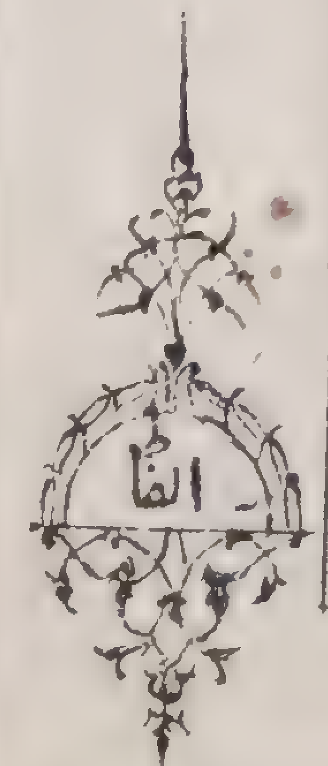
خداوندا بپوشان مرا رحمت خود و برکتهای خود

بعد از آن مسح کردند پاهای مبارک خود را و فرمودند

اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَیَّ عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْیِی فِیمَا یُرْضِیكَ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

خداوندا ثابت گردان قدمهای مرا بر صراط روزیکه میلغزد در آنروز قدمها و بگردان سعی مرا در امور آنچه راضی گرداند ترا از من ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن

بعد از آن بالا کردند سر مبارک خود را بسوی آسمان و عرض کردند ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن خود را پس نگاه کردند بمحمد و فرمودند ای محمد هر که وضو بسازد مثل این وضوی من و بگوید مثل این گفته من خلق کند خدای تعالی از برای او از هر قطره فرشته که تقدیس کند او را و تسبیح کند و تکبیر کند او را پس مینویسد خدای تعالی از برای او ثواب آنرا تا روز قیامت و بدانکه اندک اختلافی هست در میان نسخهای (کافی) و (من لا یحضره الفقیه) و (تهذیب) در بعضی



الفاظ این دعاها ❁ و آنچه من نقل کرده ام در این کتاب روشی است که شیخ رحمه الله در تهذیب ❁ که نزد من است نسخه معتمد بهشت ❁ بخط پدر علامه ام طاب ثراه ❁ و خوانده است از بر شیخ شهید ثانی ❁ قدس الله روحه و در اخر آن هست اجازه بخط او نور الله

فصل

پس هرگاه فارغ شوی از وضو متوجه شو بجانب مسجد ❁ روایت کرده است ونس من محمد در فقیه از حضرت صادق علیه السلام ❁ که هر که برود بسوی مسجد نمیگذارد پا را بر هیچ تری و نه خشکی مگر اینکه تسبیح کند ❁ از برای او زمین تا زمین هفتم و سزاوار است که بخوانی نزد بیرون آمدن از خانه خود این دعا را

بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین والذی هو یطعمنی ❁ و یسقین

بنام خدای آنچنان که آفرید مرا پس او راه مینماید و آنچنان که او طعام میکند مرا و آب

وإذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم یحیین والذی أطمع

و هرگاه بیمار شوم پس او شفا میدهد مرا و آنچنانی که میمیراند مرا پس از آن زنده میکند و آنچنانی که طمع دارم

أن یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب هب لی حکما وألحقنی بالصالحین

اینکه بیامرزد برای من خطای مرا در روز جزا ای پروردگار من ببخش بمن حکم و ملحق گردان مرا به نیکان

واجعل لی لسان صدق فی الآخرین واجعلنی من ورثة ❁

و بگردان از برای من زبان راستی در آیندگان ❁ و بگردان مرا از آنانکه میراث میبرند

جنة النعیم واغفر لأبی

بهشت پر نعمت را ❁ و بیامرز مر پدر مرا

پس بتحقیق که جمال سالکین ❁ در کتاب عدة الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که وضو کند ❁ پس بیرون رود بسوی مسجد ❁ و بگوید بیرون رفتن که میرود از خانه خود

بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین

راه نماید او را خدا تعالی بصواب و ایمان ❁ و هرگاه بگوید

والذی هو یطعمنی و یسقین

اطعام کند خدا تعالی ❁ او را از طعام بهشت ❁ و بیاشاماند او را از شراب بهشت و هرگاه بگوید ❁ وإذا مرضت فهو یشفین ❁ بگرداند خدا تعالی این را کفاره گناهان او ❁ و هرگاه بگوید

والذی یمیتنی ثم یحیین

بمیراند خدا تعالی او را مردن شهیدان ❁ و زنده گرداند او را زنده شدن نیکبختان و هرگاه بگوید والذی أطمع أن یغفر لی خطیئتی یوم الدین بیامرزد او را خدا تعالی ❁ از برای او خطاهای او را تمام ❁ هر چند بیشتر باشد از کف دریا

و هرگاه ❁ بگوید

رب هب لی حکما وألحقنی بالصالحین

ببخشد خدا تعالی مر او را علم و علم ❁ و ملحق گرداند بصالحان ❁ هر که پیش از او بوده باشد ❁ و صالح هر که بعد از او بوده باشد ❁ و هرگاه بگوید ❁

واجعل لی لسان صدق فی الآخرین

بنویسد خدا تعالی از برای او ❁ در ورق سفیدی اینکه فلان بن فلان از جمله راستگویانست ❁ و هرگاه ❁ بگوید

واغفر ❁ لأبی

بیامرزد خدا تعالی پدر و مادر او را ❁ و هرگاه خواهی که داخل مسجد شوی پس ملاحظه کن نعلین خود را ❁ و پیش گذار پای راست را و بگو

بسم الله وبالله ومن الله ❁ وإلى الله وخیر الأسماء کلها لله ❁

بنام خدا ❁ و بخدا ❁ از خدا ❁ و بسوی خدا ❁ و بهترین نامها همه نامها از برای خداست

توکلت على الله لا حول ولا قوة إلا بالله اللهم صل على محمد وآل

توکل کردم بر خدا که نیست گردیدنی و نه قوتی مگر بخدا ❁ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد ❁ وافتح لی أبواب رحمتک وتوبتک وأغلق عنی أبواب

محمد ❁ و بگشا از برای من درهای رحمت خود را و توبه خود را ❁ و به بند بر من درهای

معصیتک

معصیتك واجعلنی من زوارك وعمار مساجدك وممن یناجیك

و ازانکه راز گوید مسجدهای تو کنندگان تو و تعمیر کنندگان زیارت از مرا و بگردان تو نافرمانی

فی اللیل والنهار ومن الذین هم فی صلوتهم خاشعون وادحر عنی

و دور کن از من ❁ کننده خشوع نماز خود در ایشان اینکه و ازانک ❁ روز و در شب

الشیطان الرجیم وجنود ابلیس اجمعین

شیطان رانده شده را و لشکرهای شیطان را تمام ❁

پس هرگاه بخواهی بکنی نعلین خود را ❁ پس بکن از پای چپ پیش از راست بعکس پوشیدن ❁ و اگر بوده باشد نعلین تو عربی ❁ و ممکن باشد که او را نکنی ❁ پس مکن انها را چه در نماز بدر انها سنت است ❁ اما بشرط انکه پاك باشد ❁ و بتحقیق که روایت کرده شیخ طائفه در تهذیب ❁ بسند صحیح از معویة بن عمار که گفت دیدم ❁ حضرت ابی عبد الله علیه السلام ❁ که نماز میکرد در نعلین خود ❁ زیاده از یکبار و ندیدم انحضرت که بکند انها را هرگز ❁ و روایت کرده است عبد الرحمن بن ابی عبد الله از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمود هرگاه نماز کنی ❁ پس نماز کن در نعلین خود هرگاه بوده باشد پاك ❁ پس بدرستیکه میگویند که این سنت است ❁ و قول انحضرت پس بدرستیکه میگویند تا اخر ظاهرا مراد انست ❁ که هرگاه نماز کردی تو در نعلین خود معلوم میشود شیعه را که نماز در اینها از سنت است ❁ و قائل میشوند باین جمله راوی ان اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام است ❁ که اعتماد بوده بر اقوال ایشان ❁ و افعال ایشان بعد از ان اذان بگو ❁ پس بدرستیکه اذان نماز صبح از مهمات است ❁ حتی اینکه سید مرتضی قائل شده است بوجوب ان بر مردان ❁ و موافقت کرده است با او ابن عقیل ❁ و زیاد کرده بر او اینکه قائل شده بطلان نماز صبح بسبب ترك اذان ❁ و صورت اذان این است ❁

الله اکبر چهار مرتبه

و هر یك از شهادتین ❁ و حی علی الصلوة ❁ و حی علی الفلاح ❁ و حی علی خیر العمل ❁ و الله اکبر ❁ و لا اله الا الله ❁ دو مرتبه ❁ و باید که ایستاده باشی در حال اذان ❁ و رو بقبله کنی باواز بلند ❁ و از روی تانی بگوئی ❁ و بگذاری دو انگشت خود را ❁ در گوشهای خود ❁ و وقف کنی بر هر یك از هیچین فصل ❁ و التفات نکنی بطرف راست و چپ ❁ و حرف نزنی در اثنای ان ❁ و صلوة بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه و اله ❁ نزد ذکر انحضرت ❁ پس بتحقیق روایت کرده است ❁ رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از حضرت ابی جعفر علیه السلام ❁ که فرمود صلوات بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه و اله هرگاه ذکر کنی او را ❁ یا ذکر کند او را ذکر کننده ❁ در نزد اذان و غیر اذان ❁ و پوشیده نماند ❁ که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر وجوب صلوات بر انحضرت بر هر ذکر کننده ❁ و شنونده که ذکر او را بکند یا بشنود ❁ ذکر او را ❁ و بعضی از اهل سنت ❁ رفته اند بوجوب صلوات بر انحضرت ❁ در تمام عمر یکمرتبه ❁ و بعضی در هر مجلس یکمرتبه ❁ و بعضی در هر مرتبه ذکر شود ❁ و این مذهب رئیس محدثین است ❁ قدس الله روحه ❁ و اما انچه مذهب مشهور است از عدم وجوب صلوات بر پیغمبر ❁ صلی الله علیه و اله ❁ در تشهد اول در نماز ❁ پس مراد ان است ❁ که جزء نماز نیست ❁ و باعتبار ان واجب نیست تا اینکه نام انحضرت ❁ مذکور شده ❁ نیز واجب نیست ❁ پس منافاتی نیست میان این کلامهای او اعلی الله درجته ❁ و بتحقیق که موافقت کرده است با او صاحب کنز العرفان ❁ در وجوب صلوات که هرگاه ذکر شود انحضرت ❁ و این قول صحیح تر است ❁ و بتحقیق که استدلال میکند بر این بقول خدا تعالی

و لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا

مگردانید خواندن رسول را در میان خود مثل خواندن بعض از شما بعضی دیگر

و الله تعالی یعلم

و با آنچه روایت از آنحضرت صلی الله علیه و اله که فرمود که هر کس که مذکور شده ام من نزد او پس صلوات نفرستاده است بر من پس داخل شده آتش را پس دور کرده است خدا تعالی او را و بانچه روایت شده که سؤال کرده شد آنحضرت صلی الله علیه و اله از قول خدا تعالی

اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا

بدرستیکه خدا و ملائکه او صلوات میفرستند بر پیغمبر ای آن

الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیمًا

جماعتی که ایمان آورده اید صلوات بفرستید بر او درود بفرستید درود فرستادنی

پس آنحضرت صلی الله علیه و اله فرمود که این از علم مکنون است و اگر نمیبود اینکه شما سؤال کردید از آن اخبار نمیکردم شما را آگاه بر آن بدرستیکه موکل کرده است خدا تعالی بمن دو فرشته پس ذکر کرده نمیشوم نزد هیچ مسلمانی که صلوات بفرستد بر من مگر اینکه بگویند مر او را آن فرشتگان که بیامرزد خدا تعالی ترا و بگویند خدا تعالی و فرشتگان او آمین و ذکر کرده نمیشوم نزد هیچ مسلمانی که صلوات نفرستد بر من مگر اینکه بگویند مر او را آن فرشتگان نیامرزد خدا تعالی ترا و بگویند خدا تعالی و فرشتگان او آمین و پوشیده نماند که ظاهر قول حضرت باقر علیه السلام در حدیث اول که هر گاه ذکر کنی نبی او را یا ذکر کند او را ذکر کننده اقتضا میکند وجوب صلوات را خواه مذکور شود آنحضرت صلی الله علیه و اله بنام مبارک یا بلقب یا بکنیت و ممکن است که مذکور شدن آنحضرت صلی الله علیه و اله بضمیری که راجع بسوی او باشد نیز چنین باشد والاطلاع بر اقسام در کلام علمای ما قدس الله ارواحهم کرد این باب بر چیزی و احتیاط در وجوب نامستند که ما گفتیم که در همه صورتهای مذکوره صلوة فرستاده شود و بدانکه ظاهر آن است که قدر واجب ادا میشود بگفتن

٥ بر و صیکه این جنس شریف اطرح نامیم و قائل بوجوب شوم بلی از شنیدن اسم مبارک آنحضرت و نفرستادن صلوات بر آنحضرت سبب دوری از رحمت خداوند جل جلاله خواهد بود از برای شخص قطعا

شرح استبصار ج

وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و اما آنچه روایت شده است که چون نازل شد آیه مذکوره گفتند یا رسول الله هذا السلام علیک قد عرفناه فکیف الصلوات علیک یعنی این سلام بر تو بتحقیق که دانسته ایم آن را پس چگونه است صلوات بر تو پس آنحضرت

صلی الله علیه و اله فرمود که بگوئید

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی اِبْرٰهِیمَ وَ آلِ اِبْرٰهِیمَ وَ بَارِکْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی بر ابرهیم و آل ابرهیم و زیاده ده

عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلَی اِبْرٰهِیمَ وَ آلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

بر محمد و آل محمد چنانچه زیادتی دادی بر ابرهیم و آل ابرهیم بدرستیکه تو ستوده

پس ظاهر آن است که مراد بیان افضل کیفیات صلوات بر آن حضرت است نه اینکه خصوص این نحو واجب باشد و سزاوار آنست که هر گاه صلوات بفرستی بر این نحو ملاحظه کنی این را که آنحضرت صلی الله علیه و اله از جمله آل ابرهیم است پس صلوات بر آنحضرت صلی الله علیه و اله فرستاده میشود اولا در ضمن صلوات بر ابرهیم علیه السلام و غرض از تشبیه آن است که مخصوص شوند پیغمبر ما و آل او صلوات الله علیهم بصلوتی دیگر علیحده مثل آن صلواتیکه شامل بود ایشان او غیر ایشان از بقیه آل ابرهیم علیه السلام پس بنابر این لازم نمی آید خلاف قاعده که مقرر شده میان اهل بلاغت که هر گاه چیزی را بچیزی تشبیه کنند باید که مشبه به اقوی باشد از مشبه و حال آنکه پیغمبر ما افضل بود از ابرهیم علیه السلام پس تشبیه صلوات بر آنحضرت که باید افضل باشد بصلوات بر ابرهیم علیه السلام منافی آن قاعده میشاید زیرا که بسبب ملاحظه مذکوره میشوند کلام بر آن قاعده هیچ شکی نیست که صلواتی که شامل همه آل ابرهیم باشد من حیث العموم اقوی است از آنچه مخصوص ببعضی باشد پس مشبه به یعنی بقیه آل که پیغمبر ما صلی الله علیه و اله و آل او علیهم السلام از جمله ایشانند اقوی است از مشبه یعنی صلوات بر خصوص پیغمبر ما و آل او صلوات الله

منظور ج

در بیان کیفیت صلوات بر حضرت رسالت

علیهم السلام پس مخالفت قاعده مذکور لازم نیاید و بعضی توجیه کرده اند
این تشبیه را باینکه صلوات بر حضرت ابرهیم علیه السلام باعتبار اینکه بیشتر واقع
شده اقویست و محض همین کافیست در تشبیه هرچند مشبه باعتبار کیفیت
اقوی باشد و توجیه کرده اند نیز باینکه مشبه صلوات بر آل تنها است نه صلوات بر
ابرهیم و آل او علیهم السلام اقوی باشد از صلوات بر ایشان و ضعیف شمرده
توجیه اول را بسبب قول آنحضرت صلی الله علیه و آله

کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین

یعنی من پیغمبر بودم و حال آنکه هنوز آدم میان آب و گل بود پس چگونه صلوات
بر حضرت ابراهیم علیه السلام مقدم باشد بر صلوات بر او صلی الله علیه و آله
و توجیه دوم را نیز ضعیف شمرده اند باعتبار اینکه خلاف متبادر بفهم است
چه ایشان سؤال کردند از کیفیت صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله پس قول باینکه
غرض تشبیه صلوات بر آل تنها است خلاف ظاهر است و این توجیهات دیگر
که کرده اند و ما بعضی از آنها را ذکر کرده ایم در مبحث تشهد از کتاب حبل المتین

فصل

هر گاه فارغ شدی از اذان پس فاصله کن میان اذان و اقامه بسجده یا نشستن
یا گامی چند و مکروه است اینکه در سجده باشی یا نشسته باشی بگو

اللهم اجعل قلبی بارا و عیشی قارا و رزقی دارا و اجعل لی عند قبر

خداوندا بگردان دل مرا نیکوکننده و زندگی مرا قرار گرفته و روزی مرا فراوان و بگردان برای من نزد قبر

رسولک مستقرا و قرارا

رسول خود مکان قرار و قرار گرفتن

بعد از آن میخوانی هر دعائی را که میخواهی و سؤال میکنی حاجت خود را پس تحقیق
که روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که دعای میان اذان و اقامه رد کرده
نمیشود و جمیع فصول اذان بر همین جهت اقامه و فصول آن هم دو تا دو تاست مگر

در بیان آداب اذان و اقامت

لا اله الا الله

که در آخر اقامت یکبار گفته میشود و زیاده میشود بعد از حی علی خیر العمل
قد قامت الصلوة دو مرتبه و بجا آوردن مستحبات جمیع آداب اذان
مگر باتی و گذاشتن انگشتان در گوشها و بلند کردن آواز بلکه باید در اقامت
آهسته تر باشد و تاکید طهارت داشتن و ایستادن در حال اقامه بیشتر است
از حال اذان حتی اینکه واجب دانسته است آنها را سید مرتضی قدس الله
روحه و میگوئی هرگاه فارغ شدی از اقامه و حال آنکه رو بقبله باشی

اللهم الیک توجهت و مرضاتک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت

خداوندا بسوی تو متوجه شده ام و خوشنودی ترا طلب کرده ام و ثواب ترا خواسته ام و بتو ایمان آورده

و علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح قلبی لذکرک و

و بر تو توکل کرده ام خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشا دل مرا برای ذکر خود و

ثبتنی علی دینک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک

ثابت دار مرا بر دین خود و میل مده دل مرا بعد از آنکه هدایت نمودی مرا و ببخش مرا از جانب خود

رحمة انک انت الوهاب

رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده

و باید که باشی در نماز با وقار و خشوع و بگذاری دستهای خود را بر روی
رانها مقابل زانوها و بگذاری میان قدمهای خود را بقدر سه انگشت گشاده
از یکدیگر یا بیشتر و نگاه کنی بموضع سجود خود و بلند نکنی نگاه کردن خود را بجانب
آسمان و بر آوری بخاطر خود که این نماز کسی است که وداع میکند این نماز
را بعد از آن و میدانی که ادای نماز جبر واجب است بر همان بر داری امر حق تعالی

و شمار تکبیرات نماز

یکی از هفت تکبیر که در اول نماز گفته میشود تکبیر و بلند میکنی دستهای را در هر یک از
تکبیرها تا مقابل گوشهای خود یعنی اینکه کف دستها بطرف قبله باشد و انگشتان

در بیان آداب نماز است رکن دوم

بیکدیگر چسبیده باشند ❁ غیر شستها که آنها باید گشاده باشند ❁ و نمیکند ادا کف دستها را از برابر گوشهای خود ❁ و لیکن باید ابتدای تکبیر را با ابتدای دست برداشتن و تمام میکنی آنرا نزد تمام شدن آن ❁ و بدانکه بعضی از علمای متأخرین ❁ اطناب نموده اند ❁ در باب نیت ❁ و دراز کرده اند عنان کلام را در آن ❁ و در اخبار ائمه علیهم السلام ❁

ائمه علیهم السلام

نیست چیزی از آن ❁ بلکه مستفاد از تتبع ❁ آنچه وارد شده است از ایشان ❁ علیهم السلام در باب وضو ❁ و نماز و باقی عبادات که تعلیم کرده اند آنها را بشیعیان خود ❁ این است که امر نیت سهل است ❁ و اینکه آن غنی است از بیان ❁ و قرار گرفته در خاطر جمیع عقلا ❁ وقت صادر شدن ❁ فعلهای اختیاری از ایشان ❁ و از برای این است ❁ که قدمای فقهای ما رضوان الله علیهم ❁ متعرض بحث آن نشده اند ❁ و خوض نکرده اند در آن ❁ مگر جماعتی از متأخرین ❁ و رانده اند کلام را در آن بزرگی که موهم این است ❁ که مرکب است نیت از اجزای بسیار ❁ و این باعث دشواری آن شده است بر بسیاری از مردم ❁ و کشانده است ایشان را بوسواس ❁ و نیست نیت در حقیقت مگر قصد بسیطی ❁ بواقع ساختن فعل معین ❁ از برای علت غائی آن و نیست ترکیب

در فعل منوی

و این قصد نزدیک نیست ❁ که جدا شود از آن عاقلی نزد هر فعلی که ❁ بجا آورد حتی اینکه گفته اند بعضی از علمای ما که اگر تکلیف میکرد ❁ ما را الله تعالی بواقع ساختن فعلی معین ❁ بی نیت هر آینه تکلیف کرده بود ❁ بچیزی که طاقت آن نبود ❁ و حاضر کردن فعل منوی ❁ در ذهن بعنوان اینکه تمیز دهد آنرا از غیر آن ❁ و قصد بجا آوردن آن جهت فرمان برداری امر خدا تعالی ❁ در نهایت سهولت و آسانی (مثلاً)

نماز ظهر

که ما مکلف هستیم باداى آن ❁ در این وقت تصور کرده ایم آنرا باین وصف عنوان که نماز ممتاز میشود بآن از جمیع ما عدای خود ❁ از عبادات و غیر عبادات ❁ و قصد کردن

رکن دوم در بیان آداب نیت و تکبیرة الاحرام

واقع ساختن آن ❁ جهت فرمانبرداری امر خدا تعالی ❁ نیست دشواری در آن اصلاً ❁ چنانکه حکم میکند بآن وجدان صحیح ❁ و هر که این را دشوار باشد سؤال میکنم از خدا تعالی ❁ که باصلاح آورد وجدان او را ❁ بعد بسیار گفتن بعد چیزی ❁ بغایت توانا است ❁ بخوان میان آن هفت تکبیر ❁ این سه دعا را که روایت کرده است ❁ ثقة الاسلام ❁ در کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام ❁ پس بعد از تکبیر سوم

اللهم (خداوندا)

أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ

توئی پادشاه ❁ حق ❁ آشکار ❁ نیست خدائی مگر تو ❁ تسبیح میکنم ترا بدرستیکه من ستم کرده ام

نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

نفس خود را پس بخش از برایم من گناه مرا بدرستیکه نمی بخشد گناهان را مگر تو

و بعد از تکبیر پنجم

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ

ایستاده ام برای امر تو ایستاده کردنی ❁ و خیر در دستهای تست ❁ و شر نیست بسوی تو ❁ و هدایت یافته کسی است

مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ

کسی است که هدایت کردی تو او را ❁ نیست پناهی از تو مگر بسوی تو ❁ تسبیح میکنم ترا و سؤال میکنم رحمت ترا بلند مرتبه

وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ

و عظیم شأنی ❁ تسبیح میکنم تو را ❁ ای پروردگار خانه ❁ حرام ❁

و بعد از تکبیر هفتم

چون تکبیرة الاحرام باشد بگو

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ

گردانیده ام روی خود را بجانب کسیکه خلق کرده است آسمانها و زمین را ❁ داناست پنهان و

الشَّهَادَةِ

در بیان آداب تکبیرة الاحرام است

حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلوٰتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی

در حالتیکه میل کننده ام از باطل و مسلمام و نیستم من از شرک آورنده گان بدرستیکه نماز و عبادات من و زندگی من و مر

لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ

از برای خدا است که پروردگار عالمیان است نیست شریکی از برای او و باین امر کرده شده ام و من از مسلمانام

و در روایت دیگر باین نحو وارد شده است

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَلٰی مِلَّةِ اِبْرٰهِیمَ وَدِینِ

گردانیده ام روی خود را بجانب کسیکه آفرید ◈ آسمان ◈ و زمین را در حالتیکه هستم بر ملت ابراهیم و دین

مُحَمَّدٍ وَمِنْهَاجِ عَلِیٍّ ◈ حَنِیفًا مُسْلِمًا

محمد ◈ و با آداب روند بر طریقه علی ◈ ◈ از باطل میل کننده ◈ مسلمام ◈

تا آخر به اضافه عالم الغیب

وَالشَّهَادَةِ

و اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه ◈ جایز است مقارن داشتن نیت با هر یک از این

هفت تکبیر ◈ پس تو مخیری در آن ◈ و هر تکبیر یکه مقارن داری نیت را با آن بگردان

آنرا تکبیرة الاحرام ◈ و بتحقیق که ترجیح داده شیخ طائفه ◈ نور الله مرقده در مصباح

گردانیدن تکبیر آخر را تکبیرة الاحرام ◈ و آنچه ظاهر میشود از حدیث صحیح زراره

◈ در افتتاح پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز را به تکبیر متابعت کردن امام حسین

علیه السلام ◈ آنحضرت را آنست که تکبیر اول را تکبیرة الاحرام کردانیده بودند ◈

چنانچه ذکر کرده ایم در مقاله ◈ اثنی عشریه و بسط داده ایم کلام را در حبل المتین ◈ بعد از

استعاذه میکنی بعد از فراغ از دعای سوم پس میگوئی

اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ

پناه میبرم بخدای شنوای دانا ◈ از شیطان ◈ رانده شده

و استعاذه نزد ما مخصوص برکعت اول و سنت است

میکوئی آنرا بعد از آن بخوان سوره حمد را بلند کنند و بلند

در بیان از حضور قلب کوشیدن است

بخوان آنرا رعایت کننده ◈ وقفهای آنرا در جای آن ◈ و حاضر کننده قلب خود را

تفکر کننده در معانی آن ◈ و ساکت میشوی بعد از آن بقدر نفسی ◈ بعد از آن

بخوان سوره همان نحو ◈ و باید که بوده باشد سوره ◈ نبأ ◈ یا غاشیه ◈

یا قیامه ◈ یا دهر ◈ یا آنچه مانند اینها باشد ◈ در نوافل چنانچه روایت کرده است

از شیخ طائفه ◈ در تهذیب بسند صحیح از حضرت ابی عبدالله علیه السلام ◈

و ساکت میشوی ◈ بعد از آن چنانچه ساکت شدی قبل از آن بعد از آن بر میداری

دستهای خود را ◈ چنانچه برداشتی ◈ در آن ◈ هفت تکبیر ◈ و میگوئی

اَللّٰهُ اَکْبَرُ

بعد از آن برکوع برو بعنوانیکه بگذاری ◈ دست راست را بر زانوی راست ◈

پیش از دست چپ ◈ بر زانوی چپ ◈ و پر کنی کفها را از زانوهای خود ◈ و لقمه

سازی آنها را بر انگشتان خود ◈ و برگردانی آنها را بطرف پشت ◈ و هموار کنی

پشت خود را ◈ و بکشی گردن خود را ◈ و بر هم گذاری چشمهای خود را ◈ یا نگاه کنی

میان قدمهای خود ◈ بعد از آن میگوئی آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام

در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام و آن اینست

اَللّٰهُمَّ لَکَ

خداوندا از برای تو

رَکَعْتُ وَلَکَ اَسْلَمْتُ وَبِکَ اٰمَنْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَاَنْتَ

رکوع کرده ام و مر ترا تسلیم امر نموده ام و بتو ایمان آورده ام و بر تو توکل کرده ام ◈ و تو

رَبِّی خَشَعَ لَکَ سَمْعِی وَبَصَرِی وَشَعْرِی وَبَشَرِی وَلَحْمِی وَدَمِی

پروردگار منی فروتنی کرده است برای تو گوش من و دیده من و موی من و پوست من و گوشت من و خون من

وَمُخِّی وَعَصَبِی وَعِظَامِی وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَایَ غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَلَا

و مغز من ◈ و پی من ◈ و استخوان من و آنچه برداشته قدمهای من ننگ دارنده و نه

مُسْتَکْبِرٍ

استکبار کننده



وَلَا مُسْتَحْسِرٌ

و نه خسته کننده

بعد از آن بگو

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

تسبیح میکنم پروردگار خود را که بزرگ است و مشغولم بحمد او

و باید که این هفت مرتبه گفته شود یا پنج مرتبه یا سه مرتبه بعد از آن راست میشوی و میگوئی سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بعد از آن تکبیر میگوئی و میروی بسجود با خضوع و خشوع در حالتیکه بگذاری کفها را پیش از زانوها و چنان میکنی که دستها در وقت سجود بمنزله بالها شوند از برای تو و پهن میکنی کفها را در حالتیکه انگشتان مضموم باشد در برابر دوشها و روی خود و نمیگذاری هیچ عضوی از بدن خود را بر روی عضوی دیگر و میگذاری پیشانی خود را بر زمین و افضل آن است که تربت حسینیه باشد علی صاحبها افضل التسلیمات و میگذاری بینی خود را هشتمی مساجد سبعه و بخاک میمالی آنرا و نگاه میکنی در وقت سجود بر بینی بعد از آن میگوئی آنچه روایت کرده است نیز در کافی



بسند حسن از آنحضرت علیه السلام

اللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ

خداوندا از برای تو سجده کردم و بتو ایمان آوردم و مر ترا اطاعت کردم و بر تو توکل کردم و

أَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

تو پروردگار منی سجده کرده است روی من از برای کسیکه آفریده است آنرا و شکافته است گوش و چشم آنرا و ستایش مر خدا را که پروردگار

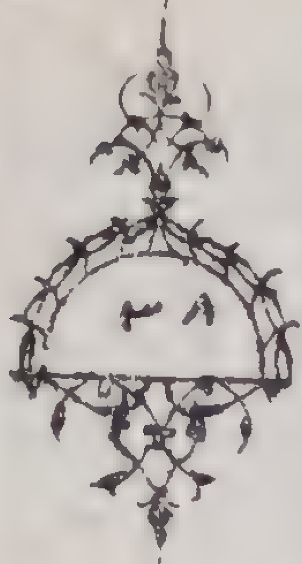
الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللّٰهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

عالمیان است بلند مرتبه است خدا و بهترین آفرینندگان است

بعد از آن بگو

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ تسبیح میکنم پروردگار خود را که بلند مرتبه است و مشغولم بحمد او





و باید که بوده باشد چنانچه در رکوع مذکور شد و بعد از آن سر خود را بر میداری و تکبیر میگوئی و مینشینی و تورک میکنی و میگوئی

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا که پروردگار منست و توبه میکنم بسوی او

بعد از آن آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام بهمان سند سابق از آنحضرت علیه السلام

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْبُرْنِي وَادْفَعْ عَنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ

خداوندا بیامرز مرا و رحم کن مرا و اصلاح کن شکستگی مرا و دفع کن از من بدیرا بتحقیق که من از آنچه بفرستی بسوی من

مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

از خیر محتاجم بلند مرتبه است خداوندیکه پروردگار عالمیانست

و بعد از آن تکبیر میگوئی و میروی بسجده دوم مثل سجده اول پس بر میداری سر خود را و مینشینی بعنوان تورک یک لحظه و این را جلسه استراحت میگویند و وامگذار آنرا پس بتحقیق که واجب دانسته است سید مرتضی رحمه الله و دعوی اجماع بر این کرده بعد از آن برخیز بر نحویکه برداری زانوها را پیش از دستها و اعتماد کن در وقت برخاستن بدستها و بگوی

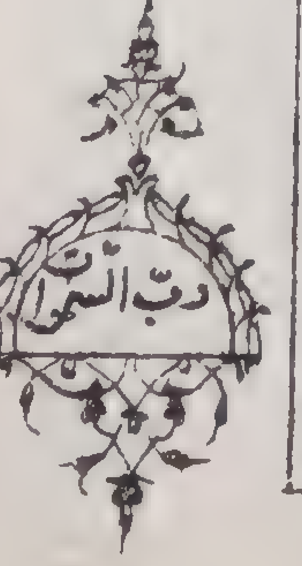
بِحَوْلِ اللّٰهِ تَعَالَى وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ

بحول خدا تعالی و قوت او بر میخیزم و مینشینم و برکوع میروم و سجده میکنم

پس هرگاه راست ایستادی بخوان سوره حمد چنانچه گذشت در رکعت اول و باید که بوده باشد سوره قل هو الله احد بعد از آن ساکت میشوی بقدر نفسی پس تکبیر میگوئی از برای قنوت و قنوت میکنی کلمات فرج را در حالتیکه بلند کرده باشی دستها را در برابر روی خود و بگردانی کف دستها را بطرف آسمان و بهم گذاری انگشتها را غیر از شستها پس میگوئی

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ

نیست خدائی مگر خدا بردبار جود کننده نیست خدائی مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خدا



رَبِّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضينَ السَّبْعِ وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ

پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ

و پروردگار عرش بزرگ و حمد مر خدا راست که پروردگار عالمیان

این است کلمات فرج بر آن نحو که روایت کرده است بسند حسن از حضرت باقر علیه السلام و در بعضی کتابها وَما تَحْتَهُنَّ بعد از وَما بَيْنَهُنَّ زیاد شده و در بعضی وَما فَوْقَهُنَّ بعد از وَما تَحْتَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ و نیافته‌ام من این زیادتها را در آنچه مطلع شده‌ام بر آن از کتابهای معتبره احادیث و میگوئی بعد از آن

کلمات فرج

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا وَعافِنا وَاعْفُ عَنّا فِي الدُّنْيا

خداوندا بیامرز ما را و رحم کن ما را و عافیت ده ما را و عفو کن از ما در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

و آخرت بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ شَخَصَتِ الْاَبْصارُ وَنُقِلَتِ الْاَقْدامُ وَ

خداوندا بسوی تو گشوده شده است دیده‌ها و حرکت داده شده است پاها و

رُفِعَتِ الْاَيْدي وَمُدَّتِ الْاَعْناقُ وَاَنْتَ دُعيتَ بِالْاَلْسُنِ

بلند کرده شده است دستها و کشیده شده است گردنها و تو خوانده شده بزبانها

وَاِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْواهُمْ فِي الْاَعْمالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا

و بسوی توست پنهان ایشان و راز ایشان در کردارها خداوندا حکم کن میان ما و میان کسان ما

بِالْحَقِّ وَاَنْتَ خَيْرُ الْفاتِحينَ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَشْكُو اِلَيْكَ

بحق و تو بهترین حکم کنندگانی خداوندا بدرستیکه ما شکوه میکنیم بسوی تو

وَغَيْبَةَ اِمامِنا وَقِلَّةَ عَدَدِنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا وَتَظاهُرَ الْاَعْداءِ

و غیبت امام ما و کمی عدد ما و بسیاری دشمنان ما و ظاهر شدن دشمنان

عَلَيْنا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنا فَفَرِّجْ ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ

بر ما و رسیدن فتنه‌ها بما پس برطرف کن اینرا خداوندا بعدلیکه ظاهر کنی آنرا

وَاِمامِ حَقٍّ تَعْرِفُهُ اِلٰهَ الْحَقِّ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ

و امام حقی که بشناسی او را ای خدای حق مستجاب کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجاءٌ غَيْرُكَ فَاَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي

خداوندا هر که صبح کند و بوده باشد او را اعتمادی یا امیدی غیر تو پس توئی اعتماد من و امید من

يا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَيا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفي وَمَسْكَنَتي وَقِلَّةَ

ای بخشنده‌ترین کسیکه سؤال کرده شد و ای رحیم‌ترین کسیکه طلب رحم کرده شد رحم کن ضعف مرا و درویشی مرا و کمی

حيلَتي وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَفُكَّ رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَعافِني في نَفْسي

چاره مرا و منت گذار بر من به بهشت و رها کردن مرا از آتش و عافیت ده مرا در نفس من

وَفي جَميعِ اُمُوري بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

و در جمیع کارهای من برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

و هر که خواهد

طول دهد قنوت را پس اضافه کند باین هر چه را خواهد از قنوتهای دیگر که ذکر میکنم آنها را در باب ششم انشاء الله بعد از آن بلند میکنی دستها را بتکبیر و رکوع کن و سجود کن دو سجده چنانچه گذشت بعد از آن بنشین از برای تشهد و ترک کننده و نگاه کننده بکنار خود و میگوئی

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَخَيْرُ الْاَسْماءِ كُلُّها لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ

بنام خدا و بیاری خدا و بهترین نامها از آن خداست همه از برای خداست شهادت میدهم که نیست خدائی

وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالحق

تنهاست نیست شریکی برای او را و گواهی میدهم که محمد بنده او و رسول اوست فرستاده است او را بحق

بشیراً و نذیراً بین یدی الساعة و اشهد ان ربی نعم الرب و ان

در حالتی که بشارت دهنده و ترساننده در پیش روی ساعت و گواهی میدهم بدرستیکه پروردگار من خوب پروردگاریست و گواهی میدهم

محمداً نعم الرسول اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل شفاعته

و بدرستیکه محمد خوب رسولیست خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قبول کن شفاعت او را

فی امته و ارفع درجته

در بارهٔ امت او و بلند کن مرتبه او را

بعد از آن حمد میکنی خدا را دو مرتبه یا سه مرتبه و واجب از این تشهد همین شهادتها است و صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم بعد از آن سلام بده قصد کننده بان بیرون آمدن از نماز را پس میگوئی

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سلام بر شما باد و رحمت خدا و برکات او

و قصد میکنی بان انبیاء و حفظه را و اشاره میکنی بگوشه چشمها بطرف راست و جمیع آنچه ذکر کرده شده در این فصل سنت است مگر آنچه ابتدا کرده شده بفعل امر پس آن واجب است

فصل

هرگاه فارغ شدی از نماز پس شروع کن در تعقیب پس بتحقیق که وارد شده در تفسیر قول خدا تعالی فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب که مراد اینست که هرگاه فارغ شوی از نماز واجبی پس تعب بکش بسوی پروردگار خود در دعا و رغبت کن بسوی او در سؤال که عطا میکند بتو و روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که تعقیب مبالغه کننده تر است در طلب روزی از رفتن بتجارت در شهرها یعنی دعا خواندن در عقب نماز و روایت کرده است نیز در تهذیب بسند صحیح از احدهما علیهما السلام

که دعا در عقب نماز واجب افضل است از دعا در عقب نماز سنت مثل فضیلت نماز واجب بر سنت و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت باقر علیه السلام که دعا بعد از نماز واجب افضل است از نماز سنت و روایت در این باب از ائمه علیهم السلام بسیار است و افضل تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه زهرا است علیها السلام و روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که هر که تسبیح کند تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام پیش از آنکه بر گرداند پاهای خود را از نماز واجب آمرزیده میشود او و ابتدا میشود بتکبیر و روایت کرده است نیز از آنحضرت علیه السلام که فرمودند که ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا چنانچه امر میکنیم ایشان را بنماز پس ملازم شو آنرا بدرستیکه ملازم نشده آنرا بنده که بدبخت شود و آنحضرت علیه السلام فرمودند که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز در عقب هر نماز دوست‌تر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز و از حضرت باقر علیه السلام مرویست که فرمودند که نیست شیء که عبادت کنند خدا را بچیزی از تمجید افضل از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام و اگر میبود چیزی افضل از آن هر آینه عطا میکرد آنرا پیغمبر صلی الله علیه و آله بفاطمه علیها السلام و روایت در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بشمار در نمی آید و باید که بوده باشد نشستن تو در تعقیب متصل بنشستن تو در تشهد و بر همان هیأت و بقبله بودن و ترک کن در اثنای آن کلام و التفات و مانند آنرا پس بتحقیق که روایت شده است که آنچه ضرر میرساند بنماز ضرر میرساند بتعقیب پس هرگاه سلام دادی پس تکبیر بگو سه تکبیر و بلند کن در هر یک دستها را تا برابر روی خود بنوعی که پشت آنها بطرف روی خود باشد و کف آنها بطرف قبله و این تکبیرها اول تعقیب است بعد از آن میگوئی

لا اله الا الله

نیست خدائی مگر خدا

إِلٰهاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ إِلٰهاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ

خدائی است یگانه و ما از برای او تسلیم کنندگانیم نیست خدائی مگر خدا خدائی است یگانه و ما از برای او

مُخْلِصُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

خالص کنندگانیم نیست خدائی مگر خدا نمیکنیم پرستش مگر او را در حالتیکه خالص کرده ایم برای او دین

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

و هر چند ناخوش دارند مشرکان نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما از پیشینیان

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ

نیست خدائی مگر خدا تنهاست و یگانه بجا آورده است وعده خود را و یاری کرده است بنده خود را و عزیز کرد لشکر خود را

وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي

و فرو داده است گروهها را به تنهائی پس مر او راست پادشاهی و مر او راست حمد که زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَسْتَغْفِرُ اللهَ

و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز بغایت توانا است طلب آمرزش میکنم از خدا

الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اللّٰهُمَّ

آنچنانی که نیست خدائی مگر او زنده است بخود و پاینده است صاحب جلال و اکرام گردنست و توبه میکنم بسوی او خداوندا

اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ

هدایت کن مرا از نزد خود و بریز بر من از فضل خود و نشر بده بر من از رحمت خود

وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

و فرود آر بر من از برکات خود منزهی تو نیست خدائی مگر تو بیامرز برای من گناهان مرا

كُلَّهَا جَمِيعاً فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ إِنِّي

همه آنرا تماماً پس بدرستیکه نمی بخشد گناهان را همه آنرا تماماً مگر تو خداوندا بدرستیکه من

أَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ

سؤال میکنم ترا از هر خیری که فرا گرفته است آنرا علم تو و پناه میبرم بتو از هر شری که فرا گرفته است

عِلْمُكَ

علم تو

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم عافیت ترا در امرهای من تمام آنها و پناه میبرم بتو از رسوائی

الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ

دنیا و عذاب آخرت و پناه میبرم بذات کریم تو و پادشاهی تو که قدیم است

وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ

و بعزت تو آنچنانی که اراده کرده نمیشود و قدرت تو آنچنانی که ابا نمیکند از آن چیزی از شر

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

دنیا و آخرت و از شر دردها تمام آنها و نیست قدرت و قوتی مگر

بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

بخدای بلند مرتبه بزرگ توکل کردم بر زنده آنچنانی که نمیمیرد و حمد از برای خدا آنچنانی

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ

که فرا نگرفته است فرزندی و نیست مر او را شریکی در پادشاهی و نیست از برای او دوستی از نظر خواری

وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً

و تکبیر بگو او را تکبیر گفتنی

بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حضرت زهرا را بعد از آن ده مرتبه میگوئی و این مخصوص

تعقیب صبح است

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي

نیست خدائی مگر خدا تنهاست نیست شریکی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست حمد زنده میکند

وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ

و میمیراند و میمیراند و زنده میکند و او زنده است که نمیمیرد بدست اوست خیر و او

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بر همه چیز توانا است

ده مرتبه و این نیز مخصوص

تعقیب صبح است

سُبْحانَ اللهِ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

منزه است خداوند بزرگ و مشغولم بحمد او و نیست قدرتی و قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

صد مرتبه

ماشاءَ اللهُ کانَ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

آنچه خواست خداوند هست ❁ نیست قدرتی و نه قوتی ❁ مگر بخدای بلند مرتبه ❁ بزرگ

و صد مرتبه

اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا که پروردگار ❁ و توبه میکنم بسوی او

و صد مرتبه

اَسْتَجیرُ بِاللهِ مِنَ النّارِ وَاَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ

پناه میبرم بخداوند از آتش ❁ و سؤال میکنم از او بهشت را

و صد مرتبه

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ❁ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❁ و تعجیل فرما فرج ایشان را

و ده مرتبه

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ اِلهاً واحِداً اَحَداً

گواهی میدهم باینکه نیست خدائی مگر خدائی که تنهاست و نیست شریکی برای او خدای است یکتا و یگانه ❁

فَرْداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً

تنها ❁ بی نیاز که فرا نگرفته است همسر و نه فرزند را ❁

و سی مرتبه

سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ ❁

تسبیح میکنم تسبیح خدا را و حمد از برای خداست و نیست خدائی مگر خدا و خداوند بزرگتر است

و سزاوار است ❁ که شمرده شود این ذکرها ❁ و تسبیحها بسبحه از تربت امام حسین علیه السلام ❁ پس بتحقیق که روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صاحب الامر علیه السلام که سبحه افضل چیزی است ❁ که تسبیح کرده شود بآن و بدرستیکه تسبیح کننده ❁ فراموش میکند تسبیح را ❁ و میگرداند سبحه را ❁ پس نوشته میشود از برای او ❁ آن تسبیح بعد از آن میگوئی و این نیز مخصوص تعقیب صبح است

یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصارِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَثَبِّتْ قَلْبی عَلی دینِکَ

ای تغییر فرماینده دلها ❁ و دیدها ❁ رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❁ و ثابت گردان دل مرا بر دین خود

وَدینِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلا تُزِغْ قَلْبی بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنی

و دین پیغمبر خود ❁ رحمت بفرستد خدا بر او و آل او ❁ و میل مده دل مرا ❁ بعد از آنکه راه نمودی مرا ❁

وَهَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهّابُ اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ

و بخش مرا از نزد ❁ خود ❁ رحمتی بدرستیکه تو بسیار بخشنده ❁ خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو

مِنْ زَوالِ نِعْمَتِکَ وَتَحْویلِ عافِیَتِکَ وَمِنْ فَجْاَةِ نَقِمَتِکَ وَمِنْ دَرَکِ الشَّقاءِ

از زائل شدن نعمتهای تو ❁ و گردیدن عافیت تو ❁ و از ناگاه رسیدن عقاب تو ❁ و از دریافتن بدبختی

وَمِنْ شَرِّ ما سَبَقَ فِی الْکِتابِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِعِزَّةِ مُلْکِکَ

و از شر آنچه پیشی گرفته ❁ در کتاب ❁ خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم بعزت پادشاهی تو

وَعِظَمِ سُلْطانِکَ وَشِدَّةِ قُوَّتِکَ عَلی جَمیعِ خَلْقِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی

و بزرگی سلطنت تو ❁ و سختی توانائی تو ❁ بر همه آفریدگان تو اینکه رحمت فرستی ❁ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا

محمد و آل محمد ❁ و اینکه بجا بیاوری در من چنین ❁ و چنان

و بعد از آن میگوئی

اُعیذُ نَفْسی وَدینی وَاَهْلی وَمالی وَوُلْدی وَاِخْوانی

پناه میبرم ❁ نفس خود را ❁ و دین خود را ❁ و اهل خود را ❁ و مال خود را ❁ و فرزند خود را و برادران خود را

رَزَقَنِی وَجَمِیعَ مَنْ یَعْنِینِی اَمْرُهُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِی لَمْ یَلِدْ

روزی کرده است مرا پروردگار همه آنچه را اهتمام دارم درباره ایشان بخدای یگانه تنهای بی نیازیکه اولاد نیاورده

وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ وَبِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ

و او از کسی زائیده نشده و نیست مرا او را همتائی کسی و بپناه پروردگار فلق از شر آنچه آفریده است و از شر

غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِی الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ

شب بسیار تاریکست هرگاه داخل شود و از شر زنان که دمنده اند در گرهها و از شر حسود هرگاه حسد برد

وَبِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی

و بپناه میبرم بپروردگار آدمیان پادشاه آدمیان معبود آدمیان از شر وسوسه شیطان پنهان شونده

یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

که وسوسه میکند در سینهای مردم از جنیان و آدمیان

بعد از آن بخواند سوره فاتحه و آیة الکرسی

اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ

خدائیکه نیست خدائی مگر او همیشه زنده بر پا بیت فرا نمیگیرد او را نه پینکی و نه خواب مر او راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِی الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیهِمْ

و آنچه در زمینهاست کیست آنکه شفاعت کند نزد او مگر باذن او میداند آنچه پیش روی ایشانست

وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ

و آنچه پشت سر ایشانست و احاطه نمیکنند ایشان بچیزی از علم او مگر بآنچه خواهد او و سیع است کرسی او

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَلَا یَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا اِکْرَاهَ

از آسمانها و زمین و سنگین نمیکند او را نگاهداری آنها و او است بلند مرتبه بزرگ نیست اکراه

فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَیُؤْمِنْ

در دین بتحقیق ظاهر شده و جدا شده رشد از گمراهی پس هر که کافر شود برد شیطان و ایمان بیاورد

بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰی لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ

بخدا پس بتحقیق دست زده است بدست آویز محکم شکستگی مر او را نیست و خدا شنوا و داناست

اَللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی النُّورِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا

خدا دوست آنکسانیست که ایمان آورده اند بیرون می آورد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنائی و آنکه کافر شدند

اَوْلِیَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ اِلَی الظُّلُمَاتِ اُولٰئِكَ اَصْحَابُ

دوستان ایشان شیاطین است بیرون می آورند ایشانرا از نور بسوی تاریکیها ایشانند اصحاب

النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ

آتش ایشان در آن خواهند بود همیشه

و آیه شهادت

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِماً بِالْقِسْطِ

گواهی داد خدا که نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان علم که ایستاده اند بعدل

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ

نیست خدائی مگر او که عزیز و داناست

و آیه ملک

قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِی الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ

بگو ای خداوند ای صاحب پادشاهی میدهی پادشاهی را بآنکه میخواهی و میگیری پادشاهی را از آنکه میخواهی

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِیَدِكَ الْخَیْرُ اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

و عزت میدهی کسیرا که میخواهی و ذلیل میکردانی کسیرا که میخواهی بدست تست خیر بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَتُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ

داخل مینمائی شب را در روز و داخل میکنی روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده

وَتُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ

و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی هر کرا میخواهی بغیر حساب

و آیه سخره

اِنَّ رَبَّکُمُ اللّٰهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ

بدرستیکه پروردگار شما خدائیست که آفریده آسمانها و زمین را در شش روز

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ

پس مستولی شد بر عرش میپوشاند شب را بروز طلب آن میکند شتابان و آفتاب

وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

و ماه و ستارها رام شده اند بفرمان او آگاه باشید که از برای اوست خلق و امر بلند مرتبه است

الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا

عالمیان است بخوانید پروردگار خود را تضرع کننده و پنهان بدرستیکه دوست نمیدارد از حد گذرندگانرا

تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ

و فساد نکنید در زمین بعد از صلاح آن و بخوانید خدا را خوف دارنده و طمع کننده بدرستیکه رحمت خدا

قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

نزدیک است بنیکوکاران

و دو آیه آخر کهف

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ

بگو اگر بوده باشد دریا مداد از برای نوشتن کلمات پروردگار من هر آینه تمام شود دریا پیش از آنکه تمام شود

كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ

کلمات پروردگار من و هر چند بیاوریم مانند آن مدد کننده بگو بدرستیکه نیستم من مگر آدمی مانند شما فرستاده میشود بسوی من

أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

بدرستیکه خدای شما خدائیست یگانه پس هر که بوده باشد امید دارد لقای پروردگار خود را پس عمل کند عمل نیکو و شریک نکند

بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

بعبادت پروردگار خود کسی را

و از اول صافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ

بنام خدای بخشنده مهربان قسم بآنها که صف زده اند صف زدنی پس زجر کننده ها زجر کشیدنی پس خوانندگان

ذِكْرًا إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

ذکر را بدرستیکه پروردگار شما هر آینه یکی است پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه میان آنهاست و پروردگار مشرقهاست

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ

بدرستیکه زینت دادیم ما آسمان دنیا را بزینت که ستارها است و حفظ کننده باشد از هر شیطان شریر

لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ

نمیشنوند گروه مرتبه اعلی و زده میشوند از هر جانب از جهت دور کردن و مر ایشانراست

عَذَابٌ وَاصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

عذاب دائم شدید مگر آنکه ربوده ربودنی که پس از پی او در آمد ستاره درخشان

و سه آیه آخر صافات

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند و درود بر رسولان و حمد

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

از برای خداست پروردگار عالمیان است

و سه آیه از سوره الرحمن

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ

ای گروه جن و انس اگر میتوانید که بیرون روید از طبقات یا از اطراف آسمانها

وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

و زمین پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر بقوت و سلطنت پس بکدام نعمتهای پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

تکذیب مینمائید فرستاده میشود بر شما زبانه از آتش و نحاس پس یاری نمیدارد خود را از آن

و چهار آیه آخر سوره حشر

لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ

اگر فرو فرستاده بودیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا با خشوع و شکافته شده از

خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

ترس خداوند و اینست مثلها میزنیم آنها را برای مردمان شاید ایشان تفکر کنند



هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ

اوست خدائی که نیست خدائی مگر او داناست بغیب و شهود ❁ او است بخشنده مهربان

هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ

اوست خدائی که نیست خدائی مگر او پادشاه بسیار پاکیزه سلامت دهنده و امان دهنده و حفظ کننده

الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

و عزیز و جبار و متکبر ❁ منزه است خداوند از آنچه شریک میدانند مشرکان اوست خدای آفریننده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ

صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند از برای او آنچه در آسمانها و زمین است و اوست

الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ

عزیز حکیم

بعد از آن میخوانی سوره قل هو الله احد ده مرتبه بعد از آن میگوئی در حالتی که گشاده باشی دستهای خود را برو بروی خود

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَکِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم تو را بحق نام خود که پنهان کرده شده در خزانه غیب پاکیزه مبارک

وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ وَسُلْطَانِکَ الْقَدِیمِ یَا وَاهِبَ الْعَطَایَا یَا مُطْلِقَ

و سؤال میکنم ترا بحق نام عظیم تو و بپادشاهی قدیم تو ای بخشنده عطاها ❁ ای رها کننده

الْاُسَارٰی یَا فَکَّاکَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

اسیران ❁ ای خلاص کننده گردنها از آتش ❁ سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنَ الدُّنْیَا آمِنًا وَتُدْخِلَنِی

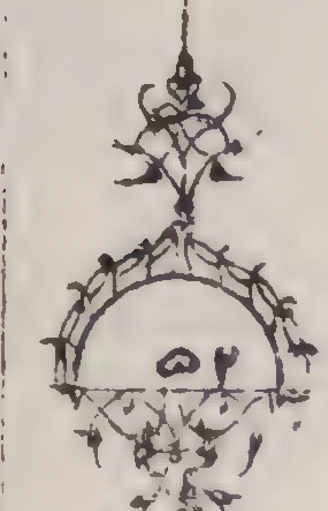
محمد ❁ و اینکه آزاد کنی رقبه مرا از آتش ❁ و اینکه بیرون بری مرا از دنیا ایمن و داخل کنی

الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعَائِی اَوَّلَهُ فَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ

در بهشت سالم ❁ و اینکه بگردانی دعای مرا اول آنرا رستگاری و میان آنرا فیروزی و آخر آنرا صلاح

اِنَّکَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ





بعد از آن میگوئی و آن مخصوص صبح است

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَصْبَحْتُ اُشْهِدُکَ وَکَفٰی بِکَ شَهِیدًا وَاُشْهِدُ مَلَائِکَتَکَ

خداوندا بدرستیکه من داخل صبح شدم گواه میگیرم تو را و کافی است تو برای گواهی و گواه میگیرم فرشتگان

وَحَمَلَةَ عَرْشِکَ وَسُکَّانَ سَمٰوَاتِکَ وَاَرْضِکَ وَاَنْبِیَائَکَ وَرُسُلَکَ

و بردارندگان عرش تو را و ساکنان آسمان تو را ❁ و زمین تو را و پیغمبران ترا و پیغمبران تو را

وَالصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکَ وَجَمِیعَ خَلْقِکَ فَاشْهَدْ لِی وَکَفٰی بِکَ شَهِیدًا

و صالحان از بندگان ترا ❁ و همه آفریدگان ترا ❁ پس گواه شو از برای من و کافی تو از برای گواه

اَنِّی اَشْهَدُ اَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ

بدرستیکه من گواهی میدهم که توئی خدا ❁ نیست خدائی مگر تو که عبادت کرده شده تنها نیست شریکی

لَکَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَاَنَّ کُلَّ

از برای تو و بدرستیکه محمد صلی الله علیه و آله ❁ بنده ❁ تو ❁ و رسول تو است و بدرستیکه هر

مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِکَ اِلٰی قَرَارِ اَرْضِکَ السَّابِعَةِ السُّفْلٰی مُنْجَبًا

عبادت کرده شده نزد عرش تو تا بقرار آرامگاه زمین تو که هفتگانه است پائین ❁ بطلان است غیر

مَا عَدَا وَجْهَکَ الْکَرِیمَ فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَاَکْرَمُ وَاَجَلُّ وَاَعْظَمُ مِنْ اَنْ یَصِفَ

غیر از ذات کریم تو ❁ پس بدرستیکه عزیزتر است و گرامی تر و جلیل تر و بزرگتر از آنکه وصف

الْوَاصِفُونَ کُنْهَ جَلَالِهِ اَوْ تَهْتَدِیَ الْقُلُوبُ اِلٰی کُنْهِ عَظَمَتِهِ یَا مَنْ

وصف کنندگان نهایت بزرگی او را یا آنکه راه بیابد دلها بسوی کنه عظمت او ❁ ای آنکه

فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِینَ فَخْرُ مَدْحِهِ وَعَدَا وَصْفَ الْوَاصِفِینَ مَآثِرُ

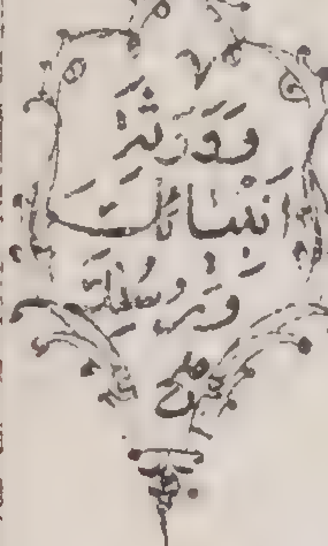
بالاتر است از مدح مدح کنندگان فخر مدح او ❁ و تجاوز کرده است از وصف وصف کنندگان مکرمتهای

حَمْدِهِ وَجَلَّ عَنْ مَقَالَةِ النَّاطِقِینَ تَعْظِیمُ شَاْنِهِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

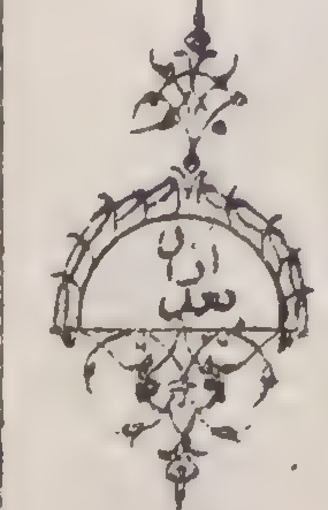
حمد او ❁ و بلندتر است از گفتن حرف زنندگان تعظیم شان او ❁ رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِنَا مَا اَنْتَ اَهْلُهُ یَا اَهْلَ التَّقْوٰی وَاَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

محمد ❁ و بکن با ما آنچه سزاوار آنی ❁ ای سزاوار از پرهیزکاری ❁ و سزاوار آمرزش







بعد از ان میگوئی

سُبْحانَ اللهِ كُلَّما سَبَّحَ اللهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُسَبَّحَ وَكَما هُوَ اَهْلُهُ

تسبیح میکنم تسبیح خدا را بانچه تسبیح کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خداوند که تسبیح کرده شود و

وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّما حَمِدَ اللهَ شَيْءٌ وَكَما

و چنانچه سزاوار است از برای کرم ذات او و عزت جلال او و حمد از برای خداست بانچه حمد کند خدا را چیزی و

يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُحْمَدَ وَكَما هُوَ اَهْلُهُ وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَلا

دوست میدارد خدا که حمد کرده شود و چنانچه او سزاوار است و چنانچه سزاوار باشد از برای کرم ذات او و عزت جلال او

اِلٰهَ اِلَّا اللهُ كُلَّما هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُهَلَّلَ وَكَما هُوَ اَهْلُهُ

خدائی مگر خدا بانچه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خداوند که تهلیل کرده شود و چنانچه او سزاوار

وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَاللهُ اَكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ

و چنانچه سزاوار است از برای ذات او و غلبه بزرگی او و خداوند بزرگ تر است از انچه تکبیر کند خدا را چیزی

وَكَما يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُكَبَّرَ وَكَما هُوَ اَهْلُهُ وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ

و چنانچه دوست میدارد خداوند که تکبیر کرده شود و چنانکه او سزاوار است و چنانکه او سزاوار است برای کرم ذات او و عزت جلال او

سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ عَلى كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِها

تسبیح میکنم تسبیح خداوند و حمد مر خدا راست نیست خدائی مگر خدا و خداوند بزرگ تر است بر هر نعمتی که انعام کرده

عَلَيَّ وَعَلى كُلِّ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كانَ اَوْ يَكُونُ اِلى يَوْمِ الْقِيمَةِ اَللّٰهُمَّ

بان بمن و بر هر احدی از افریدگار او از انچه بوده است یا خواهد بود تا روز قیامت خداوندا

اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ ما اَرْجُو وَخَيْرَ

بدرستیکه من سؤال میکنم تورا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم تورا خیر انچه امید دارم و خیر

ما لا اَرْجُو وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ

انچه امید ندارم و پناه میبرم بتو از شر انچه خوف و حذر دارم

وَمِنْ شَرِّ ما لا اَحْذَرُ

و از شر انچه خوف و حذر ندارم

(و بعد از ان میگوئی و این دعا نفس خوانده دافع غمهائیست که در تمام)

بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْاَسْماءِ بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْاَرْضِ وَالسَّماءِ بِسْمِ اللهِ

بنام خدا بهترین نامها بنام خداوند پروردگار زمین و اسمان بنام خداوند

اَلَّذي لا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلا داءٌ بِسْمِ اللهِ اَصْبَحْتُ وَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ

انچنانیکه ضرر نمیرساند با نام او زهری و نه دردی بنام خداوند داخل صبح شدم و بر خداوند توکل کردم

بِسْمِ اللهِ عَلى قَلْبي وَنَفْسي بِسْمِ اللهِ عَلى ديني وَعَقْلي بِسْمِ اللهِ عَلى

بنام خداوند قرار دارد و قلب من و نفس من بنام خدا بر دین من و عقل من بنام خداوند بر

اَهْلي وَمالي بِسْمِ اللهِ ما اَعْطاني رَبّي بِسْمِ اللهِ الَّذي لا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ

اهل من و مال من بنام خداوند بر انچه عطا کرده است پروردگار من بنام خداوند انچنانیکه ضرر نمیرساند با نام او

شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلا فِي السَّماءِ وَهُوَ السَّميعُ الْعَليمُ اَللهُ اَللهُ رَبّي حَقّاً

چیزی در زمین و نه در اسمان و اوست شنوا و دانا خداوند خدائیست پروردگار من حقا

لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ اَعَزُّ وَاَجَلُّ مِمّا اَخافُ

نمیکنم شریک با او چیزی را خداوند بزرگتر است خداوند بزرگتر است خداوند بزرگتر است عزیز تر و جلیل تر است از انچه میترسم

وَاَحْذَرُ عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ اَسْماؤُكَ وَلا اِلٰهَ غَيْرُكَ

و حذر میکنم عزیز است همسایه تو و جلیل است ثنای تو و پاکیزه است نامهای تو و نیست خدائی غیر تو

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطانٍ شَديدٍ

خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از شر نفس خود و از شر هر پادشاه سخت

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطانٍ مَريدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ وَمِنْ شَرِّ قَضاءِ

و از شر هر شیطان سرکش و از شر هر جبر کننده عنید و از شر قضای

السُّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّكَ عَلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ

بد و از شر هر جنبنده که تو گرفته باشی موی پیشانی او را بدرستیکه تو بر راه راستی

وَاَنْتَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ حَفيظٌ اِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذي نَزَّلَ الْكِتابَ وَهُوَ

و تو بر هر چیزی نگاهبانی بدرستیکه دوست من خداوند انچنانیست که فرو فرستاده است کتاب را و او

يَتَوَلَّى الصّالِحينَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَيْهِ

ولی نیکوکاران است پس اگر اعراض کنند پس بگو بس است خداوند نیست خدائی مگر او بر او

تَوَكَّلْتُ

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ

و اوست پروردگار عرش بزرگ پس زود باشد که کفایت کند ترا خداوند از ایشان و اوست شنوا و دانا و

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى خَيْرِ خَلْقِهِ

نیست حول و نه قوه مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ و رحمت فرستد خداوند بر بهترین آفریدگانش

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ

که محمد است و آل او که پاکانند

بعد از آن میگوئی و این مخصوص تعقیب صبح است

بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ

بنام خداوند و رحمت کند خدا بر محمد و آل او و وا میگذارم امر خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا

بَصِيرٌ بِالْعِبادِ فَوَقيهُ اللّٰهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ

بیناست به بندگان پس نگاه داشت خدا از بدیهای مکر ایشان را نیست خدائی مگر تو پاکی ترا بدرستیکه من

اِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنا مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

بودم از ستم کنندگان پس اجابت کردیم مر او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنین را

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ

کافیست ما را خداوند و بهترین وکیلان است پس برگشتند با نعمتی از خداوند و زیادتی نرسید بایشان

سُوءٌ ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ ما شاءَ اللّٰهُ لا ما شاءَ النّاسُ

بدی هر آنچه خواسته است خدا نیست حول و نه قوه مگر بخدا آنچه خواسته است خداوند نه آنچه خواستند مردم

ما شاءَ اللّٰهُ وَاِنْ كَرِهَ النّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخالِقُ

آنچه خواسته است خداوند و اگرچه ناخوش دارند مردم کافیست مرا پروردگار از پرورده شدگان کافیست مرا آفریننده

مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذي لَمْ يَزَلْ

از آفریده شدگان کافیست مرا روزی دهنده از روزی داده شدگان کافیست مرا خداوندی که همیشه

حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كانَ مُذْ كُنْتُ حَسْبِي حَسْبِيَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ

بس است مرا بس است مرا آنکه بود از وقتیکه من بودم بس است مرا بس است مرا خداوند نیست خدائی مگر او

عليه

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ اَصْبَحَ ظُلْمي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَاَصْبَحَ ذُنُوبي مُسْتَجِيرَةً

خداوندا داخل صبح شده است ظلم من پناه جوینده بعفو تست و داخل صبح شده است گناهان من پناه جوینده

بِمَغْفِرَتِكَ وَاَصْبَحَ خَوْفي مُسْتَجِيراً بِاَمانِكَ وَاَصْبَحَ فَقْري مُسْتَجِيراً

بآمرزش تو و داخل صبح شده است ترس من پناه جوینده است بامان تو و داخل صبح شده است درویشی من پناه جوینده

بِغِناكَ وَاَصْبَحَ ذُلّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ وَاَصْبَحَ ضَعْفي مُسْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ

بتوانگری تو و داخل صبح شده است خواری من پناه جوینده است بعزت تو و داخل صبح شده است ضعف من پناه جوینده بقوت تو

وَاَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْباقِي يا كائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ

و داخل صبح شده است بدن فانی من پناه جوینده است بذات باقی تو ای موجود پیش از هر چیز

وَيا كائِناً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَيا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ

و ای موجود بعد از هر چیز و ای موجود کننده هر چیز رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان

لي مِنْ اَمْري فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْني مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ

از برای من از امر من گشایش و راه بیرون رفتن و روزی ده مرا از آنجائیکه گمان دارم و از آنجائیکه

لا اَحْتَسِبُ

گمان ندارم

بعد از آن میگوئی هفت مرتبه

وحال آنکه گرفته باشی محاسن خود را بدست راست وگشوده باشی کف دست چپ را بسوی آسمان

یا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای پروردگار محمد و آل محمد رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ

وعجل

وعجّل فرج محمّد وآل محمّد
وتعجیل فرما فرج محمّد وآل محمّد را

وهفت مرتبه

يا ربّ محمّد وآل محمّد صلّ على محمّد وآل محمّد واعتق رقبتي من النار
ای پروردگار محمّد وآل محمّد رحمت بفرست بر محمّد وآل محمّد وآزاد کن گردن مرا از آتش

بعد از آن میگوئی

يا الله يا رحمن يا رحيم يا قيّوم برحمتك استغيث اللّهمّ انت ثقتي
ای خدا ای بخشنده مهربان ای پاینده برحمت تو طلب فریادرسی میکنم خداوندا توئی اعتماد من
في كلّ كربة وانت رجائي في كلّ شدّة وانت لي في كلّ امر
در هر اندوهی و توئی امید من در هر سختی و توئی از برای من در هر امری
نزل بي ثقة وعدّة فاغفر لي ذنوبي كلّها واكشف همّي وفرّج
که فرود آید بمن اعتماد و تهیه پس بیامرز از برای من گناهان مرا تمام و زایل کن اندوه مرا و برطرف کن
غمّي اللّهمّ اغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمّن سواك
غم مرا خداوندا بی نیاز کن مرا بحلال تو از حرام تو و بفضل تو از کسیکه غیر تو باشد
وعافني في اموري كلّها وعافني من خزي الدنيا وعذاب الآخرة
و عافیت ده مرا در امرهای من تمام و عافیت ده مرا از رسوائی دنیا و عذاب آخرت

بعد از آن میگوئی و این دعا [illegible]

اصبحت اللّهمّ معتصماً بذمامك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول
صبح نمودم خداوندا دست زننده بحرمت قوی غالب تو آنکه قصد کرده نمیشود و نزاع کرده نمیشود
من شرّ كلّ غاشم وطارق من سائر ما خلقت ومن خلقت من الصامت
از شرّ هر ستم کننده و وارد شونده در شب از جمیع آنچه آفریده تو و از آفریدگان تو که خاموش
والناطق من كلّ مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيّك
و گویا هستند و نگاه دار از هر ترسی بلباس فراخ بپوشان دوستی اهل بیت پیغمبر تو

یا حیّ

علیه

عليه وعليهم السلام محتجباً من كلّ قاصد لي الى اذيّة بجدار
و رحمتهای تو بر ایشان باد پوشیده شده از هر که قصد کند مرا بآزار رسانیدن بدیوار
حصين الاخلاص في الاعتراف بحقّهم والتمسّك بحبلهم موقناً
محکم اخلاص در اعتراف بحق ایشان و دست زدن بریسمان ایشان یقین دارم
بانّ الحقّ لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا واجانب من
باینکه حق بطرف ایشان است و با ایشان و در ایشان و به ایشان دوستی میکنم با هر که ایشان دوستی کرده اند و دوری کنم
جانبوا فصلّ على محمّد وآل محمّد واعذني اللّهمّ بهم من شرّ كلّ
با هر که دوری کرده اند پس رحمت بفرست بر محمّد وآل محمّد و پناه ده مرا خداوندا بسبب ایشان از شرّ هر چه
ما اتّقيه يا عظيم حجزت الاعادي عنّي ببديع السّموات والارض
حذر دارم ای بزرگ منع کردم دشمنان را از خود بپدید آورنده آسمانها و زمین
انّا جعلنا من بين ايديهم سدّاً ومن خلفهم سدّاً فهم لا يبصرون
بدرستیکه ما گردانیدیم از پیش روی ایشان سدّی و از پشت سر ایشان سدّی پس ایشان نمیبینند

بعد از آن میگوئی و این مخصوص صبح است

الحمد لله الذي اذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته
سپاس مر خدای را آنچنان خدائیکه برد شب را بقدرت خود و آورد روز را برحمت خود
خلقاً جديداً ونحن في عافية بمنّه وجوده وكرمه مرحباً بالحافظين
خلق تازه و ما در عافیتیم بنعمت او و جود او و کرم او مرحبا بدو فرشته حفظ کننده

والتفات کن بطرف راست و بگو
وحيّاكما الله تعالى من كاتبين
و سلام بفرستد بر شما خدای تعالی از دو نویسندگان
والتفات کن بطرف چپ خود و بگو
الكتّاب رحمكما الله تعالى بسم الله اشهد
بنویسید رحمت کند شما را خدای تعالی بنام خدا گواهی

فاغشیناهم ... صح پس پوشیدیم ایشان را ...

ان لا

اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

و نیست خدائی مگر خدا اینکه یگانه است نیست شریک از برای او و گواهی میدهم باینکه محمد بنده او است

وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ

و رسول او است و شهادت میدهم باینکه قیامت آینده است نیست شک در آن و بدرستیکه خداوند بر میانگیزد

مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلىٰ ذٰلِكَ اَحْيىٰ وَعَلَيْهِ اَمُوتُ وَعَلَيْهِ اُبْعَثُ اِنْ شاءَ اللّٰهُ

هر که در قبر باشد بر همین اقرار زنده ام و بر همین میمیرم و بر همین بر انگیخته میشوم اگر خواهد خدا

تَعالىٰ اَقْرِئْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي السَّلامَ

بلند مرتبه برسان بسوی محمد را رحمت بفرستد خداوند بر او و آل او از جانب من سلام

بعد از آن میگوئی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهارِ اِذا تَجَلّىٰ وَصَلِّ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد در روز هرگاه ظاهر شود و رحمت

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ اِذا يَغْشىٰ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بفرست بر محمد و آل محمد در شب هرگاه بپوشاند و رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرَةِ وَالْاُولىٰ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا اخْتَلَفَ

محمد در آخرت و دنیا و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادامیکه ظاهر

الْجَدِيدانِ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا طَرَدَ الْخافِقانِ

تازه و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادامیکه مقرر باشند مشرق و مغرب

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ما عَسْعَسَ لَيْلٌ وَمَا ادْلَهَمَّ ظَلامٌ وَما

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادامیکه بیاید شب و مادامیکه شدید شود تاریکی و مادامیکه

تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَما اَضاءَ فَجْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً خَطِيبَ وَفْدِ الْمُؤْمِنِينَ

نفس بکشد صبح و مادامیکه روشن شود صبح صادق خداوندا بگردان محمد را خطیب وارد شدگان گروه مؤمنان

اِلَيْكَ وَالْمَكْسُوَّ حُلَلَ الْاَمانِ اِذا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالنّاطِقَ اِذا

بسوی تو و پوشیده شده جامه‌های امان زمانیکه بایستد در برابر تو و گویا شدن هرگاه

ما جدّ الجديدان صلّ على محمّد وآل محمّد
مادامیکه تازه شوند و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

خَرِسَتِ الْاَلْسُنُ بِالثَّناءِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَعْلِ مَنْزِلَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ

گنگ شوند زبانها بسبب ثنای تو خداوندا بلند گردان منزلت او را و بلند کن درجه او را

وَاَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ وَابْعَثْهُ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ

و ظاهر کردان حجت او را و قبول کن شفاعت او را و مبعوث گردان او را بمنزل پسندیده که وعده کرده او را

وَاغْفِرْ لَهُ ما اَحْدَثَ الْمُحْدِثُونَ مِنْ اُمَّتِهِ بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

و بیامرز از برای او آنچه احداث کرده احداث کنندگان از امت او بعد از او خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو

مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلامَةَ

سببهای رحمت ترا و حتم کنندهای آمرزش ترا و غنیمت بردن از هر احسانی و سلامتی

مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَاَسْئَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ

از هر گناهی و سؤال میکنم ترا فائز شدن به بهشت و خلاصی از آتش خداوندا

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِي صَلاتِي وَدُعائِي بَرَكَةً

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان از برای من در نمازم و دعایم برکتی

تُطَهِّرُ بِها قَلْبِي وَتُؤْمِنُ بِها رَوْعِي وَتَكْشِفُ بِها كَرْبِي وَتَغْفِرُ

که پاک گردانی بآن دلم را و امان دهی بآن خوف مرا و رفع کنی بآن اندوه مرا و بیامرزی

بِها ذَنْبِي وَتُصْلِحُ بِها اَمْرِي وَتُغْنِي بِها فَقْرِي وَتُذْهِبُ بِها ضُرِّي

بآن گناه مرا و صلاح کنی بآن حال مرا و توانگر گردانی بآن درویشی مرا و ببری بآن بدحالی مرا

وَتُفَرِّجُ بِها هَمِّي وَتُسَلِّي بِها غَمِّي وَتَشْفِي بِها سُقْمِي وَتُؤْمِنُ بِها خَوْفِي

و زایل کنی بآن هم مرا و تسلیه فرمائی بآن غم مرا و شفا دهی بآن بیماری مرا و ایمن گردانی بآن ترس مرا

وَتَجْلُو بِها حُزْنِي وَتَقْضِي بِها دَيْنِي وَتَجْمَعُ بِها شَمْلِي وَتُبَيِّضُ بِها

و برطرف فرمائی بآن اندوه مرا و ادا کنی بآن قرض مرا و جمع کنی پراکندگی مرا و سفید گردانی

وَجْهِي وَاجْعَلْ ما عِنْدَكَ خَيْراً لِي

رو مرا و بگردان آنچه نزد تست خیر از برای من

بعد از آن میگوئی



اللّهمّ انّی ادعوک لهمّ لا یفرّجه غیرک و لرحمة لا تنال الّا

خداوندا بدرستیکه من میخوانم تو را از برای غمی که نمی‌گشاید آن را غیر تو و از برای رحمتیکه نمیرسد مگر

منک و لحاجة لا یقضیها الّا انت یا کریم اللّهمّ کما کان من شأنک

از جانب تو و از برای حاجتیکه بر نمی‌آورد آن را مگر تو ای کریم خداوندا چنانچه بود از شأن تو

ما اردتنی به من ذکرک و الهمتنیه من شکرک و دعائک فلیکن من

آنچه اراده کرده بودی تو بمن از ذکر تو و الهام فرموده بودی از شکر تو و خواندن تو پس باید باشد از

شأنک الاجابة لی فیما دعوتک و النّجاة ممّا فزعت الیک منه فان

شأن تو اجابت از برای من در آنچه خوانده‌ام تو را و نجات دادن مرا از آنچه پناه آورده‌ام بسوی تو از آن

لم اکن اهلاً ان ابلغ رحمتک فانّ رحمتک اهلٌ ان

نبوده باشم سزاوار و اهل اینکه برسم برحمت تو پس بدرستیکه رحمت تو سزاوار است که

تبلغنی و تسعنی لانّها وسعت کلّ شیء و انا شیء فلتسعنی رحمتک

برسد بمن و گنجایش داده باشد مرا زیرا که گنجایش دارد هر چیز را و من نیز چیزی هستم از چیزها پس باید گنجایش دهد مرا

بعد از آن میگوئی و حال آنکه گریه کنی یا خود را بگریه بداری

الهی انّ ذنوبی و کثرتها قد غبّرت وجهی عندک و حجبتنی عن

ای خدای من بدرستیکه گناهان من و بسیاری آنها بتحقیق غبارآلوده کرده است روی مرا نزد تو و مانع گردیده است مرا از

استیهال رحمتک و باعدتنی عن استنجاز مغفرتک و لو لا تعلّقی

متوجه گردیدن برحمت تو و دور کرده است مرا از استحقاق آمرزش تو و اگر نبود دست‌آویزی من

بآلائک و تمسّکی بالرّجاء لما وعدت امثالی من المسرفین و اشباهی

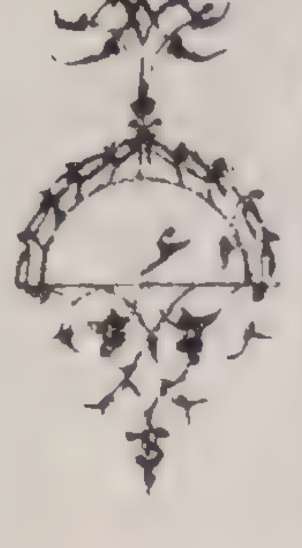
بنعمتهای تو و دست زدن من بامید واری آنچه وعده کرده‌ای تو امثال مرا از اسراف کنندگان و مانندان

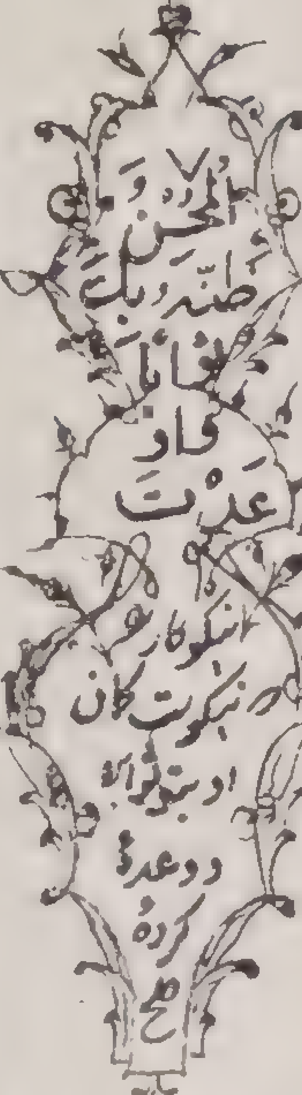
من الخاطئین بقولک یا عبادی الّذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا

از گناه کاران آنکه گفته‌ای تو و فرموده‌ای ای بندگان من آنانکه اسراف کرده‌اند بر نفسهای خود ناامید نشوید

من رحمة الله







انّ الله یغفر الذّنوب جمیعاً انّه هو الغفور الرّحیم و حذّرت القانطین

بدرستیکه خداوند می‌آمرزد گناهان را تمام بدرستیکه خداوند اوست بسیار آمرزنده و مهربان و ترسانیدی تو

من رحمتک فقلت و من یقنط من رحمة ربّه الّا الضّالّون ثمّ

از رحمت خود را پس گفته‌ای و کیست که ناامید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان پس

ندبتنا برحمتک الی دعائک فقلت ادعونی استجب لکم انّ الّذین

خوانده‌ای تو ما را برحمت خود بسوی خواندن تو پس فرموده‌ای تو بخوانید مرا اجابت میکنم دعای شما را بدرستیکه آنانکه

یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم داخرین الهی لقد

تکبر میورزند از عبادت من زود باشد داخل شوند بجهنم خوار شدگان ای خدای من هر آینه

کان ذلّ الایاس علیّ مشتملاً و القنوط من رحمتک بی ملتحفاً

بود ذلت نومیدی بر من مشتمل و نومیدی از رحمت تو مرا ملحف بود

الهی قد وعدت المحسن ظنّه بک ثواباً و عاقبت المسیء ظنّه بک عقاباً اللّهمّ و قد اسبل دمعی

ای خدای من بتحقیق وعده کرده‌ای نیکوکار را که بد گمان است بتو ... خداوندا و بتحقیق روان شده

حسن الظّنّ بک فی عتق رقبتی من النّار و تغمّد زلّتی و اقالة

بنیکوئی گمان من بتو در آزاد کردن گردن مرا از آتش و پوشیدن لغزش من و گذشتن

عثرتی و قلت و قولک الحقّ الّذی لا خلف فیه و لا تبدیل

خطای من و گفته‌ای تو و حال آنکه گفته تو حق است که نیست خلافی در آن و نه تغییری

یوم ندعو کلّ اناس بامامهم اللّهمّ انّی اقرّ و اشهد و اعترف

روزیکه میخوانیم هر طایفه از مردمان را با پیشوای ایشان خداوندا بدرستیکه من اقرار میکنم و گواهی

و لا اجحد و اسرّ و اظهر و اعلن و ابطن بانّک انت الله

و انکار نمیکنم در پنهان و آشکار و ظاهر و باطن باینکه توئی تو خدائیکه

الّذی لا اله الّا انت وحدک لا شریک لک و انّ محمّداً عبدک

نیست خدائی مگر تو تنهائی نیست شریکی مر تو را و بدرستیکه محمد بنده

و رسولک



اللّهمّ وقد اصبحت في يومي هذا لا ثقة لي ولا مفزع
خداوندا و بتحقیق صبح کرده‌ام در این روز خود و حال آنکه نیست اعتمادی از برای من و نیست کسیکه پناه برم باو
ولا ملجأ ولا ملتجأ غير من توسّلت بهم اليك من آل رسولك
و کسیکه پناه برم بسوی او غیر کسانیکه توسل جسته‌ام بایشان بسوی تو از آل رسول تو
عليّ وفاطمة والحسن والحسين وعليّ ومحمّد وجعفر وموسى وعليّ
علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی
ومحمّد وعليّ والحسن ومحمّد صلواتك عليهم اجمعين اللّهمّ
و محمد و علی و حسن و محمد رحمتهای تو بر ایشان باد همه خداوندا
فاجعلهم حصني من المكاره ومعقلي من المخاوف ونجّني بهم
پس بگردان ایشانرا قلعه نگاه دارنده مرا از مکروهات و پناه من از آنچه ترس باشد از آن و نجات ده مرا بسبب ایشان
من كلّ عدوّ وطاغ وفاسق باغ ومن شرّ ما اعرف وما انكر وما استتر
از هر دشمن از حد تجاوز کننده و هر فاسق ستمکار و از شر آنچه میشناسم و آنچه نمیشناسم و آنچه پوشیده است
عليّ وما ابصر ومن شرّ كلّ دابّة ربّي آخذ بناصيتها انّ ربّي
بر من و آنچه می‌بینم و از شر هر جنبنده که تو بگیرنده موی پیشانی او هستی پروردگار من بدرستیکه پروردگار من
على صراط مستقيم اللّهمّ بتوسّلي اليك بهم وتقرّبي
بر راه راست است خداوندا بتوسل جستن من بسوی تو بسبب ایشان و نزدیکی جستن من
بمحبّتهم افتح عليّ ابواب رحمتك ومغفرتك وحبّبني الى
بسبب دوستی ایشان بگشا بر من درهای رحمت خود و آمرزش خود را و دوست گردان مرا بسوی
خلقك وجنّبني عداوتهم وبغضهم انّك على كلّ شيء قدير
خلق خود و دور گردان مرا از دشمنی ایشان و کینه ایشان بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
اللّهمّ ولكلّ متوسّل ثواب ولكلّ ذي شفاعة حقّ فاسئلك
خداوندا و از برای هر وسیله جوینده ثوابی است و از برای صاحب شفاعت کننده حقی است پس سؤال میکنم

وانّ عليّاً امير المؤمنين وسيّد الوصيّين ووارث علم النّبيّين
و گواهی میدهم باینکه علی امیر مؤمنان است و سید اوصیاء است و وارث علم پیغمبران
وقاتل المشركين وامام المتّقين ومجاهد النّاكثين والقاسطين
و کشنده مشرکان و پیشوای پرهیزکاران و جهاد کننده با عهد شکنان و جور کنندگان
والمارقين امامي وحجّتي وصراطي ودليلي وحجّتي ومن لا اثق بالاعمال
و بیرون روندگان امام و حجت و راه من و دلیل من و حجت است و آنکه ندارم اعتماد باعمال
وان زكت ولا اراها منجية لي وان صلحت الّا بولايته والايتمام
اگرچه پاکیزه باشند و نمی‌بینم کردارها را نجات دهنده مرا هر چند نیکو باشند مگر بدوستی او و پیروی
به والاقرار بفضائله والقبول من حملتها والتّسليم لرواتها
او و اقرار کردن بفضیلتهای او و قبول کردن از نقل کنندگان آن و تسلیم نمودن براویان آن
اللّهمّ واقرّ باوصيائه من ابنائه ائمّة وحججاً وادلّة وسرجاً
خداوندا اقرار میکنم باوصیاء او از پسران او که امامانند و حجتهایند و راهنمایانند و چراغهایند
واعلاماً ومناراً وسادة وابراراً وامن بسرّهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم و
و نشانها و علامتها و بزرگان نیکوکارانند و اعتقاد دارم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و ظاهر ایشان و باطن ایشان
حيّهم وميّتهم وشاهدهم وغائبهم لا شكّ في ذلك ولا ارتياب
و زنده ایشان و مرده ایشان و حاضر ایشان و غائب ایشان نیست شکی در این و نه ارتیابی
ولا تحوّل عنه ولا انقلاب اللّهمّ فادعني يوم حشري وحين
و نیست برگشتن از این اعتقاد و نه انقلابی خداوندا پس بخوان مرا روز حشر من و هنگام
نشري بامامتهم واحشرني في زمرتهم واكتبني في اصحابهم وانقذني
برانگیختن بامامت ایشان و محشور کن مرا در گروه ایشان و بنویس در شمار اصحاب ایشان و رهائی ده مرا
بهم يا مولاي من حرّ النّيران فانّك ان اعفيتني منها كنت
بسبب ایشان ای آقای من از گرمی آتشها پس بدرستیکه تو اگر عافیت دادی مرا از آن

جعلتهم إليك سببي وقدّمتهم أمام طلبتي أن تعرّفني بركة يومي
هذا وشهري هذا وعامي هذا اللّهمّ فهم معوّلي في شدّتي و
رخائي وعافيتي وبلائي ونومي ويقظتي وظعني وإقامتي وعسري
ويسري وصباحي ومسائي ومنقلبي ومثواي اللّهمّ فلا تخلني بهم
من نعمتك ولا تخيّبني بهم من نائلك ولا تقطع رجائي من رحمتك
ولا تفتنّي بإغلاق أبواب الأرزاق وانسداد مسالكها وارتتاج
مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحاً يسيراً واجعل لي من كلّ ضنكٍ
مخرجاً وإلى كلّ سعةٍ منهجاً برحمتك يا أرحم الرّاحمين اللّهمّ
واجعل اللّيل والنّهار مختلفين عليّ برحمتك ومعافاتك ومنّك
وفضلك ولا تفقرني إلى أحدٍ من خلقك برحمتك يا أرحم الرّاحمين
إنّك على كلّ شيءٍ قديرٌ وبكلّ شيءٍ محيطٌ

بعد از آن بگو

اللّهمّ إنّي أسألك يا مدرك الهاربين ويا ملجأ الخائفين ويا
صريخ المستصرخين ويا غياث المستغيثين ويا منتهى غاية السّائلين
ويا مجيب دعوة المضطرّين يا أرحم الرّاحمين يا الله يا ربّاه يا عزيز
يا حكيم يا غفور يا رحيم يا قاهر يا عليم يا سميع يا بصير يا لطيف
يا خبير يا قهّار يا جبّار يا رحمن يا منّان يا سبّوح يا قدّوس يا مبدئ
يا معيد يا باعث يا وارث يا فارج الهمّ يا كاشف الغمّ يا منزل
الحقّ يا قائل الصّدق يا ذا الآلاء
الجميلة والطّول العظيم يا معروفاً
بالإحسان يا موصوفاً بالامتنان يا من قصرت عن وصفه
ألسن الواصفين وانقطعت عنه أفكار المتفكّرين يا شاهد
النّجوى يا كاشف الغمّ ودافع البلوى يا نعم النّصير
والمولى

يا منعم يا مفضل يا محسن يا مجمل يا من لا يشغله صغير عن كبير

ای نعمت دهنده ای تفضل کننده ای احسان کننده ای نیکوئی کننده ای کسیکه مشغول نمیسازد او را کوچکی از بزرگی

ولا حقير عن خطير يا من بدأنا بالنعم قبل استحقاقها وبالفضل

و نه حقیری از کثیری ای کسیکه ابتدا کرده بنعمت‌ها پیش از استحقاق آن و بتفضیل

قبل استيجابها يا احق من عبد تعبّد ورجى واعتمد اسئلك

پیش از استیجاب آن ای سزاوارتر کسیکه پرستیده شود و امید داشته شود و اعتماد کرده شود سؤال

بكل اسم مقدس مطهر مكنون اخترته لنفسك وكل ثناء

بحق هر نام مقدس پاکیزه پنهانی که برگزیده برای خود و هر ثنای

عال رفيع كريم رضيته لمدحتك وبحق كل ملك قربته

بلند برتر کریمی که راضی شده از برای مدح کردن تو و بحق هر ملکی که نزدیک کرده

منزلته عندك وبحق كل نبي ارسلته الى عبادك وبحق كل

منزلت او را نزد خود و بحق هر پیغمبری که فرستاده تو او را بسوی بندگان خود و بحق هر

شيء جعلته مصدقاً لرسلك وكل كتاب فصلته واحكمته

چیزیکه گردانیده او را تصدیق کننده برای رسولان خود و بحق هر کتابیکه تفصیل داده او را و محکم

وشرعته وكل دعاء سمعته فاجبته وعمل رفعته

و سنت قرار داده او را و هر دعائیکه شنیده او را پس اجابت کرده او را و عملیکه بلند کرده او را

واسئلك بكل من عظمت حقه واعليت قدره و

و سؤال میکنم ترا بحق هر که بزرگ گردانیده حق او را و برتر گردانیده قدر او را

عرفتنا امره ومن لم تعرفنا مقامه ولم تظهر لنا شانه

و شناسانیده ما را شان او و کسیکه نشناسانیده ما را مقام او را و ظاهر نکرده از برای ما شان او را

ممن خلقته من اول ما ابتدأت به من خلقك ومن تخلقه

از آنکه آفریده او را از اول آنچه ابتدا کرده به آن از آفریدگان خود و از آنکه خواهی آفرید

اللهم واسئلك بتوحيدك الذي فطرت عليه العقول واخذت

بار خدایا و سؤال میکنم ترا بحق یکتا دانستن تو که خلق فرموده بر آن عقلها را و فرا گرفته

به المواثيق وارسلت به الرسل وجعلته اول فروضك ونهاية

بآن پیمانها و فرستاده بآن پیغمبران را و گردانیده او را اول واجبات خود و نهایت

طاعتك واتوجه اليك بجودك ومجدك وكرمك وعزك وجلالك

طاعت تو و متوجه میشوم بسوی تو بجود تو و بزرگی تو و کرم تو و عزت تو و جلال تو

وعفوك وامتنانك وتطولك واسئلك

و عفو تو و منت گذاشتن تو و تفضل کردن تو و سؤال میکنم

يا الله يا الله يا الله

ای خدای من ای خدای من ای خدای من

يا رباه يا رباه يا رباه

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

فانت انت انت

در حقیقت توئی توئی

يا دائماً يا دائماً يا باقياً

ای دائم ای دائم ای باقی

واخر حبيبك ورسولك محمد سيد المرسلين

و بحق آخر دوست تو و رسول تو محمد بزرگ رسولان

واشرف الاولين والاخرين وبالرسالة التي اديتها والعبادة التي

و شریفترین پیشینیان و پسینیان و به رسالتی که ادا کرد آنرا و عبادتی که

اجتهد بها والمحنة التي صبر عليها والمغفرة التي دعا اليها والديانة

کوشش کرد در آن و محنتی که صبر کرد بر آن و آمرزشی که خواند بسوی آن و دین

عَلَيْهِما مُنْذُ وَقْتِ رِسالَتِكَ اِيّاهُ اِلى اَنْ تَوَفَّيْتَهُ وَبِما بَيْنَ ذلِكَ مِنْ

بر آن از وقت فرستادن تو او را بسوی ایشان تا وقتیکه رحلت داد او را و به آنچه در میان آن

فَوائِدِ الْحِكْمَةِ وَاَفْعالِ الْكَرامَةِ وَمَقاماتِهِ الْمَشْهُودَةِ وَساعاتِهِ الْمَعْدُودَةِ

فوائد حکمتها و کردارهای بزرگ از آن و مقامهای حاضر گردیده شده و ساعتهای شمرده شده

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ كَما وَعَدْتَهُ مِنْ نَفْسِكَ وَتُعْطِيَهُ اَفْضَلَ ما اَمَّلَ

اینکه رحمت بفرستی بر او چنانچه وعده کرده او را از جانب خود و عطا کنی او را افضل آنچه قصد کرده

مِنْ ثَوابِكَ وَتُزْلِفَ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ وَتُعْلِيَ عِنْدَكَ دَرَجَتَهُ

از ثواب تو و نزدیک فرمائی نزد خود مرتبه او را و بلند گردانیده نزد خود مرتبه او را

وَتَبْعَثَهُ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ وَتُورِدَهُ حَوْضَ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَعَلى آلِهِ

و برانگیزانی او را بجایگاه پسندیده و وارد سازی او را بر حوض کرم و جود و رحمت بفرستی بر آل او

الطَّيِّبينَ الْاَطْهارِ الْمُنْتَجَبينَ الْاَبْرارِ وَعَلى جَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَالْمَلائِكَةِ

پاکیزه گانند و پاکان و برگزیدگان و نیکوکارانند و بر جبرئیل و میکائیل و بر فرشتگان

الْمُقَرَّبينَ وَعَلى جَميعِ الْاَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ

مقربان و بر جمیع پیغمبران و رسولان و شهیدان و صالحان

اَللّهُمَّ اِنّي اَصْبَحْتُ لا اَمْلِكُ لِنَفْسي ضَرّاً وَلا نَفْعاً وَلا مَوْتاً

خداوندا بدرستیکه من داخل صبح شده ام که نیستم مالک مر نفس خود را نه ضرر و نه نفع و نه مردن

وَلا حَيوةً وَلا نُشُوراً قَدِ انْقَطَعَتْ وَسائِلي وَذَهَبَتْ مَسائِلي

و نه زنده گی و نه محشور شدن را بتحقیق که بریده شده است وسیلههای من و رفته است سؤالهای من

وَذَلَّ ناصِري وَاَسْلَمَني اَهْلي وَوَلَدي اَللّهُمَّ وَقَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ

و خوار شده است یاری کننده من و واگذارده است مرا اهل من و ولد من خداوندا بتحقیق که دشوار شده است طلب

وَاَعْيَتِ الْحِيَلُ اِلّا عِنْدَكَ وَانْقَطَعَتِ الطُّرُقُ وَضاقَتِ الْمَذاهِبُ

و عاجز شده است چارهها مگر نزد تو و بریده شده است راهها و تنگ شده است مذهبها

وَدَرَسَتِ الْآمالُ وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْكَ وَكَذَبَ الظَّنُّ

و محو شده است و باطل شده است امیدهای من و بریده شده است آرزوها مگر از تو و دروغ شده است گمان

وَاَخْلَفَتْنِي الْعِداتُ اِلّا عِداتَكَ اَللّهُمَّ اِنَّ مَناهِلَ الرَّجاءِ

و خلاف شده است وعدهها مگر وعده تو خداوندا بدرستیکه مناهل امید

لِفَضْلِكَ مُتْرَعَةٌ وَاَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحَةٌ وَالْاِسْتِعانَةَ

مر فضل تو را مملو است و درهای دعا از برای کسیکه بخواند ترا گشوده است و یاری جستن

لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةٌ وَالْاِسْتِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ

برای کسیکه یاری جوید بتو جایز و حلال است و طلب فریادرسی از برای کسیکه طلب فریادرسی کند بتو موجود است

وَاَنْتَ لِداعيكَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ اِلَيْكَ وَلِيُّ الْاِغاثَةِ

و تو بدرستیکه خواننده خود را محل اجابتی و تو بدرستیکه از برای فریاد کننده بسوی تو متولی فریادرسی

وَلِلْقاصِدِ اِلَيْكَ قَريبُ الْمَسافَةِ وَاَنْتَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ

و از برای قصد کننده بسوی تو قریب المسافه و تو بدرستیکه پوشیده نمیشوی از خلق خودت

اِلّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمالُ السَّيِّئَةُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ

مگر اینکه بپوشاند ایشان را کردارهای زشت و بتحقیق که میدانم که بهترین توشه رحلت کننده

اِلَيْكَ عَزْمُ اِرادَةٍ وَاِخْلاصُ نِيَّةٍ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِعَزْمِ اِرادَتي

بسوی تو عزم بودن اراده است و خالص بودن نیت است و بتحقیق که من خوانده ام ترا بعزم اراده خود

وَاِخْلاصِ طَوِيَّتي وَصادِقِ نِيَّتي فَها اَنَا ذا مِسْكينُكَ

و خالص بودن طویت خود و راستی نیت خود پس اینکه منم مسکین توام

بائِسُكَ اَسيرُكَ فَقيرُكَ

محتاج توام اسیر توام فقیر توام

سائِلُكَ مُنيخٌ بِفِنائِكَ قارِعٌ

سؤال کننده توام اقامت کننده در فنای توام کوبنده

درگاه توام

رجائك وانت اولى من نجح الواثق بك واحق برعاية المتضرع

اليك سرّي لك مكشوف وانا اليك ملهوف اذا او

حشتني الغربة آنسني ذكرك واذا

صبّت علي الامور استجرت بك واذا

تلاحكت علي الشدائد املتك واين

يذهب بي عنك وازمّة الامو

ر كلها بيدك صادرة عن قضائك

مذعنة بالخضوع لقدرتك فقيرة

الى عفوك ذات فاقة الى رحمتك

وقد مسني الفقر

ونالني الضر وشملتني الخصاصة وعرتني الحاجة

وتوسمت بالذلة وعلتني المسكنة وحقت علي الكلمة

واحاطت بي الخطيئة وهذا الوقت الذي وعدت اولياءك

فيه الاجابة فامسح ما بي بيمينك الشافية وانظر الي بعينك

الراحمة وادخلني في رحمتك الواسعة واقبل علي بوجهك

يا ذا الجلال والاكرام فانك اذا اقبلت على اسير فككته

وعلى ضال هديته وعلى حائر آويته وعلى ضعيف قويته

وعلى خائف آمنته اللهم انك انعمت علي فلم اشكرك وابتليتني

فلم اصبر فلم يوجب عجزي عن شكرك منع المؤمل من فضلك

واوجب عجزي عن الصبر على بلائك كشف ضرك وانزال

رحمتك فيا من قل عند بلائه صبري فعافاني وعند نعمائه

شكري فاعطاني اسألك المزيد من فضلك والايزاع

لشكرك والاعتداد بنعمائك

في اعقاب العافية

ورفتار نموده‌اند



واسبغ النعمة انك على كل شيء قدير اللهم لا تخلني
و کامل گردان نعمت را بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی خداوندا و مگذار
من يدك ولا تتركني لقى لعدوك ولا لعدوي ولا توحشني
از دست خود و مگذار مرا رانده شده از برای دشمن تو و نه از برای دشمن من و در وحشت میدار
من لطائفك الخفية وكفاياتك الجميلة هذا مقام العائذ بك
از لطفهای پنهان تو و کارگذاریهای نیکوی تو این مقام کسی است که پناه آورنده
اللائذ بعفوك المستجير بعز جلالك قد راى اعلام قدرتك
و التجا آورنده باشد بعفو تو جوینده باشد بعز جلال تو بتحقیق که دیده باشد نشانهای قدرت تو
فاره آثار رحمتك اللهم تولني ولاية تغنيني بها عن سواها
پس بنما او را علامات رحمت خود را خداوندا متولی شو مرا متولی شدنی که بی نیاز گردانی مرا بسبب آن از
واعطني عطية لا احتاج الى غيرك معها فانها ليست ببدع
و عطا کن مرا عطائی که محتاج نباشم بسوی غیر تو با وجود آن پس بدرستیکه نیست بامر تازه
من ولايتك ولا بنكر من عطياتك ارفع الصرعة وانعش
از متولی شدن تو و نه ناشناخته شدن از بخشش تو بلند کن افتاده را و بر خیزان
السقطة وتجاوز عن الزلة واقبل التوبة وارحم الهفوة
لغزیده را و بگذر از لغزش و قبول کن توبه را و رحم کن افتاده را
وانج من الورطة واقل العثرة يا منتهى الرغبة وغياث
و نجات ده از هلاکت و فسخ کن ذلتها ای منتهای رغبت رغبت کنندگان و فریادرس
الكربة وولي النعمة وصاحبي في الغربة
اندوه اندوهناکان و ولی نعمت و مونس من در غربت و رانده
ورحمن الدنيا والآخرة
و بسیار بخشنده دنیا و آخرت

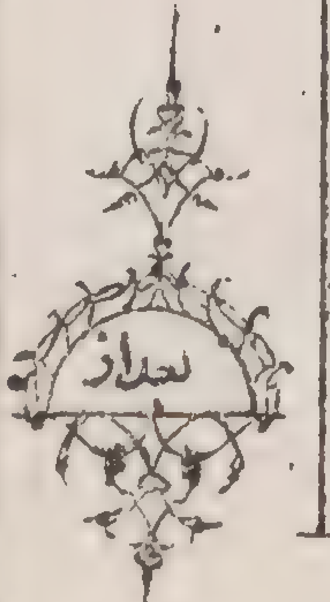




من دحض المزلة فقد كبوت وثبتني على الصراط المستقيم
از محل لغزیدن پس بتحقیق که لغزیدم و ثابت بدار مرا بر راه راست
والا غويت يا هادي الطريق يا فارج المضيق يا ربي اللصيق
و الا گمراه خواهم بود ای راه نماینده راه ای گشاینده تنگی ای همسایه در پهلو
يا ركني الوثيق احلل عني المضيق واكفني شر ما اطيق وشر
ای رکن محکم من بگشا از من تنگی را و کفایت کن برای من شر آنچه طاقت
ما لا اطيق يا اهل التقوى واهل المغفرة والعزة والقد
آنچه طاقت ندارم ای اهل پرهیزکاری و اهل آمرزش و عزت و توانائی
رة والآلاء والعظمة يا ارحم الراحمين واكرم الناظرين
و نعمتها و بزرگی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و کریم ترین نظر کنندگان
ورب العالمين لا تقطع منك رجائي ولا تخيب
و پروردگار عالمیان قطع مفرما از خود امید مرا و ناامید مگردان

دعا

ولا تجهد بلائي ولا تسئ قضائي ولا تجعل النار ماواي
و سخت مگردان بلای مرا و ناخوش مگردان قضای مرا و مگردان آتش را جای بازگشت
واجعل الجنة مثواي واعطني من الدنيا مناي وبلغني
و بگردان بهشت را مقام من و عطا کن از دنیا آرزوی مرا و برسان
من الآخرة املي ورضاي وآتني في الدنيا حسنة وفي
مرا در آخرت بامید من و خوشنودی من و بده بمن در دنیا نیکوئی و در
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار انك على كل شيء قدير
آخرت هم نیکوئی و نگاه دار مرا از عذاب آتش بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
وبكل شيء محيط
و بهمه چیز احاطه کننده



بعد از آن بخوان دعای سید العابدین و آن از دعاهای صحیفه کامله است

الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته وميز بينهما

حمد مر خدای را آن چنان خدایی که آفرید شب و روز را به قوت خود و جدا کرد میان

بقدرته وجعل لكل واحد منهما حدا محدودا وامدا

به قدرت خود و گردانید از برای هر یکی از آنها غایتی معین شده

ممدودا يولج كل واحد منهما في صاحبه و

و غایتی معین کرده شده داخل میسازد هر یک از این شب و روز را در مصاحب او

يولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم

داخل میسازد مصاحب او را به تقدیر و اندازه که از جانب اوست از برای بندگان در آنچه

به وينشئهم عليه فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه

بان نشو و نما میدهد ایشان را پس آفرید برای ایشان شب را تا آنکه ساکن شوند در او

من حركات التعب ونهضات النصب وجعله لهم

از حرکتهای تعب و برخاستنهای مشقت و گردانید

لباسا ليلبسوا من راحته ومنامه فيكون ذلك لهم

جامه تا بپوشند ایشان از راحت آن شب و خواب آن پس بوده باشد این

جماما وقوة ولينالوا

راحت و توانائی و تا آنکه برسند

به لذة وشهوة وخلق

بسبب آن لذت و شهوت و آفرید

لهم النهار

از برای ایشان روز را

مبصرا ليبتغوا

روشن تا آنکه طلب کنند

فيه وليتسببوا الى

در آن و وسیله جویند بسوی

من فضله

رزقه ويسرحوا في ارضه طلبا لما فيه نيل العاجل

روزی خود و سیر و استراحت کنند در زمین طلب کردن آن چیزی که در آن رسیدن بنفع حاضر

من دنياهم ودرك الآجل في اخراهم بكل ذلك يصلح

دنیای ایشان و دریافتن نفع آینده در آخرت ایشان و به همه اینها اصلاح میکند

شأنهم ويبلو اخبارهم وينظر كيف هم في اوقات طاعته

حال ایشان را و امتحان میکند خبرهای ایشان را و نظر میکند چگونه اند ایشان در وقتهای طاعت او

ومنازل فروضه ومواقع احكامه ليجزي الذين اساءوا

و جاهای واجبات او و موقعهای احکام او تا آنکه جزا دهد آنانی که بد کردند

بما عملوا ويجزي الذين احسنوا بالحسنى اللهم فلك الحمد

بسبب آن چیزی که کرده اند و جزا دهد آنانی که نیکی کرده اند بجزای نیک خداوندا پس از برای تست حمد

على ما فلقت لنا من الاصباح ومتعتنا به من ضوء النهار

بر آنچه شکافتی از برای ما از صبح و بهره مند گردانیدی ما را بسبب آن از روشنی روز

وبصرتنا به من مطالب الاقوات ووقيتنا فيه من طوارق

و بینا گردانیدی ما را بسبب آن از جاهای طلب روزیها و نگاه داشتی ما را در آن از حادثه های

الآفات اصبحنا واصبحت

آفتها داخل صبح شدیم و داخل صبح گردید

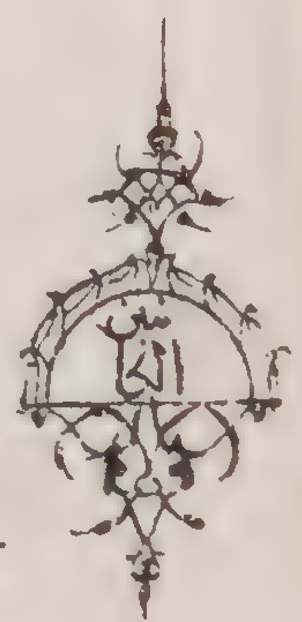
الاشياء كلها بجملتها

چیزها همه با همه



لك سماؤها وأرضها وما بثثت في كل واحد منهما ساكنه و
از برای تو است آسمان آنها و زمین آنها و آنچه ساخته‌ای در هر یک از زمین و آسمان ساکن آن و
متحركه وشاخصه ومقيمه وما علا في الهواء وما كنّ تحت الثرى
و جنبنده آنها و چشم دوخته آنها و اقامت کننده آنها و آنچه بالا رفته است در هوا و آنچه پنهان است زیر زمین
أصبحنا في قبضتك يحوينا ملكك وسلطانك وتضمّنا
صبح کردیم در پنجه اقتدار تو فرو میگیرد ما را ملک تو و پادشاهی تو و جمع میکند ما را
مشيّتك ونتصرّف عن أمرك ونتقلّب في تدبيرك ليس
خواست تو و تصرف میکنیم در کارها بامر تو و میگردیم از حالی بحالی در آنچه تدبیر تو است نیست
لنا من الأمر إلّا ما قضيت ولا من الخير إلّا ما أعطيت اللهمّ
ما را از کار خود مگر آنچه امر تو در آن مقرر شده و نه از نیکوئی مگر آنچه عطا فرموده خداوندا
وهذا يوم حادث جديد وهو علينا شاهد عتيد إن أحسنّا
این روزیست حادث شونده تازه و او بر ما شاهد است حاضر اگر نیکی کنیم
ودّعنا بحمد وإن أسأنا فارقنا بذمّ اللهمّ صلّ على محمّد وآله
وداع میکند ما را بستایش و اگر بدی کنیم ما مفارقت میکند از ما بمذمت خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او
وارزقنا حسن مصاحبته واعصمنا من سوء مفارقته بارتكاب
و روزی کن ما را خوبی مصاحب داشتن با این روز و نگاه دار ما را از بدی مفارقت نمودن با او
جريرة أو اقتراف صغيرة أو كبيرة وأجزل لنا فيه من الحسنات
معصیتی یا کسب گناه کوچکی یا گناه بزرگی و بسیار گردان از برای ما در این روز از نیکوئیها
وأخلنا فيه من السيّئات واملأ لنا ما بين طرفيه حمدا وشكرا
و خالی ساختن ما را در این روز از بدیها و پر کن از برای ما آنچه میان دو طرف این روز است از حمد و شکر

وأجرا وذخرا
وفضلا وإحسانا | و اجر و ذخیره آخرت | اللهمّ يسّر على الكرا
و فضل و احسان | | خداوندا آسان کن بر فرشتگان





الكاتبين مؤونتنا واملأ لنا من حسناتنا صحائفنا ولا تخزنا عنده
کرامًا کاتبین گرانی ما را و پر کن از برای ما از حسنات ما نامه اعمال ما را و رسوا مکن ما را نزد ایشان
بسوء أعمالنا اللهمّ اجعل لنا في كلّ ساعة من ساعاته حظّا
بسبب کردارهای بد ما خداوندا بگردان از برای ما در هر ساعتی از ساعات این روز بهره
من عبادتك ونصيبا من شكرك وشاهد صدق من ملائكتك
از پرستش خود و نصیبی از شکر گزاری و گواه راستی از فرشتگان
اللهمّ صلّ على محمّد وآله واحفظنا فيه من بين أيدينا
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و نگاه دار ما را در این روز از پیش روی ما
ومن خلفنا وعن أيماننا وعن شمائلنا ومن جميع نواحينا حفظا
و از پشت سر ما و از جانبهای راست ما و از جانبهای چپ ما و از همه جانبهای ما نگاه داشتنی
عاصما من معصيتك هاديا إلى طاعتك مستعملا لمحبّتك
نگاه دارنده باشد از معصیت تو راه نماینده باشد بسوی طاعت تو کار فرموده باشد برای دوستی تو
اللهمّ صلّ على محمّد وآله ووفّقنا في يومنا هذا وليلتنا
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و توفیق ده ما را در روز ما و این شب ما
هذه وفي جميع أيّامنا لاستعمال الخير وهجران الشرّ وشكر النعم
این و در همه روزهای ما از برای کار خیر کردن و دوری کردن از شر و شکر گزاری نعمتها
واتّباع السنن ومجانبة البدع والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر
و پیروی کردن سنتها و دوری کردن بدعتها و امر کردن بچیزهای نیکو و نهی کردن از کارهای زشت
وحياطة الإسلام وانتقاص الباطل وإذلاله ونصرة الحقّ
و محافظت کردن بر مسلمانی و شکستن باطل و خوار کردن آن و یاری دادن حق

وإعزازه وإرشاد
الضالّ ومعاونة | و گرامی داشتن آن و راه نمودن | الضعيف وإدراك
گمراه و یاری نمودن | | ضعیف و دریافتن





اللهم صل على محمد وآل محمد واجعله افضل

يوم عهدناه وايمن صاحب صحبناه وخير وقت ظللنا فيه

واجعلنا من ارضى من مر عليه الليل والنهار من جملة خلقك

اشكرهم لما اوليت من نعمك واقومهم بما شرعت من شرائعك

واوقفهم عما حذرت من نهيك اللهم اني اشهدك وكفى

بك شهيدا واشهد سماءك وارضك ومن اسكنتهما

من ملائكتك وسائر خلقك في يومي هذا وساعتي هذه

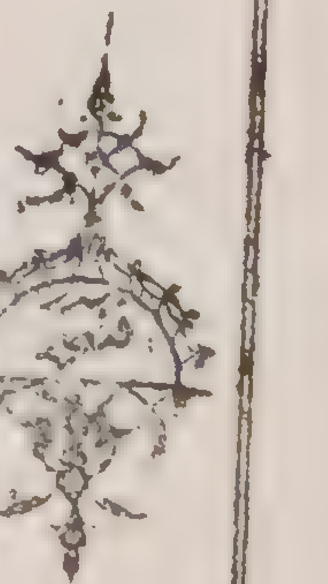
وليلتي هذه ومستقري هذا اني اشهد انك انت الله الذي

لا اله الا انت قائم بالقسط

عدل في الحكم رؤف بالعباد مالك الملك

رحيم بالخلق وان محمدا عبدك ورسولك وخيرتك

من خلقك حملته رسالتك فاداها وامرته بالنصح لامته



در بیان تعقیبات نماز صبح



فنصح لها فصل على محمد وآل محمد واكثر ما صليت على احد

من خلقك وآته افضل ما آتيت احدا من عبادك واجزه

عنا افضل واكرم ما جزيت احدا من انبيائك عن امته انك

انت المنان بالجسيم الغافر للعظيم وانت ارحم من كل

رحيم وصلى الله على سيدنا

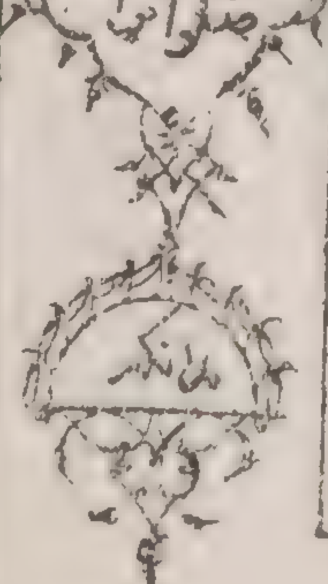
ونبينا محمد وآله الطاهرين

الاخيار الانجبين

و بدانکه دعاها و ذکرها که وارد شده است از ائمه معصومین سلام الله

علیهم در تعقیبات خصوصا

تعقیب عقیب نماز صبح





بدانکه آنچه ما ذکر کردیم

آن از تعقیب مأخوذ است ❁ از روایات متعدده ❁ و مجموع آن تبدیل
به روایت واحدی ❁ پس بهتر است که اقتصار نمائی بر بعضی از آن ❁ هرگاه
وسعت نداشته باشی ❁ از برای همه ❁ و هرگاه بیابی در نفس خود
سستی و ملالتی ❁ پس تکلیف مفرما از برای سبل تسبیحات و اقبال بر
زیرا که توجه و اقبال [illegible] روح عبادت و دعاست

و سنت است

نشستن تو در مصلای خود بعد از
فراغ از نماز صبح تا اینکه طلوع کند
آفتاب هرچند نبوده باشی مشغول
بتعقیب پس بتحقیق که روایت شده است
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که
فرمودند که هر که نماز کند و بنشیند
در مصلای خود ❁ تا طلوع آفتاب
خواهد بود از برای

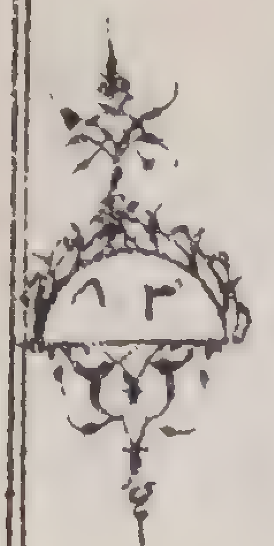
ستری از آتش و سزاوار است [illegible] خواندن یس بعد از تعقیب
پس بدرستیکه خواننده آن در صباح همیشه محفوظ است و روزی داده شده است
تا آنکه شام کند و این سوره را دافعه میگویند جهت آنکه دفع میکند از
خواننده خود هر شری را و قاضیه نیز میگویند باعتبار آنکه برمی آورد از برای
خواننده خود [illegible] هر حاجتی را

فصل

بدانکه وارد است قسمت روز بدوازده ساعت نسبت هر ساعتی بیکی از

که خلوص دعا و خواهنده باشند و غافلی منظور نظر اشتباه باشد مگر حضرت رب العالمین جلت عظمته





اثنی عشر علیهم السلام

و بخصیص آن بدعائیکه خوانده شود در آن ❁ و ما ذکر میکنیم هر یک از آنها را
با دعای آن در محل خود انشاء الله ❁ پس ساعت اول همین ساعتی است که کلام ما در این
در آن است یعنی ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب و این منسوب است

بحضرت امیر المؤمنین

علیه السلام و دعا این است

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَالْفَلَقِ

خداوندا ای پروردگار تاریکی و روشنی

وَالْفَجْرِ وَالشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا

و صبح ❁ و شفق ❁ و شب و آنچه

وَسَقَ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ

جمع کند از لیل ❁ و ماه ❁ هرگاه مجتمع شود

وَخَالِقَ الْاِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ

و آفریننده انسان ❁ از پاره خون

اَظْهَرْتَ قُدْرَتَكَ بِبَدِيعِ

ظاهر کردی تو قدرت خود را بصنعت بدیع خود

صُنْعِكَ وَخَلَقْتَ عِبَادَكَ لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ

صنعت خود ❁ و آفریدی تو بندگان خود را ❁ بجهت آنچه تکلیف کرده ایشان را از عبادت خود و راه نموده

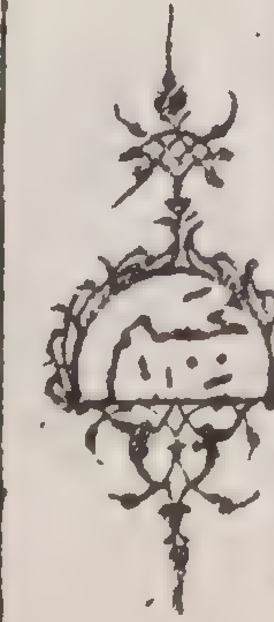
بِكَرَمِ فَضْلِكَ اِلَى سُبُلِ طَاعَتِكَ وَتَفَرَّدْتَ فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ

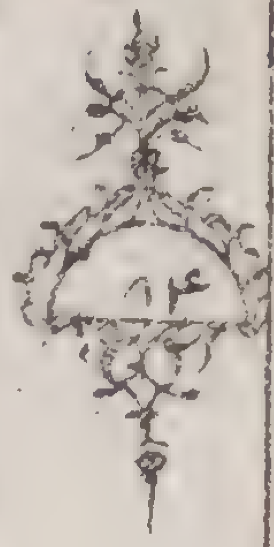
بسبب بزرگواری فضل خود ❁ بسوی راههای طاعت خود ❁ و یگانه شدی در تمام عوالم ملک و ملکوت خود [illegible]

السلطان

وَتَوَدَّدْتَ اِلَى خَلْقِكَ بِقَدِيمِ الْاِحْسَانِ وَتَعَرَّفْتَ اِلَى بَرِيَّتِكَ

و اظهار کردی [illegible] بسوی خلق خود بسبب قدیم بودن احسان تو ❁ و اظهار خود کردی بسوی آفریدگان





در بیان ادعیه ساعت ... (title cartouche, partly illegible)

بحق الامتنان یا من یسئله من فی السموات والارض کل یوم هو

بحق بزرگی منت تو ای کسیکه سؤال میکنند او را هر که در آسمانها و زمین است هر روز او

فی شأن اسئلک اللهم بحق محمد خاتم النبیین الذی نزل به الروح

در کاری است سؤال میکنم خداوندا بحق محمد آخر پیغمبران که فرود آمده است بر او روح

الامین علی قلبه لیکون من المنذرین بلسان عربی مبین و

الامین که جبرئیل است با قرآن بر دل او تا بوده باشد از ترسانندگان به زبان عربی ظاهر و

بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب ابن عم الرسول وبعل البتول

بحق امیر المؤمنین علی پسر ابی طالب پسر عم رسول و شوهر بتول

الذی فرضت ولایته علی الخلق وکان بدو وحیث دار الحق دار

که واجب گردانیده دوستی او را بر خلق و بود چنین که میگشت حق هر جا که میگشت او

تصلی علی محمد وآل محمد فقد جعلتهم وسیلتی الی

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس تحقیق که گردانیده ام ایشان را وسیله خود و آماده خود

وبین یدی حوائجی فان تغفر لی ذنبی وتطهر قلبی وتستر عیبی

و مقدم داشتم ایشان را پیش حاجتهای خود و اینکه بیامرزی گناه مرا و پاک گردانی قلب مرا و بپوشانی عیبهای مرا

وتفرج کربی وتبلغنی من طاعتک وعبادتک املی وتقضی

و دفع کنی اندوه مرا و برسانی مرا از طاعت تو و عبادت تو آرزوی مرا و برآوری

لی حوائجی للدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین

برای من حاجتهای مرا از برای دنیا و آخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

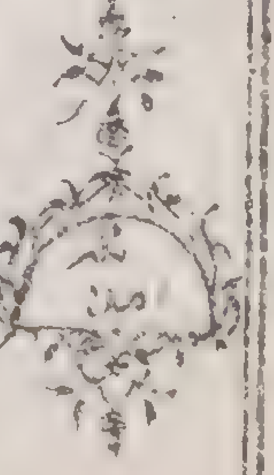
وجایز است که بگردانی این دعا را از جمله تعقیب صبح و باید که بوده باشد

آخر تعقیبهای او و پس از آن بعد از نماز و سجده شکر پس بتحقیق که روایت

کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت ابی عبد الله علیه السلام

که فرمودند که سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی و تمام میکنی بآن

نماز خود را و راضی میکنی بآن پروردگار خود را و به شگفت میآوری





در بیان سجده ... موسی بن جعفر علیه السلام (title cartouche, partly illegible)

ملائکه را از نو و بدرستیکه بنده هرگاه نماز کند و بعد از آن سجده کند سجده

شکر را میگشاید پروردگار حجاب را میان بنده و میان ملائکه پس

میفرماید ای ملائکه من نگاه کنید به بنده من که بجا آورده است فرض مرا

و تمام کرده است عهد مرا پس سجده کرده است برای من جهت شکر بر آنچه

انعام کرده ام من بآن ای ملائکه من چه چیز است برای او پس میگویند ملائکه

پروردگارا رحمت تو باز میفرماید خدا تعالی پس از آن دیگر چه چیز است برای

پس میگویند ملائکه ای پروردگار ما کفایت مهم و مطلب او باز میفرماید

خدا تعالی پس از آن دیگر چه چیز است برای او پس باقی نمیماند چیزی از خیر

مگر اینکه میگویند از ملائکه پس میفرماید خدا تعالی ای ملائکه من پس از آن

چه چیز است برای او پس میگویند ملائکه ای پروردگار ما نمیدانیم از برای ما

پس میفرماید خدا تعالی هر آینه شکر میکنم من او را چنانکه او

شکر کرد مرا و رو میآورم سوی او بفضل خود و مینمایانم با و رحمت خود

و شیخ طوسی روایت کرده ... پس سجده ها پس بتحقیق روایت کرده است در

فقیه نیز که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بسجده میرفتند بعد از آنکه

نماز صبح میکردند الی بر نمیداشتند سر مبارک را تا اینکه بلند میشد روز

پس هرگاه بکنی این سجده را پس میکنی ذراعهای خود را بر زمین

و میچسبانی سینه خود را ... و شکم خود را بر زمین و بجا آوردن روایت

کرده ثقة الاسلام در کافی ... از حضرت ابی الحسن علیه السلام پس میگوئی در سجده اول

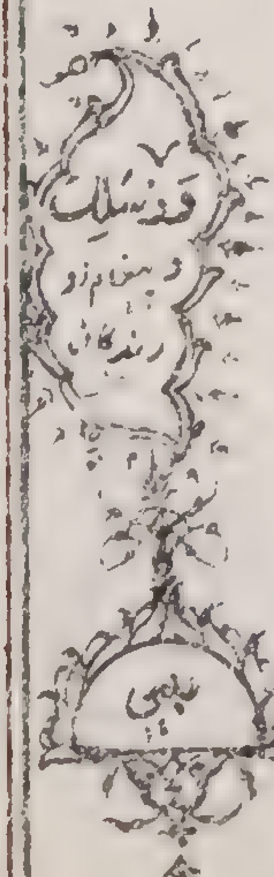
اللهم

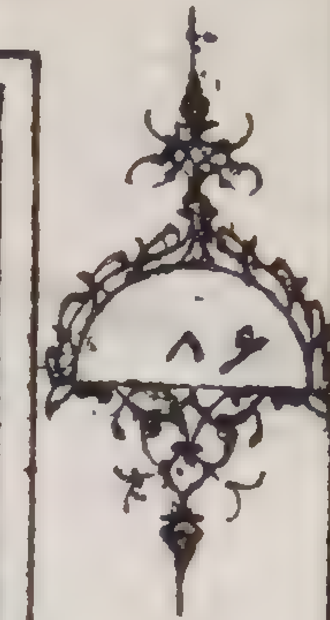
انی اشهدک واشهد ملائکتک وانبیائک وجمیع خلقک

بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و جمیع آفریدگان ترا

انک انت الله ربی والاسلام دینی ومحمد صلی الله علیه وآله

بدرستیکه توئی خداوند پروردگار من و اسلام دین من است و محمد رحمت خداوند بر او و آل او





نبیّ و علیّاً و الحسن و الحسین و علیّاً و محمّداً و جعفراً و موسی

پیغمبر تو و علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی

و علیّاً و محمّداً و علیّاً و الحسن و محمّداً سلام الله علیهم

و علی و محمد و علی و حسن و محمد رحمت خدا بر ایشان باد

ائمّتی بهم اتولّی و من اعدائهم اتبرّء

امامان من هستند به ایشان دوستی میکنم و از دشمنان ایشان بیزاری میجویم

بعد از آن میگوئی سه مرتبه

اللّهمّ انّی انشدک دم المظلوم

خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق خون مظلوم

بعد از آن میگوئی سه مرتبه

اللّهمّ انّی انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک

خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق عهدیکه تو کرده بر نفس خود از برای دوستان خود

لتظفرنّهم بعدوّک و عدوّهم ان تصلّی علی محمّد

باینکه ظفر دهی ایشان را بر دشمن تو و دشمن ایشان اینکه رحمت بفرستی بر محمد

و آل محمّد و علی المستحفظین من آل محمّد صلّی الله علیه و آله

و آل محمد و بر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کند خدا بر او و آل او

بعد از آن میگوئی سه مرتبه

اللّهمّ انّی اسئلک الیسر بعد العسر

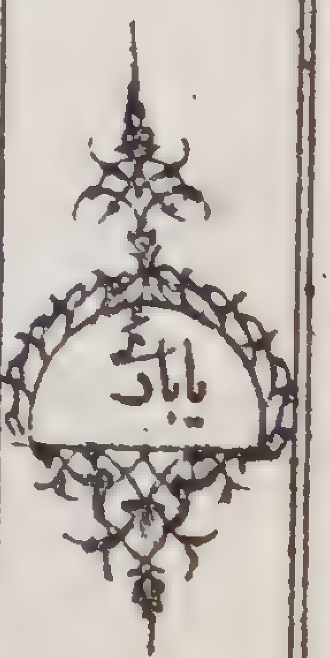
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسانی بعد از دشواری

بعد از آن میگذاری گونهٔ

راست خود را بر زمین و میگوئی

یا کهفی حین تعیینی المذاهب و تضیق علیّ الارض بما رحبت

ای پناه من در وقتیکه بتعب اندازد مرا راهها و تنگ میشود بر من زمین با همه وسعت او ای خدا





یا باری خلقی رحمة بی و کان عن خلقی غنیّاً صلّ علی محمّد و آل محمّد

ای آفریننده خلق من جهت رحمت بر من و حال آنکه بود از بدن آفریدن من بی نیاز رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

و علی المستحفظین من آل محمّد صلّی الله علیه و آله

و بر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کند بر او خدا و بر آل او

بعد از آن میگذاری گونهٔ

چپ خود را بر زمین و میگوئی سه مرتبه

یا مذلّ کلّ جبّار و یا معزّ کلّ ذلیل قد و عزّتک بلغ مجهودی

ای خوار کننده هر جبار و ای عزیز کننده هر خوار بتحقیق قسم بعزت تو رسیده است در من شفقت

بعد از آن میگوئی سه مرتبه

یا حنّان یا منّان یا کاشف الکرب العظام

ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای رفع کننده اندوهای بزرگ

بعد از آن ثانیا میکنی بسجدهٔ دوّم و میگوئی در آن صد مرتبه شکراً شکراً

بعد از آن سؤال میکنی حاجت خود را و روایت شده از آن حضرت علیه السلام

که میفرمودند در سجدهٔ شکر باواز حزین و حال آنکه اشکهای او روان بود

عصیتک یا ربّ بلسانی و لو شئت و عزّتک لاخرستنی

گناه کرده ام تو را ای پروردگار من بزبان خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه گنگ میکردی مرا

و عصیتک ببصری و لو شئت و عزّتک لاکمهتنی و

و گناه کرده ام تو را بچشم خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه کور میکردی مرا و

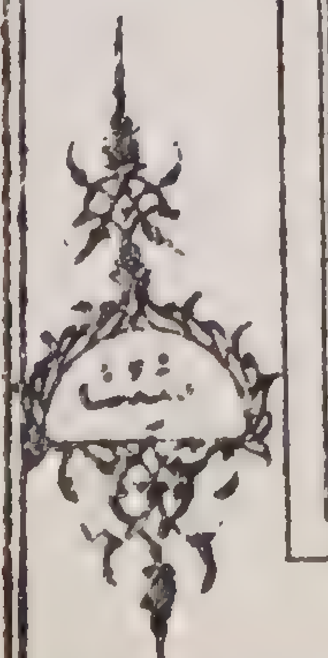
عصیتک بسمعی و لو شئت و عزّتک لاصممتنی و عصیتک

گناه کرده ام تو را بگوش خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه کر میکردی مرا و گناه کرده ام تو را

بیدی

و لو شئت و عزّتک لکنعتنی و عصیتک برجلی و لو

و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر اینه شل میکردی مرا و گناه کرده ام تو را بپای خود و اگر



سترت وعزتك لجذمتني وعصيتك بفرجي ولو شئت وعزتك

می‌خواستی قسم بعزت تو هر اینه مبتلا بجذام [illegible] و گناه کرده‌ام بفرج خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو

لعقمتني وعصيتك بجميع جوارحي التي أنعمت بها علي وليس هذا جزاؤك

هر اینه عقیم [illegible] و گناه کرده‌ام ترا بجمیع اعضاء خود که انعام کرده‌ای بآنها بر من و نیست این جزای تو

بعد از آن بگوید هزار مرتبه

العفو العفو

بعد از آن بچسباند [illegible] صورت خود را بر زمین [illegible]

بؤت إليك بذنبي عملت سوءاً وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي

اقرار کرده‌ام [illegible] و ستم کرده‌ام بنفس خود پس بیامرز گناهان مرا

فإنه لا يغفر الذنوب غيرك يا مولاي

بدرستیکه نمی‌آمرزد گناهان را غیر تو ای آقای من

بعد از آن بچسباند [illegible] صورت خود را بر زمین [illegible]

ارحم من أساء واقترف واستكان واعترف

رحم کن کسی را که بد کرده باشد و کسب گناه کرده باشد و فروتنی [illegible] کرده باشد

بعد از آن سر را از سجده بردارد [illegible]

اللهم لك الحمد خلقتني وأنا لم أك شيئاً [illegible]

أعني أهوال الدنيا وبوائق الدهر ونكبات الزمان ومصيبات

[illegible] و دنیا و [illegible] روزگار و [illegible]

الليالي والأيام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض [illegible]

شبها و روزها و کفایت کن مرا از شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین [illegible]

فأصبحني في أهلي فاخلفني فيما رزقتني فبارك لي في نفسي

[illegible]

لك

إلهي فذللني وفي أعين الناس فعظمني وإليك فحببني وبذنوبي

[illegible] پس دوست گردان مرا و بگناهان [illegible]

فلا تفضحني وبعملي فلا تبتليني وبسريرتي فلا تخزني ومن شر الجن

[illegible]

والإنس فسلمني لمحاسن الأخلاق فوفقني ومن مساوي الأخلاق

[illegible] اخلاق پسندیده [illegible]

فجنبني إلى من تكلني يا رب المستضعفين وأنت ربي إلى عدو

[illegible] ای پروردگار ضعیفان [illegible]

ملكته أمري أم إلى بعيد يتجهمني فإن لم تكن غضبت علي

[illegible]

يا رب فلا أبالي غير أن عافيتك أوسع لي وأحب إلي أعوذ بنور

ای پروردگار [illegible] عافیت تو [illegible] پناه می‌آورم

وجهك الذي أشرقت به السماوات والأرض وكشفت به

ذات تو [illegible] روشن شده به آن [illegible] آسمانها و زمین [illegible]

الظلمة وصلح عليه أمر الأولين والآخرين أن تحل علي

تاریکی [illegible] امر گذشتگان و آیندگان [illegible]

غضبك وتنزل بي سخطك لك العتبى حتى ترضى وبعد الرضا

غضب تو [illegible] خشنود شوی [illegible]

ولا حول ولا [illegible] إلا بك

[illegible]

[illegible] تا ظهر [illegible]

[illegible] ساعت [illegible]

[illegible] ساعات [illegible] برای هر ساعتی دعائی [illegible]

بان است ❀ پس ساعت اول که ما بین طلوع صبح است تا طلوع آفتاب از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام است ❀ و ذکر کردیم ما دعای آنرا ❀ در جمله اعمال الوقت
پس هر آینه ذکر نمیکنیم در این مقام آنچه مخصوص باین وقت است پس میگوئیم ❀
که ساعت دوم از طلوع آفتاب است تا بر طرف شدن سرخی آن و این ساعت مخصوص بحضرت

امام حسن علیه السلام است

و میخوانی در آن ساعت این دعا را

اَللّٰهُمَّ یا خالِقَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَمالِکَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ
خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین و مالک گشادن و بستن
وَمُدَبِّرَ الْاِبْرامِ وَالنَّقْضِ وَمَنْ لا یُجیبُ الْمُضْطَرَّ اِذا دَعاهُ وَیَکْشِفُ
و تدبیر محکم کردن و خراب نمودن و کسیکه جواب میدهد بیچاره را هرگاه بخواند او را و دور میکند
السُّوءَ یا مالِکُ یا جَبّارُ یا واحِدُ یا قَهّارُ یا عَزیزُ یا غَفّارُ یا مَنْ
بدی را ای پادشاه ای جبر کننده ای یگانه ای قهار ای غالب ای بسیار بخشنده ای کسیکه
لا تُدْرِکُهُ الْاَبْصارُ وَهُوَ یُدْرِکُ الْاَبْصارَ یا مَنْ لا یُمْسِکُ خَشْیَةَ
ادراک نمیکند او را چشمها و او ادراک میکند چشمها را ای کسیکه نمیکند امساک از ترس
الْاِنْفاقِ وَلا یَفْتُرُ خَوْفَ الْاِمْلاقِ یا کَریمُ یا رَزّاقُ یا مُبْتَدِئاً
نفقه دادن و کوتاهی نمیکند از خوف فقیر شدن ای بزرگوار ای بسیار روزی دهنده ای ابتدا کننده
بِالنِّعَمِ قَبْلَ الْاِسْتِحْقاقِ یا مَنْ یُنَزِّلُ الرُّوحَ مِنْ اَمْرِهِ عَلیٰ مَنْ یَشاءُ
به نعمتها قبل از استحقاق ای کسیکه فرو میفرستد روح را از امر خود بر هر که میخواهد
مِنْ عِبادِهِ لِیُنْذِرَ یَوْمَ التَّلاقِ کَبُرَتْ نِعْمَتُکَ عَلَیَّ وَصَغُرَ فی جَنْبِها
از بندگان خود تا آنکه بترساند از روز ملاقات بزرگ است نعمت تو بر من و کوچک است در جنب آن
شُکْری وَدامَ غِناکَ عَنّی وَعَظُمَ
شکر من و همیشه است بی نیازی تو از من و بزرگ است
اِلَیْکَ فَقْری اَسْئَلُکَ یا عالِمُ
بسوی تو حاجت من سؤال میکنم ترا ای دانا

سرّی

سِرّی وَجَهْری یا مَنْ لا یَقْدِرُ سِواهُ عَلیٰ کَشْفِ ضُرّی اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ
پنهان و آشکار من ای کسیکه قادر نیست غیر او بر دفع کردن بدی حال من اینکه رحمت بفرستی
مُحَمَّدٍ رَسُولِکَ الْمُخْتارِ وَحُجَّتِکَ عَلَی الْاَبْرارِ وَالْفُجّارِ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ
بر محمد رسول تو و برگزیده تو و بر حجت تو بر نیکوکاران و بدکاران و بر اهل بیتش
الطّاهِرینَ الْاَخْیارِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ بِالْاَنْزَعِ الْبَطینِ عِلْماً
پاکان و اخیار و توسل میجویم بسوی تو بانزع بطین از حیث علوم
وَبِالْاِمامِ الزَّکِیِّ الْحَسَنِ الْمَقْتُولِ سَمّاً فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ
و بامام پاکیزه از هر رذائل حسن علیه السلام کشته شده بزهر پس بتحقیق شفاعت میجویم با ایشان
اِلَیْکَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامی وَبَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی اَنْ تَمُدَّنی مِنْ لَدُنْکَ
بسوی تو و مقدم داشته ام ایشان را پیش روی خود برای حاجتهای خود اینکه زیاد کنی مرا از نزد خود
عِلْماً وَتَهَبَ لی حُکْماً وَتَجْبُرَ کَسْری وَتَشْرَحَ بِالتَّقْویٰ صَدْری
علم و ببخشی برای من حکمی و اصلاح کنی شکستگی مرا و بگشائی به پرهیزکاری سینه مرا
وَتَرْحَمَنی اِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیا اَثَری وَتَذْکُرَنی اِذا نُسِیَ فیها ذِکْری
و رحم کنی مرا هرگاه برپا شود از دنیا نشان من و یاد کنی مرا هرگاه فراموش شود در دنیا یاد من
بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و ساعت سوم

که از بر طرف شدن سرخی آفتاب است ❀ تا بلند شدن روز ❀ از حضرت

امام حسین علیه السلام
و میخوانی در آن ساعت این دعا را

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْبابِ وَمُسَبِّبَ الْاَسْبابِ وَمالِکَ الرِّقابِ
خداوندا ای پروردگار پروردگاران و سبب سازنده سببها و مالک گردنها
وَمُسَخِّرَ السَّحابِ
و مسخر کننده ابر

و مسهل

وَمُسَهِّلَ الصِّعابِ يا حَليمُ يا تَوّابُ يا كَريمُ يا وَهّابُ يا مُفَتِّحَ الاَبْوابِ

يا مَنْ حَيْثُ ما دُعِيَ اَجابَ يا مَنْ لَيْسَ لَهُ حاجِبٌ وَلا بَوّابٌ يا مَنْ لَيْسَ

لِخَزائِنِهِ قُفْلٌ وَلا بابٌ يا مَنْ لا يَحْجُبُهُ سِتْرٌ وَلا يُضْرَبُ دُونَهُ حِجابٌ

يا مَنْ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ يا غافِرَ الذَّنْبِ وَقابِلَ التَّوْبِ

شَديدَ الْعِقابِ اَللّهُمَّ انْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلاّ مِنْ فَضْلِكَ وَخابَ

الْاَمَلُ اِلاّ مِنْ كَرَمِكَ فَاَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَبِعَلِيِّ بْنِ

اَبي طالِبٍ صَفِيِّكَ وَبِالْحُسَيْنِ الْاِمامِ التَّقِيِّ الزَّكِيِّ الَّذِي اشْتَرى

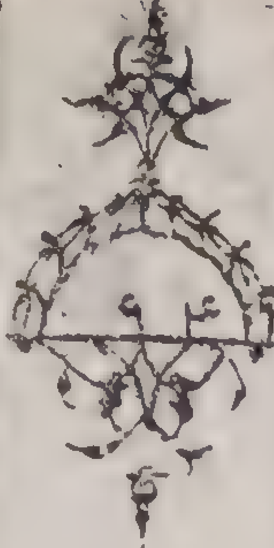
نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِكَ وَجاهَدَ النّاكِثينَ عَنْ صِراطِ طاعَتِكَ

فَقَتَلُوهُ ساغِباً ظَمْئاناً وَهَتَكُوا حُرْمَتَهُ بَغْياً وَعُدْواناً وَحَمَلُوا

رَأْسَهُ فِي الْآفاقِ وَاَحَلُّوهُ مَحَلَّ اَهْلِ الْعِنادِ وَالشِّقاقِ اَللّهُمَّ فَصَلِّ

عَلى مُحَمَّدٍ وَجَدِّهِ وَعَلَى الْباغي عَلَيْهِ حَرِّبْ نَقِمَتَكَ وَانْتِقامَكَ

وَسَخَطَكَ وَنَكالَكَ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ ...



وَاَفْئِدَتَهُمْ اِماماً وَبُرْهاناً بِكَ تَحَوُّلي اَنْ لا تَقْطَعَ رَجائي مِنِ امْتِنانِكَ وَلا تُخَيِّبَ آمِلي

في اِحْسانِكَ وَنَوالِكَ وَلا تُبْلِيَ اَنْتَ الْمُسَدِّدُ لِعَلَيَّ مِنْ جَهْلِكَ وَلا تُسَيِّرَ عَنّي عَوْنَكَ

طُولَ السَّهَرِ نِعْمَتَكَ وَوَفِّقْني لِما يُقَرِّبُني اِلَيْكَ وَاصْبِرْني عَلى بَلاءِ نَعْمَتِكَ وَاَعْطِني مِنْ

فَضْلِكَ يا ذَا الْجُودِ وَاكْفِني مِنَ الشَّرِّ ما اَخافُ وَاحْفَظْني بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمالِكُ وَكُلُّ شَيْءٍ سِواكَ هالِكٌ

سُبْحانَكَ ... النُّجُومُ السَّواقِطُ وَاَمْطَرَتْ ... الْغُيُومُ السَّواري وَ

... وَعَلِمْتَ ما فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ

... الظُّلُماتِ ... يا سَميعُ يا بَصيرُ يا بَرُّ يا شَكُورُ يا غَفُورُ

يا رَحيمُ يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ يا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْاُولى

وَالْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكيمُ الْخَبيرُ اَسْئَلُكَ سُؤالَ الْبائِسِ الْفَقيرِ وَاَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ



بر بادتی و نقصان ❁ و انچه اورده ام من از دراین کتاب ان است که وثوق دارم
دارم بران وخداست ❁ ولی توفیق ❁

فصل

و از انچه سزاوار است که کرده شود در اول روز تصدق است ❁ هر چه میسر شود
هر چند کم باشد ❁ روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام
که فرمود ❁ که پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود ❁ که صبح کاه بدهید صدقه ❁ پس بدرستیکه
بلا او را نمیگیرد ❁ و روایت کرده است نیز در کافی از انحضرت علیه السلام که فرمود صبح کاه
بدهید صدقه ❁ و رغبت کنید در ان ❁ پس نیست مؤمنی که تصدق کند بصدقه
که اراده کند انچه را از خداست ❁ جهت اینکه دفع کند خدا و ند جل جلاله ان او بسبب
ان صدقه شر انچه فرود میاید در ان روز ❁ از انچه کرده میشود در اول روز مسح کردن
بگلاب است ❁ پس در حدیث از اصحاب عصمت سلام الله علیهم وارد شده است ❁
هر که مسح کند روی خود را بگلاب بهم نرسد او را در ان روز احتیاجی و نه فقری ❁ و باید که مسح کرده
در وی و دستها و صلوة فرستاده شود بر پیغمبر صلی الله علیه واله ❁ و از انچه کرده میشود
در اول روز ❁ در غالب اوقات مندیل پیچیدنست و پوشیدن جامها و موزه و نعل
پس ما اینجا ذکر مینمائیم ما بعضی از اداب و دعاهای انها را ❁ پس میگوئیم اما مندیل پیچیدن
❁ پس بتحقیق که روایت شده است ❁ که سزاوار است ❁ که گفته شود نزد ان ❁

اللّهمّ سوّمنی بسیمآء الایمان وتوّجنی بتاج الکرامة وقلّدنی حبل الاسلام

خداوندا ❁ نشان کن مرا بنشان اهل ایمان ❁ و تاج ده مرا بتاج کرامت ❁ و در گردن من ببند ریسمان اسلام

ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی

و مندیل میپیچی ❁ در حالتیکه نشسته باشی ❁ و هرگاه مندیل پیچیدی پس تحنک کن
بمندیل خود بدرستیکه تحنک ❁ سنت مؤکد است ❁ و روایت کرده است شیخ
طایفه در تهذیب بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرمود بدرستیکه
من تعجب میکنم از کسیکه ❁ مشروع کند در حاجت خود و حال انکه کرده انده باشد

الضّالع الکسیر و اتوکّل علیک توکّل الخاشع المستجیر و اقف ببابک

و فروتنی کردن خم شده شکسته ❁ و توکل میکنم بر تو ❁ توکل کردن خشوع کننده پناه ارنده و میایستم بدرگاه تو

وقوف المؤمّل الفقیر و اتوسّل الیک بالبشیر النّذیر والسّراج المنیر

ایستادن امیدوار ❁ محتاج ❁ و متوسل میشوم بسوی تو ببشارت دهنده ترساننده و چراغ روشن ❁

محمّد خاتم النّبیّین وابن عمّه امیر المؤمنین وبالامام علیّ بن الحسین زین

محمد خاتم ❁ پیغمبران ❁ و پسر عم او ❁ امیر المؤمنین ❁ و بامام ❁ علی بن الحسین ❁ زینت

العابدین و امام المتّقین المخفی للصّدقات والخاشع فی الصّلوات والدّائب

عبادت کنندگان ❁ و پیشوای پرهیزکاران پنهان دهنده تصدقات و خشوع کننده در نمازها و تعب کشنده

المجتهد فی المجاهدات السّاجد ذی الثّفنات ان تصلّی علی محمّد وال

و جد و جهد کننده در مجاهدات ❁ سجده کننده ❁ صاحب پینه ❁ در جبهه تا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و ال ❁

محمّد فقد توسّلت بهم الیک وقدّمتهم امامی وبین یدی حوائجی وان

محمد ❁ پس بتحقیق که متوسل شدم بایشان بسوی تو ❁ و مقدم داشتم ایشان را پیش روی و پیش حاجتهای خود و اینکه ❁

تعصمنی من مواقعة معاصیک و ترشدنی الی موافقة ما یرضیک و تجعلنی

نگاه داری مرا از محاربه با معصیتها ❁ و راهنمائی ❁ مرا بسوی موافقت انچه راضی کرده است ترا ❁ و بگردانی

ممّن یؤمن بک و یثق بک و یخافک و یرجوک و یراقبک و یستحیی منک

از انهائی که ایمان دارد بتو و میپرهیزد از تو ❁ و میترسد از تو و امید دارد از تو و در قلب خود مراعات ترا میکند

و یتقرّب الیک بموالات من یوالیک و یتحبّب الیک بمعادات من کان

و نزدیکی میجوید بسوی تو ❁ بدوستی کردن کسیکه دوست میگیرد ترا و اظهار دوستی میکند بسوی تو بدشمنی کردن با

یعادیک و یعترف لدیک بعظیم نعمتک و ایادیک برحمتک یا ارحم الرّاحمین

دشمنی میکند با تو و اعتراف میکند نزد تو بزرگی نعمتهای تو ❁ و احسانهای تو ❁ برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم

و بدانکه نسخهای دعای ساعتها اختلاف بسیار دارد

عمامه را زیر حنک خود در چگونه بر شما باید حاجت او و حرام است اما ادیث ترغیب بسحنک بسیار است و تحقیق که متعقد است اجماع شیعه را بر ترغیب اینها نیز و ما که چگونه انکار میکنند ما را با انکه روایت کرده اند و در کتابها خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله که نهی فرموده است از اقتعاط و امر کرده به تلحی گفته است در کتاب صحاح اقتعاط بستن عمامه است بی بیکر دانیدن زیر حنک و در حدیث واقع شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است از اقتعاط و امر کرده به تلحی تمام شد کلام صحاح و تلحی گردانیدن عمامه است زیر الحبین و بدانکه استحباب تحنک عام است در جمیع اوقات و حالات مخصوص نیست بحال نماز هرچند نماز در ان افضل است بلکه ان سنتی است خواه نماز کرده شود در ان یا نه و نیست استحباب ان از برای نماز چنانچه ظاهر میشود از کلام بعضی از علمای ما و بنا بر آنچه مقدم است از احادیثیکه در کتب اصول ما نقل شده است چیزی که دلالت میکند بر استحباب ان از برای نماز بلکه احادیث در این باب واقع شده همه عام است و تحقیق که تصریح کرده است با ین علامه قدس الله روحه در منتهی المطلب چون اورده است احادیثی که دلالت میکند بر اینکه تحنک سنتی است فی نفسه بعد از ان فرموده بتحقیق ظاهر شد با این احادیث استحباب تحنک مطلقا خواه بوده باشد در نماز یا در غیر ان تمام شد کلام او پس سزاوار است که هرگاه تحنک کنی نزد اراده نماز قصد کنی استحباب انرا النفسه مانند اکثر مستحباب انرا النفسه مانند اکثر مستحبات نه اینکه از برای غیر خود یعنی نماز مانند و دامثلگی بودن تحنک شرط در زیادتی ثواب نماز اقتضا نمیکند استحباب انرا از برای نماز و این ظاهر است اما اداب پوشیدن جامها پس سزاوار کوتاه کردن جامه است پس بتحقیق که نقل شده است در تفسیر قول خدای تعالی وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ که مراد این است که جامه خود را کوتاه کن و سزاوار است که نکشد اسنین از سرانگشتان و جامه بدل مکن جامه صوف برادرانت مپوش جامه شهرت و بپوش در نماز جامه سفید و بتحقیق که روایت

شده است از حضرت صادق علیه السلام که گفته میشود نزد پوشیدن جامه نو

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَبَرَكَةٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ

خداوندا بگردان این جامه را جامه یمن و برکت خداوندا روزی کن مرا در او ادای شکر نعمت تو و نیکی

عِبَادَتِكَ وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ

عبادت تو و عمل بطاعت تو حمد مر خدا را که روزی کرده مرا انچه بپوشم با او عورت خود را و زینت

فِي النَّاسِ

و روایت شده است از حضرت باقر علیه السلام که گفته میشود نزد پوشیدن جامه

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقْوَى وَبَرَكَةٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ

خداوندا بگردان این جامه را جامه یمن و پرهیزکاری و برکت خداوندا روزی کن مرا در ان نیکوئی عبادت تو

وَعَمَلاً بِطَاعَتِكَ وَأَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ

و عمل بطاعت و بجا اوردن شکر نعمت تو حمد مر خدا را است که پوشانید مرا انچه پنهان میکنم با او

عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ

عورت خود را و زینت میکنم بان در میان مردمان

و روایت شده است که گفته میشود نزد پوشیدن زیر جامه

اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَأَعِفَّ فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ

خداوندا بپوشان عورت مرا و ایمن گردان ترس مرا و پرهیزکار گردان فرج مرا و مگردان برای شیطان

نَصِيبًا وَلَا لَهُ إِلَى ذَلِكَ وُصُولاً فَيَصْنَعَ لِيَ الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ مَحَارِمِكَ

بهره و نه از برای ان بسوی ان رسیدنی پس قرار دهد برای من مکرها و برانگیزاند مرا برای ارتکاب حرامهای تو

و سزاوار است که پوشیده شود زیر جامه رو بقبله و اما پوشیدن موزه و نعل پس باید که بوده باشد در حالیکه نشسته باشد و میپوشد نعل پای راست را پیش از چپ و نزد کندن میکند بعکس این در حالیکه ایستاده باشد و میگوید نزد پوشیدن هر یک از موزه و نعل

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ



در بیان آداب لباس کندن

اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و ثبّت قدمیّ فی الدّنیا و الآخرة و ثبّتهما

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و در راه بر پاسی پایهای مرا در دنیا و آخرت و ثابت گردان

علی الصّراط یوم تزلّ فیه الاقدام

بر صراط روزی که میلغزد در آن پاها

و میگوئی نزد کندن آنها

بسم الله و الحمد لله الّذی رزقنی ما اوقی به قدمیّ من الاذی

بنام خداوند و حمد مر خدا را که روزی کرد مرا آنچه حفظ کنم بآن پاهای خود را از آزار

اللّهمّ ثبّتهما علی صراطک و لا تزلّهما عن صراطک السّویّ

خداوندا ثابت بدار آنها را بر صراط خود و ملغزان آنها را از صراط راست

و روایت شده است از حضرت صادق علیه السّلام پوشیدن موزه سرخ در حضر نه در سفر

و روایت شده است از آنحضرت علیه السّلام که فرمودند که از جمله سنّت است موزه

سیاه و نعل زرد و مکروه شمرده اند آنحضرت علیه السّلام پوشیدن نعل سیاه را

و روایت شده است از آنحضرت علیه السّلام که هر که بپوشد نعل زرد کهنه نمیکند آنرا

تا اینکه هم رساند مالی و هم از آنحضرت است علیه السّلام که هر که بپوشد نعل زرد

خواهد بود در سرور و شادی تا کهنه کند آنرا

فصل

و از آنجا جاری شده است عادت بآن و در اثنای این وقت یعنی میان طلوع آفتاب

و زوال اکل و شرب پس در اینجا ذکر میکنیم ما پارهٔ از آداب آنرا و آداب آنها اکر روایت

شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم پس میگوئیم که هرگاه میخواهی چیزی

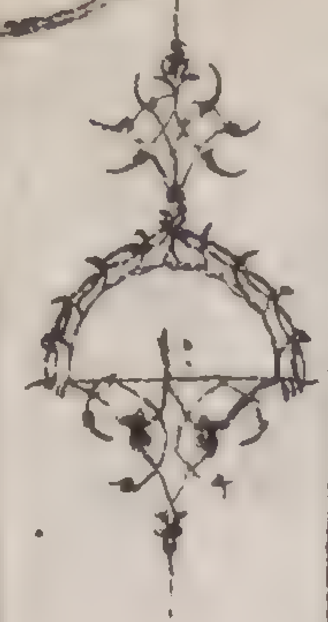
بخوری پس بنشین بر جانب چپ خود و منشین مربّع پس بدرستیکه آن

نشستنی است که ناخوش میدارد آنرا خدا تعالی و دشمن میگردد صاحب آنرا

چنانچه روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و هرگاه دراز کنی دست

خود را جهة اکل پس بگو (بسم الله و الحمد لله ربّ العالمین) پس بتحقیق که روایت شده است





در بیان آداب غذا است خوردن

از حضرت صادق علیه السّلام که مرد هرگاه خواهد که چیزی بخورد پس پاک کند دست

خود را بسم الله و الحمد لله ربّ العالمین می‌آمرزد خدا تعالی او را

پیش از آنکه برسد لقمه بدهن او و روایت شده است استحباب لقمه هر رنگی

از طعام و روایت شده است نیز استحباب آن بر هر ظرفی که مائده باشد هر چند از یکرنگ

باشد و هر که فراموش کند تسمیه را هر رنگی پس بگوید بسم الله علی اوّله و آخره

روایت کرده است ابن ادریس محدّثین در فقیه و از آنجمله سزاوار است که گفته شود نزد شروع

در اکل این دعا است

الحمد لله الّذی یطعم و لا یطعم و یجیر و لا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه

سپاس مر خدا را که طعام میکند و طعام داده نمیشود و پناه میدهد و محتاج به پناه دادن نیست و بی نیاز است و او را احتیاج

اللّهمّ لک الحمد علی ما رزقتنا من طعام و ادام فی یسر منک و عافیة من غیر

خداوندا از برای تو است حمد بر آنچه روزی کردی ما را از طعام و نان خورش در آسانی از تو و عافیت بی

کدّ منّا و لا مشقّة بسم الله خیر الاسماء بسم الله ربّ الارض و السّماء بسم الله

رنج از ما و بی مشقت بنام خدا بهترین نامهاست بنام خدا پروردگار زمین و آسمان است بنام خدا

الّذی لا یضرّ مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السّماء و هو السّمیع العلیم اللّهمّ

که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در زمین و نه در آسمان و او است شنوا و دانا خداوندا

سعّدنی فی مطعمی بخیره و اعذنی من شرّه و امتعنی بنفعه و سلّمنی من ضرّه

نیک بخت کن مرا در طعام من بخیر او و پناه ده مرا از شر آن و بهره مند گردان مرا بنفع آن و سلامت دار مرا از ضرر او

و سزاوار است که بوده باشد اوّل آنچه بخوری هر روز ناشتا بیست یک دانه مویز سرخ

پس روایت شده است از پیغمبر صلّی الله علیه و آله هر که بخورد هر روز ناشتا بیست و یک دانه

مویز سرخ بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و بشوید دستهای خود را هر دو را

پیش از طعام و بعد از آن و هر چند بوده باشد چیز خوردن تو بیک دست و روایت

کرده است رئیس محدّثین در فقیه از پیغمبر صلّی الله علیه و آله که فرموده که هر که بشوید

دست خود را پیش از طعام و بعد از آن زندگی کند در فراخی و عافیت داده شود از بلاء شکم



دو بدن او باشد ❁ و بتحقیق که روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که این زیاده میکند در عمر و جلا میدهد چشم را ❁ و باید اگر تو صاحب ❁ طعام باشی بنشینی اول بعد از همه بنشینید بعد از تو کسی که بر طرف راست تو باشد ❁ و در نشستن دوم میشوی تو آخر همه ❁ و ابتدا میکنند کسی که بر طرف چپ تو باشد و روایت شده است ابتدا در شستن دوم هر که بر طرف راست تو باشد خواه آزاد باشد خواه بنده ❁ و پاک مکن دست خود را بمندیل بعد از شستن اول ❁ و پاک کن آنرا بعد از شستن دوم ❁ بعد از آنکه مالیده باشی تری آنرا بچشمهای خود ❁ و پاک مکن دست خود را بمندیل هر گاه دیگران اثر طعام باشد ❁ تا اینکه بلیسی آنرا و تکرار کن حمد خدا تعالی در اثنای اکل ❁ و ابتدا کن باکل پیش از حاضران ❁ اگر بوده باشی تو صاحب طعام ❁ و فرا گیر دست خود را از آن بعد از ایشان ❁ و سزاوار نیست چیزی خوردن بدست چپ و بیزاب آشامیدن بآن ❁ و نه چیزی خوردن بدو انگشت ❁ و هر گاه حاضر نان ❁ پس انتظار مکش حاضر شدن غیر آنرا از اطعمه ❁ و مکذار نان را زیر کاسه و میبر نان را بکارد ❁ و ابتدا کن بنمک و ختم کن بآن ❁ و روایت شده است ختم بسرکه نیز ❁ و سنت است حاضر کردن سبزی تازه ❁ بر مائده و مخور گوشت در یکروز دو مرتبه و بخورید هر سه روز یکمرتبه و ترک آن تا چهل روز ❁ و خالی مکن تمام گوشت استخوان را ❁ بلکه بگذار از آن بقیه ❁ پس بتحقیق که روایت شده است که از برای جن از آن بهره ایست ❁ و اینکه هر که بکند این امر را از خانه او آنچه بهتر باشد ❁ و سنت است طول دادن نشستن بر مائده ❁ اگر بوده باشی تو صاحب طعام ❁ پس بتحقیق که روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن ❁ از زراره که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام ❁ که فرمودند که سه چیز است که هر گاه بیامرزد آنرا خواهند بود آنها سبب زیادتی در عمر او و بقای نعمت بر او ❁ پس گفتم من که چیست فرمود طول دادن در رکوع و سجود در نماز ❁ و طول دادن نشستن بر سر طعام هر گاه چیزی بخورد ❁ بر مائده خود و بجا آوردن احسان بسوی اهل ❁ و مکو بعد از فراغ از اکل

حمد بعد از اکل روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام

الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظمائین ❁ و کسانا فی

حمد مر خدایرا ❁ که طعام فرمود ما را در میان گرسنگان و سیراب کرد ما را در میان تشنگان و پوشانید

عارین و هدانا فی ضالین و حملنا فی راجلین و آوانا فی ضاحین و

ما را در میان برهنگان و راه نمود ما را در میان گمراهان و سوار کرد ما را در میان پیادگان و جا داد ما را در میان شتافتگان

خدمنا فی عانین و فضلنا علی کثیر من العالمین

و خدمتکاران داد ما را در میان تعب کشندگان و زیادتی داد ما را بر بسیاری از اهل عالم

و اما آنچه مشهور است در این زمان ❁ از خواندن سوره فاتحه بعد از طعام ❁ پس اطلاع نیافته ام من بر او ❁ در کتابهای حدیث ❁ و سزاوار است که بشویند حاضران دستهای خود را همه در یک طشت ❁ و بر ندارند و نریزند ❁ تا پر شود و سنت است خلال کردن ❁ و مکروه است خلال نمودن از چوب ❁ از نی و ریحان و چوب انار ❁ و سزاوار است بیرون انداختن آنچه بیرون آید از میان دندانها بخلال ❁ و فرو بردن آنچه بیرون آید بزبان ❁ و سزاوار است که بوده باشد آنچه میخوری از غیر ❁ موافق آنچه میخواهند اهل و عیال تو ❁ نه آنچه میخواهی از آن تو ❁ پس بتحقیق که روایت کرده ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرمودند پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود مؤمن میخورد ❁ بخواهش اهل خود ❁ و منافق میخورد بخواهش او اهل او ❁ و اما آداب آشامیدن آب ❁ پس اینست که بگوئی نزد آشامیدن

الحمد لله منزل الماء من السماء و مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر

حمد مر خدایراست که فرو فرستنده آبست از آسمان ❁ تبهر دهنده امرست هر گونه که میخواهد ❁ بنام خدا که بهترین

دعای بعد از آشامیدن

الحمد لله الذی سقانی ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی

حمد مر خدایرا که آب داد مرا ... از آن ... نکرد بسبب گناهان من

الحمد لله الذی

شرح اینکه مستلزم عیب ... لزوم تلف ... و شکم پرستی و غیر ذلک باشد و صفت حیوانیت انها زیاده از حد غلبه نکرده باشد که تن ترجیح است

سقانی فأروانی وأعطانی فأرضانی وعافانی وکفانی

آب داد مرا پس سیراب کردانید مرا و عطا کرد مرا پس خوشنود کردانید مرا و عافیت داد مرا و کفایت کرد مرا

وهنانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد

و گوارا کرد خدایا قرار ده مرا از آنها که آب میدهی او را در قیامت از حوض محمد

صلی الله علیه وآله وتسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین

رحمت خدا بر او و بر آل او و نیک بخت میگردانی او را بر رفیق بودن با حضرت برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وسنت است آشامیدن مصّاً نه عبّاً که روایت شده است از پیغمبر صلی الله
علیه وآله که آشامیدن آب عبّاً مورث کباد است و سزاوار است که بیاشامد
آب را بدو دست خود و بسه نفس و حمد کند خدای تعالی را بعد از هر نفسی و سؤال
کرده شده است از حضرت صادق علیه السلام از آشامیدن بیک نفس پس فرموده اند
که اگر آب میدهد ترا غلام تو پس بیاشام بسه نفس و اگر آزاد باشد پس بیاشام
بیک نفس و بتحقیق که روایت شده است که هر که بیاشامد آب پس یاد کند حسین
را و هنوز خواهد آنرا و حمد کند خدا را و بکند اینرا سه مرتبه واجب میشود
از برای او بهشت و سزاوار است اجتناب کردن آشامیدن آب از طرف دسته
و از جانبیکه شکسته باشد و بسیار مخور آب پس بتحقیق که روایت شده است
از حضرت صادق علیه السلام که بپرهیزید از بسیار خوردن آب پس بدرستیکه
آن ماده هر دردی است و روایت شده است هر که بیاشامد

الباب

و یاد کند حضرت امام حسین
علیه السلام را و لعن کند کشنده
او را مینویسد خدا تعالی از برای
او صد هزار حسنه و ساقط میکند
از او هزار گناه و بلند میکند از برای

او صد هزار درجه و بمنزله آن است که آزاد کرده باشد صد هزار بنده در راه خدا

باب سیم

در آنچه کرده میشود مابین زوال آفتاب تا غروب و در این باب مقدمه است

و چند فصل
مقدمه

روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرمود
که هرگاه زوال آفتاب میشود گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت
و مستجاب میشود دعا پس خوشا حال کسیکه بالا برده شود برای او عمل صالحی و روایت
کرده است نیز از پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرموده که آفتاب را نزد زوال حلقه ایست
که داخل میشود در آن پس هرگاه داخل شد در آن زائل میشود آفتاب پس تسبیح
میکند هر چیزی پائین عرش است بحمد پروردگار من عز و جل و این ساعتیست
که صلوات میفرستد بر من در آن پروردگار من جل جلاله و فرض کرده است
بر من و بر امت من در آن نماز را و فرموده است عز اسمه

أقم الصلوة لدلوک الشمس الی غسق اللیل

یعنی بپای دار نماز را از زوال آفتاب تا نصف شب والله تعالی یعلم و این ساعتیست
که میآورند در آن جهنم را در روز قیامت پس نیست مؤمنی که موافق افتاده باشد
این ساعت را اینکه بوده باشد او سجده کننده یا رکوع کننده یا ایستاده
مگر آنکه حرام گرداند خداوند تبارک و تعالی بدن او را بر آتش

فصل

سزاوار است برخاستن بسوی نماز در اول وقت آن خواه نماز واجب باشد
یا سنت مگر آنچه استثنا شده پس بدرستیکه فضیلت اول وقت بر آخر آن
مثل فضیلت آخرت است بر دنیا چنانچه روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام
که اول وقت خوشنودی خدای تعالی است و آخر آن عفو خدا است و ظاهر این است که این

فضیلت دریافته میشود ❁ مشغول شدن در اول وقت بمقدمات نماز مانند
طهارت و نحو آن سنتی نمیدانند ❁ چنانکه گفته شیخ ما شیخ شهید رحمه الله ❁
و معروف نیست ❁ دریافتن آن بر داخل شدن در نماز ❁ در اول وقت و اما
در بعضی ❁ روایات مذکور شده ❁ که ظاهر خلاف این است ❁ چنانچه روایت
شده از ائمه علیهم السلام ❁ که توقیر و تعظیم نکرده است ❁ نماز را کسیکه تاخیر کند
طهارت را تا اینکه داخل شود ❁ وقت نماز پس ظاهرا منع از برای آن سندی که اعتماد
باشد بر آن ❁ و در فقه رضوی نیز عمل بآن ❁ در عمل اخبار روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی بسند حسن ❁ از حضرت صادق علیه السلام ❁ که هرگاه بشنوی چیزی پس بکند آنرا
خواهد بود از برای او اجر آن ❁ و هرچند نبوده باشد حدیث ❁ چنانچه رسیده باشد
باو ❁ پس آن منع نمیکند ظاهرا ❁ چنان دلالت نمیکند مگر اینکه ❁ در میان در آمدن
طهارت میان اول وقت ❁ و منافی توقیر است ❁ نه اینکه منافی دریافتن فضیلت
وقت است ❁ نه با کسی امری دیگر است ❁ غیر توقیر نماز ❁ پس نیکو کن و سزاوار است
انتظار کشیدن نماز ❁ و مشرف شدن بسوی وقت آن ❁ چنانکه روایت شده که پیغمبر
صلی الله علیه و آله ❁ انتظار کشیدن داخل شدن وقت نماز را و میفرمودند

ارحنا یا بلال

یعنی داخل نما از برای ما ای بلال ❁ باعلام کردن بداخل شدن وقت ❁ چنانچه فرمود
صلی الله علیه و آله ❁ نور چشم من در نماز است ❁ در اول زوال شروع کردن
سایه است ❁ در زیادتی بعد از کم شدن آن ❁ یا حادث شدن آن بعد از برطرف شدن
❁ پس بدرستیکه هرچند زیاده میشود بلندی آفتاب ❁ زیاده میشود کم شدن سایه
تا اینکه هرگاه برسد آفتاب بانچه غایت بلندی آن است ❁ در آن روز میرسد سایه بانچه
کم شدن آن است ❁ در آن روز یا بالکلیه برطرف میشود ❁ و این نزد رسیدن آفتاب است
بدائره نصف النهار ❁ یعنی منتصف ما بین مشرق و مغرب ❁ و معلوم است که اوضاع آفتاب
نسبت بساکنان اقالیم مختلف است ❁ پس نسبت بساکنان بعضی اقالیم میباشد در وقت

توقیر نماز کم این سنت کرده وقت نماز تغییر حال

زوال

زوال در طرف جنوب از سمت الراس ایشان ❁ و نسبت ببعضی در طرف شمال ❁
و نسبت ببعضی مقابل سر ایشان میباشد ❁ پس در آن موضع اول برطرف نمیشود سایه
در منتصف روز ❁ بلکه میماند در این وقت ❁ در آنها کوتاهی آن بقیه از سایه
کشیده شده بطرف شمال یا جنوب ❁ و در این دو حال شروع سایه در زیادتی اول
وقت زوال است ❁ و در موضع سیم برطرف میشود سایه بالکلیه و اول ظاهر شدن
آن اول زوال است ❁ و سایه شاخص را پیش از زوال ظل میگویند ❁ و بعد از آن
فیء میگویند ❁ چه فیء بمعنی رجوع است ❁ و سایه بعد از زوال رجوع میکند بشبیه
بمقداری که داشت پیش از زوال ❁ و میکشد وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا اینکه
بگردد فیء یعنی سایه که حادث میشود ❁ بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت
عصر تا اینکه بگردد فیء ❁ دو برابر شاخص و سنت است برای تاخیر کردن مرتبت
از فضیلت ظهر و عصر از اول وقت آن ❁ بمقداری که بکند کسی در آن نافله آنرا و کسیکه
نافله نمیگذارد ❁ پس سزاوار نیست از برای او تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور
این است ❁ که وقت نافله ظهر و آنرا ❁ صلوة اوابین میگویند ❁ از زوال است تا بگردد
فیء بمقدار دو قدم ❁ یعنی بمقدار دو سبع شاخص ❁ چه غالب این است که قامت هر شخصی بقدر
هفت قدم است ❁ بقدم خودش ❁ و وقت نافله عصر و آنرا سبحه میگویند ❁ و از فارغ
شدن از ظهر است ❁ تا اینکه بگردد فیء چهار قدم ❁ و بعضی از علمای ما بر آنند که میکشد
وقت این نافلها ❁ بکشیدن وقت فضیلت فریضه آنها ❁ پس نافله ظهر تا اینکه بگردد
فیء مثل شاخص ❁ و نافله عصر تا اینکه بگردد دو برابر آن ❁ و این قول دور نیست ❁
و در روایات معتبره دلالت بر آن هست ❁ بلکه در بعضی احادیث واقع شده آنچه دلالت
میکند ظاهرا ❁ بر آنچه زیاده از این توسعه است ❁ چنانکه روایت کرده است شیخ طائفه
در تهذیب ❁ بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرموده نماز سنت بمنزله
هدیه است ❁ هرگاه آورده شود ❁ آن قبول کرده میشود ❁ پس مقدم دار هرچه را
خواهی ❁ و موخر دار هرچه را خواهی ❁ و لیکن ندیده‌ام کسی از علمای ما را که عمل کرده

باشد

باشد از انچه مستفاد میشود از اطلاق این روایت از توسعه در تقدیم و تاخیر
و گویا مراد بتقدیم همراه است و بتاخیر قضا والله اعلم و مشهور میانه علمای ما
قدس الله اسرارهم اینست که جایز نیست اعتماد بر ظن بداخل شدن وقت
مگر با عدم قدرت بر تحصیل علم و نیز جایز نیست دانستن بخبر یک عادل و نه بر اذان شخص
و هرچند مؤذن عادل باشد مگر با جماع علم و ظاهر کلام محقق در معتبر این است
که جایز است اعتماد بر اذان یک عادل اما خبر دو عادل یا اذان ایشان ظاهر جواز اعتماد
بر ان است و هرچند قادر باشد بر علم زیرا که علم شرعی حاصل است بان و سزاوار است
از برای کسیکه اعتنا داشته باشد بشان نوافل و اهتمام بدریافتن فضیلت اول وقت
اینکه اماده کرده باشد در صحن خانه خود یا بر روی بام چوبی راست که نصب
کرده باشد در مکان هموار و باید که ان راست نصب شده باشد و بهیچ یک
هیچ طرف میل نکرده باشد و قسمت هفت حصه پس هرگاه بر سر سایه بنهایت
نقصان رسد ابتدا کند در زیادتی یا در حادث شدن ان پس شروع کند در نافله
ظهر اگر کسیکه توفیق داده است خدای تعالی او را برای سعادت یافتن بجا اوردن
نوافل یا در ادای ظهر در اول وقت ان که محروم است از ان سعادت و
تخفیف کند فی و یا پس هرگاه بگردد بقدر دو سبع شاخص یا مثل ان بنا بر خلاف
مشخص شود برای نافله کنار بیرون رفتن وقت نافله ظهر پس اگر در این وقت
هنوز تمام نکرده باشد یک رکعت از ان ترک دهد نافله را و مشغول شود
بفریضه و اگر تمام کرده باشد یک رکعت از ان و تمامی رکعت باین میشود که فارغ شده باشد
از ذکر سجده دوم و هرچند بر بدا شته باشد سر از ان پس مقدم دارد ان هشت
رکعت را بر فریضه و ظاهر بر ان است که شش رکعت باقی مانده در این هنگام اداست
زیرا که ان هشت رکعت در حکم یک نماز است بعد از ان میگزارد نماز ظهر را
و تخفیف میکند سایه را بعد از ان پس اگر برسیده باشد بچهار سبع شاخص یا دو
برابر ان بنحو که گذشت از خلاف پس شروع میکند در نافله عصر و اگر رسیده باشد

بان معلوم میشود بیرون رفتن وقت ان و خواهد بود حال ان در ترک ان و مقدم داشتن ان
بر فریضه مثل حال نافله ظهر چنانکه گذشت و انچه مذکور شد در غیر روز جمعه
است و در جمعه زیاده میشود بر بیست و هشت رکعت چهار رکعت دیگر و میگذارد
از این بیست رکعت هیجده را پیش از زوال در حالیکه سه حصه کرده باشد انها را
ثلث انها را که شش رکعت باشد در وقت پهن شدن افتاب و ثلث دیگر را در وقت
بلند شدن ان و ثلث دیگر را در وقت راست ایستادن ان و میگزارد دو رکعت بعد از زوال

فصل

انچه مجامعیاد بعد از مشخص شدن زوال اینست که بخوانی انچه روایت کرده است
رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام و نقل کرده است از ابو محمد بن مسلم
و فرموده است یا کن محافظت کن بر این چنانکه محافظت مینمائی بر چشمهای خود و ان این است

سُبْحَانَ اللهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ

منزه است خدا و نیست خدائی مگر خدا حمد مر خدایرا که فرا نگرفته است فرزندی و نیست او را

لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا

شریکی در پادشاهی و نیست او را یاوری از خواری و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی

بعد از ان بشتاب بسوی وضو بعد از ان شروع میکنی در نافله زوال پس میخوانی
در رکعت اول او و میگوئی ان هفت تکبیر را با دعاهای انها بنحوی که گذشت ذکر ان

در نماز اول

بعد از ان میگوئی أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ میخوانی بعد از فاتحه در رکعت اول سوره
توحید و در رکعت دوم سوره جحد چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی بسند حسن بعد از ان سلام میدهی و میگوئی ان سه تکبیر را که بعد از نماز
سنت است و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بعد از ان میگوئی

اللّٰهُمَّ اِنِّی ضَعِیفٌ فَقَوِّ فِی رِضَاکَ ضَعْفِی وَخُذْ اِلَی الْخَیْرِ بِنَاصِیَتِی وَاجْعَلْ

خداوندا بدرستیکه من ضعیفم پس قوی گردان در رضای خود ضعف مرا و بگیر بسوی خیر موی پیشانی مرا و بگردان

همچنین سزاوار است که تخفیف ندهند ایام عید عاشورا و یا ایام دیگر را در تعقیبات نماز ظهر حمعه و عید جمعه در ان تمام ذکر شده مثل دعاهای ان بر وجه اوعیه و تعقیبات نماز پنجگانه با تمام عمر جمل الله شرح میدهد بیان شده و تمام ان دعاها و زیارات و تر کتاب شریف تحفة الزائر جمع شده هر که بخواهد رجوع بان کتاب نماید که کتاب جامعی است

الایمان منتهی رضای و بارک لی فیما قسمت لی و بلغنی برحمتک کل الذی ارجو

ایمان منتهای خوشنودی من و برکت ده بمن در آنچه قسمت کرده بمن و برسان مرا برحمت تمام آنچه امید

منک و اجعل لی وداً و سروراً للمؤمنین و عهداً عندک

دارم از تو و بگردان از برای من دوستی و شادی از برای مؤمنان و پیمانی نزد تو

بعد از آن میکنی ... دو رکعت دیگر بهمان نحو بغیر شش تکبیر که در اول نماز گفته میشود با دعاهای آنها بعد از آن دو رکعت دیگر مثل آنها و میخوانی بعد از هر یک از این دو رکعتها تعقیب و دعا را که مذکور شد و بعد از آنکه تمام کردی شش رکعت را با توابع آن بر میخیزی و اذان میگوئی از برای ظهر و فاصله میکنی میان اذان و اقامت بدو رکعت بر همان منوال که این دو رکعت هفتم و هشتم از نافله ظهر است بعد از آن اقامه میگوئی و میگوئی بعد از اقامه

اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلوة القائمة بلغ محمداً صلی

خداوندا ای پروردگار این دعوت تامه و نماز بر پا ایستاده برسان بمحمد رحمت فرستد

علیه و اله الدرجة و الوسیلة و الفضل و الفضیلة بالله استفتح

بر او و بر آل او آن درجه و منزلت و زیادتی و فضیلت را بیاری خدا ابتدا میکنم

و بالله استنجح و بمحمد صلی الله علیه و اله اتوجه اللهم صل علی محمد

و بیاری خدا طلب فیروزی میکنم و بمحمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او رو میآورم خداوندا رحمت فرست بر محمد

و آل محمد و اجعلنی بهم عندک وجیهاً فی الدنیا و الآخرة و من المقربین

و آل محمد و بگردان مرا بسبب ایشان نزد تو صاحب آبرو در دنیا و آخرت و بگردان مرا از مقربین

بعد از آن مشغول شو بنماز ظهر و دعاها که جمیع آنها رعایت کردی در نماز صبح از اعمال

و احسن کن قرائت را بعد از بسم الله الرحمن الرحیم و میخوانی در رکعت اول سوره سبح اسم ربک الاعلی

والشمس

یا آنچه شبیه آنها باشد در طول چنانچه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح و بر خیز از تشهد اول که بنده انجه میکنی نزد برخاستن برای رکعت دوم صبح و بخوان حمد یا تسبیح اربعه سه مرتبه اضافه کنند با آنها استغفار را بعد از آن تکبیر بگو برای رکوع و بجا آور رکوع را چنانکه گذشت بعد رکوع بکن و سجود بر نحوی که گذشت بعد از آن بر خیز و بجا آور دو رکعت دیگر بر همان نحو و بعد از آن تشهد بخوان و سلام بده بعد از آن سه تکبیر را که در ...

پس از تعقیب مذکور میگوئی

لا اله الا الله الهاً واحداً و نحن له مسلمون

تا آخر آن دعا و چنانکه گذشت در تعقیب صبح بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و میخوانی هر چه را خواهی از دعا که بیشتر ذکر کردیم در تعقیب صبح و دعاهائی که منقول ... ذکر معمول و مصباح است مثل این ... دعای آخر بعد از آن میگوئی

یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر

ای کسیکه ظاهر کرده است نیکوئی را و پوشیده است زشتی را ای کسیکه مؤاخذه نکرده بسبب معصیت و پاره نمیکند پرده را

یا کریم الصفح یا عظیم المن یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین

ای کریم در گذشتن ای بزرگ نعمت ای نیکو در گذشتن ای وسعت دارنده آمرزش ای گشاینده دستها

بالرحمة یا سامع کل نجوی و یا منتهی کل شکوی یا مبتدءاً بالنعم قبل

برحمت ای شنونده هر راز و ای منتهای هر شکایت ای ابتدا کننده بنعمتها پیش از

استحقاقها یا ربّاه یا ربّاه یا ربّاه یا سیّداه یا سیّداه یا سیّداه یا غایة

استحقاق آنها ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای نهایت

رغبتاه یا ذا الجلال و الاکرام اسئلک بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن

آرزوی ما ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن سؤال میکنم ترا بحق محمد و علی و فاطمه و حسن

الحسن وعلي ومحمد وجعفر ۞
و حسین ❀ و علی ❀ و محمد ❀ و جعفر
وموسى وعلي ومحمد وعلي ۞
و موسی ❀ و علی ❀ و محمد ❀ و علی
والحسن ومحمد صاحب الزمان
و حسن ❀ و محمد ❀ صاحب الزمان
سلام الله عليهم أجمعين
درود خداوند بر ایشان باد همه ❀

أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تكشف كربي وتغفر ذنبي
بفرستی رحمت بر محمد ❀ و آل محمد ❀ و اینکه برطرف کنی اندوه مرا و بیامرزی گناه مرا
وتنفس همي وتفرج غمي وتصلح شأني في ديني ودنياي وأن ❀
و زایل کنی هم مرا ❀ و رفع کنی غم مرا ❀ و اصلاح کنی حال مرا در دین من و در دنیای من و اینکه
تدخلني الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا تفعل بي ما أنا أهله
داخل کنی مرا در بهشت ❀ و زشت نگردانی ترکیب مرا باتش و نکنی با من آنچه من سزاوار آنم ❀

برحمتك يا أرحم الراحمين ۞
برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
❀ بعد از آن بگوید
يا سامع كل صوت يا جامع كل
ای شنونده هر آوازی ❀ ای جمع کننده هر
فوت يا بارئ النفوس بعد
فوت شده ❀ ای آفریننده نفسها بعد از
الموت يا باعث يا وارث يا سيد
❀ موت ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای آقای

السادة يا إله الآلهة
❀ بزرگان ❀ ای خدای عبادت کرده شده
يا جبار الجبابرة يا مالك الدنيا
ای جبر کننده متکبران ❀ ای پادشاه دنیا ❀
والآخرة يا رب الأرباب يا ملك
و آخرت ❀ ای پروردگار پروردگاران ای پادشاه
الملوك يا بطاش ذا البطش الشديد
پادشاهان ای بطاش صاحب بطش شدید ای

يا مبدئ يا معيد يا فعالا لما يريد يا محصي عدد الأنفاس ونقل الأقدام
ای ابدا کننده ❀ ای عود فرماینده ای کننده مر آنچه تو اراده میفرمایی ای شمارنده عدد نفسها و حرکت قدمها
يا من السر عنده علانية أسألك بحق خيرتك من خلقك ونجيهم
ای کسیکه پنهان نزد او آشکار است ❀ سؤال میکنم ترا بحق برگزیدگان تو از خلق تو ❀ و بحق کسانی
الذين أوجبت لهم على نفسك أن تصلي على محمد وأهل بيته وأن تمن
که واجب کرده برای ایشان بر نفس خود ❀ اینکه رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او ❀ و اینکه منت گذاری

علي الساعة بفكاك رقبتي ۞ ❀
بر من در این ساعت بخلاص کردن گردن من
من النار وأن تنجز لوليك
از آتش ❀ و اینکه وفا کنی برای دوست خود
وابن نبيك الداعي إليك بإذنك
و پسر پیغمبر خود که خواننده است بسوی تو بر حضرت
وأمينك في أرضك وعينك
و امین تو ❀ در زمین تو ❀ و دیده بان تو
في عبادك وحجتك
❀ در میان بندگان تو و حجت تو



قد خلقك عليه صلواتك

بر آن خلق تو بر او باد رحمتهای تو

وبركاتك وعده اللهم

و برکتهای تو و وعده های تو خداوندا

ايده بنصرك وانصر عبدك

تقویت نما او را بیاری خود و یاری کن بندهٔ خود را

وقو اصحابه وصبرهم

و قوت ده اصحاب او را و صبر ده ایشان را

وجعل لهم من لدنك سلطانا

و بگردان از برای ایشان از نزد خود سلطنتی

نصيرا وعجل فرجه ومكنه

نصرت دهنده و تعجیل کن راحت او را و تمکین ده

من اعدائك واعداء رسولك

او را در بلاد دشمنان خود و دشمنان پیغمبر خود

يا ارحم الراحمين

ای ارحم کننده ترین رحم کنندگان

بعد از آن میگوئی

اللهم رب السموات

خداوندا ای پروردگار آسمانهای

السبع ورب الارضين

هفتگانه و پروردگار زمینهای

السبع وما فيهن وما

هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه





بينهن وما تحتهن ورب العرش

در میان آنهاست و آنچه زیر آنهاست و پروردگار

العظيم ورب جبرئيل وميكائيل

عرش بزرگ است و پروردگار جبرئیل و میکائیل

واسرافيل ورب السبع المثاني

و اسرافیل و پروردگار سورهٔ فاتحه

والقرآن العظيم ورب محمد

و قرآن عظیم و پروردگار محمد

خاتم النبيين صل على محمد وآل

خاتم پیغمبران رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد واسئلك باسمك الاعظم

محمد سؤال میکنم ترا بحق اسم اعظم تو که

الذي به تقوم السموات والارض

آسمانها برپا ایستاده است و زمین

وبه تحيي الموتى وترزق الاحياء

و بآن زنده میکنی مردگان را و روزی میدهی زندگان را

وتفرق بين المجتمع وتجمع بين المتفرق

و متفرق میسازی جمع شدگان را و جمع میکنی پراکندگان را

وبه احصيت عدد الآجال

و بآن شمردهٔ عدد تمام اجلها را

ووزن الجبال وكيل البحار

و سنجیدن کوهها و کیل کردن دریاها را

اسئلك يا من هو كذلك

سؤال میکنم ترا ای کسیکه او چنین است



در بیان تعقیب نماز عصر است

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی با من چنین و چنان

بعد از آن سؤال میکنی حاجت خود را بعد از آن سجده میکنی دو سجده شکر را و میگوئی در آنها بعد از آنها گذشت در باب اول

فصل

بعد از اینکه فارغ شدی از آنچه متعلق است بنماز ظهر پس میخیزی بنافله عصر و تکبیر احرام میگوئی جهت دو رکعت اول به این شش رکعت دیگر زیرا که سنت نیست گفتن آنها در جمیع نافله مگر در چهار جای اول نافله زوال و اول نافله مغرب و وتیره و دیگر رکعت اخر وتر و میخوانی در نافله عصر آنچه خواهی از سورها و بهتر این است که بخوانی در آن و در غیر آن سورهائیکه ترغیب واقع شده است در آنها از ائمه هدی علیهم السلام در اخبار و سکی از آنها آنچه بیرون نرود وقت بخواندن آن و بتحقیق که روایت شده است از حضرت باقر علیه السلام که هر که بخواند سوره صف را در نمازهای واجبی و سنتی خود بدارد خدایتعالی او را در یک صف با ملائکه خود و پیغمبران مرسل خود و هم از آنحضرت علیه السلام که هر که مداومت کند بخواندن سوره (ق) در نمازهای واجبی و سنتی خود وسیع کرداند خدایتعالی بر روزی او را و بدهد باو نامه اعمال او را بدست راست او و آسان کند حساب او را و هم از آنحضرت علیه السلام که بسیار بکنید تلاوت سوره الحاقه را در نمازهای واجب و سنت زیرا که این از جمله ایمان بخدایتعالی و رسول اوست و هرگز زایل نمیشود از خواننده آن ایمان او تا آنکه بمیرد و بعد از فارغ شدن از دو

رکعت اول میگوئی

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ الْحَلیمُ الْکَریمُ

خداوندا بدرستیکه نیست خدائی مگر تو که زنده برخود بر پا بلند مرتبه بزرگ بردبار جود کننده

الْخالِقُ الرّازِقُ الْمُحْیی الْمُمیتُ الْمُبْدِئُ الْبَدیعُ لَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الْمَنُّ

آفریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده ابتدا کننده پدید آورنده از برای توست حمد و از برای توست

دیگر در بیان تعقیب نماز نافله عصر است

وَلَکَ الْکَرَمُ وَلَکَ الْجُودُ وَلَکَ الْاَمْرُ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ

و از برای توست کرم و از برای توست بخشش و از برای توست امر تنها که تو نیست شریکی از برای تو ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز

یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ وَلَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً

ای کسیکه اولاد نیاورده است و از ولد کسی نیست و نبوده است مر او را همتا کسی و نگرفته است مصاحبی و نه فرزندی

صَلِّ اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنین و چنان

و بعد از آن میگذاری دو رکعت دیگر بعد از آنها اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ تا آخر و بعد میگذاری دو رکعت و میگوئی بعد از آنها

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ بِما دَعاکَ بِهِ عَبْدُکَ یُونُسُ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بآنچه خوانده است ترا بآن بنده تو یونس زمانیکه رفت غضبناک پس گمان کرد

اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنادی فِی الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ

اینکه تنگ نمیکنی بر او پس ندا کرد در ظلمات اینکه نیست خدائی مگر تو منزهی تو بدرستیکه من بودم

مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ فَاِنَّهُ

از ستم کنندگان پس اجابت کردیم او را و نجات دادیم او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنین را پس بدرستیکه

دَعاکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَسْتَجیبَ

خواند ترا و او بنده تو است و من سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه اجابت نمائی

لی کَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَدْعُوکَ بِما دَعاکَ بِهِ عَبْدُکَ اَیُّوبُ اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ فَدَعاکَ

از برای من چنانچه اجابت نمائی از برای او و میخوانم ترا بآنچه خوانده است ترا بآن ایوب زمانیکه رسید او را بلا پس خواند ترا

اَنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَکَشَفْتَ ما بِهِ

باینکه رسیده است مرا بلا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت فرمودی او را و رفع نمودی آنچه با او بود

مِنْ ضُرٍّ وَاٰتَیْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ فَاِنَّهُ دَعاکَ وَهُوَ عَبْدُکَ

از بلا و دادی تو او را اهل او را و مانند ایشان با ایشان پس بدرستیکه خواند ترا و او بنده توست

وَاَنَا اَسْئَلُکَ

وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ

و من بنده توام اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد ❖ و اینکه زایل کنی از من چنانچه زایل کردی از او

وَاَنْ تَسْتَجيبَ لي كَما اسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَدْعُوكَ بِما دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ يُوسُفُ

و اینکه اجابت کنی از برای من چنانچه اجابت کردی از برای او و میخوانم ترا بآنچه خواند ترا بآن بنده تو یوسف علیه السلام

اِذْ فَرَّقْتَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اَهْلِهِ وَاِذْ هُوَ فِي السِّجْنِ فَاِنَّهُ دَعاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ

در وقتیکه جدا کردی میان او و میان اهل او و در وقتیکه او بود در زندان بدرستیکه او خواند ترا و او

وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ وَسَئَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَسْئَلُكَ

و من میخوانم ترا و من نیز بنده توام ❖ سؤال کرد ترا و او بنده تو بود ❖ و من سؤال میکنم ترا

وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنّي كَما فَرَّجْتَ

و من نیز بنده توام ❖ اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد ❖ و اینکه زایل کنی غم مرا چنانچه زایل کردی

عَنْهُ وَاَنْ تَسْتَجيبَ لي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي كَذا

از او ❖ و اینکه اجابت کنی برای من چنانچه اجابت کردی برای او پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنان

و ذکر میکنی حاجت خود را ❖ و بعد از آن میگذاری دو رکعت آخر را و میگوئی بعد از آنها یا من اظهر الجمیل وستر القبیح تا آخر آن ❖ و بعد از فارغ شدن از این اذان میگوئی برای نماز عصر ❖ و فاصله میکنی میان اذان و اقامت بسجده ❖ و دعا میکنی بآنچه گذشت ❖ در صبح و ظهر بعد از آن مشغول شو بنماز عصر و رعایت کنند جمیع آن آداب ❖ که سابقاً مذکور شد ❖ و میخوانی در رکعت اول

اِذا جاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ

یا الهیکم التکاثر ❖ و مانند اینها را در کوتاهی ❖ چنانکه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسندی صحیح و بعد از فارغ شدن از نماز تعقیب میکنی بآنچه تعقیب کردی ❖ بان در ظهر مگر آنچه مخصوص بظهر است و میگوئی بعد از آنچه

تعقیب عصر و آن این است

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ

طلب آمرزش میکنم از خدائیکه نیست خدائی مگر او ❖ زنده که قائم بر ذات خود است ❖ بخشنده مهربان ❖ صاحب بزرگی و کرامت

وَاَسْئَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَليلٍ خاضِعٍ فَقيرٍ بائِسٍ مِسْكينٍ ❖

و سؤال میکنم از او اینکه قبول کند توبه مرا توبه بنده خوار ❖ فروتنی کننده فقیر پریشان بیچاره ❖

مُسْتَكينٍ مُسْتَجيرٍ لا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرّاً وَلا نَفْعاً وَلا مَوْتاً وَلا حَيوٰةً وَلا

محتاج پناه جوینده مالک نیست از برای نفس خود ضرری و نه نفعی و نه مردن و نه زندگی و نه

نُشُوراً اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ وَمِنْ عِلْمٍ

برانگیختن ❖ خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از نفسیکه سیر نمیشود و از دلیکه فروتنی نمیکند و از علمیکه

لا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلوٰةٍ لا تُرْفَعُ وَمِنْ دُعاءٍ لا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ

نفع ندهد و از نمازیکه بالا برده نشود ❖ و از دعائیکه شنیده نشود ❖ خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسانی را

بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ ما بِنا

بعد از دشواری و رحمت بعد از اندوه ❖ و رفاهیت بعد از سختی ❖ خداوندا آنچه با ما است

مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ

از نعمت پس از تو است تنها ❖ نیست خدائی مگر تو طلب آمرزش میکنم از تو و توبه

و سنت است

استغفار بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه ❖ و قرائت سوره قدر ده مرتبه ❖ پس بتحقیق ❖ که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ❖ که فرمود که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه ❖ بیامرزد خدا تعالی هفتصد گناه او را ❖ و از حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام روایت شده است ❖ که هر که بخواند انا انزلناه فی لیلة القدر ده مرتبه بعد از عصر ❖ بگذرد از برای او ❖ مثل اعمال خلائق در آن روز ❖ بعد از آن دو سجده شکر بکن و بخوان در آنها ❖ آنچه در پیش گذشت ❖ و باید که بوده باشد آخر آنچه میخوانی

اینکه بگوئی

اللهم اني وجهت وجهي اليك واقبلت بدعائي عليك راجيا اجابتك

خداوندا بدرستیکه من گردانیدم روی خود را بسوی تو و رو آوردم بدعای خود بر تو امیدوار اجابت تو

طامعا في مغفرتك طالبا ما وأيت به على نفسك مستنجزا وعدك

طمع دارنده در آمرزش تو طلب کننده آنچه عهد کرده ای بآن بر نفس خود و اجابت کن وعده خود را

اذ تقول ادعوني استجب لكم فصل على محمد وآل محمد واقبل

زمانیکه میگوئی بخوانید مرا اجابت میکنم شما را پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رو کن

الي بوجهك وارحمني واستجب دعائي يا اله العالمين

بسوی من بتوجهات خود و رحم کن مرا و مستجاب کن دعای مرا ای خداوند عالمیان

فصل

بتحقیق که گذشت که روز قسمت شده است بدوازده ساعت و هر یک از آنها منسوب است بیکی از ائمه اثنی عشر سلام الله علیهم و از برای هر یک از آنها دعائی است که مخصوص بآن است و بتحقیق که ما ذکر کردیم دعاهای چهار ساعت را که منسوب است بچهار امام علیهم السلام و میگوئیم در این مقام دعا ساعت پنجم پس از زوال آفتاب است تا گذشتن مقدار چهار رکعت و این

از حضرت باقر علیه السلام
و این دعا نسبت وقت آنست که بخواند
او را بعد از رکعت چهارم از نافله زوال

اللهم انت الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة

خداوندا تو خدائی که نیست خدائی مگر او زنده بر پا دارنده که نمیگیرد او را پینکی

ولا نوم هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو

و نه خواب اوست خدائی که نیست خدائی مگر او داننده پنهان و آشکار است او است

الرحمن الرحيم هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء

بخشنده مهربان او است اول و آخر و ظاهر و باطن و داناست بهمه چیز

عليم فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا

داناست شکافنده صبح و گرداننده شب را آرام گرفتن و آفتاب و ماه سیر کننده بحساب

ذلك تقدير العزيز العليم يا غالبا غير مغلوب ويا شاهدا لا يغيب

اینست تقدیر غالب دانا ای غلبه کننده که مغلوب نمیشود و ای حاضری که غایب نمیشود

يا قريب يا مجيب ذلكم الله ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه

ای نزدیک ای اجابت کننده اینست خدا پروردگار من نیست خدائی مگر او بر او توکل کرده ام و بسوی او

انيب اتذلل اليك تذلل الطالبين واخضع بين يديك

انابه میکنم فروتنی میکنم بسوی تو فروتنی طلب کنندگان و خضوع میکنم در پیش روی تو

خضوع الراغبين واسألك سؤال الفقير المسكين وادعوك

خضوع کردن اهل رغبت کنندگان و سؤال میکنم از تو سؤال فقیر بیچاره محتاج و میخوانم ترا

تضرعا وخفية انك لا تحب المعتدين وادعوك خوفا وطمعا

خضوع و زاری کننده و پنهان کننده بدرستیکه تو دوست نمیداری از حد درگذرندگان را و میخوانم ترا از روی ترس و امید

ان رحمتك قريب من المحسنين واتوسل اليك بخيرتك وصفوتك

بدرستیکه رحمت تو نزدیک است بسوی نیکوکاران و متوسل میشوم بسوی تو بحق برگزیده تو و برگزیده تو

من العالمين الذي جاء بالصدق وصدقت به المرسلين محمد عبدك

که انتخاب کرده از جمیع عالمیان آنکه آورده است صدق قرآن را و تصدیق کرده است رسولان را که آن محمد است بنده

ورسولك النذير المبين ووليك وعبدك علي بن ابي طالب

و فرستاده تو ترساننده آشکارا و ولی تو و بنده تو علی بن ابی طالب

امير المؤمنين والامام محمد بن علي باقر علوم الاولين والآخرين

امیر مؤمنان و بامام محمد پسر علی شکافنده علوم پیشینیان و پسینیان

والعالم بتأويل الكتاب المستبين واسألك بمكانهم عندك

و داناست بتأویل کتاب ظاهر و سؤال میکنم ترا بحق منزلت ایشان نزد

[illegible]

أمامي وبين يدي حوائجي أن توزعني شكر ما أوليتني من نعمك وتجعل

از نزد امام بیرون حوائج خود اینکه در دل بیندازی شکر آنچه داری ... نعمتهای خود و بگردانی

لي فرجاً ومخرجاً من كل كرب رحيم وترزقني من حيث أحتسب ومن

از برای من گشایش و بیرون رفتن از هر اندوه ... و روزی کنی مرا از جائی که گمان دارم و از جائی

حيث لا أحتسب وتيسر لي من فضلك ما تغنيني به عن كل مطلب

که گمان ندارم ... و آسان کنی از برای من از فضل خود آنچه غنی گردانی بآن از هر مطلب

وأقذف في قلبي رجاءك واقطع رجائي عمن سواك حتى لا أرجو

و بیندازی در دل من امید ترا ... و ببری امید مرا از غیر تو ... تا اینکه امید نداشته باشم

إلا إياك إنك مجيب الداعي إذا دعاك وتغيث الملهوف إذا ناداك

مگر بتو ... بدرستیکه اجابت کننده خواننده ای هرگاه بخواند ترا و بفریاد میرسی ستمدیده را هرگاه آواز کند

وأنت أرحم الراحمين

اما ساعت ششم ... پس از گذشتن مقدار چهار رکعت است از زوال تا نماز ظهر و این

صادق علیه السلام است

و این دعا آن است و خوب است خواندن این دعا بعد از رکعت ششم از نافله زوال

اللهم أنت أزلت العتب برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك ودبرت

خداوندا توئی زائل کننده ... برحمت خود و دانائی بغیب باراده خود ... و تدبیر کرده

الأمور بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك وأعجزت العقول عن علم

کارها را بحکمت خود ... و رام کرده دشوارها را بغلبه خود ... و عاجز کرده عقلها را از دانستن

كيفيتك وحجبت الأبصار عن إدراك صفتك والأوهام عن

چگونگی خود ... و پوشانیده چشمها را از دریافتن صفت خود ... و وهمها را از

حقيقة معرفتك واضطررت الأفهام إلى الإقرار بوحدانيتك

حقیقت شناختن ... و مضطر گردانیده فهمها را ... باقرار نمودن بیگانگی خود

يا من يرحم العبرة

ويعلم السر لك العزة والقدرة لا يعزب عنك في الأرض ولا في السماء

... از برای تو است عزت و قدرت ... پنهان نیست از تو در زمین و در آسمان

مثقال ذرة أتوسل إليك بالنبي الأمي محمد رسولك العربي المكي المدني

بوزن ذره ... توسل میجویم بسوی تو به پیغمبر امی محمد ... رسول تو ... عربی ... مکی ... مدنی

الهاشمي الذي أخرجتنا به من الظلمات إلى النور وبأمير المؤمنين علي بن

هاشمی ... آنکه بیرون آوردی ما را بسبب او از تاریکیها بسوی روشنی ... و بامیر مؤمنان علی بن

أبي طالب عليه الصلاة والسلام الذي شرحت بولايته الصدور و

ابی طالب ... بر او باد رحمت و درود ... آنکه وسعت دادی بواسطه دوستی او سینهها را ... و

بالإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام في الأخيار المؤتمن على مكنون

بامام جعفر بن محمد راستگو علیه السلام ... در نیکان که امین بود بر پوشیده

الأسرار صلى الله عليه وعلى أهل بيته بالعشي والإبكار اللهم إني أسألك

سرها ... رحمت کند خدا بر او و بر اهل بیت او در شب و صبح ... خداوندا بدرستیکه من سؤال

بهم وأستشفع بمكانهم لديك وأقدمهم أمامي وبين يدي حوائجي فأعطني

میکنم بایشان و شفاعت میجویم بمنزلت ایشان نزد تو و مقدم میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود پس عطا کن

الفرج الهني والمخرج الوحي والصنع القريب والأمان من الفزع في اليوم

گشایش گوارا ... و بیرون رفتن زود و بجا آوردن نزدیک و امان از هول در روز

العصيب وأن تغفر لي موبقات الذنوب وتستر علي فاضحات العيوب

سخت ... و اینکه بیامرزی برای من هلاک کننده های گناهان را و بپوشانی بر من رسوا کننده های عیبها را

فأنت الرب وأنا المربوب وأنا الطالب وأنت المطلوب وأنت الذي

پس توئی پروردگار و منم پرورده شده ... و منم طلب کننده و توئی طلب کرده شده ... و توئی آنکه

بذكرك تطمئن القلوب وأنت الذي تقذف بالحق وأنت علام الغيوب

بیاد آوردن تو آرام میگیرد دلها ... و توئی آنکه می اندازی بسبب لطف خود حق را و توئی دانای عیبها

يا أرحم الراحمين

ه و یا خیر الفاصلین و یا احکم الحاکمین و یا ارحم الراحمین

و ای بهترین جدا کنندگان و ای حکم کننده‌ترین حکم کنندگان و ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

و اما ساعت هفتم پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر و این

حضرت کاظم علیه السلام
و دعای این ساعت این است

اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر و انت المدعو اذا مس الضر

خداوندا تویی امید داشته شده هرگاه سخت شود امر و تو خوانده شده‌ای هنگامی که برسد بدحالی

و مجیب الملهوف المضطر و المنجی من ظلمات البر و البحر و من له الخلق

و اجابت کننده ستم رسیده بیچاره و نجات دهنده از تاریکیهای بیابان و دریا و کسیکه از برای اوست خلق

و الامر و العالم بوساوس الصدور و المطلع علی خفی السر یا غایة کل

و امر و داناست به وسوسهای سینه‌ها و آگاهست بر پنهان سرها ای نهایت

نجوی و منتهی کل شکوی یا من له الحمد فی الآخرة و الاولی یا من

هر راز و منتهای هر شکایت ای کسیکه از برای اوست حمد در آخرت و دنیا ای کسیکه

خلق الارض و السموات العلی الرحمن علی العرش استوی له

آفریده است زمین و آسمانهای بلند را خدای بسیار مهربان بر عرش مستولی شد بر قرار شد برای اوست

ما فی السموات و ما فی الارض و ما بینهما و ما تحت الثری و ان تجهر بالقول

آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه در میان آنهاست و آنچه زیر خاک است و اگر بلند کنی گفتار را

فانه یعلم السر و اخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی اسئلک

پس بدرستیکه او میداند سر و پنهانتر از آن را خدائی است که بجز او خدائی نیست از برای اوست نامهای نیکو سؤال میکنم

بحق خاتم النبیین

بحق خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله

و خیرتک من خلقک و المؤمنین

و برگزیده تو از میان خلق تو و از مؤمنین

علی اداء رسالتک و بامیر المؤمنین

بر رسانیدن پیغام تو و بحق امیر مؤمنان

علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام الذی جعلت ولایته مقرونة

علی بن ابی طالب علیه السلام که بر او باد رحمت و درود آنکه گردانیدی دوستی او را واجب

مع ولایتک و محبته مقرونة برضاک و محبتک و بالامام الکاظم

با دوستی تو و محبت او را نزدیک با خوشنودی و محبت تو و بامام کاظم

موسی بن جعفر علیهما السلام الذی سئلک ان تفرغه لعبادتک

موسی بن جعفر که بر ایشان باد درود آنکه سؤال کرد ترا که فارغ گردانی او را برای عبادت

و تخلیه لطاعتک فاجبت دعوته ان تصلی علی محمد و آله و ان تقضی

و یکتا گردانی او را از برای طاعت خود پس اجابت کردی دعوت او را اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و حکم کنی

بطاعتی واجب حقوقهم و ترضینی بها فی اداء فروضهم و اتوسل الیک

باطاعت من واجب حقهای ایشان را و راضی باشی در بجا آوردن واجبهای ایشان و متوسل میشوم بسوی تو

بهم و استشفع بمنزلتهم لدیک و قد قدمتهم امامی و بین یدی حوائجی ان

بایشان و شفاعت میجویم بمنزلت ایشان و حال آنکه مقدم داشته‌ام ایشان را پیش رو و پیش حاجتهای خود اینکه

تجرینی علی جمیل عوائدک و تمنحنی جزیل فوائدک و تأخذ بسمعی و بصری

روان گردانی مرا بر نیکوی احسانهای خود و عطا کنی بمن منفعتهای خود را و فرا گیری گوش مرا و دیده مرا

و علانیتی و سری و ناصیتی و قلبی و عن یمینی و شمالی الی ما تعیننی به علی

و آشکار مرا و نهان مرا و پیشانی مرا و دل مرا و ...

هواک و تقربنی من اسباب رضاک و توجب لی نوافل فضلک و تسدی

خواهش تو و نزدیک گردانی مرا باسباب خوشنودی تو و واجب گردانی برای من زیادتی فضل خود

الی منائح طولک		یا ارحم الراحمین
بسوی من عطاهای احسان خود		ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

فصل

اما ساعت هشتم پس از گذشتن چهار رکعت است پیش از عصر تا نماز

عصر و امنا از حضرت

۷ دقیقه دارد

امام رضا علیه السلام است

و دعای عظیم الشان این است

اللهم انت الكاشف للملمات والكافي للمهمات

والمفرج للكربات والسامع للاصوات والمخرج من الظلمات

والمجيب للدعوات والراحم للعبرات جبار الارض

والسموات يا ولي يا مولى يا علي يا اعلى يا كريم يا اكرم

يا من له الاسم الاعظم يا من علم الانسان ما لم يعلم

فاطر السموات والارض وهو يطعم ولا يطعم اسئلك

بمحمد المصطفى من الخلق المبعوث بالحق وباصحاب الحق

وابنائه وجدته صابرا وبالامام الرضا علي بن موسى

اللهم اوفي بعهدك وثق بوعدك واعرض

عن الدنيا وقد اقبلت اليه ورغبت عن زينتها

وقد رغبت فيه

ان تصلي على محمد

وآل محمد فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي

وبين يدي حوائجي ان تهديني الى سبل مرضاتك وتيسر

لي اسباب طاعتك وتوفقني لابتغاء الزلفة بموالاة

اوليائك وازديادالحظوة من معاداة اعدائك و

تعينني على اداء فروضك واستعمال سنتك

وتوفقني على المحجة المؤدية الى العتق من

عذابك والفوز برحمتك يا ارحم الراحمين

و اما ساعت هفتم پس از نماز عصر است تا اینکه بگذرد

دو ساعت و این وقت منسوب بامام ...

حضرت جواد است و دعا این است

اللهم يا خالق الانوار ومقدر الليل

والنهار يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض



الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ اِذَا تَفَاقَمَ اَمْرٌ طُرِحَ عَلَيْكَ

رحمها ❁ واچه زیاد میکنند و هر چیز ❁ نزد او باندازه است هرگاه بزرگ باشد کاری انداخته میشود

وَاِذَا غُلِّقَتِ الْاَبْوَابُ قُرِعَ بَابُ فَضْلِكَ وَاِذَا ضَاقَتِ الْحَاجَاتُ فُزِعَ

و زمانیکه بسته شود درها ❁ کوبیده میشود درگاه فضل تو ❁ و زمانیکه تنگ شود حاجتها پناه آورده

اِلَى سَعَةِ طَوْلِكَ وَاِذَا انْقَطَعَ الْاَمَلُ مِنَ الْخَلْقِ اتَّصَلَ بِكَ وَاِذَا وَقَعَ الْيَاْسُ

بسوی فراخی تو مَرّ توجه ❁ زمانیکه بریده شود امید از خلق پیوسته میشود بتو ❁ و زمانیکه واقع شود

مِنَ النَّاسِ وَقَفَ الرَّجَاءُ عَلَيْكَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الْاَبْوَابِ الَّذِي

از مردم امید استوار میشود بر تو سؤال میکنم ترا بحق پیغمبر ❁ بسیار بازگشت کننده ایکه

اَنْزَلْتَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ وَنَصَرْتَهُ عَلَى الْاَحْزَابِ وَهَدَيْتَنَا بِهِ اِلَى دَارِ الْمَآبِ

فرو فرستاده بر او کتاب را ❁ و یاری کرده او را بر گروهها ❁ و هدایت کرده ما را باو بسوی خانه بازگشت

وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ الْكَرِيمِ التَّوَّابِ الْمُتَصَدِّقِ بِخَاتَمِهِ

و بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام کریم الاصدقت ❁ و تصدق کننده است انگشتر خود

فِي الْمِحْرَابِ وَبِالْاِمَامِ الْفَاضِلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي سُئِلَ فَوَقَفْتَهُ

در محراب ❁ و بحق امام فاضل ❁ محمد بن علی علیه السلام ❁ آنکه سؤال کرده شد پس توفیق دادی او را

لِرَدِّ الْجَوَابِ وَامْتُحِنَ

برای رد جواب و از او آزمایش کرده شد

فَعَضَدْتَهُ بِالتَّوْفِيقِ وَالصَّوَابِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ

پس یاری کردی او را بتوفیق ❁ و صواب ❁ رحمت کند خدا بر او ❁ و بر اهل بیت او

الْاَطْهَارِ اَنْ تَجْعَلَهُمْ اَوْلَى لَهُمْ عِصْمَةً مِنَ النَّارِ وَمَجَنَّةً اِلَى دَارِ الْقَرَارِ

پاکیزه که اینکه بگردانی دوستی ایشان نگاهدارنده از آتش ❁ و جاده بسوی خانه قرار

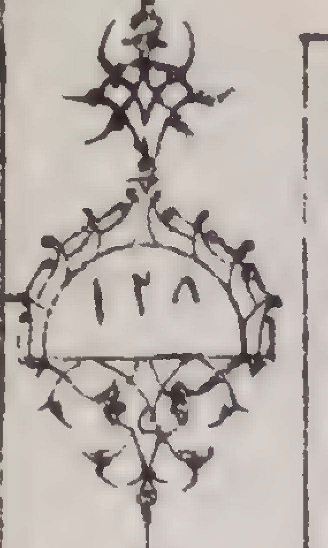
فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ

پس بتحقیق متوسل شدم بایشان

اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ

بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را





اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ التَّعَرُّضِ لِنَوَائِبِ سَخَطِكَ وَتُوَفِّقَنِي

پیش خود و پیش حاجتهای خود و اینکه نگاه داری مرا از متعرض شدن چیزها که محل غضب تست و توفیق دهی

لِسُلُوكِ سُبُلِ مَحَبَّتِكَ وَمَرْضَاتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از برای طی کردن راه محبت تو و خوشنودی تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَمَّا سَاعَت دهم ❁ پس از دو ساعت است بعد از نماز عصر تا نزدیک زردی آفتاب و این منسوب

بحضرت هادی علیه السلام است

و دعای آن این است

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ الْغَفُورُ الْوَدُودُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدِ

خداوندا توئی دوست سپاس کرده شده آمرزنده دوست دارنده ابتدا کننده و عود فرماینده صاحب عرش بزرگ

وَالْبَطْشِ الشَّدِيدِ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ

و صاحب قهر سخت کننده هر آنچه میخواهد ای کسیکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای کسیکه او

هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذُّنُوبِ وَلَا يَكْبُرُ عَلَيْهِ

بر هر چیز گواه است ای کسیکه بزرگ نمی باشد بخشیدن گناهان و بزرگ نیست بر حضرت او

الصَّفْحُ عَنِ الْعُيُوبِ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي مَلَاَ اَرْكَانَ

درگذشتن از عیبها سؤال میکنم ترا بسبب بزرگی تو و بنور ذات تو که پر کرده است ارکان

عَرْشِكَ وَبِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَّرْتَ بِهَا عَلَى خَلْقِكَ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ

عرش ترا و بقدرت تو که تقدیر کرده بآن بر تمام خلق خود و برحمت خود که گنجایش داده

كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي ضَعُفَ فِيهَا كُلُّ كَبِيرٍ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي رَحِمْتَ بِهِ

هر چیز را و بقوت تو که ضعیف شده در آن هر بزرگی و برسول تو که رحم کرده تو بآن

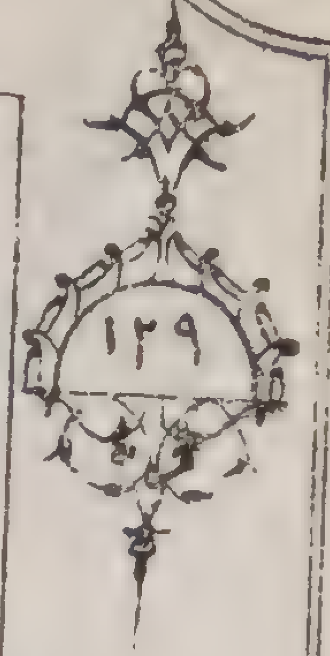
الْعِبَادَ وَهَدَيْتَ بِهِ اِلَى سُبُلِ الرَّشَادِ وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ

بندگان را و هدایت کرده باو بسوی راههای رشد را و بامیر مؤمنان علی بن ابی طالب

عَلَيْهِ السَّلَامُ اَوَّلِ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِكَ وَصَدَّقَ وَالَّذِي وَفَى بِمَا عَاهَدَ

علیه السلام که اول کسی است که ایمان آورد برسول تو و تصدیق کرده است و وفا کرده است بآنکه عهد کرده است





عَلَيْهِ وَتَصَدَّقَ وَبِالْإِمَامِ الْبَرِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي كَفَيْتَهُ حِيلَةَ ال

براو و تصدیق کرده است و بامام نیکوکار علی بن محمد علیه السلام آنکه کفایت کردی برای او حیله دشمنان را

وَأَرَيْتَهُمْ عَجِيبَ الْآيَاتِ إِذْ تَوَسَّلُوا بِهِ فِي الدُّعَاءِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و نمودی بایشان عجیب علامات معجزه زمانیکه متوسل شدند باو در دعا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي

پس تحقیق که شفاعت جسته ام بایشان بسوی تو و مقدم داشته ام ایشان را پیش رو و در پیش حاجتهای خود و اینکه بگردانی

مِنْ كَفَيْتَكَ فِي حِرْزٍ حَمِيدٍ وَمِنْ كَلَائَتِكَ تَحْتَ عِزٍّ عَزِيزٍ وَتُوزِعَنِي شُكْرَ آلَائِكَ

از کفایت خود در پناه محکم و از نگاه بانی خود زیر عزت عزیز خود و در دل من انداز شکر نعمتها

وَمِنَنِكَ لِلْاعْتِرَافِ بِآلَائِكَ وَنِعْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و بخششها را از برای اعتراف باحسانهای تو و نعمتهای تو ای ارحم کننده ترین رحم کنندگان

فصل

ساعت یازدهم ❖ از نزدیک زردی آفتاب است تا زردی آن ❖ و آن منسوب بحضرت

عسکری علیه السلام است

و دعای آن این است

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مُنْزِلُ الْقُرْآنِ وَخَالِقُ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ وَجَاعِلُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

خداوندا بدرستیکه تو فرو فرستادهٔ قرآنی و آفریننده انس و جان و قرار دهنده آفتاب و ماه را

حُسْبَاناً الْمُبْتَدِئُ بِالطَّوْلِ وَالْإِمْتِنَانِ وَالْمُبْتَدِئُ لِلْفَضْلِ وَالْإِحْسَانِ

بحساب معین ابتدا کننده بنعمت و منت گذاردن و ابتدا کننده مر فضل و احسان را شایسته

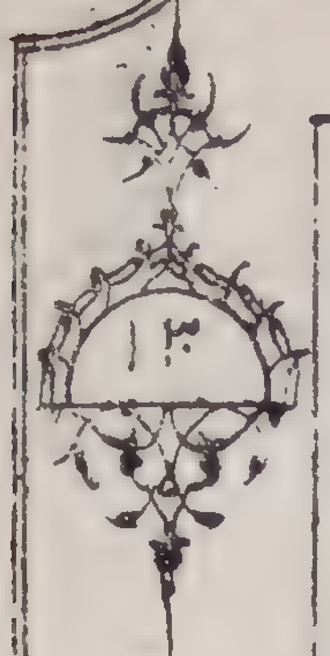
وَضَامِنُ الرِّزْقِ لِجَمِيعِ الْحَيَوَانِ لَكَ الْمَحَامِدُ وَالْمَمَادِحُ وَمِنْكَ الْعَوَائِدُ

و ضامن روزی از برای تمام حیوانات از برای تست همه حمدها و مدحها و از تست همه احسانها

وَالْمَنَائِحُ وَإِلَيْكَ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ

و عطاها و بسوی تو بالا میرود سخنان نیکو پاکیزه و عمل صالح و تو ئی پروردگار دانا





بِخَفِيِّ الصَّدَدِ وَذَوِي الْحَوَائِجِ أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولِكَ

بنهان سینها ❖ و حاجتها ❖ سؤال میکنم ترا بحق محمد رحمت کند خدا براو ❖ و آل او که فرستاده تو است

إِلَى الْكَافَّةِ وَأَمِينِكَ الْمَبْعُوثِ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّأْفَةِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

بسوی همه خلق و امین تو که فرستاده شد بسبب رحمت و مهربانی و بامیر مؤمنان ❖ علی بن ابی

طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُفْتَرَضِ طَاعَتُهُ عَلَى الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ الْمُؤَيَّدِ بِنَصْرِكَ

طالب علیه السلام ❖ که فرض کرده شد طاعت او بر نزدیک ❖ و دور و تأیید کرده شده بیاری تو

فِي كُلِّ مَوْقِفٍ مَشْهُودٍ وَبِالْإِمَامِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الَّذِي طُرِحَ لِلسِّبَاعِ فَخَلَّصْتَهُ

در هر موقف مشهودی ❖ و بامام حسن بن علی ❖ آنکه انداخته شده برای درندگان پس خلاص نمودی

مِنْ مَرَابِضِهَا وَامْتُحِنَ بِالدَّوَابِّ الصِّعَابِ فَذَلَّلْتَ لَهُ مَرَاكِبَهَا أَنْ تُصَلِّيَ

او را از جاهای آن ❖ و امتحان کرده شد بچهارپایان صعب پس رام کردی برای او پشت آنها را اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي

بر محمد ❖ و آل محمد ❖ پس تحقیق که متوسل شدم بایشان بسوی تو ❖ و مقدم داشتم ایشان را

وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَأَنْ تَرْحَمَنِي بِالتَّوْفِيقِ لِتَرْكِ مَعَاصِيكَ مَا أَبْقَيْتَنِي

پیش خود و در پیش حاجتهای خود و اینکه رحم کنی مرا بتوفیق دادن از برای ترک معاصی چندانکه باقی داری

وَتُعِينَنِي عَلَى التَّمَسُّكِ بِطَاعَتِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَأَنْ تَخْتِمَ لِي بِالْخَيْرَاتِ

و یاری کنی مرا بر چنگ زدن بطاعت خود ❖ چندانکه زنده داری مرا و اینکه ختم کنی از برای من بخیرها

إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِالْمَيَاسَرَةِ إِذَا حَاسَبْتَنِي وَتَهَبَ لِيَ الْعَفْوَ

زمانیکه بمیرانی مرا و تفضل کنی بر من بآسان گرفتن زمانیکه حساب کنی مرا و ببخشی برای من عفو

إِذَا كَاشَفْتَنِي وَلَا تَكِلَنِي إِلَى نَفْسِي فَأَضِلَّ وَلَا تُحْوِجَنِي إِلَى غَيْرِكَ فَأَذِلَّ

زمانیکه برداری پرده از عیبهای من و مگذار مرا بسوی نفس من پس گمراه شوم و محتاج مگردان مرا بسوی غیر خود پس خوار شوم

وَلَا تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَأَضْعُفَ وَلَا تَبْتَلِنِي بِمَا لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ

و بار مکن بر من آنچه نباشد طاقت آن مرا پس ضعیف شوم و مبتلا مکن مرا بآنچه نباشد صبر از برای من





وَاَجِرْنِي عَلَى جَمِيعِ عَوَائِدِكَ عِنْدِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِسُوءِ عَمَلِي وَلَا تُسَلِّطْ

و پناه ده مرا بر نیکوئی احسانهای تو که نزد من است و مؤاخذه مفرما مرا بسبب بدی عمل من و مسلط مفرما

عَلَى مَنْ لَا يَرْحَمُنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر من کسی را که رحم نکند مرا برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و اما ساعت دوازدهم پس از زرد شدن آفتاب است تا غروب آن از حضرت

قائم علیه السلام است

و دعا این است

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ

ای خداوند ای آفریننده سقف بلند کرده شده و بساط وضع کرده شده

وَرَازِقَ الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

و روزی دهنده گناهکار و طاعت کننده آنکه نیست مر او را از غیر او

وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي اِذَا سُمِّيَتْ

دوستی و نه شفاعت کننده سؤال میکنم ترا بحق نامهای تو که زمانیکه نام برده

عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا وَاِذَا وُضِعَتْ عَلَى الْجِبَالِ

بر حادثهای دشوار بر میگردند با سانی و هرگاه وضع کرده شوند

كَانَتْ هَبَاءً مَنْثُورًا وَاِذَا رُفِعَتْ اِلَى السَّمَاءِ

میگردند ریزهای پراکنده شده و زمانیکه بالا برده شود بجانب آسمان

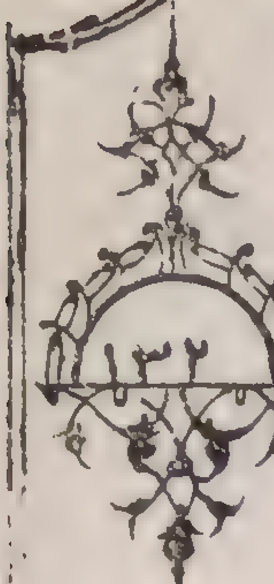
تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَاِذَا هَبَطَتْ اِلَى ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ

گشوده میشود از برای آنها درهای بسته شده و زمانیکه پائین برده شود

اِتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ وَاِذَا دُعِيَتْ بِهَا الْمَوْتَى

گشاده میشود از برای آنها تنگیها و زمانیکه خوانده شود باینها مردگان

اِنْتَشَرَتْ



مِنَ اللُّحُودِ وَاِذَا نُودِيَ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ اِلَى الْوُجُودِ وَاِذَا ذُكِرَتْ

از لحدها و زمانیکه ندا کرده شوند باینها معدومات بیرون آیند بسوی وجود و هرگاه یاد کرده

عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعًا وَاِذَا قَرَعَتِ الْاَسْمَاعَ فَاضَتِ الْعُيُونُ دُمُوعًا

بر دلها بترسند آنها از روی خشوع و هرگاه زده شوند بگوشها روان شود از دیدها اشکها

اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجِزَاتِ الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْاٰيَاتِ وَ

سؤال میکنم ترا بحق محمد فرستاده تو که تائید کرده شده بمعجزات و فرستاده شده بمحکم ترین علامات و

وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و بحق امیر المؤمنین

عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ

علی بن ابی طالب

الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤَاخَاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ وَاصْطَفَيْتَهُ

آنکه اختیار کردی او را از برای برادر رسول تو و خلیفه او و برگزیده او

لِمُصَافَاتِهِ وَمُصَاهَرَتِهِ وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ

از برای خاص بودن با او و داماد بودن او و بحق صاحب الزمان

الْمَهْدِيِّ الَّذِي تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ الْاٰرَاءَ

مهدی آنکه جمع میکنی بر طاعت او رأیهای

الْمُتَفَرِّقَةَ وَتُؤَلِّفُ بِهِ بَيْنَ الْاَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ

پراکنده را و الفت میدهی باو میان خواهشهای مختلفه

وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ اَوْلِيَائِكَ وَتَنْتَقِمُ

و خلاص میکنی باو حقوق دوستان خود را و انتقام میکشی

بِهِ مِنْ شِرَارِ اَعْدَائِكَ وَتَمْلَأُ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلًا

باو از بدان دشمنان خود و پر میکنی باو زمین را از عدل

وَاِحْسَانًا وَتُوَسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ

و احسان و فراخ میکنی بر بندگان بسبب ظهور او



فَضْلاً وَ امْتِناناً وَ نُعیدُ الْحَقَّ اِلی مَکانِهِ عَزیزاً حَمیداً وَ نُرْجِعُ الدّینَ

فضل و امتنان و عود میفرمائی حق را بسوی مکان خود عزیز و پسندیده ثنا و میگردانی دین را

عَلی یَدَیْهِ غَضّاً جَدیداً اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ

بر دست او جدید تازه اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس بتحقیق که شفاعت خواستم

بِهِمْ اِلَیْکَ وَ قَدَّمْتُهُمْ اَمامی وَ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی فَاَوْزِعْنی شُکْرَ

باینها بسوی تو و مقدم داشته‌ام اینها را پیش خود و پیش حاجتهای خود و اینکه در دل من انداز شکر

نِعْمَتِکَ فِی التَّوْفیقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَ الْهِدایَةِ اِلی طاعَتِهِ وَ زِدْنی قُوَّةً ۵

نعمت خود را در توفیق برای شناختن او و هدایت بسوی طاعت او و زیاد کن برای من قوت

فِی التَّمَسُّکِ بِعِصْمَتِهِ وَ الْاِقْتِداءِ بِسُنَّتِهِ وَ الْکَوْنِ فی زُمْرَتِهِ اِنَّکَ سَمیعُ

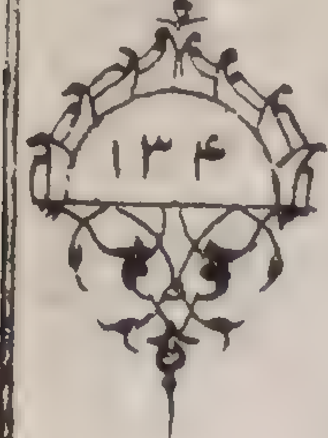
در چنگ زدن بنگاهداری او و اقتدا بطریقه او و بودن در گروه او بدرستیکه تو شنونده

الدُّعاءِ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

دعائی برحمت خود ای رحم کنندترین رحم کنندگان

باب چهارم

آنچه کرده میشود در میانه غروب آفتاب تا وقت خواب اول وقت نماز مغرب بنا بر مشهور بر طرف شدن سرخی طرف مشرق است و میکشد وقت فضیلت آن تا پنهان شدن سرخی مغرب و وقت ادای آن تا اینکه باقی بماند تا نصف شب قدر گذاردن آن با نماز عشا پس هرگاه یقین کردی داخل شدن وقت را میگوئی ده مرتبه آنچه را روایت کرده است ابن بابویه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام از دعای نوح علیه السلام بر پیغمبر ما و بر او باد درود آنچه را روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح نیز از حضرت باقر عَلَیْهِ السَّلام و بتحقیق که گذشت ذکر آنها در دعاهای نزد طلوع صبح و میگذاری دست خود را بر سر خود و بعد از آن میکشی آنرا بر روی خود و میگیری ریش خود را



اَحَطْتُ عَلی نَفْسی وَ اَهْلی وَ مالی وَ وُلْدی مِنْ غائِبٍ وَ شاهِدٍ بِاللّهِ الَّذی لا اِلهَ اِلّا

فرو گرفته‌ام نفس خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزندان خود را از غائب و حاضر که نیست خدائی

هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ

او دانای پنهان و آشکار بسیار مهربان رحم کننده زنده بخود برپا و نگهدارنده نمیگیرد او را پینکی و نه خواب

تا وهو العلی العظیم و بهتر است که فقط یکی از این سه دعا خصوصا هرگاه بترسی از تنگی وقت و بعد از آن سزاوار است پیشی گرفتن بسوی نماز مغرب پس بدرستیکه مستفاد از روایات معتبره از اصحاب عصمت سلام الله علیهم آن است که وقت مغرب تنگ است و روایات در این باب بسیار است چنانچه روایت کرده ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که جبرئیل علیه السلام آورد برای پیغمبر صلی الله علیه و آله از برای هر نماز دو وقت مگر نماز مغرب پس بدرستیکه وقت آن یکی است و وقت آن سقوط آفتاب است و چنانچه روایت کرده ابن بابویه در مجلس شصت و دوم کتاب امالی از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که هر که تأخیر کند مغرب را تا آنکه مشتبک شوند ستاره‌ها پس من از او بیزارم و چنانچه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از ذریح که گفت گفتم بحضرت ابی عبد الله علیه السلام که جمعی از مردم از اصحاب ابی الخطاب شام میکنند نماز مغرب را تا اینکه مشتبک میشوند ستاره‌ها پس فرمودند آنحضرت که من بیزارم بسوی خدا از کسیکه بکند این را عمدا و چنانکه روایت کرده است ایضا در تهذیب بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام که فرمود که جبرئیل عَلَیْهِ السَّلام امر کرد پیغمبر را صلی الله علیه و آله بنمازها تمام آنها پس گردانید از برای هر نمازی دو وقت مگر مغرب پس بدرستیکه گردانید از برای آن یک وقت و بتحقیق که روایت شده است نیز در روایات معتبره بیرون رفتن وقت مغرب بزایل شدن شفق و عمل کرده‌اند بآن جماعتی از علما و تأویل کرده‌اند آنها را میان غروب و رفتن شفق را وقت از برای مختار و ما بعد آن را وقت از برای مضطر و ظاهرتر مذهب متأخرین است که وقت فضیلت ثلث است و وقت ادای آن پس بنا بر این حمل کرده میشود بر آنکه بودن



حضرت صادق علیه السلام ❁ از کسیکه تاخیر کند از نماز تا مشتبک شدن ستارها بر کسیکه
اعتقاد داشته باشد وجوب تاخیر از نماز تا آن وقت را ❁ سزاوار است که مرتکب شود مازان
و اقامه نماز شام پس بتحقیق که رفته اند جماعتی ❁ از علما ما سید مرتضی و ابن ابی عقیل و ابن جنید
رحمهم الله بوجوب آنها ❁ در نماز شام بلکه قائل شده اند بعضی از ایشان بباطل شدن نماز بسبب
ترک آنها عمداً ❁ و مرکان اذان مکروب ❁ بپس اصله کن میان اذان و میان اقامه ❁ بسکته
یا نشستنی ❁ پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرموده که هر که
بنشیند میان اذان مغرب و اقامه خواهد بود مثل کسیکه بغلطد بخون خود در راه خدا و از آنچه
گفته میشود میان اذان مغرب و اقامه ان این دعا است ❁

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاِقْبالِ لَیْلِکَ وَاِدْبارِ نَهارِکَ وَحُضُورِ صَلَواتِکَ وَاَصْواتِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق رو آوردن شب تو و پشت کردن روز تو و حاضر شدن نمازهای تو و آوازهای

دُعاتِکَ وَتَسْبیحِ مَلٰائِکَتِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَیَّ اِنَّکَ

دعوت کنندگان تو و تسبیح نمودن ملائکه تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قبول کنی توبه مرا بدرستیکه

اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ ❁

توئی بسیار توبه پذیرنده رحم کننده

و اما فاصله کردن میان آنها ❁ بگام برداشتن پس مذکور است ❁ در کتابها فقه و گفته است
شیخ ما در ذکری ❁ که من نیافته ام در این باب حدیثی ❁ و میگوئی بعد از اقامت آنچه گذشت
بعد از ان افتتاح کن نماز را ❁ و رعایت کن آدابی را که پیش گذشت و اختیار میکنی از سورها
در دو رکعت اول نصر را یا تکاثر ❁ یا آنچه مانند آنها باشد مذکور است چنانکه روایت کرده است
از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح ❁ و در دو رکعت دوم سوره توحید ❁ و تعقیب
میخوانی بعد از فراغ ❁ یعنی تسبیح تکبیر و تسبیح زهرا علیها السلام ❁ بعد از ان میگوئی سه مرتبه
آنچه روایت کرده است ❁ رئیس محدثین در فقیه از حضرت علیه السلام ❁ و ان دعا این است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی یَفْعَلُ ما یَشاءُ وَلا یَفْعَلُ ما یَشاءُ غَیْرُهُ

حمد مر خدا را که میکند آنچه میخواهد ❁ نمیکند آنچه میخواهد غیر او

بعد از ان بر میخیزی بنافله ❁ و اگر دوست داری طول دادن تعقیب را ❁ پس سزاوار است
که بجا آوری آنچه را یاد نباشی ❁ از آنچه مذکور شد بعد از نافله اگر وسعت داشته باشد
وقت برای او ❁ و بتحقیق روایت شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم ❁ تعقیب
بر نافله مغرب ❁ پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ❁
که فرموده بحارث بن مغیره ❁ که وا مگذار چهار رکعت را بعد از مغرب در سفری نه در حضر
و اگر چه طلب کنند ترا سواران ❁ و مکروه است سخن گفتن میان مغرب و این چهار رکعت
❁ و در روایت خشاف از حضرت صادق علیه السلام دلالتی است بر این ❁ و روایت کرده
رئیس محدثین ❁ در فقیه از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد
پس از ان تعقیب کند ❁ و حرف نزند تا اینکه دو رکعت نماز بگذارد ❁ نوشته میشود که
ان دو رکعت از برای او در علیین ❁ پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود اینها از برای
او حج مقبول ❁ و مشهور نیست کراهت سخن گفتن ❁ در میانه چهار رکعت و دلالت
میکند ❁ بر کراهت ان روایت ابی العوارس که گفته ❁ که نهی کرد مرا حضرت ابی عبد الله علیه السلام
از سخن گفتن میانه چهار رکعتی که بعد از مغرب است و بتحقیق که استدلال کرده است

[illegible]

در منتهی باین روایت ❁ بر کراهت سخن گفتن میانه مغرب ❁ و این چهار رکعت ❁
و موافقت کرده است با و شیخ ما شیخ شهید در ذکری ❁ بر این استدلال ❁ و این
چنان است که میبینی ❁ و اول این چهار رکعت فارغ شدن از نماز شام است ❁
و آخر ان بر مذهب مشهور بر طرف شدن شفق است ❁ و مزاحمت رسانیده نمیشود
باین چهار رکعت نماز عشا ❁ خواه شروع شده باشد یا نماند ❁ و بنا باشد که قول
مشده باشد با متداد وقت آنها ❁ تا اینکه باقی بماند بعد از مغرب و پیش از نصف شب

وقت ادای نماز

عشا ❁ و بتحقیق که میل کرده است باین شیخ ما در ذکری ❁ که علامه علامه طاب ثراه
در منتهی دعوی میکند بر اتفاق علمای ما ❁ بر اینکه آخر وقت آنها بر طرف شدن شفق است ❁

پس عدول نیست بنابر این از مشهور ❀ و هرگاه فوت شود وقت اداها ❀ پس سزاوار است
قضای آنها آماده باشد بافی نوافل شبانه روزی ❀ پس از حضرت صادق علیه السلام روایت شده
که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله بدرستیکه

خدا تعالی

مباهات میکند به بنده که قضا میکند نماز شب را در روز ❀ و میگوید ای ملائکه من
نگاه کنید بسوی بنده من ❀ که قضا میکند آنچه را واجب نکرده ام بر او ❀ گواه میگیرم
شما را بدرستیکه من آمرزیدم او را ❀ و در روایت از ائمه علیهم السلام در تفسیر قول خدا تعالی

والذینهم علی صلوتهم دائمون

یعنی آنهائیکه ایشان بر نماز خود مداومت میکنند

والله تعالی یعلم

و شاید مراد اینست ❀ که مداومت میکنند بر ادای نافلهها در شب ❀ و سزاوار است نزد شروع در
اینکه افتتاح کنی رکعت اوّل را با آن هفت تکبیر با سه دعای آنها ❀ و بخوانی در آن بعد حمد
سوره توحید سه مرتبه ❀ و در رکعت دوّم سوره قدر ❀ و اگر خواهی بخوانی در دو رکعت
اول حمد و توحید ❀ و در دوّم توحید و اگر اکتفا کنی بحمد مجزی است ترا چنانکه در باقی ❀
نافلههای شبانه روزی است ❀ و سزاوار است بلند کردن قرائت در آنها و در جمیع نوافل شب

و میگوئی بعد از فراغ از دو رکعت اول

اللهم انک تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وان الیک الرجعی والمنتهی
خداوندا بدرستیکه تو میبینی و دیده نمیشوی و تو بر منظر بلندتری و بدرستیکه بسوی تو است رجوع و منتهی
وان لک الممات والمحیی وان لک الاخرة والاولی اللهم انا نعوذ بک ❀
و بدرستیکه از برای تو است میرانیدن و زنده کردن و از برای تو است آخرت و دنیا خداوندا بدرستیکه ما پناه میبریم بتو
ان نذل ونخزی وان نأتی ما عنه نهی اللهم انی اسئلک ان تصلی علی
اینکه خوار و رسوا شویم و اینکه بجا آوریم آنچه را از آن نهی کردی خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر

محمد

۹ در فضیلت هرگاه بنده مراقب قضا کند نافله نوافل مستحبه را خالصا لوجه الله تعالی مورد الطاف حضرت حق میگردد

۷ بشرطیکه چیزی از دنیا و تعبره داخل او نشود

وآل محمد واسئلک الجنة برحمتک واستعیذ بک من النار بقدرتک و
و آل محمد ❀ و سؤال میکنم بهشت را برحمت تو و پناه میبرم بتو از آتش سوزان بقدرت تو ❀ و
اسئلک من الحور العین بعزتک وان تجعل اوسع رزقی عند کبر سنی و
و سؤال میکنم ترا از حور عین بعزت تو ❀ و اینکه گردانی فراخترین روزی مرا نزد پیری من ❀ و
احسن عملی عند اقتراب اجلی واطل فی طاعتک وما یقرب منک ویحظی
و نیکو گردانی کردار مرا نزد نزدیک شدن اجل من و طولانی گردانی در طاعت تو و آنچه نزدیک کند و بهره بود منزلت نزد
عندک ویزلف لدیک عمری واحسن فی جمیع احوالی واموری معرفتی ولا
نزد تو ❀ و نزدیک کند نزد تو عمر مرا و نیکو گردانی در جمیع احوال من و امور من معرفت مرا ❀ و
تکلنی الی احد من خلقک وتطول علی بقضاء جمیع حوائجی للدنیا والاخرة
نگذاری مرا بسوی احدی از خلق تو و احسان کنی بر من بر آوردن جمیع حاجتهای مرا از برای دنیا و آخرت
وابدأ بوالدی وولدی وجمیع اخوانی المؤمنین فی جمیع ما سألتک لنفسی ۵
و ابتدا فرما به پدر و مادر من و فرزندان من و جمیع برادران مؤمن من ❀ در جمیع آنچه سؤال کردم ترا از برای نفس خود ❀

برحمتک یا ارحم الراحمین

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بعد از اینکه فارغ شوی از آنچه ❀ متعلق است به دو رکعت اول از نافله شب شروع میکنی در دو رکعت
اخر و میخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره حدید

بسم الله الرحمن الرحیم

سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض
تسبیح کرده است از برای خداوند آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب دانا از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین
یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو
زنده میکند و میمیراند و او بر همه چیز تواناست اوست اول اوست آخر و اوست ظاهر و اوست باطن و اوست
بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
بر همه چیز دانا اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز ❀ پس احاطه و توجه دارد بر عرش

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ

میداند آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون میآید از آن و آنچه فرود میآید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و او با شما

أَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

هر جا که بوده باشید و خدا بآنچه میکنید بیناست از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا برمیگردد امور

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

داخل میکند شب را در روز و داخل میکند روز را در شب و او دانا است بآنچه در سینهها است

و میخوانی در رکعت دوم آخر سوره حشر را

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ

اگر میفرستادیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا زاری کننده شکافته شده از ترس خداوند و این

الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

مثلها میزنیم ما آنها را از برای مردم شاید ایشان تفکر کنند او است خدائی که نیست خدائی مگر او دانای غیب و

وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ

آشکار او است بسیار رحم کننده او است خدائیکه نیست خدائی مگر او پادشاه بسیار پاکیزه سلامت دهنده

الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

امان دهنده حفظ کننده عزیز جبار متکبر منزه است خداوند از آنچه شریک میگردانند او او است خدای آفریننده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند برای او آنچه در آسمانها است و زمین و او است عزیز حکیم

و میگوئی در سجده آخر بعد از این دو رکعت هفت مرتبه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ

خداوندا من سؤال میکنم ترا بحق ذات بزرگوار تو و نام بزرگ تو و پادشاهی قدیم تو

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی گناه بزرگ مرا بدرستیکه نمیآمرزد گناه بزرگ را

إِلَّا الْعَظِيمُ

پس هرگاه فارغ شدی از این چهار رکعت پس نافلهٔ پیشین را کامل کردی بدانکه تعقیب بعضی از آنچه ذکر شد در تعقیب صبح از آنچه خوانده میشود در صبح و شام چنانچه آگاه کردیم ترا بآن ذکر آنها

فصل

اگر وقت وسعت داشته باشد پس بخوان از نافله بعد از مغرب این دعا را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد بشارت دهنده ترساننده چراغ روشن پاکیزه و پاک ختم پیغمبران تو

وَسَيِّدِ أَصْفِيَائِكَ وَخَالِصِ أَخِلَّائِكَ ذِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَالْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ

و بزرگ برگزیدهٔ تو و خالص دوستان تو صاحب جایگاه پسندیده و صاحب کوثر آشکار و

وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَنَصَحَ

حوض مورود خداوندا رحمت بفرست بر محمد چنانچه رسانید پیغام ترا و جهاد کرد در راه تو و نصیحت کرد

لِأُمَّتِهِ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ وَصَلِّ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ

مر امت خود را تا اینکه آمد او را اجل و رحمت بفرست بر آل او پاکان برگزیدگان پرهیزکاران نیکوکاران

الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِنْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ

آنانکه برگزیدهٔ ایشان را از برای نفس خود و برگزیدهٔ ایشان را از خلق خود و امین گردانیدهٔ ایشان را بر وحی خود

وَجَعَلْتَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِكَ وَتَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ وَأَعْلَامَ نُورِكَ وَحَفَظَةَ سِرِّكَ وَ

و گردانیدهٔ ایشان را خزانهدار علم خود و ترجمان وحی خود و علمهای نور خود و نگهدارندهٔ سر خود و

أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَاحْشُرْنَا

دور کردهٔ از ایشان رجس و پاک گردانیدهٔ ایشان را پاک گردانیدنی خداوندا نفع ده ما را بدوستی ایشان و محشور گردان ما را

فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوَائِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً

در گروه ایشان و زیر علم ایشان و جدائی میفکن میان ما و میان ایشان و گردان مرا بسبب ایشان نزد تو رو سفید

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الْحَمْدُ

در دنیا و آخرت و گردان از مقربان آنکه نیست خوفی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند حمد

لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ النَّهَارَ بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً وَ

مر خدا را که برد روز را بقدرت خود و آورد شب را برحمت خود آفریده تازه جدید

جَعَلَهُ لِبَاساً وَسَكَناً وَجَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ لِنَعْلَمَ بِهِمَا عَدَدَ السِّنِينَ

گردانید او را لباس و آرامگاه و گردانید شب و روز را دو علامت تا اینکه بدانیم عدد سالها

وَالْحِسَابَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِإِقْبَالِ اللَّيْلِ وَإِدْبَارِ النَّهَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و حساب حمد مر خدا را بر آوردن شب و پشت کردن روز خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

وَأَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي

و اصلاح کن از برای من دین مرا آنکه او نگهدارنده امر من است و اصلاح کن از برای من دنیای مرا که در آنست زندگانی من

وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي وَاجْعَلِ الْحَيَوٰةَ زِيَادَةً لِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْوَفَاةَ

و اصلاح فرما از برای من آخرت مرا که بسوی آنست بازگشت من و بگردان زندگی را زیاده از برای من از هر خیری و بگردان مرگ را

رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَاكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ

راحت از برای من از هر بدی و کفایت فرما مرا امر دنیا و آخرت مرا باینچه کفایت نمودهٔ به آن دوستان خود را

وَحِزْبَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا وَوَفِّقْنِي لِمَا يُرْضِيكَ

و گروه خود را از بندگان تو که نیکوکارانند و بگردان از من بدی دنیا و آخرت را و توفیق ده مرا از برای آنچه خشنود سازد ترا

عَنِّي يَا كَرِيمُ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ

از من ای کریم شام کردیم برای خدای یگانه قهار است و آنچه در شب و روز است خداوندا

إِنِّي وَهٰذَا اللَّيْلَ

وَالنَّهَارَ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَاعْصِمْنِي فِيهِمَا بِقُوَّتِكَ وَلَا تُرِهِمَا جُرْأَةً

و روز دو آفریده از آفریدگان توئیم پس نگاه دار مرا در آنها بقوت خود و منما بایشان جرأتی

مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ وَلَا رُكُوباً لِمَحَارِمِكَ وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولاً وَسَعْيِي مَشْكُوراً

از من بر معصیتهای تو و نه ارتکاب بستن حرامهای تو و بگردان عمل مرا در آنها قبول شده و سعی مرا جزا داده شده

وَسَهِّلْ لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَاقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَىٰ وَآمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَهْتِكْ

و آسان گردان برای من آنچه میترسم دشوار آن را و حکم کن برای من در آن بنیکوئی و ایمن گردان مرا از مکر تو و مدر پرده

عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا

از من پرده خود را و فراموش مگردان مرا از یاد خود و حایل مشو میان من و میان حول و قوت خود و مساز

تَلْجِئْنِي إِلَىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَلَا إِلَىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ

ملتجی مرا بسوی نفس من یک چشم بر هم زدن و نه بسوی احدی از جمله آفریدگان تو ای بزرگوار خداوندا

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ قَلْبِي لِذِكْرِكَ حَتَّىٰ أَعِيَ وَحْيَكَ وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشا دل مرا برای ذکر تو تا اینکه بشنوم وحی ترا و پیروی کنم امر ترا

وَأَجْتَنِبَ نَهْيَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَلَا

و اجتناب کنم نهی ترا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مگردان از من توجه خود و مکن

تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ وَلَا تَحْرِمْنِي عَفْوَكَ وَاجْعَلْنِي أُوَالِي أَوْلِيَاءَكَ وَأُعَادِي

منع از من فضل خود را و محروم مکن مرا از عفو خود و بگردان مرا که دوست دارم دوستان ترا و دشمن دارم

أَعْدَاءَكَ وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ

دشمنان ترا و روزی گردان مرا ترس از تو و رغبت بسوی تو و تسلیم نمودن امر ترا

وَالتَّصْدِيقَ بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ

و تصدیق نمودن بکتاب تو و پیروی کردن طریقه پیغمبر تو رحمت کند خدا بر او و آل او خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَقَلْبٍ

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از نفسیکه قناعت نکند و شکمیکه سیر نشود و چشمیکه گریه نکند و دلیکه

لَا يَخْشَعُ

وَصَلَوٰةٍ لَا تُرْفَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ

و نمازیکه بالا برده نشود و عملیکه نفع نکند و دعائیکه شنیده نشود و پناه می‌برم بتو از بدی

الْقَضَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَجَهْدِ الْبَلَاءِ وَعَمَلٍ لَا يُرْضِي

قضا و در یافتن به بخت و شماتت دشمنان و مشقت و جهد رنج بلا و عملیکه پسندیده نشود

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْكُفْرِ وَالْقَذَرِ وَضِيقِ الصَّدْرِ وَسُوءِ الْأَمْرِ وَمِنْ

و پناه می برم بسوی تو از پریشانی و کفر و پلیدی و تنگی سینه و بدی حال و امر و از

بَلَاءٍ لَيْسَ لِي بِهِ صَبْرٌ وَمِنَ الدَّاءِ الْعُضَالِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ

بلائیکه نبوده باشد برای من صبری و از کفتن سبب رنجت و غلبه مردان و نومیدی بازگشت

وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالدِّينِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ مَلَكِ

و بدی نگریستن در نفس و در اهل خود و در مال و در دین و در ولد و در نزد دیدن ملک موت

وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ إِنْسَانِ سُوءٍ وَجَارِ سُوءٍ وَقَرِينِ سُوءٍ وَيَوْمِ سُوءٍ وَسَاعَةِ

و پناه می برم بخدا از انسان ناخوش و همسایه ناخوش و مصاحب ناخوش و روز ناخوش و ساعت

سُوءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

ناخوش و از شر آنچه فرو رود در زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا

فِيهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

رود در آن و از شر هر جنبنده که پروردگار من گرفته است موی پیشانی او را بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَوٰةً

پس زود باشد که کفایت کند مر ایشان را خدا و اوست شنونده دانا حمد مر خدا را که ادا کرد از برای من نماز را

كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

است بر مؤمنین واجب و وقتها از برای آن معین

بعد از آن میگوئی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه بگردانی نور را در چشم من و بینائی

فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ

در دین من و یقین را در دل من و اخلاص را در عمل من و سلامتی را در نفس من و فراخی را

طوارق
حادثهای
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
شب و روز
إِلَّا طَارِقًا
مگر حادثه که
يَطْرُقُ
رو آورد
بِخَيْرٍ وَمِنْ
بخیر
يَسْرٍ
ای رحمن
أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
رحمت بفرستی بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ

فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ

در روزی من و شکر از برای تو

أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي

همیشه مادامیکه باقی داری مرا

بعد از آن دو سجده

شکر میکنی و میگوئی در آنها ﴿ و بعد از آنها آنچه گذشت ﴿ و اقل آنچه مجزی است این است که بگوئی در هریک از آنها (شکراً) (شکراً) و بتحقیق که دانستی که وقت آن بعد از نافله مغرب ﴿ و در بعضی روایات پیش از آن ﴿ و بعد از آنکه فارغ شدی از این برمیخیزی برای دو رکعت ساعت غفلت ﴿ پس میخوانی در رکعت اول بعد از الحمد

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ

و ذا النون را یاد کن که رفت غضبناک پس گمان کرد اینکه هرگز قدرت نداریم بر او پس فریاد نمود در تاریکی

أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

اینکه نیست خدائی مگر تو منزهی تو ﴿ بدرستیکه بودم من از ظلم کنندگان پس اجابت نمودیم مر او را و نجات دادیم او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

از غم ﴿ و همچنین نجات میدهیم مؤمنین را

و در رکعت دوم بعد از الحمد

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ

و نزد اوست کلیدهای غیب که نمیداند آنرا مگر او ﴿ میداند آنچه در بیابان و در دریاست و آنچه افتد

مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا

از برگی مگر میداند آنرا و نه دانه از دانه در تاریکیهای ﴿ زمین و نیست تر و خشکی که ﴿ مگر

فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

در کتاب ﴿ هویداست

بعد از آن قنوت میخوانی میگوئی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق کلیدهای غیب که نمیداند آنرا مگر تو اینکه رحمت بفرستی بر

محمد و آل

محمد و آل محمد وان تفعل بی کذا وکذا وان تفعل بی ما انت اهله ولا تفعل

بحق محمد و آل محمد که واینکه بی بیاوری از برای من چنین وچنان و اینکه بجا بیاوری برای من آنچه تو سزاواری و بجا نیاوری

بی ما انا اهله

با من آنچه من سزاوار آنم

دیگر از آن میگوئی

اللهم انت ولی نعمتی والقادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق

خداوندا توئی صاحب نعمت من وقادری بر مطلب من ❁ میدانی حاجت مرا پس سؤال میکنم ترا بحق

محمد وآله علیه وعلیهم السلام لما قضیتها لی

محمد وآل او بر او وبر ایشان باد سلام ❁ آنکه تو برآوری آنرا برای من

وسؤال میکنی حاجت خود را پس بتحقیق که روایت کرده است ❁ هشام بن سالم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام ❁ که هر که نماز کند این دو رکعت را میانه شام وخفتن و دعا کند باین دعا ❁ و سؤال کند حاجت خود را ❁ عطا کند او را آنچه سؤال کرده ❁ و بدانکه مشهور شده است این دو رکعت ❁ بدو رکعت غفیله ودو رکعت غفلت ❁ و دو رکعت ساعت غفلت ❁ و وجه این است که ساعتیکه که گذارده میشود ❁ این دو رکعت در آن وآن میانه شام وخفتن است نامیده میشود بساعت غفلت ❁ و روایت کرده است شیخ صدوق در فقیه از حضرت باقر علیه السلام ❁ که فرموده که بدرستیکه شیطان پراکنده میکند لشکر شب خود را مگر از هنگام غروب آفتاب تا برطرف شدن شفق ❁ و پراکنده میکند لشکر روز خود را مگر از هنگام طلوع صبح تا طلوع آفتاب ❁ و ذکر کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه وآله میفرمودند ❁ بسیار بکنید ذکر خدا تعالی را در این دو وقت ❁ و پناه ببرید از شر شیطان ولشکر او ❁ و پناه دهید کودکان خود را ❁ در این دو ساعت بدرستیکه ❁ این دو ساعت دو ساعت غفلتند وروایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که نافله کذارید در ساعت غفلت ❁ و اگر چه بدو رکعت سبک باشد ❁ پس بدرستیکه آنها میراث میگذارند خانه کرامت گفته شد ای رسول الله کدام است

ساعت غفلت ❁ فرموده میانه مغرب و عشا ❁ میانه وقت نماز مغرب و وقت عشا است یعنی میانه غروب آفتاب و برطرف شدن شفق چنانچه دلالت میکند بر آن حدیث سابق ❁ نه میانه نمازها ❁ و بتحقیق که وارد شده است ❁ در احادیث صحیح که اول وقت عشا برطرف شدن شفق است ❁ چنانکه بزودی خواهد آمد ❁ و از این مستفاد میشود ❁ که وقت گذاردن دو رکعت غفیله میانه غروب و زایل شدن شفق است ❁ پس هر گاه بگذرد این وقت ❁ میگردد قضا و آنچه سنت است کردن آن در ساعت غفلت ❁ دو رکعت است که بخوانی در رکعت اول ❁ بعد از حمد سوره اذا زلزلت سیزده مرتبه ❁ و در دوم بعد از حمد سوره قل هو الله احد ❁ پانزده مرتبه پس بتحقیق که روایت کرده است شیخ طائفه از حضرت صادق علیه السلام ❁ که هر که بکند اینرا در هر شبی ❁ مصاحبت کند با من در بهشت ❁ و بنده اند ثواب آنرا مگر کسی که خدای تعالی

فصل

در اول وقت نماز عشا فارغ شدن از مغرب است بر مذهب مشهور ❁ و میکشد وقت فضیلت آن تا ثلث شب ❁ و وقت ادای آن تا مقدار گذاردن چهار رکعت است پیش از نیمه شب ❁ و بعد رکعت غفیله این که ملاحظه کنی شفق را ❁ پس اگر باقی باشد سزاوار نیست شروع در عشا تا اینکه برطرف شود شفق ❁ و بتحقیق که رفته اند شیخ طائفه و شیخ مفید باینکه داخل نمیشود ❁ وقت عشا مگر به پنهان شدن شفق ❁ و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ❁ که اول وقت عشا تا آخر رفتن سرخی است ❁ و روایت کرده است اینرا رئیس محدثین بسند صحیح ❁ و این محمول است بر استحباب تاخیر آن تا رفتن شفق ❁ پس هر گاه یقین کردی به برطرف شدن شفق را ❁ پس سزاوار است ❁ که مبادرت کنی بسوی اذان و اقامت ❁ بجا آورنده دعاها را ❁ که پیش از اقامه و بعد از اذان ❁ پس اراده شروع کن در نماز عشا افتتاح کننده ❁ دعا خواننده چنانکه گذشت ❁ و میخوانی در رکعت اول سوره اعلی یا شمس یا آنچه مانند اینها باشد در طول ❁ چنانچه روایت کرده است از شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سوره توحید مانند باقی نمازها و تکبیر

مبکوئی جهت قنوت ❁ و قنوت میخوانی بانچه گذشت در باب اول ❁ و بانچه خواهد آمد در باب ششم ❁ و طول میدهی قنوت را ❁ و تعقیب را پس بدو میشکر رفت و سبع است. پس میخوانی تعقیبهای را که مشترک است میان پنج نماز ❁ و تعقیبهائی را که مشترک است میان صباح و شام و انچه را مخصوص بعشا است

پس میگوئی

اللّهمّ بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ ولا تؤمنّا مكرك ولا تنسنا

خداوندا بحق محمد وآل محمد ❁ رحمت بفرست بر محمد وآل محمد ❁ و ایمن مگردان ما را از مکر خود و فراموش

ذكرك ولا تكشف عنّا سترك ولا تحرمنا فضلك ولا تحلّ علينا غضبك

از ذکر خود و بر مدار ❁ از ما پرده خود را و محروم مگردان ما را از فضل خود و فرود میاور بر ما غضب خود را

ولا تباعدنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك ولا تنزع عنّا بركاتك ولا

و دور مگردان ما را از همسایگی خود و کم مگردان ما را از رحمت خود و فرو مگیر از ما برکتهای خود را و منع

تمنعنا عافيتك وأصلح لنا ما أعطيتنا وزدنا من فضلك المبارك

مکن از ما عافیت خود را و باصلاح آور از برای ما انچه عطا کرده ما را و زیاد کن از برای ما از فضل خود که با برکت

الطيّب الحسن الجميل ولا تغيّر ما بنا من نعمتك ولا تؤيسنا من روحك

و پاکیزه و نیکو و خوب ❁ و تغییر مده انچه با ما است از نعمت تو ❁ و نومید مگردان ما را از رحمت خود

ولا تهنّا بعد كرامتك ولا تضلّنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك

و خوار مگردان ما را بعد از کرامت خود و گمراه مگردان ما را بعد از انکه هدایت کردی ما را و ببخش از نزد خود

رحمةً إنّك أنت الوهّاب

بعد از آن میخوانی

هر یک از سوره فاتحه و قل هو الله احد ❁ و قل اعوذ برب الفلق ❁ و قل اعوذ برب الناس ده مرتبه و بعد از آن میگوئی

سبحان الله والحمد لله ولا إله إلّا الله والله أكبر ❁

منزه است خدا و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است

ده مرتبه

اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ ده مرتبه

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد (بعد از آن)

اللّهمّ افتح لي أبواب رحمتك وأسبغ عليّ من حلال رزقك ومتّعني

خداوندا بگشا از برای من درهای رحمت خود را و وسعت ده بر من از حلال رزق خود ❁ و بهره مند گردان

بالعافية ما أبقيتني في سمعي وبصري وجميع جوارحي اللّهمّ ما بنا

بعافیت مادامیکه باقی داری مرا در گوش من و دیده من و همه اعضای من ❁ خداوندا انچه با ما است

من نعمةٍ فمنك لا إله إلّا أنت أستغفرك وأتوب إليك

از نعمت ❁ پس از تست نیست خدائی مگر تو ❁ طلب آمرزش میکنم از تو و توبه میکنم بسوی تو

بعد از آن میگوئی و این دعا های طلب روزی است

اللّهمّ إنّه ليس لي علمٌ بموضع رزقي وإنّما أطلبه بخطراتٍ تخطر

خداوندا بدرستیکه نیست از برای من علمی بموضع روزی من و بدرستیکه طلب میکنم آنرا بخیالها که در می اید ❁

على قلبي فأجول في طلبه البلدان فأنا فيما أنا طالبٌ كالحيران لا أدري أفي

در دل من پس سیر میکنم در طلب ان در شهرها ❁ و من در انچه طلب میکنم مانند حیران هستم نمیدانم که ایا در

سهلٍ هو أم في جبلٍ أم في أرضٍ حزنٍ أو في سماءٍ أم في برٍّ أم في بحرٍ وعلى

هموار است یا در کوه ❁ یا در زمین سخت ❁ یا در آسمان ❁ یا در زمین خشکی یا در دریا ❁ و بر

يدي من ومن قبل من وقد علمت أنّ علمه عندك وأسبابه بيدك

دست کیست و از پیش کیست و بتحقیق میدانم که علم ان نزد تو است ❁ و اسباب آن بدست تو است

وأنت الذي تقسمه بلطفك وتسبّبه برحمتك اللّهمّ فصلّ على

و توئیکه قسمت میکنی انرا بسبب لطف خود و فراهم میاوری انرا برحمت خود خداوندا پس رحمت بفرست بر

محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعل يا ربّ رزقك لي واسعاً ومطلبه سهلاً و

محمد ❁ وال محمد و بگردان ای پروردگار رزق خود را برای من با وسعت و مطلب آنرا سهل

وما أخذه قريباً وتعنّتني بطلب ما لم تفعل لي فيه دونه فإنك غني عن

و گرفتن آنرا نزدیک ❁ و برنج میفکنی مرا بطلب کردن آنچه تقدیر کرده برای من در آن زود رسیدن پس بدرستیکه

عذابي وأنا فقير إلى رحمتك فصلّ على محمد وآل محمد وجد على عبدك ۵

عذاب کردن من و من محتاجم بسوی رحمت تو پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بخشش فرما بر بنده خود ❁

بفضلك إنك ذو فضل عظيم

بفضل خود بدرستیکه تو صاحب فضل بزرگی

بعد از آن بگوید

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام ❁ خداوند بخشنده ❁ مهربان ❁

اللهم صلّ على محمد وآل محمد صلوة تبلغنا بها رضوانك والجنة

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❁ رحمتیکه ❁ برسانی ما را بسبب آن بخشنودی خود و بهشت

وتجنّبنا بها من سخطك والنار اللهم صلّ على محمد وآل محمد

و نگاه داری ما را بسبب آن از غضب خود و آتش ❁ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله ❁

وأرني الحق حقاً حتى أتبعه وأرني الباطل باطلاً حتى أجتنبه

و بنما مرا حق را ❁ تا اینکه پیروی کنم آنرا ❁ و بنما بمن باطل را ❁ باطل تا اینکه اجتناب کنم از آن ❁

ولا تجعله عليّ متشابهاً فأتّبع هواي بغير هدى منك واجعل هواي

و مگردان آنرا بر من مشتبه ❁ پس پیروی کنم هوای خود را بی راه یافتن از تو و بگردان خواهش مرا

تبعاً لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك رضاً من نفسي واهدني

پیرو کردن خوشنودی تو و طاعت تو ❁ و فرا گیر از برای نفس خود خوشنودی از نفس من و هدایت کن مرا

لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط

برای آنچه اختلاف شده است در آن از حق بفرمان خود بدرستیکه تو هدایت میکنی کسی را که میخواهی بسوی راه راست

مستقيم اللهم صلّ على محمد وآله واهدني فيمن هديت وعافني

راست ❁ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❁ هدایت کن مرا در آنکه هدایت کرده و عافیت ده

فیمن

فيمن عافيت وتولّني فيمن تولّيت وبارك لي فيما أعطيت وقني شرّ ما

در آنکه عافیت داده مرا در آنکه دوست داشته و متولی امر من شو ... و برکت ده برای من در آنچه عطا کرده و نگاه دار از شر

قضيت إنك تقضي ولا يقضى عليك وتجير ولا يجار عليك ثمّ

حکم فرموده تو بدرستیکه حکم میکنی تو حکم کرده نمیشود بر تو ❁ و پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو تمام است

نورك اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد

نور تو ❁ خداوندا پس هدایت کرده پس مر تراست حمد بس بزرگ است حلم تو و در گذشتی پس مر تراست حمد

وبسطت يدك فأعطيت فلك الحمد نطاع ربنا فتشكر ونعصى ربنا

و گشوده دست خود را ❁ پس عطا کرده ❁ پس مر تراست حمد و طاعت کرده میشود پروردگارا پس جزا میدهی و عصیان کرده

فتغفر وتستر وتثني أنت كما أثنيت على نفسك بالكرم والجود لبّيك

پس میآمرزی و میپوشانی و ثنا میکنم ترا آنچنان که ثنا کرده بر نفس خود ❁ بکرم و جود ❁ اقامت و ایستاده گی

وسعديك تباركت وتعاليت لا ملجأ ولا منجا منك إلا إليك لا إله

و یاری میجویم بر طاعت تو پاکیزه و بلند مرتبه تو ❁ نیست پناهی و نه محل خلاصی از تو مگر بسوی تو نیست خدائی

إلا أنت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءاً وظلمت نفسي فاغفر لي

مگر تو ❁ پاکی یاد میکنم ترا خداوندا و حال آنکه متلبسم بحمد تو کرده ام بدی و ستم کرده ام بنفس خود پس بیامرز مرا

وارحمني وأنت أرحم الراحمين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت ۵

و رحم کن مرا و توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان نیست خدائی مگر تو تسبیح کنم ترا و منزهی تو بدرستیکه بودم

من الظالمين لا إله إلا أنت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءاً و

از ستمکنندگان ❁ نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا ❁ خداوندا و متلبسم بحمد تو کرده ام بدی و

ظلمت نفسي فاغفر لي يا خير الغافرين لا إله إلا أنت سبحانك اللهم

و ستم کرده ام بر نفس خود پس قبول کن توبه مرا ای بهترین آمرزندگان نیست خدائی مگر تو پاکی یاد میکنم ترا خداوندا

وبحمدك

بحمد تو

عملت سوءاً وظلمت نفسي فتب عليّ إنك أنت التواب الرحيم

کرده ام بدی و ستم کرده ام بنفس خود پس قبول کن توبه مرا بدرستیکه توئی بسیار توبه قبول کننده مهربان

لا اله

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّی كُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ

نیست خدائی مگر تو پاکی و منزهی تو بدرستیکه من بوده‌ام از ستمکاران منزه است پروردگار تو پروردگار عزت

عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

از آنچه وصف میکنند او را و درود بر رسولان و حمد مر خدا راست که پروردگار عالمیان است خداوندا رحمت فرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَیِّتْنی مِنْكَ فی عافِیَةٍ وَصَبِّحْنی مِنْكَ فی عافِیَةٍ وَاسْلُر

بر محمد و آل محمد و بروز آور شب مرا از جانب خود در عافیت و داخل صبح گردان مرا از جانب خود در عافیت

مِنْكَ فی عافِیَةٍ وَارْزُقْنی تَمامَ الْعافِیَةِ وَدَوامَ الْعافِیَةِ وَالشُّكْرَ عَلَی الْعافِیَةِ

از جانب خود در عافیت و روزی کن مرا تمام عافیت و همیشگی عافیت و شکر بر عافیت

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسی وَدینی وَاَهْلی وَمالی وَوَلَدی وَاَهْلَ حُزانَتی

خداوندا بدرستیکه من طلب نگاهداری میکنم نفس خود را و دین خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزند خود را و اهل حزانه

وَكُلَّ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِها عَلَیَّ وَتُنْعِمُ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنی فی

و هر نعمتیکه انعام کرده بر من و انعام خواهی کرد پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا در

كَنَفِكَ وَاَمْنِكَ وَكَلائَتِكَ وَحِفْظِكَ وَحِیاطَتِكَ وَكِفایَتِكَ وَسِتْرِكَ

حفظ خود و امان خود و نگاهبانی خود و نگاه داری خود و محافظت خود و کفایت خود و پرده خود

وَذِمَّتِكَ وَجِوارِكَ وَوَدائِعِكَ یا مَنْ لا یَضیعُ وَدائِعُهُ وَلا یُخَیِّبُ سائِلَهُ

و پناه خود و همسایگی خود و امانتهای خود ای کسیکه ضایع نمیشود امانتهای او و نومید نمیکند سائل او را

وَلا یَنْفَدُ ما عِنْدَهُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْرَؤُ بِكَ فی نُحُورِ اَعْدائی فَكِدِ اللّٰهُمَّ

و فانی نمیشود آنچه نزد اوست خداوندا بدرستیکه من دفع میکنم بتو از گلوهای دشمنان خودم پس مکر کن خداوندا

مَنْ كادَنی وَبَغٰی عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرادَنا فَاَرِدْهُ وَمَنْ كادَنا فَكِدْهُ وَلا

با کسیکه مکر کند با من و ستم کند بر من خداوندا هر که قصد کند ما را پس قصد کن او را و هر که کید کند با ما پس کید کن او را

وَمَنْ نَصَبَ

لَنا عَداوَةً فَخُذْهُ یا رَبِّ اَخْذَ عَزیزٍ مُقْتَدِرٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

از برای ما عداوت پس بگیر او را ای پروردگار من گرفتن غالب با اقتدار خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاصْرِفْ عَنِّی الْبَلِیّاتِ وَالْآفاتِ وَالْعاهاتِ وَالنِّقَمَ وَلُزُومَ السُّقْمِ

و آل محمد و بگردان از من بلاها و آفتها و عاهتها و عقابها و لازم شدن بیماری

وَزَوالَ النِّعَمِ وَعَواقِبَ التَّلَفِ وَما طَغٰی بِهِ الْماءُ لِغَضَبِكَ وَما عَتَتْ

و زایل شدن نعمتها و از پی در آورنده‌های تلف شدن و آنچه طغیان کرده است بسبب آن آب از برای غضب تو و آنچه از حد گذشته

بِهِ الرّیحُ عَنْ اَمْرِكَ وَما اَعْلَمُ وَما لا اَعْلَمُ وَما اَخافُ وَما لا اَخافُ

بسبب آن باد از امر تو و آنچه میدانم و آنچه نمیدانم و آنچه خوف دارم و آنچه خوف ندارم

وَما اَحْذَرُ وَما لا اَحْذَرُ وَما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آنچه حذر دارم و آنچه حذر ندارم و آنچه تو داناتری بآن خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ هَمّی وَنَفِّسْ غَمّی وَسَلِّ حُزْنی وَاكْفِنی ما ضاقَ بِهِ صَدْری

محمد و رفع کن هم مرا و برطرف کن غصه مرا و زایل گردان اندوه مرا و کفایت کن مرا آنچه تنگ شده است بسبب آن سینه

وَقَلَّتْ فیهِ حیلَتی وَضَعُفَتْ عَنْهُ قُوَّتی وَعَجَزَتْ عَنْهُ طاقَتی وَرَدَّتْنی

و کم شده است در آن چاره من و ضعیف شده است از آن قوت من و عاجز شده است از آن طاقت من و برگردانیده است

فیهِ الضَّرُورَةُ عِنْدَ انْقِطاعِ الْآمالِ وَخَیْبَةِ الرَّجاءِ مِنَ الْمَخْلُوقینَ

در آن ضرورت نزد بریده شدن آرزوها و نومیدی امید از آفریده شدگان

اِلَیْكَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنیهِ یا كافِیاً مِنْ كُلِّ شَیْءٍ وَلا یَكْفی

بسوی تو پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و کفایت کن از برای من ای کسیکه کافی است از هر چیزی و

مِنْهُ شَیْءٌ اِكْفِنی كُلَّ شَیْءٍ حَتّٰی لا یَبْقٰی شَیْءٌ یا كَریمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

از او چیزی کفایت کن از برای من هر چیز را تا اینکه باقی نماند چیزی ای بزرگوار خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرامِ وَزِیارَةَ قَبْرِ نَبِیِّكَ صَلَّی اللّٰهُ

و آل محمد و روزی کن مرا حج خانه کعبه و زیارت قبر پیغمبر خود رحمت بفرستد خدا بر او

عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالدَّمْعَ وَالتَّوْبَةَ وَالنَّدَمَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسی

بر او و آل او و توبه صحیح و پشیمانی خداوندا بدرستیکه من طلب نگاهداری میکنم از تو نفس خود

وَاَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوانِي وَاَسْتَكْفِيكَ مَا اَهَمَّنِي وَمَا لَمْ يُهِمَّنِي وَاَسْئَلُكَ

واهل من و فرزند من و برادران من و طلب میکنم کفایت کردن تو آنچه غمگین دارد مرا و آنچه غمگین ندارد مرا

بِخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الَّذِي لَا يَمُنُّ بِهِ سِوَاكَ يَا كَرِيمُ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى

بحق برگزیده تو از خلق تو ❖ آنکه منت نمیگذارد بآن غیر تو ای بزرگوار حمد مر خدا راکه ادا کرد

عَنِّي صَلَوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ❀ كِتَابًا مَوْقُوتًا

بر من نمازی راکه بود بر مؤمنین ❖ که واجب وقت قرارداده شده

بعد از آن سجده میکنی دو سجده / شکر و میگوئی در سجده اول

اَللَّهُمَّ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ يَا اَحَدُ يَا مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ

خداوندا تو شاهی که بریده شده امید مگر از تو ❖ ای یکتا ای کسیکه نیست کسی از برای او غیر از تو

يَا اَحَدُ يَا مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا

ای یکتا ای کسیکه نیست کسی از برای او غیر از تو ای کسیکه زیاد نمیکند او را بسیاری عطا و بخشش مگر کرم و جود

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ

ای کسیکه زیاد نمیکند او را بسیاری بخشش مگر کرم ❖ و جود ❖ رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او ❖ رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او و بجا بیاور برای من چنین و چنان

بعد از آن میگذاری گونه راست / خود را بر زمین و میخوانی این دعا را

بعد از آن میگذاری گونه چپ خود را بر زمین و میخوانی همین دعا را بعد از آن عود میکنی

بسجود و میگذاری پیشانی خود را بر زمین ❖ و میخوانی همین دعا را بعد از آن میگوئی ❖

و این از دعاهائی است که دفع میشود بآنها سختیها

يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا بَارِئَ النَّسَمِ يَا مُجَلِّيَ الْهِمَمِ يَا مُنْشِئَ الظُّلَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ

ای تمام کننده نعمتها ای دفع کننده عقوبتها ای آفریننده بندگان ای رفع کننده اندوه ای پوشاننده تاریکیها ای زایل کننده

وَالْاَلَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ

و الم ❖ ای صاحب جود و کرم ای شنونده هر آوازی ای دریابنده هر فوت شده ای زنده کننده استخوانها

وَهِيَ رَمِيمٌ وَمُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي

و آنها پوسیده باشند و زنده کننده آنها بعد از موت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ❖ و بگردان از برای من از امر من

فَرَجًا وَمَخْرَجًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

گشایش و بیرون رفتن ای صاحب بزرگی و کرامت

بعد از آن میگذاری

دو رکعت و تیره را نشسته و جایز است گذاردن آنها ایستاده ❖ و مشهور بودن آنها

نشستن است ❖ و ذکر کرده اند بعضی از علمای ما که نشستن در آنها افضل است از ایستادن

و روایت کرده است ❖ شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود

دو رکعت است ❖ بعد از نماز عشا باید میگذارد که آنها را ❖ و حال آنکه نشسته بود

و من میگذاردم آنها را و حال آنکه ایستاده ام ❖ و عمل ما بر مشهور است و میکشد وقت این

دو رکعت بکشیدن وقت عشا ❖ پس بعد از نصف شب قضا میشوند ❖ و افتتاح میکنی آنها را

بهفت تکبیر با سه دعای مذکوره ❖ و میخوانی در رکعت اول سوره ملک یا واقعه ❖

و در دوم سوره توحید و میخوانی بعد از فراغ ❀ (هر دعا میکنی) ❖ (خواهی)

باب پنجم

در آنچه کرده میشود ❖ در میانه وقت خواب تا نصف شب ❖ اول ❖ آنچه بجا می آورد

انسان در اراده خواب طهارت است ❖ روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت

صادق علیه السلام ❖ که هر که طهارت بگیرد ❖ بعد از آن قرار بگیرد در فراش خود شب

بروز آورد ❖ در حال آنکه فراش او مانند مسجد او باشد ❖ و ذکر کرده اند علمای ما که جایز است

تیمم از برای خوابیدن ❖ هر چند قادر باشد از شستن با آب مانند تیمم از برای نماز جنازه ❖

و از اعمال سنتی ❖ نزد خواب خواندن قل هو الله احد ❖ و قل یا ایها الکافرون است

بنا بر آنکه ابن بابویه رئیس محدثین ❖ در کتاب فقیه وارد داشته است از اصحاب عصمت

علیهم السلام خواندن سوره قل هو الله (صد مرتبه) چنانچه روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی بسند صحیح از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
که میفرمودند که هر که بخواند قل هو الله احد را (صد مرتبه) هنگامیکه میرود بخوابگاه
آمرزیده شود برای او گناه قبل از آن کرده باشد پنجاه سال و روایت کرده است کلینی
نیز از آنحضرت علیه السلام که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر که بخواند

الهیکم التکاثر را

نزد خواب نگاه داشته شود از فتنه قبر و سزاوار است که بخوابد در هنگامیکه بخواب بر پهلوی
راست آنچه را روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه بسند حسن از محمد بن مسلم که گفت
که فرموده بمن حضرت ابو جعفر علیه السلام که هر گاه بخواهد مرد بر جانب راست خود پس باید که بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ وَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

بنام خداوند در راه خداوند

وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْلَمْتُ نَفْسِي اِلَيْكَ

و بر ملت رسول خداوند رحمت بفرست بر او و آل او خداوندا بدرستیکه واگذارده ام نفس خود را بسوی تو

وَوَجَّهْتُ وَجْهِي اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِي اِلَيْكَ وَاَلْجَاْتُ ظَهْرِي اِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ

و گردانیده ام روی خود را بسوی تو و واگذاشته ام امر خود را بسوی تو و تکیه داده ام پشت خود را بسوی تو و توکل کرده ام

عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً اِلَيْكَ لَا مَنْجَا وَلَا مَلْجَاَ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ اٰمَنْتُ

بر تو از روی ترس از تو و رغبت بسوی تو نیست پناهی و نه محل خلاصی از تو مگر بسوی تو ایمان آورده ام

بِكِتَابِكَ الَّذِي اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي اَرْسَلْتَ

بکتاب تو که فرو فرستادی و برسول تو که فرستاده تو رحمت بر او

بعد از آن تسبیح میگوئی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام

این است که در حدیث وارد است که مشهور است استحباب تسبیح زهرا است علیها السلام در دو وقت
یکی بعد از نماز و دیگری نزد خوابیدن و ظاهر روایتی که وارد شده است در استحباب خواندن

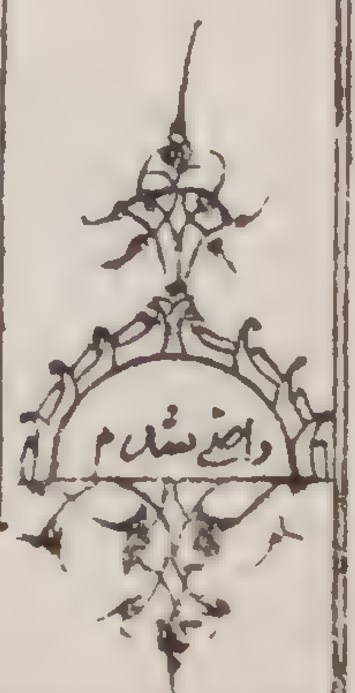
تقدیم سبحان الله بر الحمد لله و ظاهر روایت صحیح که وارد شده است در باب تسبیح
زهرا علیها السلام مطلقاً اقتضا میکند که تاخیر او را از آن و باکی نیست ببسط کلام
در این مقام هر چند بیرون است از موضع کتاب پس میگوئیم که بتحقیق اختلاف کرده اند
علمای ما قدس الله اسرارهم در این باب آنچه اتفاق ایشان بر ابتدای آن در آن است به الله اکبر
زیرا که حدیث صحیح ابن سنان از حضرت ابی عبد الله علیه السلام صریح است در ابتدا بآن
و مذهب مشهور که بر آن است عمل در تعقیبات تقدیم الحمد لله است بر سبحان الله و قائل
شده است رئیس محدثین صدوق و پدرش و ابن جنید بتاخیر آن از آن و روایات ائمه هدی
سلام الله علیهم در این باب خالی نیست بحسب ظاهر از اختلاف و روایت معتبر که
ظاهر آن تقدیم الله اکبر است شامل است بنابر اطلاقی که دارد و آنچه را که گفته شود
بعد از نماز و آنچه را که گفته شود نزد خوابیدن و آن روایت این است که روایت
کرده است شیخ الطائفه در تهذیب بسند صحیح از محمد بن عذافر که گفت داخل شدم
با پدر خود بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام پس سؤال کردیم او را از تسبیح حضرت
زهرا علیها السلام پس فرمود آنحضرت علیه السلام الله اکبر تا اینکه شمرد تا سی و چهار مرتبه
پس گفت الحمد لله تا رسید به شصت و هفت پس گفت سبحان الله تا رسید بصد مرتبه
و میشمرد آنحضرت آنها بدست خود و روایتیکه ظاهر نشد تقدیم سبحان الله است
و الحمد لله مخصوص است بآنچه کرده میشود نزد خوابیدن و آن روایتی است که روایت کرده
رئیس محدثین در فقیه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود بمردی از بنی
سعد که آیا حدیث کنم شما را از خود و فاطمه بدرستیکه بود نزد من پس آب کشید

بمشک تا اینکه اثر کرد در سینه او
و دستاس گردانید تا اینکه آبله کرد
دستهای او و جاروب کرد خانه را
تا اینکه غبار آلود شد جامه هایش
و آتش افروخت زیر دیگ تا اینکه



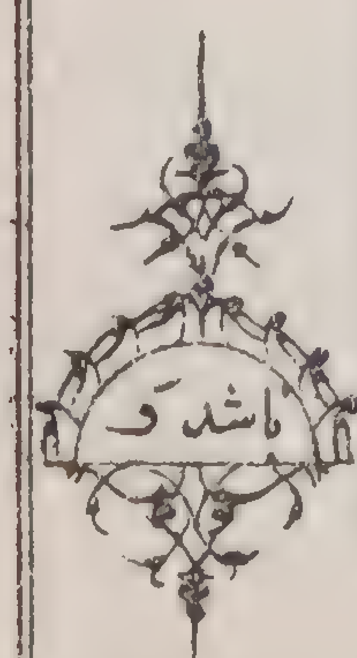
سیاه شد دستهایش پس پرسید او را آن حضرت بعضی پس گفتم من باو اگر بیائی
نزد پدر بزرگوارت پس سوال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند از تو تعب
و سختی آنچه تو در آنی از این عمل پس آمد بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله
پس یافت نزد آنحضرت جوانی چند پس شرم کرد و برگشت پس دانست آنحضرت
که بدرستیکه او آمده است از برای حاجتی پس صباح نزد ما آمد و ما در لحاف
خود بودیم پس فرمود السلام علیکم پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب
حال خود پس باز فرمود السلام علیکم پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب حال خود
باز فرمود السلام علیکم پس ترسیدیم که اگر رد سلام نکنیم برگردد و عادتش که میکرد
چنین سلام سه مرتبه پس اگر اذن داده میشود داخل میشد و اگر نه برمیگشت
پس گفتم من و علیک السلام ای رسول خدا داخل شو پس داخل شد و نشست نزد سر
ما پس فرمود ای فاطمه چه بود حاجت تو دیروز نزد محمد پس ترسیدم من که اگر جواب
ندهیم او را برخیزد پس بیرون آوردم من سر خود را پس گفتم والله من خبر میدهم ترا
ای رسول الله بدرستیکه او آب کشید بمشک تا آنکه اثر کرد در سینه او و گردانید
آسیا را تا آنکه اثر کرد دستهای او و جاروب کرد خانه را تا آنکه غبار آلود شد جامه‌های او
و آتش افروخت در زیر دیگ تا آنکه سیاه شد جامه‌های او پس من گفتم باو که بیائی پیش پدرت
پس سوال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند از برای تو تعب آنچه را تو در آنی از این عمل
پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله آیا پس تعلیم نکنم شما را آنچه بهتر است از برای شما
از خدمتکار هرگاه فرا گیرید خوابگاه خود را پس تکبیر بگوئید

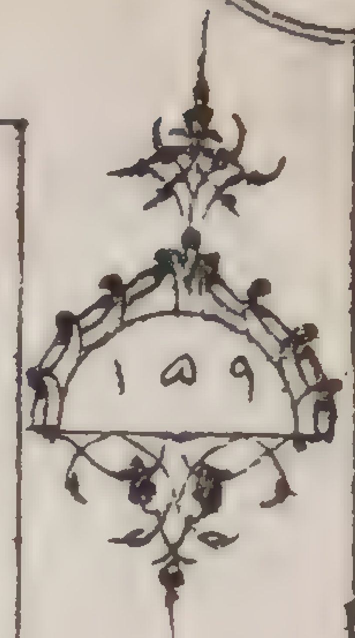
سی و چهار مرتبه و تسبیح بگوئید
سی و سه تسبیح و حمد بکنید سی و
سه حمد پس بیرون آورد فاطمه
علیها السلام سر خود را و گفت راضی





شدم از خدا و رسول او و پوشیده نماند که روایت صریح نیست در تقدیم تسبیح بر تحمید
زیرا که واو افاده ترتیب نمیکند بلکه نیست آن مگر از برای مطلق جمع بنا بر مذهب اصح
چنانچه بیان شده است در اصول بلی ظاهر تقدیم بحسب لفظ اقتضای آن میکند
و همچنین روایت سابقه صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ ثم در اینجا
از کلام راوی است پس باقی نماند در آن چیزی مگر ظاهر تقدیم لفظی پس منافات میان
این دو روایت نیست مگر بحسب ظاهر پس سزاوار است حمل دوم بر اول بسبب صحت
سند آن و قوت یافتن ببعضی از روایات ضعیفه چنانچه روایت کرده است ابو بصیر
از حضرت صادق علیه السلام که فرمود در تسبیح زهرا علیها السلام ابتدا میکنی بتکبیر سی و چهار
بار پس بتحمید سی و سه بار پس بتسبیح سی و سه بار و این روایت صریح است در تقدیم
تحمید پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صحیح است پس حمل کرده میشود روایت دیگر
بر خلاف ظاهر آن تا آنکه برطرف شود منافات میان آنها چنانچه گفتیم پس اگر
بگوئی تو که ممکنست عمل کردن بظاهر هر دو روایت تمام باینکه حمل کرده شود روایت اول
بر آنچه کرده میشود بعد از نماز و روایت دوم بر آنچه کرده میشود نزد خوابیدن و بنا
بر این احتیاج نیست بگردانیدن دوم و ظاهر آن پس چرا عدول کرده تو از این
و چگونه قائل نمیشوی باین میگویم من از برای آنکه من نیافتم کسی را که قائل شده باشد
بفرق میان تسبیح زهرا علیها السلام در این دو حال بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تتبع
این است که هر یک از این دو فرقه که قائل اند بتقدیم تحمید و تاخیر آن تمامی گفته اند
باین مطلقا خواه واقع شود بعد از نماز یا پیش از خواب پس قول بتفصیل احداث
قول سوم است در مقابل اجماع مرکب و اما آنچه میگویند که احداث قول سوم ممتنع
نیست مگر وقتیکه لازم آید از آن برطرف شدن آنچه اجماع امت شده باشد بسبب عیبی از
زیرا که اتفاق کرده اند تماما بعدم آن بخلاف آنچه چنین نباشد مثل قول بفسخ نکاح
بعضی از عیبهای پنج گانه نه بعضی دیگر زیرا که هر یک از فریقین موافقند در بعضی قسم
چنانچه در اینجا است زیرا که مانعی نیست از این مثل قول بصحت فروختن مالی که غائب





باشد و نکشتن مسلمان بعوض ذمّی بعکس از قول یاره‌ای امت و نقیض قول دیاره دیکر بعکس آن پس جواب این است که این تفصیل درست نیست مکر بر مذهب سنیان و امّا سائر اخبار بیان کرده اند اما شیعه که حجت اجماع بسبب آن است که کاشف است از دخول معصوم پس این تفصیل معقول نیست چه مخالفت معصوم لازم آید هرچند موافق باشد قائل باشد از فریقین در قسمی و قیاس کن بر این مثال

فروختن و کشتن

فصل

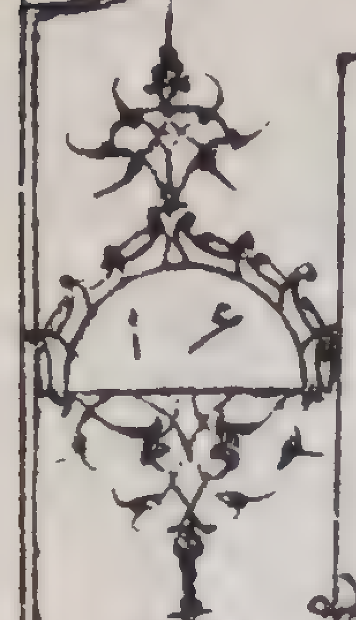
و سزاوار است که بوده باشد خوابیدن تو بر جانب راست پس بدرستیکه این خواب مؤمنان است چنانچه روایت کرده است ثقة الاسلام کلینی در کافی بسند صحیح از احمد بن اسحق که کفت کفتم بحضرت ابی محمد یعنی حسن عسکری علیه السلام که فدای تو شوم من بدرستیکه من غمکینم از برای چیزیکه میرسد بخاطر من و بتحقیق که اراده کرده ام که سؤال کنم پدرت را علیهم السلام از آن پس میسر نشد از برای من آن پس فرمود آنحضرت چه چیز است یا احمد پس کفتم روایت شده است برای ما از پدران تو علیهم السلام که بدرستیکه خواب پیغمبران بر قفاهای ایشان است و خواب مؤمنان بر جانبهای راست ایشان است و خواب منافقان بر جانبهای چپ ایشان است و خواب شیاطین بر روهای ایشان است پس فرمود آنحضرت علیه السلام چنین است این کفتم ای سید من بدرستیکه من جهد میکنم که بخوابم بر جانب راست خود پس ممکن نمیشود مرا و نمیکیرد مرا خواب بر آن پس ساکت شد آنحضرت ساعتی بعد از آن فرمود که ای احمد نزدیک شو بمن پس نزدیک شدم پس فرمود که داخل کن دست خود را زیر جامه های خود پس

مالید دست

راست خود را بر جانب

چپ من و دست چپ خود را بر جانب راست من (سه مرتبه) احمد کفت که پس نمیخوابم بر جانب چپ خود از وقتیکه کرد آنرا با من آنحضرت علیه السلام و آنچه خوابیده





نزد خوابیدن انست که روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هرکه بکوید وقتیکه میرود بخوابکاه خود

سه مرتبه

الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک

حمد مر خدا را که بلند مرتبه است پس غلبه کرده است حمد مر خدا را که پنهان است از ادراک عقول پس تمام دانا است حمد مر خدا را که مالک همه چیز است با عزّ توجه خلق خود

فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر

و قادر و حمد مر خدا را که زنده میکند مردها را و میمیراند زنده ها را و او بر همه چیز توانا است

بیرون رود از کناهان مانند حالیکه زائیده است او را مادر

و روایت شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هرکه بخواند این آیه را در وقت خوابیدن

قل انما انا بشر مثلکم یوحی الیّ انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه

بکو ای محمد اینست و جز این نیست که من بشرم مثل شما وحی کرده شده بسوی من اینست و جز این نیست که خدای شما خدائیست یکتا پس کسیکه امید دارد

فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا

پس باید بیاورد کردار نیک را و نباید شریک سبب بندکی نموده پروردکار خود کسی را از مخلوق

بلند شود از برای او نوری بسوی مسجد الحرام در میان آن نور ملائکه باشند که استغفار کنند از برای او و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که نیست بنده که بخواند آخر کهف را وقتیکه میخوابد مکر اینکه بیدار شود در ساعتیکه میخواهد شیخ ره میفرماید که این امر عجیب مجرب است که نیست شکی در آنها و مراد با آخر کهف اول خواست و یعنی همین ایه که مذکور شد و هرکاه خوف داشته باشی از عقرب و مانند آن پس بکو آنچه روایت کرده است در کتاب مذکور از حضرت باقر علیه السلام که هرکه بخواند این کلمات را

نمی رساند او را عقرب و نه کزنده تا آنکه صبح کند ان شاء الله



و حمد مر خدا را که مالک نیست صح

و حمد و بلند او بلند کی الطاف پروردکار خود نه صح

اَعُوذُ بِكَلِماتِ اللّٰهِ الَّتى لايُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلافاجِرٌ مِنْ شَرِّ ماذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مابَرَأَ

پناه میبرم بکلمات تامه خدا که تجاوز نمیکنند از آنها نیکوکاران و نه بدکاران از شر آنچه خلق کرده است و از شر آنچه آفریده

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ

و از شر هر جنبنده که او گرفته است موی پیشانی او را بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است

و روایت کرده است در کتاب مذکور بسند صحیح از برای دفع احتلام از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر گاه بترسی از جنابت پس بگو در وقت خواب خود این دعا را

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلامِ وَمِنْ شَرِّ الْاَحْلامِ وَمِنْ اَنْ يَتَلاعَبَ بِىَ الشَّيْطانُ

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از احتلام و از شر احتلام و از اینکه بازی کند با من شیطان

فِى الْيَقْظَةِ وَالْمَنامِ

در بیداری و در خواب

و روایت شده است در کتاب مذکور از برای ایمنی از اینکه فرود آید بر او خانه از حضرت رضا علیه السلام است که فرمود که نگفت هیچکس هرگاه اراده کرد که بخوابد

اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولا وَلَئِنْ زالَتا اِنْ اَمْسَكَهُما مِنْ اَحَدٍ

بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را که نیفتد از هم بریزد و اگر از هم بریزد نگاه نمیدارد آنها را هیچ احدی

مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً

از بعد او بدرستیکه او هست بسیار حلم کننده و بیامرزنده

پس فرود آمده باشد بر او خانه و روایت شده است در کتاب مذکور نیز که پیغمبر صلی اللّٰه علیه و آله هر گاه میرفتند بجامه خواب میفرمودند این فقره را

بِسْمِكَ اللّٰهُمَّ اَحْيا وَبِاسْمِكَ اَمُوتُ

باسم خداوندا زنده میشوم و بنام خداوند میمیرم

پس هر گاه بیدار میشد میفرمود

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذى اَحْيانى بَعْدَ ما اَماتَنى وَاِلَيْهِ النُّشُورُ

حمد مر خدایرا است که زنده گردانید مرا بعد از آنکه میرانید مرا و بسوی او است زنده شدن

و روایت نیز شده است در کتاب مذکور از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر گاه نشستی از خواب

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ

بسیار پاکیزه است بسیار منزه است پروردگار فرشتگان و روح است پیشی گرفته است رحمت تو بر غضب تو نیست خدائی مگر تو

سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسى فَاغْفِرْ لى اِنَّهُ لايَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ

تنزیه میکنم تنزیه کردنی مر ترا و تنزیه میکنم بحمد تو بجا آورده ام بدیها و ستم کرده ام بنفس خود پس بیامرز مرا بدرستیکه [illegible]

و از آنچه سزاوار است کردن آن نزد خوابیدن سرمه کشیدن است پس بتحقیق که روایت شده که پیغمبر صلی اللّٰه علیه و آله با سنگ و آن سنگیست که از آن سرمه میکشند هر گاه میخواست که برود بجامه خواب خود و بتحقیق که روایت شده از حضرت رضا علیه السلام که فرموده که هر که برسد با و ضعفی در دیده او پس سرمه بکشد هفت میل نزد خوابیدن از آنها چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ و روایت شده است از آنحضرت که فرمود سرمه نزد خوابیدن امان است از آبیکه نازل شود در چشم و روایت شده است که آنحضرت علیه السلام

میفرمودند این دعا را نزد سرمه کشیدن

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی

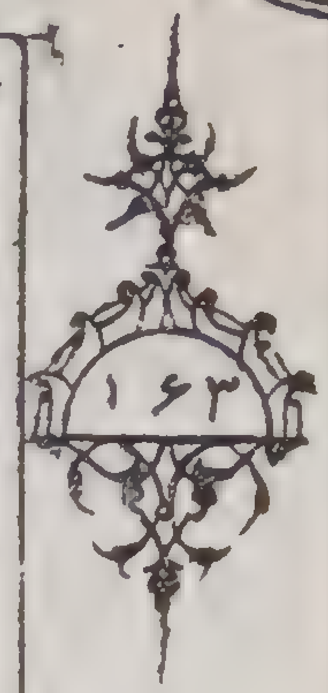
تَجْعَلَ النُّورَ فى بَصَرى وَالْبَصيرَةَ فى دينى وَالْيَقينَ فى قَلْبى وَالْاِخْلاصَ

نور را در چشم من و بینائی را در دین من و یقین را در دل من و اخلاص را

فى عَمَلى وَالسَّلامَةَ فى نَفْسى وَالسَّعَةَ فى رِزْقى وَالشُّكْرَ لَكَ اَبَداً ما اَبْقَيْتَنى

در عمل من و سلامتی را در نفس من و فراخی را در روزی من و شکر را از برای تو همیشه مادامیکه باقی داری مرا

و روایت کرده است ثقة الاسلام



ند کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که هرگاه ببیند مرد چیزی که
ناخوش دارد در خواب خود پس بگردد از جانبی که بر آن خوابیده بود و بگوید

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا

بدرستیکه نیست راز و پنهان گفتن مگر از شیطان تا غمگین گرداند آنها را که ایمان آوردند و نیست ضرر رساننده ایشان را چیزی

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

مگر باذن خدا و بر خدا پس باید توکل کنند گرویدگان

بعد از آن میگوید

عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ

پناه آوردم به آنچه پناه گرفتند به آن فرشتگان خدا مقربان و پیغمبران او فرستادگان و

عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

او بندگان نیکوکار از شر آنچه دیدم و از شر شیطان رانده شده

باب ششم

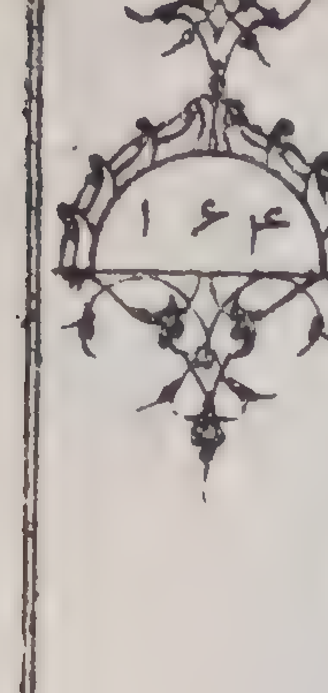
در آنچه گذارده میشود در میان نصف شب تا طلوع صبح و در این باب مقدمه است

و چند فصل

مقدمه

بتحقیق که روایات بسیار وارد شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب برخواستن شب و بیان فضیلت آن روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که شرف مؤمن برخواستن اوست در شب و عزت او استغنای اوست از مردم و روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن از عبد الله بن سنان که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که چنین است که آنها فرموده است در زینت او بند در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و مال و پسر زینت او از اینجه در دو مردم است چه یاری کردن او امام از آل محمد صلی الله علیه و آله و روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن نیز از آنحضرت علیه السلام که در قول خدا تعالی کانوا قلیلا من اللیل ما یهجعون





فرمودند که کم بودند ایشان چنین که اندک شبها نمی خوابیدند ایشان که بر میخواستند بسیار در آنها و روایت کرده است در کافی نیز که آمد مردی بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام پس گفت که بتحقیق که محروم گردیده ام از نماز شب پس فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که تو مردی هستی که در بند کرده است ترا گناهان تو و روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام در قول خداوند تبارک و تعالی

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

یعنی برخواستن اوست از رخت خواب

وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا

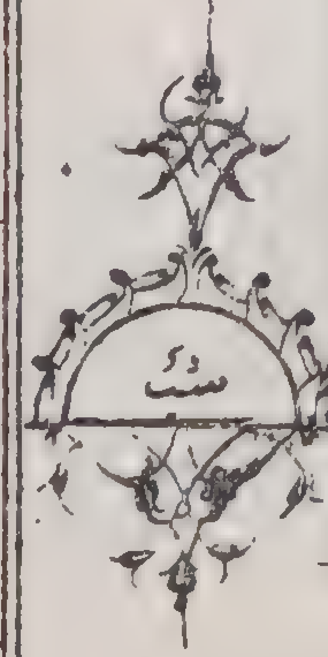
خود که اراده نکند بآن مگر خدا او بنده

و روایت که هماست شیخ در تهذیب بسند صحیح نیز از آنحضرت علیه السلام که فرموده که نیست بنده که اینکه بیدار میشود در هر شب یک مرتبه یا دو مرتبه پس اگر برخیزد خواهد بود آن از جمله شکرگزاران و اگر نه میگشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول میکند در گوش او آیا نمی بینید احدی از شما که هرگاه برمیخیزد و بنوبه سست و کسل برخواسته باشد برمیخیزد و حال آنکه گران و مکدر و دستگیر و کاهل است و روایت کرده است در تهذیب نیز بسند صحیح از عمر بن یزید که او شنیده

از حضرت ابی عبد الله

علیه السلام

که میفرمود بدرستیکه در شب هر اینه ساعتی هست که موافق نمی افتد از بنده مسلمانی که نماز کند و دعا کند خدا تعالی در آن مگر اینکه مستجاب کند خدا تعالی برای او در هر شب پس گفتم خدا صلاح بخشد ترا پس کدام ساعت است از شب پس فرمود هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث آخر و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از عبد الله بن سنان که او سؤال کرد از حضرت صادق علیه السلام از قول خدای عز و جل سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ پس فرمودند که آن بیداری برای نماز است و روایات از اصحاب عصمت صلوات الله علیهم اجمعین در بر خاصیت



شکر الهی بسیار است

فصل

هرگاه بیدار شدی از خواب ✿ پس اول آنچه سزاوار است برای تو کردن آن اینست
که سجده کنی از برای خدا تعالی ✿ پس بتحقیق که روایت شده است ✿ که پیغمبر صلی الله علیه
و آله هرگاه بیدار میشدند از خواب خود ✿ سجده میکردند بعد از آن بگو در حال سجود

یا بعد از سر بر داشتن از آن

الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی
حمد مر خدایرا که زنده نمود مرا بعد از آنکه میرانیده مرا و بسوی اوست برانگیخته شدن حمد خدایرا است که برگردانید بر من روحم

لاحمده واعبده

و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند
از حضرت باقر علیه السلام که فرمود که هرگاه برخیزی
در شب پس نگاه کن در اطراف آسمان و بگو

اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا
خدایا بدرستیکه نمی پوشاند از تو شب ساکن ✿ و نه آسمان صاحب برجها ✿ و نه
ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر لجی تدلج بین
زمین صاحب گهواره و نه تاریکیهائیکه بعضی از آنها بالای بعضی دیگر باشند و نه دریای پر موج که
یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور
در پیش روی رونده از خلق تو میدانی خیانت چشمها و آنچه پنهان میکنند سینه‌ها ✿
غارت النجوم ونامت العیون وانت الحی القیوم لا تأخذک سنة ولا نوم
فرو رفتند ستاره‌ها و خواب رفتند چشمها و تو همیشه زنده بخود بر پائی که فرا نمیگیرد ترا پینکی و نه خواب
سبحان الله رب العالمین واله المرسلین والحمد لله رب العالمین
تنزیه میکنم خدایرا که پروردگار عالمیان است و خدای مرسلین است و حمد مر خدایرا که پروردگار عالمیان است

بعد از آن بخوان پنج آیه از آخر آل عمران

ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات لاولی
بدرستیکه در خلق آسمانها ✿ و زمین ✿ و اختلاف شب و روز ✿ هر آینه علامتهاست مر صاحبان
الالباب الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون
عقول ✿ آنانکه ذکر و یاد میکنند خدا را در حال ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلوی خود و فکر میکنند
فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب
در آفرینش آسمانها ✿ و زمین ✿ پروردگار ما نیافریدی تو اینها را باطل تنزیه میکنیم ترا پس نگاهدار ما را
النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار
آتش پروردگار ما بدرستیکه تو هر که را داخل کنی در آتش پس بتحقیق رسوا کرده او را و نیست از برای ظالمین از انصار
ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر
پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که ندا میکرد بسوی ایمان باینکه ایمان آورید بپروردگار خود پس ایمان آوردیم
لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
بیامرز برای ما گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان پروردگار ما عطا کن آنچه وعده کرده
✿ علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد (تا آخر)
✿ بر رسولان خود ✿ و رسوا مکن ما را روز قیامت بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را ✿

فصل

هرگاه نصف شب بشود ✿ پس بتحقیق که داخل شده است وقت نماز شب ✿ و گاهی
تعبیر میکنند از نصف شب ✿ بزوال روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه ✿
که عمر بن حنظله سؤال کرده از حضرت صادق علیه السلام ✿ پس گفت که زوال روز را
میدانیم بروز ✿ پس بچه بشناسیم نصف شب را ✿ پس آنحضرت فرموده که از برای شب
زوالیست مانند زوال آفتاب ✿ عرض کرده بچه چیز بشناسیم آنرا فرموده بستاره‌ها
هرگاه منحدر شوند ✿ و ظاهر این است که آنحضرت علیه السلام اراده کرده باشد ستاره‌ها
ستاره‌هائیکه طلوع کرده باشند ✿ نزد غروب آفتاب ✿ چنانچه گفته است شیخ
شیخ شهید رحمه الله ✿ که مراد بمنحدر شدن آنها شروع آنها است در پائین آمدن

ونماز شب اطلاق میشود ❁ در احادیث گاهی بر هشت رکعت ❁ گاهی بر یازده رکعت
باضافه کردن ❁ دو رکعت شفع و یک رکعت وتر ❁ وگاهی بر سیزده رکعت باضافه دو رکعت
نماز صبح ❁ واین نماز شب از سنتهای مؤکده است ❁ روایت کرده است شیخ طائفه
در تهذیب ❁ بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام ❁ که بود در وصیت رسول خدا
صلی الله علیه وآله ❁ بعلی علیه السلام که یا علی وصیت میکنم ترا در باره نفس خود بچند
خصلت ❁ پس حفظ کن آنها را ❁ بعد از آن فرمود خداوندا یاری کن او را ❁ و ذکر کردند
جمله از خصلتها ❁ تا اینکه فرمودند ❁ (وعلیک بصلوة اللیل) ❁ وعلیک بصلوة اللیل

وعلیک بصلوة اللیل

(وعلیک بصلوة الزوال) ❁ وعلیک بصلوة الزوال ❁ وعلیک بصلوة الزوال
❁ وظاهر این است ❁ که مراد آنحضرت صلی الله علیه وآله ❁ بنماز شب سیزده رکعت ❁ وبنماز
زوال هشت رکعت است اگر نافله زوال است بوده ❁ چنانکه گفته اند بعضی از علمای ما ❁ پس هرگاه
خواهی متوجه شوی بسوی عبادت ❁ بوده باشد ترا حاجتی بتخلی پس ابتدا کن بآن اول ❁
پس هرگاه خواهی که داخل بیت الخلا شوی ❁ پس اگر بوده باشد در انگشتر تو ❁ نام خدا یا نام
هر چه که باشد نامی که احترامی داشته باشد ❁ پس داخل مکن آنرا با خود ❁ وهمچنین تربت
ومهر تربت اگر در کیسه داشته باشی ❁ بعد از آن بگذار پای چپ را ❁ نزد اول داخل شدن
اگر بوده باشد سقف بسته شده ❁ واگر فضای حاجت بکنی ❁ در فضائی مثل صحرا
وماننداین ❁ پس پیش بگذار پای چپ را ❁ در موضعیکه مینشینی ❁ در آن وبگو

بسم الله وبالله اعوذ بالله من الرجس
بنام خدا ❁ و بیاری خدا پناه میبرم بخدا از کثافت پلید
النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم
نجس پلید بد پلید کننده شیطان رانده شده ❁

واگر فضای حاجت بکنی در فضائی ❁ پس اختیار کن موضعیرا که دیده نشود در آن شخص تو
وباید که بوده باشد اعتماد وسنگینی تو در وقت تخلی بر پای چپ تو ❁ وسزاوار است که تو

پای راست ❁ و طول مده نشستن را ❁ در حرف مزن مگر از برای حاجتی که خوف فوت آنرا داشته
باشی ❁ یا خواندن آیة الکرسی ❁ یا الحمد لله رب العالمین ❁ یا حکایت اذان یا ذکر خدا تعالی
❁ وبعد از آنکه فارغ شوی ❁ برخیز و بکش دست راست خود را بر شکم خود و بگو

الحمد لله الذی اماط عنی الاذی وهنأنی طعامی وشرابی وعافانی من البلوی
حمد مر خدا را که دور کرد از من اذیت را ❁ و گوارا کرد از من غذا را ❁ وعافیت داد مرا از بلا ❁

واستبرا بکن باینکه بگذاری ❁ انگشت میانه را زیر مقعد و بکشی آنرا تا اصل آلت رجولیت
خود سه دفعه ❁ بعد از آن بگذاری انگشت میانه را بر اصل آلت رجولیت خود وانگشت شهادت را
بالای آن ❁ و بکشی آنرا تا سر حشفه سه مرتبه ❁ بعد از آن سر حشفه را سه مرتبه فشار دهی
سه مرتبه ❁ وتنحنح بکن در حال استبرا ❁ وهرگاه خواهی که استنجا کنی باب پس بگو ❁

الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا
حمد مر خدا را که گردانید آب را پاک و نگردانید او را نجس ❁

واستنجا کن بدست چپ خواه باب باستنجا کنی ❁ وخواه بکلوخ وماننداین ❁ واگر در دست
باشد انگشتر یکه نگین آن از سنگ تربت سید الشهداء باشد ❁ پس بیرون بیاور آنرا ❁ و باید
شستن مقعد بانگشت بنصر ❁ یعنی انگشتیکه پهلوی انگشت کوچک است ❁ ودر دست
راست را بحشفه خود ❁ واختیار کن در غیر متعدی از غائط ❁ یعنی آنچه باطراف
مقعد نرسیده باشد ❁ از اینکه کلوخ مالیدن ❁ وجمع نمودن میان آب وکلوخ بهتر است
❁ در متعدی وغیر آن ❁ تا بشوی مخرج غائط را ❁ تا اینکه احساس کنی بصدای آن

ویکو در حال استنجا ❁

اللهم حصن فرجی واعفه واستر
خداوندا نگهدار فرج مرا از حرام وبا عفت گردان وبپوشان

عورتی وحرمنی علی النار
وبپوشان عورت مرا از حرام گردان مرا بر آتش

ومقعد تو را در شستن مخرج غائط

بر نشستن مخرج بول ❁ و طاق بگردان عدد سنگهارا اگر پاك نشود محل پس تا ❁
و بر نشان هر سنگی بر تمام محل ❁ با ینکه دور بدهی از بران ❁ پس هرگاه بیرون آن
محل تخلی پس پیش بگذار پای راستی ❁ (و بگو نزد بیرون آمدن)

الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی جسدی قوته واخرج عنی اذاه ❁
حمد مر خدا را که شناسانید لذت آنرا و باقی گذاشت در بدن من قوت آنرا و بیرون کرد از من آزار ❁

یا لها نعمة یا لها نعمة یا لها نعمة یا لها لا یقدر القادرون قدرها
ای قوم تعجب کنید از نعمت ای قوم تعجب کنید از نعمت ای قوم تعجب کنید از نعمت قادر نیستند قادران ❁ شمردن آنرا ❁

پس هرگاه بیرون آمدی از محل تخلی ❁ ابتدا کن بمسواك ❁ بعد از آن وضو بساز
وضوی کامل چنانچه گذشت در باب اول ❁ بعد از آن خود را ❁ خوشبوی ساز
پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام ❁ که فرموده که بود از برای
پیغمبر صلی الله علیه و آله ❁ مشکدان ❁ که هرگاه وضو میساخت ❁ میگرفت آنرا بدست خود
و حال آنکه تر بود ❁ و روایت شده است نیز از آنحضرت علیه السلام ❁ که فرموده که دو رکعت که
بگذارد آنرا با بوی خوش کرده ❁ افضل است از هفتاد رکعت که بگذاری آنرا بی بوی خوش کرده
و بدانکه بوی خوش کردن ❁ سنت است از برای هر نمازی و هر دعائی ❁ و بنیست مخصوص
نماز شب و دعاهای آن ❁ پس هرگاه وضو ساختی و بوی خوش کردی پس بنشین رو بقبله

و بخوان دعای ❁ حضرت امام
زین العابدین را که منقولست از آن

الهی غارت نجوم سماءك ونامت عیون انامك وهدأت اصوات عبادك
خداوندا فرو رفته ستارهای آسمان و خواب رفته است چشمهای آفریدگان تو و ساکن شده است صداهای بندگان تو

وانعامك وغلقت الملوك علیها ابوابها ❁ وطاف علیها حراسها واحتجبوا
و چهارپایان تو و بسته اند پادشاهان بر روی خود درها را بر خود ❁ و میگردند بر در ایشان نگهبانان و پوشیده شده اند

عمن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لا تأخذك
از کسیکه سؤال از ایشان حاجتی طلب کند از آنها فائده ❁ و تو ای خدای من زنده که بخود برپا میکنی شده ❁

سنة ولا نوم ولا یشغلك شیء عن شیء ابواب سمائك لمن دعاك
پینکی و نه خواب و مشغول نمیسازد ترا چیزی از چیزها ❁ درهای آسمان تو از برای کسیکه بخواند ترا ❁

مفتحات وخزائنك غیر مغلقات وابواب رحمتك غیر محجوبات وفوائدك
گشوده شده اند و خزانهای تو بسته نشده اند ❁ و درهای رحمت تو منع کرده نشده اند ❁ و فایدهای تو

لمن سألك غیر محظورات بل هی مبذولات الهی انت الکریم الذی لا ترد
برای کسیکه سؤال کند آنرا باز داشته نشده اند بلکه آنها داده شده اند ❁ ای خداوند من ❁ توئی کریمی که بر نمیگردانی

سائلا من المؤمنین سألك ولا تحتجب عن احد منهم اراد ك لا وعزتك
هیچ سؤال کننده از مؤمنین سؤال کنند ترا و پوشیده نمیشود از کسی از ایشان که قصد کنند ترا نیست چنین قسم بعزت تو

وجلالك ولا تختزل حوائجهم دونك ولا یقضیها احد غیرك اللهم
و بزرگی تو و قطع کرده نمیشود حاجتهای ایشان نزد تو ❁ و بر نمی آورد آنها را کسی غیر از تو ❁ خداوندا

وقد ترانی و وقوفی وذل مقامی بین یدیك وتعلم سریرتی وتطلع علی
بتحقیق که می بینی مرا و ایستادن و خواری جایگاه مرا پیش روی تو و میدانی پنهان مرا و آگاهی بر

ما فی قلبی وما یصلح به امر آخرتی ودنیای اللهم انی ذکر الموت واهول
آنچه در دل منست و آنچه بصلاح می آید بآن امر آخرت من و دنیای من ❁ خداوندا بدرستیکه یاد مرگ ❁ و هول

المطلع والوقوف بین یدیك نغصنی مطعمی ومشربی واغصنی بریقی واقلقنی
عرصه قیامت و ایستادن پیش روی تو مکدر کرده است خوردن مرا و آشامیدن مرا و گره کرده است در گلو مرا آب دهن مرا

عن وسادی ومنعنی رقادی کیف ینام من یخاف ملك الموت فی طوارق
از خوابگاه من و منع کرده است مرا خواب من چگونه بخوابد کسیکه بترسد از ملك موت در واردشوندگان ❁

اللیل وطوارق النهار بل کیف ینام العاقل وملك الموت لا ینام لا باللیل
شب و واردشوندگان روز بلکه پس چگونه بخوابد عاقل و حال آنکه ملك الموت نمیخوابد ❁ نه در شب

ولا بالنهار ویطلب روحه بالبیات وفی آناء الساعات
و نه در روز و طلب میکند روح آنرا در حال بیخبری و در اثنای ساعات

و سجود میرفتند آنحضرت

وقلق و اضطراب آورده

ولعل

سنة

بعد از اين دعا هم مستحبست بلند كردن دست خود را بجانب آسمان و ميفرمودند

أَسْئَلُكَ الرَّوْحَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ

سؤال ميكنم ترا آسودگي و راحت نزد

الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ حِينَ أَلْقاكَ

مرگ و عفو از من در وقتي كه ملاقات كنم ترا

و ميگذاردند پيش از نماز شب دو ركعت كه ميخواندند در ركعت اول آن

قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ

و در ركعت دوم

قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ

بعد از آن بلند ميكردند دستهاي مبارك خود را بتكبير و دعا ميكردند و نوافل

بگذارد اين دو ركعت را پس خوب است كه بخواني اين دعا را كه روايت كرده است

شيخ محمد بن بابويه در كتاب امالي از ابي درداء كه شنيد از حضرت امير المؤمنين ع كه ميخواندند

إِلٰهِي كَمْ مِنْ مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقابَلَتِها بِنَقِمَتِكَ وَكَمْ مِنْ

خداوندا چه بسيار از معصيت هلاك كننده كه حلم نمودي در مقابل آنها بعقاب خود و چه بسيار

جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِها بِكَرَمِكَ إِلٰهِي إِنْ طالَ فِي عِصْيانِكَ

جرمها كه كرم كردي در رسوا كردن آن بكرم خود خداوندا اگر طول كشيد در معصيت تو

عُمْرِي وَعَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَما أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ غُفْرانِكَ

عمر من و بزرگ است در نامه‌ها گناه من پس نيستم من اميدوار مگر آمرزش ترا

وَلا أَنا بِراجٍ غَيْرَ رِضْوانِكَ إِلٰهِي أُفَكِّرُ فِي عَفْوِكَ فَتَهُونُ

و نيستم من اميدوارنده غير خوشنودي ترا خداوندا فكر ميكنم در عفو تو پس آسان ميشود

عَلَيَّ خَطِيئَتِي ثُمَّ

أَذْكُرُ الْعَظِيمَ مِنْ أَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتِي آهِ إِنْ أَنا قَرَأْتُ فِي الصُّحُفِ سَيِّئَةً

بياد مي آورم اخذ عظيم ترا پس بزرگ ميشود بر من بلاي من آه اگر بخوانم در نامه‌ها گناهي كه

أَنا ناسِيها وَأَنْتَ مُحْصِيها فَتَقُولُ خُذُوهُ فَيا لَهُ مِنْ مَأْخُوذٍ لا تُنْجِيهِ عَشِيرَتُهُ

من فراموش كننده‌ام و تو حفظ كننده‌اي از آن پس بگوئي بگيريد او را پس اي واي بر او از گرفته شده‌اي كه نجات نميدهد او را خويشانش

وَلا تَنْفَعُهُ قَبِيلَتُهُ آهِ مِنْ نارٍ تُنْضِجُ الْأَكْبادَ وَالْكُلىٰ

و نفع نميدهد او را قبيله او آه از آتشي كه ميپزد جگرها و گرده‌ها را

آهِ مِنْ نارٍ نَزّاعَةٍ لِلشَّوىٰ آهِ مِنْ غَمْرَةٍ

آه از آتشي كه ميكند پوست سر را آه از فرو گرفتن

مِنْ مُلْهَباتِ لَظىٰ

از زبانه‌هاي جهنم

پس گريه كن بعد از اين دعا و بسيار گريه كن هر قدر كه خواهي بعد از آن برخيز براي نماز شب

بتحقيق كه اجماع كرده‌اند علماي ما بر اينكه اول وقت آن نصف شب است و اينكه هر چند

نزديك شود بصبح صادق خواهد بود افضل پس اگر طلوع كند آن و گذارده باشد

چهار ركعت تمام كند آنها را سبك بحمد تنها بدون سوره بقصد اداء و مشهور اين است

جائز است تقديم آن بر نصف شب از براي كسيكه عذري داشته باشد و ليكن

قضاي آن افضل است از تقديم هر گاه خواهي شروع كني در نماز شب پس بگو اول اين دعا را

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَآلِهِ

خداوندا بدرستيكه من توجه دارم بسوي تو بار رجوع بنده به پيغمبر تو پيغمبر رحمت و بآل او

وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً

و مقدم ميدارم ايشان را پيش حاجتهاي خود پس بگردان مرا بسبب ايشان آبرومند

فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ اللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي

در دنيا و آخرت و از نزديكان خداوندا رحم كن مرا

بِهِمْ وَلا تُعَذِّبْنِي بِهِمْ وَاهْدِنِي بِهِمْ وَلا تُضِلَّنِي

بايشان و عذاب مكن مرا بحق ايشان و هدايت نما مرا بحق ايشان و گمراه مكن



بهم و ارزقنی همهم و لا تحرمنی همهم و اقض لی حوائج الدنیا و الاخرة انک

بحق ایشان و روزی کن مرا بحق ایشان و محروم مکردان مرا بحق ایشان و برآور برای من حاجتهای دنیا و آخرت را بدرستیکه تو

علی کل شیء قدیر و بکل شیء علیم

بر هر چیز توانائی و بهمه چیز دانائی

بعد از آن ابتدا کن برکعت اول هفت رکعت باسید دعاهای آنها و افضل این است

که بخوانی بعد از حمد سوره قل هو الله احد سی مرتبه ❁ و در رکعت دوم قل یا ایها الکا

و در شش رکعت باقی سورهای بلند مثل سوره انعام و کهف (و انبیا) (و یس)

و حم‌ها ❁ و آنچه مانند اینها باشد بعد از پی و جائز است ❁ که بعد از سنتی خواندن

سوره از روی مصحف هر چند از بر داشته باشی غیر آن سوره را ❁ اما در نمازهای واجب

پس جائز نیست آن مگر اینکه هیچ سوره حفظ نداشته باشی ❁ و بعضی گفته‌اند در واجب نیز

جائز است ❁ مطلقا و این قول ضعیف است ❁ و اگر تنگ باشد وقت تو از سورهای بلند

کافی است ترا حمد ❁ و قل هو الله احد در هر رکعتی و بهتر است اقتصار بر حمد تنها مانند باقی

نوافل ❁ و بدانکه بتحقیق اتفاق کرده‌اند علمای ما بر اینکه قنوت چنانکه سنت است ❁

در نمازهای واجب ❁ همین قسم سنت است در نمازهای سنتی ❁ در هر رکعت دوم

از نوافل ❁ و روایت کرده است ابن ثقة الاسلام ❁ در کافی بسند صحیح از حضرت صادق

علیه السلام در کافی است در قنوت
اینکه بگوئی این کلمات را

اللهم اغفر لنا و ارحمنا و

ای خداوند ما بیامرز ما را و رحم کن بر ما

و عافنا و اعف عنا فی الدنیا

و عافیت کرامت کن ما را و بگذر از ما در دنیا

و الاخرة انک علی کل شیء قدیر

و آخرت بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی





چنانچه روایت کرده است ابو داود در کافی نیز از آنحضرت علیه السلام بسند حسن ❁ و وارد

شده است کافی بودن سه تسبیح نیز در قنوت ❁ و سنت است بلند خواندن قنوت

هر چند در نوافل روز باشد و
سزاوار است طول دادن آن
خصوصا در نماز شب زیرا که
وقت دراز و وسعت دارد و

و بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود

که هر که از شما طولانی‌تر باشد ❁ قنوت او در دنیا هر آینه طولانی‌تر خواهد بود راحت او در روز

قیامت ❁ و بتحقیق که روایت کرده است ❁ سید جلیل رضی الدین علی بن طاوس در کتاب

مهج الدعوات ❁ پاره از قنوت‌های طولانی را ❁ که قنوت میکرده‌اند بآنها ائمه علیهم السلام

علیهم اجمعین ❁ و نفرین میکرده‌اند بآنها بر دشمنان دین ❁ و باکی نیست که بخوانی قنوت

در نوافل از روی کتاب و مانند آن ❁ و منع شده است از این در فرائض ❁ و از دعاهای مختصر

که لائق است خوانده شود در قنوت
نوافل و فرائض آن است که روایت
شده از حضرت صادق علیه السلام

الهی کیف ادعوک و قد عصیتک و کیف لا ادعوک و قد عرفت

خداوندا چگونه بخوانم ترا و بتحقیق عصیان کرده‌ام ترا و چگونه نخوانم ترا و بتحقیق شناختم

حبک فی قلبی و ان کنت عاصیا مددت الیک یدا بالذنوب مملوة و

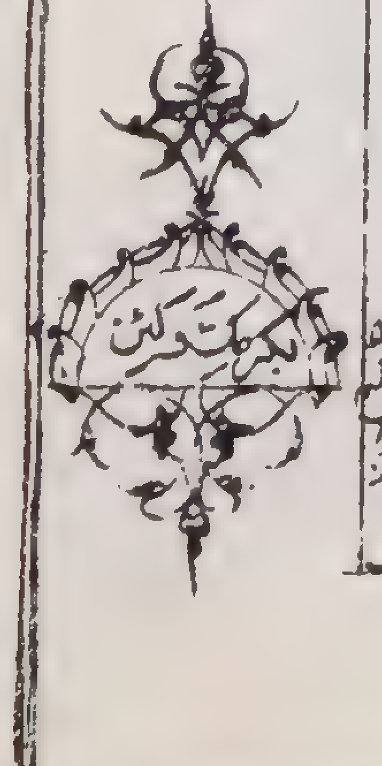
دوستی ترا در قلب خود و اگر بودم معصیت کننده بلند کرده‌ام بسوی تو دستی را که پر است از گناهان و

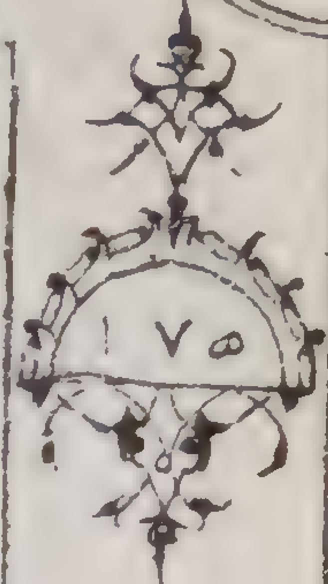
عینا بالرجاء ممدودة مولای انت العظیم العظماء و انا اسیر

چشمی که بامید کشیده شده است ای پروردگار من تو بزرگ بزرگانی و منم اسیر

الاسراء و انا الاسیر بذنبی المرتهن بجرمی الهی لئن طالبتنی بذنبی لاطا

اسیران منم اسیر بگناه خود در گرو جرم خود ای خداوند من اگر بازخواست کنی مرا بگناه من هر آینه





بكرمك ولئن طالبتني بجرمي لأطالبنك بعفوك ولئن أمرت بي الى النار

بجرم تو کرم تو و اگر باز خواست کنی مرا بمعصیت جرم این باز خواست میکنم ترا بعفو تو و اگر امر کنی مرا بسوی آتش

لأخبرن أهلها اني كنت أقول لا إله إلا الله محمد رسول الله اللهم

هر اینه خبر میدهم اهل آنرا بدرستیکه من بودم که میگفتم نیست خدایی مگر خدا محمد فرستاده اوست خداوندا

إن الطاعة تسرك والمعصية لا تضرك فهب لي ما يسرك واغفر لي ما لا

بدرستیکه طاعت خوشنود میکند ترا و معصیت ضرر نمیرساند ترا پس ببخش مرا آنچه خوشنود میکند ترا و بیامرز برای من آنچه

يضرك يا أرحم الراحمين

ضرر نمیرساند ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

الدعاء المتوسل به كمرواد استن ... كه خوانده شود در شب جمعه وسائل اسمت كه روايت شده

اللهم إن الرجاء لسعة رحمتك أنطقني باستقالتك والأمل لأناتك

خداوندا بدرستیکه امید بسبب وسعت رحمت تو گویا کرده است مرا بسبب طلب کردن فسخ کردن تو و امید بحلم تو

ورفقك شجعني على طلب أمانك وعفوك ولي يا رب ذنوب قد واجهتها

و مدارای تو جرئت داده است مرا بر طلب امان تو و عفو تو و از برای من است ای پروردگار من گناهانیکه روبرو شده است

أوجه الانتقام وخطايا قد لاحظتها أعين الاصطلام واستوجبت

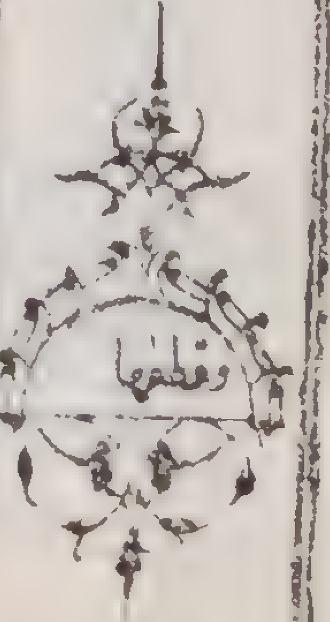
روهای انتقام و خطاهائیکه به تحقیق نگریسته است دیدهای استیصال و سزاوار شده ام

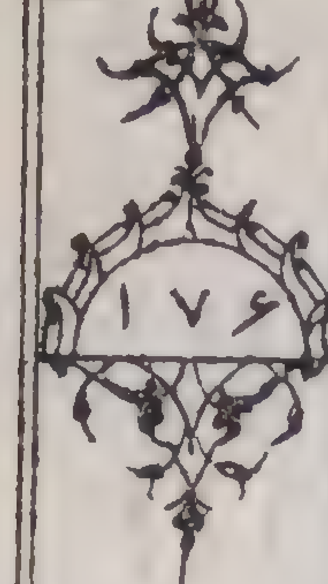
بها على عدلك أليم العذاب واستحققت باجتراحها مبير العقاب

بسبب آنها بر عدل تو المرسانند عذاب و مستحق شده ام بسبب کسب آنها هلاکت کننده عقاب

وخفت تعويقها لإجابتي وردها إياي عن قضاء حاجتي وإبطالها

و خوف دارم از تعویق انداختن آنها مر اجابت مرا و بر گردانیدن آنها مرا از برآوردن حاجت





وقطعها لأسباب رغبتي من أجل ما أنقض ظهري من ثقلها وبهظني

و بریدن آنها مر اسباب رغبت مرا بواسطه آنچه شکستن کرده است پشت مرا از سنگینی آنها و گران کرده است مرا

من الاستقلال بحملها ثم تراجعت رب إلى حلمك عن الخاطئين

از استقلال در امر بسبب برداشتن آنها پس باز رجوع کردم پروردگار من بسوی بردباری تو از خطا کنندگان

وعفوك عن المذنبين ورحمتك للعاصين فأقبلت بثقتي

و عفو تو از گناهکاران و رحمت تو از برای عاصیان پس رو آورده ام باعتماد خود

متوكلا عليك طارحا نفسي بين يديك شاكيا بثي إليك سائلا

توکل کننده بر تو اندازنده نفس خود پیش روی تو شکوه کننده پراکندگی خود بسوی تو سؤال کننده

ما لا أستوجبه من تفريج الهم وما لا أستحقه من تنفيس الغم

آنچه سزاوار نیستم از زائل کردن هم و آنچه مستحق آن نیستم از برطرف کردن غم

مستقيلا لك إياك واثقا مولاي بك اللهم فامنن علي بالفرج وتطول علي

بسوی تو اعتماد دارنده ای آقای من بتو خداوندا پس منت گذار بر من بگشایش و تفضل کن بر من

بسهولة المخرج وادللني برأفتك على سمت المنهج وأزلقني بقدرتك

باسانی بیرون شدن و دلالت کن مرا برأفت خود بر سمت راه واضح و دور کن مرا بقدرت خود

عن الطريق الأعوج وخلصني من سجن الكرب بإقالتك وأطلق أسري

از راه کج و خلاص کن مرا از زندان اندوه به گذشتن خود و بگشا گرفتاری مرا

برحمتك وطل علي برضوانك وجد علي بإحسانك وأقلني عثرتي و

برحمت خود و منت نه بر من بخشنودی خود و جود کن بر من باحسان خود و در گذر از لغزش من و

فرج كربتي وارحم عبرتي ولا تحجب دعوتي واشدد بالإقالة أزري

دفع کن اندوه مرا و رحم کن اشک مرا و منع مکن دعای مرا و سخت کن بدرگذشتن قوت مرا

وقو بها ظهري

وأصلح بها أمري وأطل بها عمري وارحمني يوم حشري ووقت نشري

و اصلاح کن بآن امر مرا و دراز گردان بآن عمر مرا و رحم کن روز محشور شدن و وقت برانگیختن مرا



إِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

بدرستیکه تو بسیار بخشنده کریم مهربان مهربانی

و میخوانی بعد از هر دو رکعت از هشت رکعت این دعا را

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السّائِلِينَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا و سؤال کرده نشده است کسی مثل تو توئی موضع سؤال سؤال کنندگان

وَمُنْتَهىٰ رَغْبَةِ الرّاغِبِينَ أَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ

و منتهای رغبت رغبت کنندگان میخوانم ترا و خوانده نشده است کسی مثل تو و رغبت میکنم بسوی تو

يُرْغَبْ إِلىٰ مِثْلِكَ وَأَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ الرّاحِمِينَ

رغبت کرده نشده است کسی بسوی مثل تو و توئی اجابت کننده دعای بیچارگان و رحم کننده ترین رحم کنندگان

أَسْئَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسائِلِ وَأَنْجَحِها وَأَعْظَمِها يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ

سؤال میکنم ترا بافضل ترین سؤالها و برآمده ترین آنها و بزرگترین آنها ای خدا ای بخشنده ای مهربان

وَبِأَسْمائِكَ الْحُسْنىٰ وَأَمْثالِكَ الْعُلْيا وَنِعَمِكَ الَّتِي لا تُحْصىٰ وَبِأَكْرَمِ أَسْمائِكَ

و بنامهای نیکوی تو و مثلهای بلند تو و بنعمتهای تو که شمرده نمیشود و بگرامی ترین نامهای تو

عَلَيْكَ وَأَحَبِّها إِلَيْكَ وَأَقْرَبِها مِنْكَ وَسِيلَةً وَأَشْرَفِها عِنْدَكَ

بر تو و دوست ترین آنها بسوی تو و نزدیکترین آنها نزد تو از روی وسیله و شریفترین آنها نزد تو از جهت

مَنْزِلَةً وَأَجْزَلِها لَدَيْكَ ثَواباً وَأَسْرَعِها فِي الْأُمُورِ إِجابَةً وَبِاسْمِكَ

جاه و منزلت و جزیل ترین آنها نزد تو از روی ثواب و سریع ترین آنها در امور از روی اجابت و بنام پنهان

الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْواهُ

کرده شده بزرگترین عزیزترین جلیلترین اعظم ترین گرامی ترین آنکه دوست میداری آنرا و خواهی آنرا

وَتَرْضىٰ بِهِ عَمَّنْ دَعاكَ

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ أَنْ لا تَرُدَّ سائِلَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ

و اجابت کردهٔ برای او دعای او را و واجب است بر تو اینکه رد نکنی سؤال کنندهٔ خود را و بهر نامیکه

هو

هُوَ لَكَ فِي التَّوْراةِ وَالْإِنْجِيلِ وَ

که آن از برای تست در توریة و انجیل و

الزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ

از زبور و فرقان عظیم و بهر

اسْمٍ دَعاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلائِكَتُكَ وَأَنْبِياؤُكَ وَرُسُلُكَ وَأَهْلُ

نامیکه خوانده ترا بآن بردارندگان عرش تو و فرشتگان تو و پیغمبران تو و رسولان تو و اهل

طاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ

طاعت تو از بندگان تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه تعجیل نمائی راحت دوست خود و پسر

وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدائِهِ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا

و دوست زاده و تعجیل فرمائی خواری دشمنان او و اینکه بجای آوری با من چنین و چنان

بعد از آن تسبیح میکنی بتسبیح حضرت زهرا علیها السلام را و میخوانی بعد از آن هر دعائیکه میخواهی

پس از آن سجده میکنی دو سجدهٔ شکر و خوب است که بخوانی در یکی از آنها این دعا را که منسوب

بحضرت امام زین العابدین علیه السلام

إِلٰهِي وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ أَنِّي مُنْذُ بَدَعْتَ فِطْرَتِي مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ

ای خدای من قسم بعزت تو و جلال و بزرگی تو که بدرستیکه من بودم از وقتیکه تو پدید آوردی خلقت مرا از اول

عَبَدْتُكَ دَوامَ خُلُودِ رُبُوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ

که عبادت کرده بودم ترا همواره دائمی پروردگاری تو بهر موئی که در هر چشم زدنی همیشه

الْأَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلائِقِ وَشُكْرِهِمْ أَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقَصِّراً فِي بُلُوغِ أَداءِ شُكْرِ

روزگار بحمد خلائق و شکر ایشان همگی هر آینه بودم من تقصیر کننده در رسیدن ادای شکر

خَفِيِّ نِعْمَةٍ مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَلَوْ أَنِّي كَرَبْتُ مَعادِنَ حَدِيدِ الدُّنْيا بِأَنْيابِي

پنهان نعمتی از نعمتهای تو بر من و اگر بدرستیکه من کنده بودم معدنهای آهن دنیا را با دندانهای خود

وَحَرَثْتُ أَرْضَها بِأَشْفارِ عَيْنِي وَبَكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ مِثْلَ بُحُورِ السَّماواتِ

و زراعت کرده بودم زمین آنرا بمژگان چشم خود و گریه کرده بودم از ترس تو مثل دریاهای آسمانها

والأرض

وَالْأَرَضِينَ دَماً وَصَدِيداً لَكَانَ ذٰلِكَ قَلِيلاً فِي كَثِيرِ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّكَ

در زمین ها خون و خوابه هر آینه بود آن اندک در بسیار آنچه واجب است از حق تو

عَلَيَّ وَلَوْ أَنَّ يَا إِلٰهِي عَذَّبْتَنِي بَعْدَ ذٰلِكَ بِعَذَابِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَعَظَّمْتَ لِلنَّارِ

بر من و اگر بدرستیکه تو ای خدای من عذاب میکردی مرا بعد از آن بعذاب مردمان همگی و بزرگ میکردی از برای آتش

خَلْقِي وَجِسْمِي وَمَلَأْتَ طَبَقَاتِ جَهَنَّمَ مِنِّي حَتَّى لَا يَكُونَ فِي النَّارِ مُعَذَّبٌ غَيْرِي

خلقت مرا و جسم مرا و پر کرده بودی طبقهای جهنم را از من تا اینکه نبود در آتش عذاب کرده شده غیر از من

وَلَا يَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَانَ ذٰلِكَ بِعَدْلِكَ عَلَيَّ قَلِيلاً فِي كَثِيرِ مَا اسْتَوْجَبْتُهُ

و نمیبود برای جهنم هیمه بجز من هر آینه بود آن از روی عدل تو بر من کم در بسیار آنچه سزاوارم

پس هرگاه فارغ شدی از رکعت هشتم بخوان این دعا را

يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ

ای خدا ای خدا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل او و رحمت فرما مرا و ثابت بدار مرا بر دین تو و دین

نَبِيِّكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

پیغمبر تو و میل مده دل مرا بعد از آنکه هدایت کردی مرا و ببخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو ئی بسیار بخشنده

و میگوئی این فقرات را

اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ

خداوندا توئی همیشه زنده کار ساز بلند مرتبه بزرگ آفریننده روزی دهنده پدید آورنده و عود دهنده

الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ

زنده کننده میراننده از نو پدید آورنده از برای تست کرم و از برای تست بخشش و از برای تست نعمت و از برای تست امر تنها

لَا شَرِيكَ لَكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ يَا بَدِيعُ يَا رَفِيعُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

نیست شریکی مر ترا ای آفریننده ای روزی دهنده ای زنده کننده ای میراننده ای از نو پدید آورنده ای بلند مرتبه سؤال میکنم از تو که رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحَمَ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ

بر محمد و آل محمد و اینکه رحم فرمائی خواری مرا پیش روی تو و فروتنی مرا بسوی تو و رمیدن مرا از مردم

بعد از آن میگوئی آنچه در حضرت امیر المؤمنین ع میخواندند بعد از رکعت هشتم

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ وَلَجَأَ إِلَى عِزِّكَ وَاسْتَظَلَّ بِفَيْئِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحرمت هر که پناه آورده بتو و التجا آورده بسوی عزت تو و داخل شده در سایه تو

وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَلَمْ يَثِقْ إِلَّا بِكَ يَا جَزِيلَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى يَا مَنْ

و دست زده بریسمان محکم تو و اعتماد نه اندر مگر بتو ای بزرگ عطاها ای رها کننده اسیرها ای کسیکه

سَمَّى نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهَّاباً أَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً وَخَوْفاً وَطَمَعاً وَإِلْحَاحاً

نامیده است نفس خود را بسبب جود خود بسیار بخشنده میخوانم ترا رغبت کننده و ترسنده و خوف دارنده و طمع کننده

وَإِلْحَافاً وَتَضَرُّعاً وَتَمَلُّقاً وَقَائِماً وَقَاعِداً وَرَاكِعاً وَسَاجِداً وَرَاكِباً وَمَاشِياً

و مبالغه کننده در سؤال و تضرع و فروتنی کننده و تملق کننده ایستاده و نشسته در رکوع و سجود کننده و سوار و پیاده

وَذَاهِباً وَجَائِياً وَفِي كُلِّ حَالَاتِي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ

و رونده و آینده و در همه حالهای من سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی با من

و بیان میکنی حاجت خود را بعد از آن سجده میکنی دو سجده شکر و میخوانی در آنها آنچه را گذشت

فصل

بعد از آنکه فارغ شدی از هشت رکعت بر میخیزی برای دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و افضل اوقات آنها میانه صبح کاذب و صادق است چنانچه گذشت در باب اول در ذکر صبح صادق و کاذب و وارد شده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و بدانکه شایع بر زبانهای علماء متاخرین اطلاق و تر است بر رکعت سوم تنها و بر مجموع سه رکعت و شایع در احادیث که وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله علیهم اجمعین عکس این است چنانچه روایت کرده از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که پدر او حضرت باقر علیه السلام میخواندند در وتر قل هو الله احد در هر سه رکعت و ایضا روایت کرده است در تهذیب بسند موثق از آنحضرت علیه السلام که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله میکرد از نماز هشت رکعت زوال و چهار رکعت ظهر و هشت رکعت بعد از آن و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از آن و عشای آخر چهار رکعت و دو رکعت و تیره بعد از آن و هشت

رکعت نماز شب و سه رکعت وتر ❁ و دو رکعت فجر و نماز صبح دو رکعت تا الخ

و چنانچه روایت کرده است ابن بابویه محمد بن ... بسند صحیح حفص بن سالم که گفت شنیدم

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام ❁ که میفرمود که باکی نیست اینکه بگذارد دو رکعت

از وتر را بعد از آن برود ❁ و برآورد حاجت خود را ❁ تا باز برگردد پس بگذارد یک

رکعت و همچنین غیر اینها احادیث بسیار است ❁ اما اطلاق وتر بر رکعت سوم تنها

❁ پس در احادیث بسیار کم است ❁ لیکن بسیار است در عبارتهای متأخرین

علما قدس الله ارواحهم ❁ و اما قدما پس اکثر ایشان تعبیر میکنند از آن بمفرده وتر

چنانچه تعبیر کرده است از آن شیخ طوسی در مصباح و غیر آن ❁ و از اینجا ظاهر میشود

که کسیکه نذر کند نماز وتر موظف را ❁ بیرون نمی آید از عهده بیقین مگر بگذاردن

سه رکعت ❁ و ظاهر میشود که آنچه ذکر کرده است از شیخ جلیل ابو علی طبرسی عطر الله مرقده

در کتاب مجمع البیان ❁ از وجه نامیدن سوره فاتحه بسبع المثانی باینکه مثنی میشود قرائت آن

در هر نماز واجبی و سنتی کلامی است درست خالی از قصور ❁ و اینجا اعتراض کرده اند

بر او از استفاضه این که نماز وتر ... ❁ والله اعلم ❁ و میخوانی در هر یک

از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره قل هو الله احد ❁ و اگر خواهی میخوانی قل اعوذ

برب الفلق ❁ در رکعت و قل اعوذ برب الناس ❁ و در رکعت دوم پس هرگاه سلام دادی

پس بخوان این دعا را

إلهي تعرّض لك في هذا الليل المتعرّضون وقصدك فيه القاصدون

خدایا متعرض شده اند مر ترا در این شب ❁ متعرض شوندگان و قصد کرده اند ترا در این شب قصد کنندگان

وأمّل فضلك ومعروفك الطالبون ولك في هذا الليل نفحات

و امید دارند فضل ترا و احسان ترا طلب کنندگان ❁ و مر تراست در این شب وزیدن رحمتها

وجوائز وعطايا ومواهب تمنّ بها على من تشاء من عبادك وتمنعها

و جائزه ها و عطاها و هبه ها ❁ منت میگذاری بآنها بر هر که میخواهی از بندگان خود و منع میکنی آنها را

لمن لم تسبق

له العناية منك وها أنا ذا عبدك الفقير إليك المؤمّل فضلك ومعروفك

از برای او عنایت از تو و اینک منم بنده تو ❁ محتاج بسوی تو ❁ امیدوار از فضل تو و احسان تو

فإن كنت يا مولاي تفضّلت في هذه الليلة على أحد من خلقك وعدت

پس اگر بوده باشی تو ای پروردگار من تفضل کرده باشی در این شب بر یکی از خلق تو ❁ و احسان کرده باشی

عليه بعائدة من عطفك فصلّ على محمد وآله الطيّبين الطاهرين الخيّرين

بر او بصله از شفقت تو ❁ پس رحمت بفرست بر محمد و آل او که پاکیزگان پاکان ❁ خیر کنندگان

الفاضلين وجُد علينا بطولك ومعروفك يا ربّ العالمين وصلّى الله

فاضل شوندگان و جود فرما بر ما بفضل خود و احسان خود ای پروردگار جهانیان و رحمت کند خدا

على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين الذين أذهب الله عنهم الرجس

بر محمد ❁ آخر پیغمبران ❁ و آل پاکان او ❁ آنکه برده است از ایشان ❁ پلیدی را

وطهّرهم تطهيرا إنّ الله حميد مجيد اللهم إنّي أدعوك كما أمرت

و پاک کرد ایشان را پاک کردنی بدرستیکه خداوند ستوده بزرگوار است خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا چنانکه امر کردی

فاستجب لي كما وعدت إنّك لا تخلف الميعاد

پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کرده تو بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

بعد از آن برمیخیزی برای مفرده وتر و افتتاح کنی بهفت تکبیر با سه دعا آنها و میخوانی

در آن بعد از حمد قل هو الله احد ❁ سه مرتبه و معوذتین ❁ بعد از آن بلند میکنی

دستهای خود را ❁ و قنوت میخوانی و حال اینکه گریه کنی یا خود را بگریه بداری با آنچه

روایت کرده است ابن بابویه محمد بن ... در فقیه بسند صحیح از معروف بن خربوذ از احدهما

یعنی حضرت باقر یا حضرت صادق علیهما السلام که فرمودند بگو در قنوت وتر

لا إله إلّا الله الحليم الكريم لا إله إلّا الله العليّ العظيم سبحان الله ربّ

نیست خدائی مگر خدائی که حلیم و کریم است نیست خدائی مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خدائیکه پروردگار

السموات السبع وربّ الأرضين السبع وما فيهنّ وما بينهنّ وربّ العرش

آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش

العظیم

ذکر دعائی که مستحبست بعد از طلوع صبح در شبها ... خوانده شود

العظیم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله جمال السموات

بزرگ خداوندا توئی خدائیکه خلق کننده نور آسمانها و زمین و توئی خدائیکه خلق کننده جمال آسمانها

والارض وانت الله قوام السموات والارض وانت الله صریخ المستصرخین

و زمین و توئی خدائیکه بپا دارنده آسمانها و زمین * و توئی خدای فریادرس فریادرسندگان *

وانت الله غیاث المستغیثین وانت الله المفرج عن المکروبین وانت

و توئی خدائیکه فریادرس استغاثه کنندگانی * و توئی خدای فرج بخشنده از اندوهناکان و توئی

الله المروح عن المغمومین وانت الله مجیب دعوة المضطرین وانت الله اله العالمین

خدای گشایش دهنده از غمناکان * و توئی خدای اجابت کننده دعای بیچارگان * و توئی خدائیکه معبود جهانیانی

وانت الله الرحمن الرحیم وانت الله کاشف السوء وانت الله بک تنزل

و توئی خدای بخشنده مهربان * و توئی خدای دفع کننده بدی * و توئی خدائیکه بتو فرود آورده میشود

کل حاجة یا الله لیس یرد غضبک الا حلمک ولا ینجی من عقابک

هر حاجتی ای خدا نمیگرداند غضب ترا مگر حلم تو * و خلاص نمیکند از عقاب تو

الا رحمتک ولا ینجی منک الا التضرع الیک فهب لی من لدنک

مگر رحمت تو و نجات نمیدهد از تو مگر زاری بسوی تو * پس ببخش مرا از نزد خود

یا الهی رحمة تغنینی بها عمن سواک بالقدرة التی بها احییت جمیع

ای خداوند من رحمتیکه بی نیاز گردانی مرا از رحمت کسیکه غیر تو باشد بقدرتیکه بآن زنده کرده جمیع

ما فی البلاد وبها تنشر میت العباد ولا تهلکنی غما حتی تغفر لی وتعرفنی

آنچه در شهرهاست و بآن برمی انگیزی مرده بندگان را و هلاک مکن مرا از غم تا اینکه بیامرزی مرا و بشناسانی

الاستجابة فی دعائی وارزقنی العافیة الی منتهی اجلی واقلنی عثرتی

مرا اجابت شدن در دعایم و روزی کن عافیت را تا منتهای اجل من و درگذر از لغزش من

ولا تشمت بی عدوی ولا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن

و شماتت مرسان بمن دشمن مرا و مسلط مکن او را بر گردن من خداوندا اگر بلند کنی مرا پس کیست

وانت الله الذی خلق کننده زینت السموات آسمانها والارض و زمین ... یضعنی وان وضعتنی ... فمن ذا الذی ... یرفعنی وان اهلکتنی ... فمن ... بینک

ذکر دعائی که در میان نصف شب تا طلوع صبح در شبها ... خوانده شود

بینک وبینی او یتعرض لک فی شیء من امره وقد علمت ان لیس فی حکمک

میان تو و میان من یا متعرض شود مر ترا در چیزی از امرش و بتحقیق که دانسته ام اینکه نیست در حکم تو

ظلم ولا فی نقمتک عجلة وانما یعجل من یخاف الفوت وانما یحتاج الی الظلم

ظلمی و نه در انتقام کشیدن تو تعجیلی و بدرستیکه تعجیل میکند مگر کسیکه بترسد از فوت و بدرستیکه محتاج است بستم

الضعیف وقد تعالیت عن ذلک یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا ولا

ضعیف و بتحقیق که برتر و منزهی از آن * ای خداوند من پس مگردان مرا از برای بلا نشانه و نه

لنقمتک نصبا ومهلنی ونفسنی واقلنی عثرتی ولا تبتلینی ببلاء

از برای عقوبت خود بپا داشته شده و مهلت ده مرا و گشایش ده مرا و درگذر از لغزش من و تابع مگردان بمن بلائی

علی اثر بلاء فقد تری ضعفی وقلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی

در عقب بلائی * پس بتحقیق که می بینی ضعف مرا و کمی حیله مرا پناه میبرم بتو در این شب پس پناه ده مرا

واستجیر بک من النار فاجرنی * واسئلک الجنة فلا تحرمنی

و پناه میجویم بتو از آتش پس پناه ده مرا * و سؤال میکنم از تو بهشت را * پس محروم مفرما مرا

بعد از آن دعا کن خدا را و بستان ربی * و استغفار کن خدا را هفتاد مرتبه انتهی آخر حدیث * و سنت است که دعا کنی برای چهل کس از برادران خود باین نحو که بگوئی اللهم اغفر لفلان وفلان تا آخر ایشان * بعد از آن میگوئی استغفر الله ربی واتوب الیه * سزاوار است اینکه بشمارد * استغفار را بدست راست خود و راست نگاه دارد * دست خود را چنانچه روایت کرده است ابو بصیر از محمد بن * در فقیه بسند صحیح * و اگر برسد ذکر استغفار بصد مرتبه * خواهد بود افضل

بعد از آن میگوئی هفت مرتبه

استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لجمیع ظلمی وجرمی واسرافی

طلب آمرزش میکنم از خدائیکه نیست خدائی مگر او * که زنده بخود قائم است از برای همه ظلم من و گناه من و اسراف من

علی نفسی واتوب الیه

بر نفس من * و توبه میکنم بسوی او *

کالخضوع ... جهد ... ملتفت باش ... ان شاء الله تعالی

بعد از آن مشکوٰۃ

رَبِّ اَسَأْتُ وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ وَهٰذِهٖ يَدَايَ يَا رَبِّ جَزَاءً

پروردگارم بد کرده ام و ستم کرده ام بنفس خود و بد چیزیست آنچه کرده ام و اینست دستهای من ای پروردگار من جزا

بِمَا كَسَبْتُ وَهٰذِهٖ رَقَبَتِي خَاضِعَةً لِمَا اَتَيْتُ وَهَا اَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ

با آنچه کسب کرده ام و اینست گردن من فروتنی کننده برای آنچه بجا آورده ام و اینک منم اینجا پیش روی تو پس بگیر

لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِيَ الرِّضَا حَتّٰى تَرْضٰى ❁ لَكَ الْعُتْبٰى لَا اَعُوْدُ ❁

برای نفس خود از نفس من خوشنودی را تا اینکه خوشنود شوی ❁ از برای تست ازاله نمودن آنچه میکنم رجوع

بعد از آن سی صد مرتبه بگوید العفو العفو

بعد از آن مشکوٰۃ

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ❁

ای پروردگار من بیامرز مرا و رحم کن بر من و قبول فرما توبه مرا بدرستیکه تو توبه بسیار قبول کننده و مهربانی ❁

و سنت است طول دادن قنوت ❁ پس اضافه میکنی باین آنچه پیش گذشت ذکر آن ❁

در هشت رکعت پس اگر وسعت داشته باشی وقت اضافه کن باین دعائی که میخواند امام

حضرت سید العابدین علی بن الحسین علیه السلام ❁ چنانچه روایت کرده است شیخ محمد بن در کتاب امالی از ابن

سَيِّدِيْ سَيِّدِيْ هٰذِهٖ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا اِلَيْكَ بِالذُّنُوْبِ مَمْلُوْءَةً

ای سید من ای سید من ❁ اینست دستهای من بتحقیق بلند کرده ام هر دو را بسوی تو که ملو از گناهان است

وَعَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُوْدَةً وَحُقَّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلًا اَنْ تُجِيْبَهٗ

و چشمهای من در حالتیکه بامید کشیده شده است و سزاوار است مر کسی که بخواند ترا با پشیمانی از روی فروتنی اینکه اجابت

بِالْكَرَمِ تَفَضُّلًا سَيِّدِيْ اَمِنْ اَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِيْ فَاُطِيْلَ بُكَائِيْ اَمْ مِنْ

کرم از روی تفضل ای سید من آیا از اهل بدبختی آفریدی مرا ❁ پس طول بدهم گریه خود را یا از

اَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِيْ فَاُبَشِّرَ رَجَائِيْ سَيِّدِيْ اَلِضَرْبِ الْمَقَامِعِ ۵

اهل نیکبختی آفریدی مرا ❁ پس بشارت بدهم امید خود را ای مولای من آیا از برای زدن گرزها

خلقت

(حاشیه:) و همچنین اضافه کن قنوت خود مناجات امیر المؤمنین که در صحیفه علویه مذکور شده و عبارت از آن مناجات این است اللهم ارحمني اذا انقطع من الدنيا اثري ... اگر وقت وسعت داشته باشد

اَعْضَائِيْ اَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيْمِ خَلَقْتَ اَمْعَائِيْ سَيِّدِيْ لَوْ اَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ

اعضای مرا یا از برای آشامیدن آب گرم آفریدی احشای مرا ای مولای من اگر بدرستیکه بنده میتوانست فرار نماید

مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ اَوَّلَ الْهَارِبِيْنَ مِنْكَ لٰكِنِّيْ اَعْلَمُ اَنِّيْ لَا اَفُوْتُكَ سَيِّدِيْ

از خداوند خود هر آینه بودم من اول فرار کنندگان از تو ❁ لکن میدانم بدرستیکه من فوت نمیشوم ترا ای مولای من

لَوْ اَنَّ عَذَابِيْ مِمَّا يَزِيْدُ فِيْ مُلْكِكَ لَسَاَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ غَيْرَ اَنِّيْ اَعْلَمُ

اگر اینکه بود عذاب من از آنچه زیاد میکرد در پادشاهی تو هر آینه سوال میکردم از تو صبر بر آن را ❁ اما اینکه من میدانم

اَنَّهٗ لَا يَزِيْدُ فِيْ مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيْعِيْنَ وَلَا يَنْقُصُهٗ مَعْصِيَةُ الْعَاصِيْنَ

بدرستیکه زیاد نمیکند در پادشاهی تو طاعت طاعت کنندگان و کم نمیکند از آن معصیت معصیت کنندگان

سَيِّدِيْ مَا اَنَا وَمَا خَطَرِيْ هَبْ لِيْ بِفَضْلِكَ وَجَلِّلْنِيْ بِسِتْرِكَ وَاعْفُ ❁

ای مولای من چیستم من و چیست قدر من ❁ ببخش مرا بفضل خود و بپوشان مرا به پرده خود و در گذر ❁

عَنْ تَوْبِيْخِيْ بِكَرَمِ وَجْهِكَ اِلٰهِيْ وَسَيِّدِيْ اِرْحَمْنِيْ مَطْرُوْحًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِيْ

از سرزنش من بکرم ذات خود ای خداوند من و ای مولای من رحم کن بر من در حالتیکه انداخته شده باشم بر غسل گاه که غسل دهد مرا

صَالِحُ جِيْرَتِيْ وَارْحَمْنِيْ مَحْمُوْلًا قَدْ تَنَاوَلَ الْاَقْرِبَاءُ اَطْرَافَ جِنَازَتِيْ وَارْحَمْ

نیکان همسایگان من و رحم کن بر من در حالتیکه برداشته باشند و گرفته باشند خویشان اطراف جنازه مرا و رحم کن

فِيْ ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتِيْ وَغُرْبَتِيْ وَوَحْدَتِيْ

در این خانه ❁ تاریک وحشت مرا و غریبی و تنهائی مرا

واگر وقت تنگ باشد برای طول دادن قنوت پس مرا آنرا اقتصار بر آنچه خواهی از آنچه گذشت و اگر وسعت داشته باشد آنرا واز دعاها مختصر که خوب است قنوت با آن در وسعت وقت و تنگی در وتر و غیره

اَللّٰهُمَّ اِنَّ كَثْرَةَ الذُّنُوْبِ تَكُفُّ اَيْدِيَنَا عَنِ انْبِسَاطِهَا اِلَيْكَ بِالسُّؤَالِ وَ

خداوندا بدرستیکه بسیاری گناهان باز میدارد دستهای ما را از گشودن آنها بسوی تو ❁ بسوال و

الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الْمَعَاصِيْ تَمْنَعُنَا عَنِ التَّضَرُّعِ وَالْاِبْتِهَالِ وَالرَّجَاءُ يَحُثُّنَا عَلٰى سُؤَالِكَ

مداومت بر گناهان ❁ باز میدارد از فروتنی و زاری و امید وادار تحریص میکند ما را بر سوال

يا ذا الجلال والاكرام فان لم يعطف السيد على عبده فمن يبتغي النوال فلا تردّ

ای صاحب بزرگی و بخشش پس اگر نکند شفقت مولا [illegible] بنده خود پس از که طلب کند عطاها را پس مگردان

اكفنا المنتظر عنه اليك الا ببلوغ الآمال وصلّى الله على اشرف الانبياء

کفهای ما را دراز کننده بسوی تو مگر برسیدن آرزوها و رحمت کند خدا بر شریف ترین پیغمبران

والمرسلين محمّد وآله الطيبين الطاهرين

و رسولان که محمّد است و آل او که پاکیزگان و پاک شدگان

پس هرگاه فارغ شدی از قنوت پس رکوع کن و میگوئی بعد از سر برداشتن از رکوع

هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيّئاته بعمله وذنبه عظيم وشكره

این است مقام کسیکه نیکوئیهای او نعمت است از تو و بدیهای او بکردار اوست و گناه او عظیم است و شکر او

قليل الهي طموح الآمال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم قد تقطعت

اندکست خدای من بلند شدن امید بتحقیق ناامید شده مگر نزد تو و جاهای ایستادن عزمها بتحقیق بریده شده اند

الّا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فانت الرّجاء واليك

مگر نزد تو و طریقهای عقلها بتحقیق بلند شده مگر بسوی تو پس توئی امید و بسوی تست آرزو و بسوی تست

الملتجا يا اكرم مقصود ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجا الهاربين

پناه ای کریمترین قصد کرده شده و ای بخشنده ترین سؤال کرده شده فرار نموده ام بسوی تو بنفس خود ای پناه فرارکنندگان

باثقال الذنوب احملها على ظهري وما اجد لي اليك شافعا سوى معرفتي

بسبب سنگینیهای گناهان که بر داشته ام بر پشت خود و نمی یابم برای خود بسوی تو شفاعت کننده بغیر از شناختن

بانك اقرب من رجاه الطالبون ولجأ اليه المضطرون وامّل ما لديه

باینکه نزدیکترین کسیکه آرزو داشته اند او را طالبان و پناه برده بسوی او بیچارگان و امید داشته اند آنچه نزد او

الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل

رغبت کنندگان ای کسیکه شکافته است عقلها را بشناختن او و روان کرده است زبانها را بحمد او و گردانیده

ما امتنّ به على عباده كفاء لتأدية حقه صلّ على محمّد وآله ولا تجعل

آنچه نعمت داده است بآن بر بندگان خود کفایت کننده از برای ادای حق او رحمت کن بر محمّد و آل او و مگردان

للهموم على قلبي سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا وافتح لي بخير الدنيا والآخرة

برای غمها بر قلب من راهی و نه برای باطل بر عمل من راه نمائی برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بعد از آن دو سجده میکنی و تشهد میخوانی پس هرگاه سلام دادی پس تسبیح کن تسبیح

حضرت زهرا علیها السلام بعد از آن بخوان این دعا را که معروف است بدعای حزین

اناجيك يا موجودا في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي

مناجات میکنم با تو ای موجود در هر مکان شاید که بشنوی کلام مرا پس بتحقیق که بزرگ شده است گناه من

وقلّ حيائي مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكر واتها انسى ولو لم

و کم است حیای من ای صاحب من ای صاحب من کدام یک از هولها را یاد کنم و کدام یک از آنها را فراموش کنم و اگر

يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت اعظم وادهى مولاي يا مولاي

نباشد مگر مرگ هر آینه کافی است چگونه و حال آنکه بعد از مرگ بزرگتر است و عظیمتر است ای صاحب من ای صاحب من

حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد

تا کی و تا چند و بسوی چند بگویم از برای رضای تو دفعه بعد از دفعه پس نیابی

عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى

نزد من راستی و نه وفائی پس ای فریاد رس پس ای فریاد رس که پناه آورده ام بتو ای خدا از خواهشی

قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس

که بتحقیق غلبه کرده است بر من و از دشمنی که حمله کرده است بر من و از دنیا که بتحقیق زینت داده است خود را برای من و از نفسی

امّارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي ان كنت رحمت

بسیار امر کننده است به بدی مگر آنچه رحم کرده باشد پروردگار من ای صاحب من ای صاحب من اگر بوده باشی رحم کرده

مثلي فارحمني وان كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني

مثل مرا پس رحم کن مرا و اگر بوده باشی قبول کرده مثل مرا پس قبول کن مرا ای قبول کننده ساحران قبول کن مرا

يا من لم ازل اتعرّف منه الحسنى يا من يغذّيني بالنعم صباحا ومساء

ای کسیکه همیشه میشناسم از او نیکوئی را ای کسیکه روزی و غذا میدهد مرا به نعمتها در صبح و شام

ارحمني يوم

ابیت فرداً شاخصاً الیک مقلداً عملی قد تبرّأ جمیع الخلق منی نعم وابی
مرا که تنها بلند کننده‌ام بسوی تو چشم خود را بگردن نهم جمیع عمل خود را بتحقیق که بیزار است از من همه خلایق آری از
وامی ومن کان له کدّی وسعیی فان لم ترحمنی فمن یرحمنی ومن یؤنس
و مادر و هر که بود از برای او کد من و سعی من پس اگر رحم نکنی مرا پس کیست که رحم کند مرا و کیست که انیس
فی القبر وحشتی ومن ینطق لسانی اذا خلوت بعملی وسألتنی عما انت
در قبر وحشت مرا و کیست که گویا میگرداند زبان مرا زمانیکه خلوت کنم بکردار خود و سؤال کنی مرا از آنچه
تعلم به منی فان قلت نعم فاین المهرب من عدلک وان قلت لم افعل قلت
داناتری بآن از من پس اگر بگویم بلی پس کجاست محل فرار من از عدل تو و اگر بگویم که نکرده‌ام میگوئی تو
لم اکن الشاهد علیک فعفوک عفوک یا مولای قبل ان تلبس الابدان ٥
که آیا نبوده‌ام گواه بر تو پس طلب میکنم عفو ترا عفو ترا ای صاحب من پیش از آنکه بپوشانی بدنها را
سرابیل القطران عفوک عفوک یا مولای قبل ان تغل الایدی الی الاعناق
پیراهنهای قطران طلب میکنم عفو ترا عفو ترا ای آقای من پیش از آنکه غل زنند دستها را بسوی گردنها
یا ارحم الراحمین وخیر الغافرین
ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان و بهترین آمرزندگان

بعد از سجده شکر مکتوب

اللهم صل علی محمد وآل محمد وارحم ذلی بین یدیک وتضرعی الیک
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن خواری مرا پیش روی تو و زاری کردن بسوی تو
ووحشتی من الناس وانسی بک یا کریم یا کائناً قبل کل شیء یا مکون کل شیء
و فرار من از مردم و انس مرا بتو ای بزرگوار ای کسیکه بوده پیش از همه چیز ای آفریننده همه چیز
یا کائناً بعد کل شیء لا تفضحنی فانک بی عالم ولا تعذبنی فانک علیّ قادر
ای کسیکه هست بعد از همه چیز رسوا مکن مرا پس بدرستیکه تو بمن دانائی و عذاب مکن مرا پس بدرستیکه تو بر من توانائی
اللهم انی اعوذ بک من کرب الموت وسوء المرجع فی القبور ومن الندامة
خداوندا بدرستیکه پناه میبرم بتو از اندوه مرگ و بدی بازگشت در قبر و از ندامت و پشیمانی
یوم القیمة
در روز قیامت

اسئلك

اسئلک عیشة هنیئة ومیتة سویة ومنقلباً کریماً غیر مخز ولا فاضح
سؤال میکنم ترا زندگانی گوارا و مردن هموار و بازگشت نیکو که نه خوار کننده و نه رسوا کننده
اللهم مغفرتک اوسع من ذنوبی ورحمتک ارجی عندی من عملی فصل علی
خداوندا آمرزش تو فراخ‌تر است از گناهان من و رحمت تو امیدوار کننده‌تر است نزد من از عمل من پس رحمت بفرست
محمد وآل محمد واغفر لی یا حیاً لا یموت
بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا ای زنده که نمیمیرد

و بعد از آنکه فارغ شدی از مفرده وتر و آنچه متعلق بآن است برخیزی برای دو رکعت نافله صبح و مینامند آنها را دساسین باعتبار آنکه پنهان میشوند در نماز شب چنانچه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند خود از حضرت رضا علیه السلام که بکن آنها را در نماز شب و ظاهر وقت آنهاست تا طلوع سرخی چنانچه مقتضای اکثر روایات است و چنانچه قائل شده‌اند بآن جماعتی از علماء ما قدس الله ارواحهم هرچند افضل اوقات آنها پیش از صبح کاذب و بعد از آنست و میخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد پس هرگاه سلام دادی بخواب بر پهلوی راست رو بقبله بروشیکه میت را در لحد میگذارند و بگذار دو گونه

خود را بر روی دست

استمسکت بعروة الله الوثقی التی لا انفصام لها واعتصمت
دست زده‌ام بریسمان خدا محکم‌تر است که نیست قطع شدن مر آنرا و چنگ زده‌ام
بحبل الله المتین واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن
بریسمان خدا که استوار است و پناه میبرم بخدا از شر فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان جن
والانس ربی الله ربی الله ربی الله آمنت بالله توکلت علی الله لا حول ولا قوة
و انس پروردگار من خداست پروردگار من خداست پروردگار من خداست ایمان آورده‌ام بخدا توکل کرده‌ام بخدا نیست
الا بالله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل
مگر بخدا و هرکه توکل کند بر خدا پس او کافی است او را بدرستیکه خدا رساننده امر خود است بتحقیق گردانیده است
شیء قدراً
خدا برای هر چیز اندازه

و فکر بکن عجز و غریبی و عقبات و گرفتاریهای خود را از آنچه در پیش داری

حسبی الله

حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَ وَلَهُ حَاجَةٌ اِلٰى مَخْلُوقٍ فَاِنَّ

بس است مرا خدا و بهترین وکیل است او خداوندا هر که داخل صبح شد و از او حاجتی بسوی آفریده پس بدرستیکه

حَاجَتِي وَرَغْبَتِي اِلَيْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الصَّبَاحِ

حاجت من و رغبت من بسوی تست تنها که نیست شریکی برای تو مر تراست حمد حمد مر خدا را پروردگار صبح است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَالِقِ الْاِصْبَاحِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ نَاشِرِ الْاَرْوَاحِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ قَاسِمِ الْمَعَاشِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

حمد مر خدا را شکافنده صبح است حمد مر خدا را برانگیزاننده روحهاست حمد مر خدا را که قسمت کننده روزیست حمد مر خدا را

جَاعِلِ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ اَللّٰهُمَّ

که گرداننده شب است که آرام گیرند و آفتاب و ماه را حساب است این است تقدیر خدای غالب دانا خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَعَلٰى لِسَانِي نُورًا وَمِنْ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان در قلب من نوری و در چشم من نوری و بر زبان من نوری و از

بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَمِنْ فَوْقِي نُورًا

پیش رو من نوری و از عقب من نوری و از جانب راست من نوری و از جانب چپ من نوری و از بالای سر من نوری

وَمِنْ تَحْتِي نُورًا وَاَعْظِمْ لِيَ النُّورَ وَاجْعَلْ لِي نُورًا اَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنِي نُورَكَ

و از سمت زیر پای من نوری و بزرگ گردان از برای من نور را و بگردان از برای من نوری که راه روم به آن نور در میان مردم و محروم مگردان مرا از نور خود

بعد از آن بخوان آیة الکرسی و معوذتین و سبح اسم ربک الاعلی و آیه

وَاِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ تا اِنَّكَ

لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ بعد از آن مینشینی و

تسبیح میکنی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام

بعد از آن میگوئی صد مرتبه (۵)

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ (۵)

تسبیح میکنم پروردگار خود را که بزرگ است و ملتبسم بحمد او و طلب آمرزش میکنم از خدا و توبه میکنم بسوی او

بعد از آن میگوئی (۵)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

بنام خدای بسیار بخشنده مهربان و نیست حولی و نیست قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

بعد از آن سجده میکنی دو سجده شکر و میگوئی در آنها

آنچه برسد بخاطر تو از دعاها که پیش گذشت و دعا کن

در آنها از برای برادران مؤمن خود پس میگوئی

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذَا يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ

خداوندا پروردگار صبح و شبهای ده گانه و جفت و طاق و شب هرگاه برود و پروردگار هر چیز

وَاِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ وَافْعَلْ بِي

و معبود هر چیز و آفریننده هر چیز و مالک هر چیز رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بجا بیاور با من

وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى

و بفلان و فلان آنچه تو سزاوار آن هستی و بجا میاور آنچه ما سزاوار آن هستیم پس بدرستیکه تو سزاوار پرهیزکاری

فصل

و سزاوار است که بخوانی بعد از فراغ از نماز شب

یعنی سیزده رکعت این دعا را که میخواند سید العابدین

علیه السلام و این دعا از جمله دعاهای صحیفه کامله است

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَاَبِّدِ بِالْخُلُودِ وَالسُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا اَعْوَانٍ

خداوندا ای صاحب پادشاهی همیشگی که همیشه است و سلطنت غالب بغیر لشکر و بی مددکار

وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلٰى مَرِّ الدُّهُورِ وَخَوَالِي الْاَعْوَامِ وَمَوَاضِي الْاَزْمَانِ وَالْاَيَّامِ

و عزت پاینده بر گذشتن روزگارها و سالهای رفته و زمانهای گذشته و روزها

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِاَوَّلِيَّةٍ وَلَا مُنْتَهٰى لَهُ بِاٰخِرِيَّةٍ وَاسْتَعْلٰى مُلْكُكَ

غالب است پادشاهی تو غلبه که نیست حدی مر آن را بسبب ابتدا و نیست انتهائی مر آن را بسبب انتهائیت بلند است پادشاهی تو

عُلُوًّا سَقَطَتِ الْاَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ اَمَدِهِ وَلَا يَبْلُغُ اَدْنٰى مَا اسْتَاْثَرْتَ

بلندی که افتاده است اشیاء پائین تر از رسیدن بنهایت آن و نمیرسد بپائین ترین آنچه مخصوص کردی

واهل المغفرة

بِهِ مِنْ ذٰلِكَ اَقْصیٰ نَعْتِ النّاعِتینَ ضَلَّتْ فیكَ الصِّفاتُ وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ

به آن از بلندترین وصف وصف کنندگان گم شده‌اند در تو صفتها و از هم پاشیده‌اند نزد تو

النُّعُوتُ وَحارَتْ فی كِبْرِیائِكَ لَطائِفُ الْاَوْهامِ كَذٰلِكَ اَنْتَ اللهُ الْاَوَّلُ

نامها و در حیرت شده‌اند در بزرگواری تو باریک بینیهای وهمها همچنین تویی خدای اول

فی اَوَّلِیَّتِكَ وَعَلیٰ ذٰلِكَ اَنْتَ دائِمٌ لا تَزُولُ وَاَنَا الْعَبْدُ الضَّعیفُ

در اولیت خود و بر این نحو تویی همیشه زایل نمیشوی و منم بنده ضعیف

عَمَلاً الْجَسیمُ اَمَلاً خَرَجَتْ مِنْ یَدی اَسْبابُ الْوُصُلاتِ اِلّا ما وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ

در عمل بزرگ در امیدواری بیرون رفته است از دست من اسباب پیوندها مگر آنچه پیوند کرده است رحمت تو

وَتَقَطَّعَتْ عَنّی عِصَمُ الْاٰمالِ اِلّا ما اَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ قَلَّ عِنْدی

و بریده شده است از من رشتهای امیدها مگر آنچه دست زننده‌ام آنچه من بآن امیدوارستم از عفو تو کم است نزد من

ما اَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طاعَتِكَ وَكَثُرَ ما اَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِیَتِكَ وَلَنْ یَضیقَ عَلَیْكَ

آنچه شمار در آورم از فرمان برداری تو و بسیار است آنچه اقرار کنم بآن از معصیت تو و هرگز تنگ نیست بر تو

عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَاِنْ اَساءَ فَاعْفُ عَنّی اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَشْرَفَ عَلیٰ خَفایَا

گذشتن از بنده خود و اگرچه بد کرده باشد پس عفو فرما از من خداوندا بتحقیق مطلع شده است بر پنهانهای

الْاَعْمالِ عِلْمُكَ وَانْكَشَفَ كُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِكَ وَلا تَنْطَوی

کردارها علم تو و آشکار است هر پوشیده نزد آگاهی تو و پیچیده نمیشود

عَنْكَ دَقائِقُ الْاُمُورِ وَلا تَعْزُبُ عَنْكَ غَیِّباتُ السَّرائِرِ وَقَدِ اسْتَحْوَذَ

از تو باریکیهای کارها و غایب نمیگردد از تو پنهانیهای رازها و بتحقیق که غالب شده است

عَلَیَّ عَدُوُّكَ الَّذِی اسْتَنْظَرَكَ لِغَوایَتی فَاَنْظَرْتَهُ وَاسْتَمْهَلَكَ

بر من دشمن تو آنکه مهلت طلبیده است از تو برای گمراهی من پس مهلت داده‌ای او را و مهلت طلبیده

اِلیٰ یَوْمِ الدّینِ لِاِضْلالی فَاَمْهَلْتَهُ فَاَوْقَعَنی وَقَدْ هَرَبْتُ اِلَیْكَ

تا روز جزا برای گمراه کردن من پس مهلت دادی او را پس انداخت مرا در مهلکه و بتحقیق گریختم بسوی تو

مِنْ صَغائِرِ ذُنُوبٍ

از گناهان کوچک

مُوبِقَةٍ وَكَبائِرِ اَعْمالٍ مُرْدِیَةٍ حَتّیٰ اِذا قارَفْتُ مَعْصِیَتَكَ وَاسْتَوْجَبْتُ

هلاک کننده و از کبیره‌های اعمال هلاک کننده تا آنکه نزدیک شدم معصیت ترا و سزاوار شدم

بِسُوءِ سَعْیی سَخْطَتَكَ فَتَلَ عَنّی عِذارَ غَدْرِهِ وَتَلَقّانی بِكَلِمَةِ كُفْرِهِ وَتَوَلَّی

بسبب بدی سعی خود غضب ترا پیچید از من عنان حیله خود را و یاد داد مرا کلمه کفرش و بیزاری جست

الْبَراءَةَ مِنّی وَاَدْبَرَ مُوَلِّیاً عَنّی فَاَصْحَرَنی لِغَضَبِكَ فَریداً وَاَخْرَجَنی اِلیٰ

و بیزار بود از من و برگشت اعراض کننده از من پس بیرون کرد مرا برای غضب تو تنها و بیرون کرد مرا بسوی

فِناءِ نَقِمَتِكَ طَریداً لا شَفیعٌ یَشْفَعُ لی اِلَیْكَ وَلا خَفیرٌ یُؤْمِنُنی عَلَیْكَ

ساحت انتقام تو رانده شده نه شفیعی که شفاعت کند برای من بسوی تو و نه پناهی که ایمن گرداند مرا بر تو

وَلا حِصْنٌ یَحْجُبُنی عَنْكَ وَلا مَلاذٌ اَلْجَاُ اِلَیْهِ مِنْكَ فَهٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ

و نه حصاری که مانع شود مرا از تو و نه پناهی که التجا برم بسوی او از تو پس اینست مقام پناه آورنده بتو

وَمَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ فَلا یَضیقَنَّ عَنّی فَضْلُكَ وَلا یَقْصُرَنَّ دُونی عَفْوُكَ

و جای اعتراف کننده است از برای تو پس باید تنگ نکند از من فضل تو و کوتاهی نکند نزد من عفو تو

وَلا اَكُنْ اَخْیَبَ عِبادِكَ التّائِبینَ وَلا اَقْنَطَ وُفُودِكَ الْاٰمِلینَ وَاغْفِرْ لی

و نباشم من بی بهره‌ترین بندگان تو که توبه کننده باشند و نومیدترین امیدواران و بیامرز مرا

اِنَّكَ خَیْرُ الْغافِرینَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنی فَتَرَكْتُ وَنَهَیْتَنی فَرَكِبْتُ وَسَوَّلَ

بدرستیکه تو بهترین آمرزندگانی خداوندا بدرستیکه تو امر کردی مرا پس ترک نموده‌ام و نهی فرمودی مرا پس بکار آورده‌ام

لِیَ الْخَطاءَ خاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ وَلا اَسْتَشْهِدُ عَلیٰ صِیامی نَهاراً وَلا اَسْتَجیرُ

برای من خطا را اندیشه بد پس تقصیر کرده‌ام و گواه نمیگیرم بر روزه داشتن خود در روز و پناه نمیبرم

بِتَهَجُّدی لَیْلاً وَلا تُثْنی عَلَیَّ بِاِحْیائِها سُنَّةٌ حاشا فُرُوضِكَ الَّتی مَنْ ضَیَّعَها

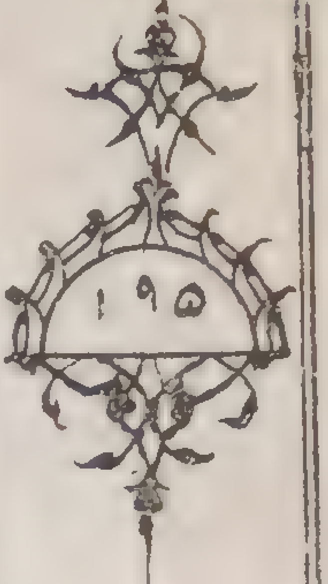
بشب زنده داشتن خود و ثنا نمیکند مرا بسبب زنده داشتن آن از سنتهای مستحب مگر واجبهای تو که هر که ضایع کند آنرا

هَلَكَ وَلَسْتُ اَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ بِفَضْلِ نافِلَةٍ مَعَ كَثیرِ ما اَغْفَلْتُ مِنْ وَظائِفِ

هلاک شد و نیستم من که وسیله جویم بسوی تو بسبب فضل نافله با وجود بسیاری از آنچه غافل گشته‌ام از ادای

فُرُوضِكَ وَتَعَدَّیْتُ عَنْ مَقاماتِ حُدُودِكَ اِلیٰ حُرُماتٍ انْتَهَكْتُها

واجبهای تو و گذشته‌ام از محل حدهای تو بسوی حرامهائیکه بسبب مبالغه پاره کرده‌ام



كبائر ذنوب اجترحتها كانت عافيتك لي من فضائحها ستراً وهذا مقام

گناهان بزرگی که کسب کرده ام بود عافیت تو مرا از رسوائیهای آنها پرده و این مقام

من استحيا لنفسه منك وسخط عليها ورضي عنك فتلقاك بنفس خاشعة

کسی است که شرمنده است مر نفس خود را از تو و خشم دارد بر نفس خود و خوشنود است از تو پس ملاقات کرد ترا بنفس خاشع

ورقبة خاضعة وظهر مثقل من الخطايا واقفاً بين الرغبة إليك والرهبة

و گردن خضوع کننده و پشت گران بار از گناهان ایستاده میان رغبت بسوی تو و ترس

منك وأنت أولى من رجاه وأحق من خشيه واتقاه فأعطني يا رب

از تو و تو بهترین کسیکه امید داشته باشد و سزاوارترین کسیکه بترسد از او و پرهیز دارد از او پس عطا کن مرا

ما رجوت وآمنّي ما حذرت وعد علي بعائدة رحمتك إنك أكرم المسئولين

آنچه را امید دارم و ایمن گردان مرا از آنچه حذر دارم و احسان کن بر من بفضل رحمت خود بدرستیکه تو کریمترین سؤال کرده شدگانی

اللهم وإذ سترتني بعفوك وتغمدتني بفضلك في دار الفناء بحضرة

خداوندا و چون پوشانیدی بعفو خود و فرو گرفتی مرا بفضل خود در سرای فنا بحضور

الأكفاء فأجرني من فضيحات دار البقاء

امثال پس پناه ده مرا از رسوائیهای سرای بقاء

عند مواقف الأشهاد من الملائكة المقربين

نزد ایستادگان حاضران از فرشتگان مقربان

والرسل المكرمين والشهداء والصالحين

و رسولان گرامی داشته شده و شهیدان و نیکان

من جار كنت أكاتمه سيئاتي ومن ذي رحم

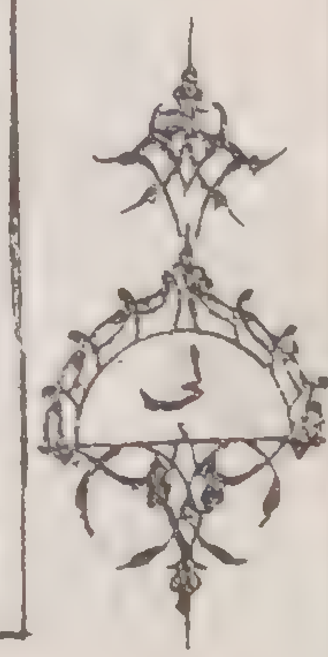
از همسایه که بودم پنهان میداشتم از او گناهان خود را و از خویش

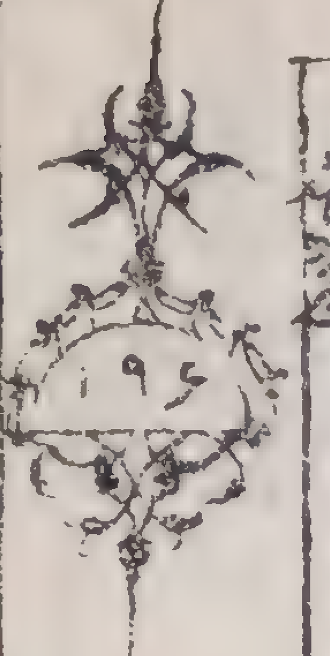
كنت أحتشم منه في سريراتي لم أثق بهم

که بودم که شرم داشتم از او در کارهای پنهانی خود اعتماد نداشتم بایشان

رب في الستر علي ووثقت بك رب في المغفرة

ای پروردگار در پوشیدن بر من و اعتماد کرده بودم بتو پروردگار





لي وأنت أولى من وثق به وأعطى من رغب إليه وأرأف من استرحم

مرا و تو بهترین کسیکه اعتماد بر او باشد و بخشنده ترین کسیکه رغبت نمایند بسوی او و مهربانترین کسیکه

فارحمني اللهم وأنت حدرتني ماءً مهيناً من صلب متضائق العظام

پس رحم کن مرا خداوندا و تو فرود آوردی مرا آبی خوار و حقیر از پشت تنگ درهم رفته استخوانهایش

حرج المسالك إلى رحم ضيقة سترتها بالحجب تصرفني حالاً عن حال

تنگ راهها بسوی رحم تنگ پوشیده از پرده ها میگردانیدی مرا از حالی بحالی

حتى انتهيت بي إلى تمام الصورة وأثبتّ فيّ الجوارح كما نعتّ في كتابك

تا رسانیدی مرا بتمام شدن صورت و ثابت گردانیدی در من اعضا چنانچه وصف نمودی در کتاب خود

نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظاماً ثم كسوت العظام لحماً ثم

اول نطفه پس پاره خون پس پاره گوشت پس استخوانها پس پوشانیدی استخوانها را گوشت

أنشأتني خلقاً آخر كما شئت إذا احتجت إلى رزقك ولم أستغن

ایجاد کردی مرا خلقی دیگر چنانچه خواستی تا زمانیکه محتاج شدم بسوی روزی تو و بی نیاز نبودم

عن غياث فضلك جعلت لي قوتاً

از فریادرسی فضل تو گردانیدی برای من قوتی

من فضل طعام وشراب أجريته لأمتك

از زیادتی خوردنی و آشامیدنی که جاری ساخته بودی

التي أسكنتني جوفها وأودعتني

که ساکن گردانیده بودی مرا در شکم او و امانت گذاشته بودی

قرار رحمها ولو تكلني يا رب في تلك

در قرارگاه رحم او و اگر وامیگذاشتی مرا ای پروردگار در آن

الحالات إلى حولي أو تضطرني

حالها بسوی قدرت من یا ناچار میساختی مرا

إلى قوتي لكان الحول عني معتزلاً

بسوی قوت من هر آینه بود قدرت از من کناره کننده



وَلَكانَتِ الشِّقْوَةُ مِنّي بِصَدَدٍ فَتَغْذُونِي بِفَضْلِكَ غِذاءَ البَرِّ اللَّطِيفِ
و هر آینه بود دشواری نزد من ... پس غذا دادی مرا بفضل خود غذا دادن مهربان از روی لطف

تَفْعَلُ ذٰلِكَ بي تَطَوُّلاً عَلَيَّ إِلىٰ غايَتي هٰذِهِ لا أَعْدَمُ بِرَّكَ وَلا يُبْطِئُ
میکنی اینها را با من از روی تفضل بر من تا بوقت حاضر که این است معدوم نمیکنم نیکوئی ترا و دیر نمیکند

بي حُسْنُ صَنِيعِكَ وَلا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذٰلِكَ ثِقَتي
بمن نیکوئی احسان تو و محکم نیست با وجود این احسان تو ... محکم نیست با وجود این اعتماد

فَأَتَفَرَّغَ لِما هُوَ أَحْظىٰ لي عِنْدَكَ قَدْ مَلَكَ الشَّيْطانُ عِناني فِي سُوءِ الظَّنِّ
پس فارغ شوم از برای چیزی که بهره دار تر است برای من نزد تو بتحقیق که مالک شده است شیطان عنان مرا در بد گمانی

وَضَعْفِ اليَقِينِ فَأَنا أَشْكُو سُوءَ مُجاوَرَتِهِ لي وَطاعَةَ نَفْسي لَهُ وَأَسْتَعْصِمُكَ
و سستی یقین پس من شکوه میکنم از بدی همسایگی او مرا و فرمان بردن نفس من او را و دست میزنم

مِنْ مَلَكَتِهِ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي أَنْ تُسَهِّلَ إِلىٰ رِزْقي سَبِيلاً فَلَكَ الحَمْدُ عَلىٰ
از تسلط او و زاری میکنم بسوی تو در اینکه آسان گردانی بسوی روزی من راه را پس مر تراست حمد بر

ابْتِدائِكَ بِالنِّعَمِ الجِسامِ
ابتدا کردن تو بنعمتهای بزرگ

وَإِلْهامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الإِحْسانِ
و در دل انداختن تو شکر بر احسان

وَالإِنْعامِ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
و انعام پس رحمت بفرست بر محمد

وَآلِهِ وَسَهِّلْ عَلَيَّ رِزْقي وَأَنْ
و آل او و آسان گردان بر من روزی مرا و اینکه

تُقَنِّعَني بِتَقْدِيرِكَ لي
قانع گردانی باندازه که کرده برای من

وَأَنْ تُرْضِيَني بِحِصَّتي فِيما قَسَمْتَ
و اینکه خوشنود سازی مرا بحصه من در آنچه قسمت

لي وَأَنْ تَجْعَلَ ما ذَهَبَ
برای من و اینکه بگردانی آنچه رفته است

مِنْ جِسْمي وَعُمْري في سَبِيلِ
از بدن من و عمر من در راه

طاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الرّازِقِينَ
طاعت تو بدرستیکه تو بهترین روزی دهندگانی

اللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ
خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بسوی تو از

تَغَلَّظْتَ بِها عَلىٰ مَنْ عَصاكَ
غلیظ کردانیده ای آن را بر کسیکه عصیان

وَتَوَعَّدْتَ بِها مَنْ صَدَفَ
و ترسانیده بآن کسیکه بیرون رفته است

عَنْ رِضاكَ وَمِنْ نارٍ نُورُ
از رضای تو و از آتشیکه نور

ها ظُلْمَةٌ وَهَيِّنُها أَلِيمٌ
آن تاریکی است و سهل آن دردناک

وَبَعِيدُها قَرِيبٌ وَمِنْ نارٍ
و دور آن نزدیک و از آتشیکه

يَأْكُلُ بَعْضَها بَعْضٌ وَيَصُولُ
میخورد بعضی از آن بعض دیگر را و حمله میکند

بَعْضُها عَلىٰ بَعْضٍ وَمِنْ نارٍ
بعضی از آن بر بعضی و از آتشیکه

تَذَرُ العِظامَ رَمِيماً وَتَسْقي
میگذارد استخوانها را پوسیده و میخوراند

أَهْلَها حَمِيماً وَمِنْ نارٍ
اهل خود را آب گرم و از آتشیکه

لا تُبْقي عَلىٰ مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْها وَلا
و ابقا نمیکند بر کسیکه فریاد کند بسوی آن و

تَرْحَمُ مَنِ اسْتَعْطَفَها
رحم نمیکند کسیکه طلب مهربانی کند از آن

وَلا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ
و قادر نیست بر سبک کردن

عَمَّنْ خَشَعَ لَها وَاسْتَسْلَمَ
از کسیکه فروتنی کند مر او را و فرمان

إِلَيْها تَلْقىٰ سُكّانَها بِأَحَرِّ ما
بردار کند بسوی آن ملاقات میکند ساکنان خود را بگرمتر

لَدَيْها مِنْ أَلِيمِ النَّكالِ
آنچه نزد اوست از دردناک عذاب

وَشَدِيدِ الوَبالِ وَأَعُوذُ
و مصیبت سخت و پناه میبرم

بِكَ مِنْ عَقارِبِها الفاغِرَةِ أَفْواهُها وَحَيّاتِها الصّالِقَةِ بِأَنْيابِها وَ
بتو از عقربهای آن که باز کرده اند دهنهای خود را و مارهای آن که میزنند بنیشهای خود و

شَرابِها الَّذي يُقَطِّعُ أَمْعاءَ وَأَفْئِدَةَ سُكّانِها وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ وَ
از آب آن که پاره پاره میکند احشا و جگرها را و دلهای ساکنان آن را و میکند دلهای ایشان را و

أَسْتَهْدِيكَ لِما باعَدَ مِنْها وَأَخَّرَ عَنْها اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
و راه میجویم از تو مر آنچه دور گرداند از آن آتش و تأخیر اندازد از آن خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَآلِهِ وَأَجِرْني مِنْها بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ وَأَقِلْني عَثَراتي بِحُسْنِ إِقالَتِكَ
و آل محمد و پناه ده مرا از آتش بفضل رحمت تو و در گذر از من لغزشهای مرا به نیکوئی در گذشتن تو

وَلا تَخْذُلْني يا خَيْرَ المُجِيرِينَ إِنَّكَ تَقِي الكَرِيهَةَ وَتُعْطِي الحَسَنَةَ
و خوار مکن مرا ای بهترین پناه دهندگان بدرستیکه نگاه میداری از ناخوشیها و عطا میکنی نیکی

وَنَفعَلُ ما تُرِيدُ وَاَنتَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اِذا ذَكَرَ الاَبرارُ

و بکنی مراد و را ... امری ... خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد زمانیکه یاد کرده ...

وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اختَلَفَ اللَّيلُ وَالنَّهارُ صَلوةً لا يَنقَطِعُ مَدَدُها

و رحمت بفرست بر محمد و آل و چندانکه مختلف شونده است شب و روز رحمتیکه بریده نشود مدت آن

وَلا يُحصى عَدَدُها صَلوةً تَشحَنُ الهَواءَ وَتَملَاُ الاَرضَ وَالسَّماءَ صَلَّى اللّٰهُ

و شمرده نشود شمار آن رحمتیکه پر کنند هوا را و لبالب سازد زمین و آسمان را رحمت کند خدا

عَلَيهِ وَآلِهِ حَتّى يَرضى وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ بَعدَ الرِّضا صَلوةً لا حَدَّ لَها

برا او و آل او تا اینکه خوشنود شود و رحمت خدا بر او و آل او بعد از خوشنود شدن رحمتیکه حدی ...

وَلا مُنتَهى يا اَرحَمَ الرّاحِمِينَ

و نه منتهائی ای ارحم ...

خاتمه

سزاوار است که از برای نماز کننده ملاحظه معانی ذکرهای نماز و دعاهای آن و آنچه خوانده میشود در آن و تعقیبهای آن و اینکه بوده باشد ذکرهای او و دعاهای او و قراءت او محض حرکت دادن زبان و ملاحظه معانی که قصد کرده شده است از آنها چیس بوده باشد حال او مثل حال کسیکه تکلم میکند بکلام فارسی و لیکن نمیداند معنا را ازانچه میگوید و بیفهمد

حال او مثل حال ساهی یا مصروع هرگاه بگوید چیزی بی آنکه بکند درک

معنی او بخاطر او و کافی است در تنبیه نماز گزارنده و تحریص او بر ملاحظهٔ معانی آنچه میگوید ... قول ...

یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقرَبُوا الصَّلوةَ وَاَنتُم سُکاری حَتّی تَعلَمُوا ما تَقُولُونَ

یعنی ای جماعتیکه ایمان آورده اید نزدیک نشوید به نماز در حال آنکه مست باشید تا آنکه بدانید آنچه میگوئید ... تعالی

و روایت کرده است یونس بن ... از حضرت صادق که فرموده هرگاه نماز

بگزارد هر رکعت ... آنچه میگوید در آنها سر گردد از حال نماز و حال آنکه نباشد میان نماز و میان خدا

گناهی مگر اینکه آمرزیده شده باشد از برای او و ما بتوفیق خدای تعالی

بیان کردیم در بابهای گذشته آنچه محتاج است به بیان و شرح کردیم از آنچه احتیاج دارد بشرح

از ذکرهای نماز

بعض از آنچه خوانده میشود در آن

و تلاوت

کرده میشود

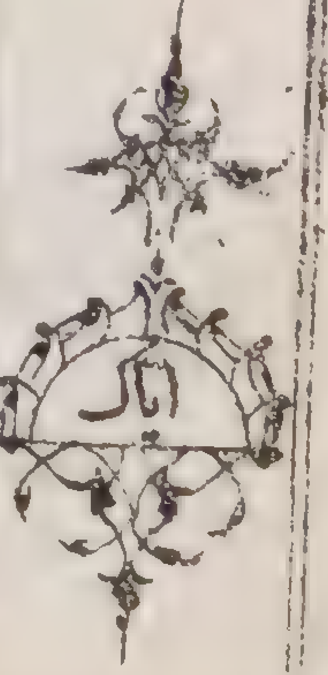
بعد از آن

از تعقیبات و بتحقیق که ختم کردیم کتاب را بتفسیر فاتحه از برای امیدیکه خاتمه و برای اینکه بوده باشد جمیع آنهائیکه گفته میشود در نماز و پیش از آن و بعد از آن از آنچه ذکر کردیم آنرا در این کتاب تفسیر کرده شده شرح کرده شده آسان فراگرفتن آن بر برادران دین و دوستان و بر خداوند تو کل ... و او است بیاری جوینده

ولایت که خیر و برکت اخبار و جانقیید ... الله ... اِنَّما يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ المُتَّقِينَ یعنی خداوند قبول میفرماید عملها را از پرهیزکاران ... عمل ... صحیح ... برای ما ...

وتعبار ... تهمین ن معانی ... ام انچه میگوید ملاحظه ... باید که آنچه بزبان میگوید و تقلب ... اعتقاد ... کرا ... اعضا و جوارح ... بجای ... آورند ... تحصیل ... نماید

بسم الله الر
بنام خداوند بسیار
حمن الرحیم
رحیم کننده مهربان
الحمد لله رب
حمد مر خدا را که پروردگار
العالمین الرحمن
عالمیان است بسیار بخشنده
الرحیم مالک یوم
مهربان مالک و پادشاه روز جزا



ایاک نعبد و ایاک
ترا عبادت میکنیم و از حضرت تو
نستعین اهدنا
یاری میجوییم هدایت کن ما را
الصراط المستقیم
به راه راست که طریق امیرالمؤمنین است و آل او
صراط الذین انعمت علیهم
حقیقت صراط مستقیم راه آنکه انعام فرمودی بر ایشان
غیر المغضوب علیهم و لا الضالین
نه خشم گرفته شدگان بر ایشان و نه گمراهان

و حسب فرمان جناب جلالتمآب اجل اکرم حاجی محمد ابراهیم ملک التجار اصفهانی دام اقباله العالی و بسعی و اهتمام اقل الحاج محمد باقر ... هر یک با تمام رسید نقد جهة عمر ... دینی از خوانندگان التماس دعا دارد
شهر ربیع الاول
هو الله
۱۳۲۵
در باغ ... مطبعه میرزا علی اصغر بطبع رسید ... التماس دعا دارم

هو الله تعالی شأنه العزیز

مخفی نماناد که این کتاب

شریف مفتاح الفلاح

با حواشی مختصره مفیده که مرحوم آقا جمال
بر آن نوشته اند هرگاه کافه خلق بمضمون او بر وظیفه
در هر شبانه روز یکه بیست و چهار ساعت است عمل
نمایند امید هست که از ماسوی الله بگریزند و از جمله
بندگان مقربین حضرت واجب الوجود گردند و بمحبوبیت
الله نیز و نعمت ذائقه خود در آمی رسانند انشاء الله تعالی
و هر که طالب این نسخه که بمنزله کیمیای حقیقی است
بوده باشد در خیابان در مسجد گوهرشاد
در دالان کتاب فروشی
در دکان
جناب
آقا محمد اسمعیل یافت میشود

